

بہ نام خدا



بنیاد پرورشهای اسلامی
آستان قدس رضوی



انجمن علمی فلسفه دین ایران

کتاب چکیده مقالات همایش بین‌المللی

الهيأت زیارت



۲۴ و ۲۵ آبان ۱۴۰۲

مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

برگزارکنندگان

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
انجمن علمی فلسفه دین ایران

حامیان

انجمن کلام اسلامی حوزه | پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
جامعه الزهراء | دانشگاه آزاد اسلامی
دانشگاه ادیان و مذاهب | دانشگاه ارومیه
دانشگاه امام صادق (ع) | دانشگاه بوعلی سینا
دانشگاه بیرجند | دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)
دانشگاه پیام نور | دانشگاه تربیت مدرس
دانشگاه تهران | دانشگاه حکیم سبزواری
دانشگاه خلیج فارس | دانشگاه خوارزمی
دانشگاه رازی | دانشگاه سیستان و بلوچستان
دانشگاه شیراز | دانشگاه فردوسی مشهد
دانشگاه قم | مدرسه عالی شهید مطهری (ره)
دانشگاه علامه طباطبائی | دانشگاه علوم اسلامی رضوی
دانشگاه مازندران | مرکز مدیریت حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

سامانه داخلی:

<https://theopilgconf.ir>

سامانه بین‌المللی:

<https://inttheopilgconf.ir>

اعضای شورای علمی

رضا اکبری (دانشگاه امام صادق (ع)) | فرشته ابوالحسنی نیارکی (دانشگاه مازندران)
عباس اشرفی (دانشگاه علامه طباطبائی) | رضا برنجکار (دانشگاه تهران)
نعیمه پورمحمدی (دانشگاه ادیان و مذاهب) | محسن جوادی (دانشگاه قم)
عباس حاج زین العابدینی (دانشگاه رازی) | هادی ربیعی (دانشگاه هنر)
رسول رسولی پور (دانشگاه خوارزمی) | مهدی ساعتچی (دانشگاه شهید مطهری)
محمدتقی سبحانی (انجمن کلام اسلامی حوزه) | محمد سعیدی مهر (دانشگاه تربیت مدرس)
سید محمدکاظم علوی (حکیم سبزواری) | احد فرامرز قراملکی (دانشگاه تهران)
قدرت الله قربانی (دانشگاه خوارزمی) | قاسم کاکائی (دانشگاه شیراز)
محمدتقی کرمی قهی (علامه طباطبائی) | جعفر مروارید (دانشگاه فردوسی مشهد)
مرتضی مرگی نژاد (دانشگاه بیرجند) | جهانگیر مسعودی (دانشگاه فردوسی مشهد)
محمدحسین مهدوی نژاد (پیام نور)

Sophia R. Arjana (Western Kentucky University, USA)

Kathryn Barush (Graduate Theological Union/Santa Clara University, USA)

Morteza Hashemi Madani (University of Nottingham, UK)

Joshua Hollmann (Concordia University, St. Paul, USA)

Troels Myrup Kristensen (Aarhus University, Denmark)

Andrew Petersen (University of Wales Trinity Saint David, Wales)

Kurt Andres Richardson (University of Toronto, Canada)

Sajjad Rizvi (University of Exeter, UK)

S. Brent Rodriguez-Plate (Hamilton College, USA)

John Romano (Benedictine College, USA)

Piotr Roszak (Nicolaus Copernicus University, Poland)

Elizabeth Tingle (De Montfort University, UK)

دبیر علمی: رضا اکبری

دبیر اجرایی: روح الله فدائی

اعضای شورای اجرایی: محسن شرفائی، امیرحسین فراستی، محمدحسن فیروزیه، مهدی قاسمی

فهرست چکیده‌های فارسی

- ۱.....تحلیل عقلی زیارت به روایت فلسفه اسلامی.....
مجید احسن ، مریم شاه حاتمی
- ۲.....چالش‌های الهیاتی و آسیب‌شناسی عملی زیارت.....
زهرا اخوان صراف
- ۳.....رابطه نفس و بدن از دیدگاه سبزواری و قاننی و اثرگذاری آن در فلسفه زیارت از دیدگاه دو حکیم.....
قاسم اخوان نبوی
- ۴.....نقش سلسله‌مراتب فضایی در تحقق تقرب: نمونه موردی حرم حضرت معصومه.....
ریحانه استادباقر ، مهدیه امیرآبادی فراهانی
- ۵.....جایگاه هنر در امتداد اجتماعی زیارت.....
محمدجواد استادی
- ۶.....نگاهی به جریان زیارت حرم امام رضا (ع) از سوی زائران شرق ایران.....
پیمان اسحاقی
- ۷.....تعریف تعینی تقدس بر پایه شباهت خانوادگی.....
عباس اسکوئیان ، صدرا تقی پور
- ۸.....زیارتگاه‌های زنانه در الهیات ادیان.....
عباس اشرفی ، سیده فاطمه ساری زاده قوچانی
- ۹.....جاودانگی در پرتوی ابتغاء وجه الله.....
حوران اکبرزاده
- ۱۰.....تأملی انتقادی در جایگزینی اخلاق به جای زیارت.....
رضا اکبری
- ۱۱.....زیارت، اصالت معنویت و ابهت در مکان (مطالعه موردی حرم مطهر رضوی).....
علی الهی خراسانی
- ۱۲.....«عهد» به مثابه بنیاد «زیارت».....
مجتبی الهی خراسانی
- ۱۳.....زیارت در سیره عملی امامان (ع) با تکیه بر منابع تاریخ‌نگارانه.....
محمدحسن الهی‌زاده
- ۱۴.....آثار روان‌شناختی زیارت بر استحکام خانواده.....
علی اندیده
- ۱۵.....گونه‌شناسی زائران حرم مطهر رضوی: مطالعه مروری نظاممند.....
رمضانعلی ایزانلو

- زیارت از منظر علوم شناختی: همگرایی نگره‌های تکاملی، عصب‌شناختی و فضا‌مندی ۱۶
 مهرناز باشی زاده مقدم*، سید شهاب‌الدین عودی، میثم فصیحی رامندی
- زیارت و مشکلات روحی و عاطفی زنان ۱۷
 شهلا بختیاری
- مبانی کلامی زیارت ۱۸
 رضا برنجکار
- زایش سیاست از روح زیارت ۱۹
 علیرضا بلیغ
- نمایش ایرانی و الهیات زیارت ۲۰
 اسماعیل بنی اردلان
- زیارت امامان شیعه (ع) در شعر و نثر معاصر فارسی ۲۱
 رضا بیات
- بازخوانی فلسفی فرایند زیارت: چیستی فرایند زیارت بر اساس اتحاد عاقل و معقول ۲۲
 محمدرضا بیات
- بازتاب ابعاد مختلف زیارت در گستره ادبیات فارسی ۲۳
 طیبیه پرتوی راد
- آثار روان‌شناختی زیارت ۲۴
 عباس پسندیده
- تبیین تاریخی علل وقوع تغییرات در زیارتگاه‌ها و اصل زیارت در حجاز از قرن اول هجری تا سقوط خلافت عباسی ۲۵
 امین رضا توحیدی*، مصطفی پیرمردیان، سیداصغر محمودآبادی، اصغر منتظرالقائم
- بازنمایی حج در مثنوی‌های عطار ۲۶
 زهیر توکلی
- تبیین زیارت بر اساس اندیشه ابن‌سینا ۲۷
 سعید حسن‌زاده
- تحلیل نشانه‌شناسی «در» در ورودی آستان‌های زیارتی اسلامی بر اساس الگوی پیرس ۲۸
 کوثر حسن‌زاده
- تبیین فلسفی فخر رازی از زیارت قبور ۲۹
 مرتضی حسین‌زاده، فاطمه نجفی
- زیارت: الگوسازی و الگوپذیری ۳۰
 حبیب‌الله حلیمی جلودار*، معصومه نوروزیان عزیزی
- نقش زیارت در طیب‌سازی قلب زائر ۳۱
 عین‌اله خادمی

۳۲	الهیات زیارت و هنرهای سنتی.....	ایرج داداشی
۳۳	زیارت به مثابه سفر روحانی در اندیشه فارابی.....	ریحانه داودی کهکی
۳۴	تأملی در باب زیارت و زنان عصر قاجار با مرور سه سفرنامه زن نگار.....	زهرا داورپناه
۳۵	بازخوانی انتقادی و تکمیل استدلال فلسفی بر نبوت عامه با نظر به مؤلفه‌های زیارت.....	مهدی دوستان
۳۶	بررسی تطبیقی زیارت در تفسیر المیزان و المنار.....	علیرضا دهقانپور* ، سپیده سادات شاه طاهری
۳۷	ارتباط زیارت و زیبایی‌شناسی در الهیات مسیحی.....	هادی ربیعی
۳۸	زیارت، سفر به مقصد خودیابی.....	رسول رسولی‌پور
۳۹	واکاوی ماهیت زیارت معصومان علیهم‌السلام و نسبت آن با لقاء الهی بر پایه روایات امامیه.....	امیر رضاقلی
۴۰	بررسی مناسبات زیارت و جهان زندگی بر اساس حکمت صدرایی.....	مهدی سلطانی
۴۱	تحلیل مراتب ظاهری و باطنی زیارت و نسبت سنجی آنها.....	روح‌الله سوری
۴۲	بررسی کارکرد تاریخی پناه‌دهندگی و دادخواهی زیارتگاه‌ها در ایران با تکیه بر حرم امام رضا (ع).....	سید علالدین شاه‌رخ
۴۳	گونه‌شناسی زیارت در دین و فرهنگ یهود.....	محسن شرفایی
۴۴	زیارت به مثابه مواجهه‌ای جسمی و روحی بر اساس عرفان اسلامی.....	زهرا شریف
۴۵	نسبت انسان و زیارت.....	محمدرضا شمشیری
۴۶	زیارت به مثابه رشته‌ای علمی.....	سید رضا شیرازی
۴۷	الهیات زیارت بین مناسک و اخلاق.....	مسعود صادقی

- ۴۸..... نقد و بررسی ادعای واگشت معنایی زیارت در دوره مدرن با تأکید بر نظریات ایان ریدر
سید محمدحسن صالح
- ۴۹..... پیوندهای الهیات زیارت و موسیقی ایرانی
احمد صدری
- ۵۰..... زیارت، زنان و ضرورت‌های پزشکی (مطالعه تاریخی با تأکید بر دوره قاجار)
مزگان صلائی، شهلا بختیاری
- ۵۱..... ارتباط نفس و بدن پس از مرگ: مبنای فلسفی زیارت
جواد طالبی طادی
- ۵۲..... زیارت و حیات دینی جمعی
سیدعلی طالقانی
- ۵۳..... زیارت پس از مرگ: انعکاس انتقال اجساد به حرم‌های مطهر در سفرنامه‌ها
سعید طاوسی مسرور
- زیارت معصومان علیهم السلام و توحیدمحوری: بررسی موردی زیارت‌نامه «امین الله» و زیارت «جامعه
کبیره»
سید محمدکاظم طباطبائی
- ۵۵..... قمقمه زائر از مسیحیت تا اسلام
مرتضی عطائی
- ۵۶..... الهیات اگزیستانسیالیستی زیارت
سید محمدکاظم علوی
- ۵۷..... زیارت و معنای زندگی: رویکرد معناگرا به زیارت (زیارت به مثابه دیدار)
امیرعباس علیزمانی
- ۵۸..... زیارت و اثرگذاری تربیتی
احمد غلامعلی
- ۵۹..... بررسی تاریخی صحت انتساب مقابر پیامبران الهی در ایران
یاسمن غنی
- ۶۰..... تفاوت تلقی از زیارت در امامیه و مسیحیت کاتولیک
روح‌الله فدائی
- ۶۱..... زیارت سکولار: سازگاری یا ناسازی مفهومی
احد فرامرز قراملکی
- ۶۲..... اهداف زیارت از منظر امامیه
سیدعلی قاضی عسکر
- ۶۳..... جایگاه خیال متصل و منفصل در ارتباطات زیارت در تفکر شیعی
محمدرضا قائمی نیک

- تبارشناسی زیارت در مسیحیت کاتولیک ۶۴
سیدرضا قائمی
- آموزه زیارت در الهیات شیعی و پیامدهای رویکرد غلوآمیز نسبت به آن ۶۵
قدرت الله قربانی
- شناسایی فرهنگ مادی زیارت امام رضا در قرن چهارم هجری با تکیه بر باب پایانی کتاب *عیون اخبار الرضا* ۶۶
مصطفی قناعتگر
- آینده‌پژوهی پدیده زیارت در جهان برساخته از فناوری‌های هم‌گرای «ارزش» ۶۷
هدایت کارگر شورکی*، محمدحسین کارگر شورکی، فاطمه پاک‌نژاد
- بررسی مؤلفه‌های رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا در «زیارت جامعه کبیره» و تأثیر آن بر بهداشت روانی زائرین
اماکن مقدسه ۶۸
معصومه کرامتی*، سیدعقیل نسیمی
- پدیدارشناسی ابعاد فرافضامند الهیات زیارت مبتنی بر روایات امامیه در *کامل‌الزیارات* ۶۹
احمد کریمی
- اخلاق زیارت امام حسین علیه‌السلام: نوعی تجربه دینی ۷۰
سعید کریمی
- مردم‌شناسی زیارت: رهیافتی حسی در بررسی کنشگری زائران اماکن مقدسه موردپژوهی بقعه بین‌الدیانی
چهارانیباء و امامزاده صالح علیهم‌السلام قزوین ۷۱
احسان کریمیان‌ها
- بازتعریف مفهوم عرفی زیارت با حذف عنصر مکان ۷۲
عطیه کشتکاران
- نگاهی به ابعاد لغوی، هنری، فلسفی و عرفانی زیارت ۷۳
اردشیر محمودی*، زهرا خیری
- زیارت، رهیافت وجودی در باب الهیات ۷۴
عاطفه مروی
- خلق اتوپیا از طریق روایت‌های زیسته‌شده زیارت ۷۵
امیررضا مزاری
- بیگانگان در حرم: مسائل و چالش‌های حضور غیرمسلمانان در اماکن مقدس شیعی در ایران ۷۶
محسن حسام‌مظاهری
- مناقشه زیارت در الهیات مسیحی ۷۷
منصور معتمدی
- مبانی فلسفی زیارت ۷۸
سید محمد موسوی بایگی

- کارکرد تربیتی زیارت «امین الله» در حلّ مسئله تنهایی..... ۷۹
سید محمدحسین موسوی پور
- الهیات معماری و زیارت: از مکانمندی زیارت تا بدنمندی معماری در خوانش تحولات معماری حرم مطهر
رضوی..... ۸۰
سعید مهرپویا
- الهیات معبد، الهیات غربت..... ۸۱
فاطمه میررحیمی
- آداب و ویژگی‌های زیارت در متون پهلوی..... ۸۲
فرشید نادری
- گونه‌شناسی ادبیات زیارت در شعر فارسی..... ۸۳
مسلم نادعلی‌زاده
- آسیب‌شناسی الهیاتی زیارت: آسیب‌ها و پیامدهای عدم شناخت جایگاه و منزلت مزور..... ۸۴
حافظ نجفی
- واکاوی انسان‌شناختی مفهوم زیارت در سفرنامه‌های ساتتیاگو دکامپوستلا..... ۸۵
محمد نصرای
- نشانه‌شناسی در نظام معنایی نصوص زیارات..... ۸۶
ابوالقاسم تقیبی
- تحلیل خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از فائده و اثر زیارت بارگاه بزرگان در پاسخ به پرسش‌های علامه
حلی..... ۸۷
ابراهیم نوئی
- آسیب‌شناسی زیارت در پرتو واکاوی حقیقت زیارت..... ۸۸
اعظم وفایی
- جایگاه زیارت در عرفان..... ۸۹
قربان ولیئی
- آسیب‌شناسی مراسم پیاده‌روی اربعین در منابع فارسی..... ۹۰
امیر هاشمی مقدم
- زائر، مزار و کارگزاران..... ۹۱
مریم هدایت
- فلسفه مناسک و آیین‌های جمعی در اندیشه کانت..... ۹۲
حسین هوشنگی

فهرس الملخصات العربية

- ١..... مكانة الفن في استمرار الزيارة الاجتماعي.....
محمدجواد أستاذي
- ٢ زيارة تجتاز الحدود: النظر إلى زيارة العتبة الرضوية من قبل الزوار من شرق إيران
بيمان إسحافي
- الحج أكبر وسيلة لتزكية النفس البشرية وغرس البذور الفدائية وإنبات نواة التعايش السليمة مع كونه أعظم مشهد يمثل وحدة الأمة.....
٣.....
حسنور إسلام
- ٤ المعابد الأنتوية في إلهيات الأديان
عباس أشرفي
- ٥ العهد كأساس الزيارة
مجتبى إلهي الخراساني
- ٦..... تصنيف زوار العتبة الرضوية: دراسة استعراضية ممنهجة
رمضان علي إيزانلو
- ٧..... الماء والحج: بحث عن توفير الماء للحجاج في عصور ما قبل الحداثة.....
أندرو بترسن
- ٨..... الزيارة والمشاكل النفسية والعاطفية للنساء.....
شهلا بختياري
- ٩..... الآثار النفسية للزيارة
عباس بسنديده
- ١٠ الزيارة والسياسة.....
عليرضا بليغ
- ١١ التمثيل الإيراني وإلهيات الزيارة
إسماعيل بني أردلان
- ١٢ زيارة الأئمة(ع) في الشعر والنثر الفارسي المعاصر.....
رضا بيات
- ١٣ سفر الحج واجتياز الصحراء في آثار فريد الدين العطار
زهير توكلي
- ١٤..... الزيارات الطويلة المسافة في المسيحية الكاثوليكية في شمال غربي أوروبا في القرنين ال ١٦ وال ١٧.....
إليزابيث تينكل
- ١٥ الآثار التربوية في زيارة الأربعين.....
خليل خلف بشير

- ١٦ إلهيات الزيارة والفنون التقليدية.....
إيرج داداشي
- ١٧..... دير المحرق وثقافة الزيارة لدى الكنيسة القبطية الأرثوذكسية.....
دوماديوس الراهب
- ١٨..... العلاقة بين الزيارة والجماليات في اللاهوت المسيحي.....
هادي ربيعي
- ١٩..... طريق الزيارة: جعل الرحلة المقدسة باطنيا وطريق أورشليم السماوية.....
كورت أندرس ريجاردسون
- ٢٠..... دراسة مناسبات الزيارة وعالم الحياة على أساس الحكمة المتعالية.....
مهدي سلطاني
- العلاقات الشرعية والاجتماعية واللاهوتية بين اليهود والنصارى والمسلمين في «قاعدة في زيارة بيت المقدس» و«اقتضاء
٢١..... الصراط المستقيم» لابن تيمية.....
خوليو سيسار
- ٢٢..... أنواع الزيارة في الديانة والثقافة اليهودية.....
محسن شرفاني
- ٢٣..... نبذة من مضامين الزيارة الجامعة الكبيرة: توحيد أم شرك؟.....
حسن شواهدي
- ٢٤..... العلاقات بين إلهيات الزيارة والموسيقى الإيرانية.....
أحمد صدري
- ٢٥..... الزيارة بعد الموت: انعكاس نقل الجنامين إلى الأعتاب المقدسة في أدب السفر.....
سعيد طاووسي مسرور
- ٢٦..... زيارة المعصومين عليهم السلام ومحورية التوحيد: دراسة زيارة أمين الله وزيارة الجامعة الكبيرة نموذجا.....
السيد محمد كاظم طباطبائي
- ٢٧..... إلهيات الزيارة الأربعينية ومفاهيمها في الأدب العربي.....
عمّار عدنان مناف
- ٢٨..... إلهيات الزيارة الوجودية.....
محمد كاظم علوي
- ٢٩..... الزيارة وأثرها التربوي.....
أحمد غلامعلي
- ٣٠..... أهداف الزيارة من منظور الإمامية.....
السيد علي قاضي عسكر
- ٣١..... مكانة الخيال المتصل والخيال المنفصل في تواصلات الزيارة من وجهة نظر الإمامية.....
محمدرضا قائمي نيك

- ٣٢جينيالوجيا الزيارة في المسيحية الكاثوليكية.
رضا قائمي
- ٣٣دراسة فينومينولوجية للجهات ما وراء المكانية لإلهيات الزيارة، على أساس روايات الإمامية في «كامل الزيارات»
أحمد كريمي
- ٣٤دراسة مقارنة للزيارة في فكر تشيتانيا (جوديا) الفيشنوية ومفهوم «الروضة» في الفكر الإسلامي
ديويد كوليج
- ٣٥الأجانب في الحرم: تجارب الرحالة الأوروبيين في زيارة الأعتاب المقدسة في إيران
محسن حسام مظاهري
- ٣٦النقاش حول الزيارة في الإلهيات المسيحية
منصور معتمدي
- ٣٧المبادئ الفلسفية للزيارة
السيد محمد موسوي بايجي
- ٣٨إلهيات المعمارية والزيارة، من اعتماد الزيارة على المكان (مكانية الزيارة) إلى اعتماد المعمارية على الجسد (جسدية المعمارية) في دراسة التطورات المعمارية للعتبة الرضوية المقدسة
سعيد مهربويا
- ٣٩تصنيف أدب الزيارة في الشعر الفارسي
مسلم نادعليزاد
- ٤٠التحليل الأنثروبولوجي لمفهوم الزيارة من خلال أدب السفر لطريق القديس يعقوب
محمد نصراوي
- ٤١علم العلامات في المنظومة المعنوية لنصوص الزيارات
السيد أبوالقاسم نقيبي
- ٤٢مفهوم الزيارة في أدب التصوف
قربان وليئي

تحلیل عقلی زیارت به روایت فلسفه اسلامی

مجید احسن*

استادیار گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران | ahsan.majid62@gmail.com

مریم شاه حاتمی

دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

امر قدسی کانون معنابخش سلوک دینی است. تجارب زیسته متدینان گواه آن است که زیارت یکی از کانون‌های اصلی اتصال به امر قدسی و نیز یکی از پیشران‌های قدرتمند دینی در حوزه فردی و اجتماعی بوده است. یکی از مسائل مهم قابل طرح در الهیات زیارت، بررسی زیارت از منظر عقلی است. در این راستا، چه بسا برخی مدعی شوند زیارت مسئله‌ای جزئی، انضمامی و الهیاتی است و با بحث عقلی و فلسفی که به زعمشان کلی، انتزاعی و عقلی است، ارتباطی ندارد. علاوه بر آن که عهد جدید آدمی او را بی نیاز از ساحت قدس و مباحث پیرامون آن کرده است. در مقابل، مدعا این است که نگاه عقلی و به طور خاص فلسفی به زیارت نه تنها ممکن و مفید بلکه در فلسفه اسلامی محقق نیز شده است. فیلسوفان مسلمان با مبانی اندیشگانی خود همچون مراتب هستی، حقایق سماوی و نقش آنها در امور مادون، تجرد نفس و جاودانگی آن، سرمایه سترگی برای تحلیل عقلی زیارت فراهم آورده‌اند. از دیدگاه ایشان، نفوس عالی‌ه همچون انبیاء به چنان درجه‌ای رسیده‌اند که می‌توانند با تشبه جستن و بلکه اتصال و وحدت به عقل فعال در مادون خود تأثیر بگذارند چنان که افراد دیگر می‌توانند با حضور در مراقد ایشان به طور خاص با آنها ارتباط برقرار کرده و از ایشان تأثیرگذاری طلب کنند. بازنمایی نقش زیارت در زیست مؤمنانه، تأمل در باب جایگاه و نقش شخص زیارت شده و حتی موقعیت جغرافیایی بدن وی در رخداد تجارب دینی زائرین از جمله مواردی هستند که این مقاله می‌کوشد از رهگذر تبیین افق نگاه فلسفی فراچنگ آورد. همچنین چه بسا از رهگذر این نوع تحقیقات بتوان امکانات نهفته در سنت را نمایان ساخته و ارمغانی نو برای رفع نیازها و دغدغه‌های وجودی انسان معاصر همچون معنای زندگی و نقش دین در بازیابی آن فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: الهیات، زیارت، فلسفه اسلامی، مناسک دینی، تحلیل عقلی

چالش‌های الهیاتی و آسیب‌شناسی عملی زیارت

زهرا اخوان صراف

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مفید، قم، ایران | akhavan_qom@yahoo.com

چکیده

زیارت مثل هر نهاد دینی دیگری که ارکان و مختصات و وابسته به دانش و اندیشه بشری دارد، با تطورات جهان و انسان و بینش‌ها و گرایش‌های او، نیازمند بازنگری و بازسازی است. ریشه درک این نیازمندی ملاحظه شکاکیت مدرن است که ریشه در شکاکیت دکارتی دارد. آسیب‌شناسی و بررسی چالش‌ها منظر مهمی است که می‌توان از آن به این مهم پرداخت. پژوهش حاضر اولاً به آسیب‌های الهیاتی زیارت می‌پردازد که یا به تازگی مطرح شده یا در دنیای جدید به دلیلی حائز اهمیت ویژه است. در این بخش ابتدا به عنوان چالش‌های الهیاتی زیارت، انگاره تعارض آن با توحید عبادی و عملی بررسی می‌شود -دایر بر این که زیارت درخواست حاجت از غیر خداوند و آمرزش‌طلبی از غیر اوست- که از قضا معرکه آراء بودن آن و اتهام قاتلان و عاملان به زیارت معصومان و پاکان و نیکان به شرک و انحراف تازگی ندارد و جدالی دیرین است. سپس، تحت عنوان آسیب‌شناسی عملی، مسائلی از قبیل تبدیل مرکز ثقل زیارت از دیدار به زیارت‌نامه‌خوانی و آیین‌داری مناسکی، غلبه وجه حاجت‌طلبی بر مواجهه با زیارت‌شونده و لوازم آن، تکیه بر متون موجود زیارت‌نامه در گویه‌های زائر، و خرافات و نسبت‌های گزاف در شفا و امثال آن تحلیل و بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، چالش‌های زیارت، آسیب‌های عملی زیارت، زیارت‌نامه‌خوانی، حاجت‌طلبی در زیارت، شفاطلبی.

رابطه نفس و بدن از دیدگاه سبزواری و قاننی و اثرگذاری آن در فلسفه زیارت از دیدگاه دو حکیم

قاسم اخوان نبوی

استادیار گروه کلام، پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران |
ghasemakhavan@gmail.com

چکیده

زیارت در لغت به معنای میل کردن و تمایل داشتن است، و در اصطلاح به معنای حضور نزد مزور برای تکریم آن به کار برده می‌شود. فلسفه زیارت یکی از مسائلی که در الهیات زیارت قابل بررسی است. از جمله مبانی و پیشفرض‌هایی که برای تبیین فلسفه زیارت لازم است به آن توجه شود مبانی انسان‌شناختی و رابطه نفس و بدن است. حکیم قاننی و حاج ملاهادی سبزواری اگرچه از نظر مشرب فلسفی با یکدیگر تفاوت دارند اما هر دو برای تبیین فلسفه زیارت این مسئله را مطرح می‌کنند که نفس زائر با مزور ارتباط پیدا می‌کند و نفس مزور در نفس زائر تأثیر می‌گذارد و به او فیض می‌رساند. تفاوت این دو دیدگاه در این است که بنا بر دیدگاه حکیم قاننی نفس و بدن دارای دو جوهر مستقل هستند. غرض از دعا و زیارت آن است که نفس زائر که به بدن متصل است از نفس مزور که با جسم مقارنت ندارد استمداد خیر و استفاضه سعادت نماید. نفس مزور، برای آن که مشابه با عقول و پاکان شود در نفس زائر تأثیر می‌گذارد. اما بنا بر دیدگاه ملاهادی سبزواری با توجه به این که نفس را جسمانیت الحدود و روحانیت البقاء می‌داند، انسان دارای مراتب است و مراتب بالای هستی بر مراتب پایین تأثیرگذار هستند. در زیارت نوعی اتصال بین نفس زائر و مزور برقرار می‌شود و در نتیجه مرتبه پایین از مراتب بالا کسب فیض می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه زیارت، انسان‌شناسی، نفس، بدن

نقش سلسله‌مراتب فضایی در تحقق تقرب: نمونه موردی حرم حضرت معصومه

ریحانه استادباقر*

دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه قم، ایران | rey.ostadbagher@gmail.com

مهدیه امیرآبادی فراهانی

عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشگاه قم، ایران

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش بررسی نقش معماری با عنایت به اصل سلسله‌مراتب فضایی در تقرب جستن در اماکن زیارتی است. با توجه به تعریف سلسله‌مراتب به معنی چینش پیوسته مقام و حدود، معمار در طراحی بنا خواسته یا ناخواسته سلسله‌مراتب می‌سازد و حدود هر بخش از فضا و میزان اهمیت آن (مراتب) و نحوه چینش این مراتب در بنا (سلسله) را تعیین می‌کند. این مقاله به گونه‌ای کیفی و با راهبرد نمونه موردی به تحلیل زیارتگاه حضرت معصومه (س) پرداخته است. ابزار گردآوری داده‌ها اسناد کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی است. یافته‌ها حاکی از آن است که شاخصه‌های معین سلسله‌مراتب در معماری شامل فرم، اندازه، خط آسمان، ضرباهنگ، نور، خط زمین، حرکت، راه، تزئین، ریش، عناصر عمودی، تقارن، زمان، محور، نظم، شکل مسیر، موقعیت، پویایی، جهت، امنیت و ارتباط فضا و مسیر می‌شود. نتایج تحلیل نشان می‌دهد برای تحقق تقرب از لحاظ فرم و کالبد با تغییر تدریجی فرم خطی به فرم عمودی و گنبدی زیارتگاه و از لحاظ کیفیت فضایی با طی سلسله‌مراتب از فضای باز به نیمه‌باز و فضای بسته (محل ضریح) برای تحقق شاخصه‌ها بهره گرفته شده است. با نزدیک شدن به فضای ضریح جهت نورگیری از جداره به سمت نورگیری سقفی گنبد (نور از بالا به پایین) روی ضریح تغییر می‌کند. نمود این اوج‌گیری در مناره‌های بلند محور ورودی به ایوان‌های مشرف به گنبدخانه مشهود است. کاربرد تزئینات طلاکاری و آئینه‌کاری در فضای نیمه‌باز مشرف به ضریح نمایانگر ارزش‌گذاری و شکوه محضر حضرت در یک قدمی زیارت است. فرم پلان با هندسه هشت‌ضلعی و چلیپایی امکان دسترسی هشتگانه‌ای را فراهم کرده که می‌تواند به جهت نمادپردازی عددی در تقدس عدد ۸ منسوب به امام رضا باشد. فرم هشت‌ضلعی با تقارن مرکزی امکان ایجاد فضای گردش دور ضریح به مثابه طواف حول مرکزی مقدس را سبب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سلسله‌مراتب فضایی، معماری ایرانی، تقرب، حرم حضرت معصومه

جایگاه هنر در امتداد اجتماعی زیارت

محمدجواد استادی

پژوهشگر مستقل در حوزه زیارت | ostadi.muhammad@gmail.com

چکیده

زیارت از جمله مفاهیمی است که از مناظر گوناگون دچار تقلیل‌گرایی گردیده است. این تقلیل‌گرایی زیارت را از زیست جاری آن منفک می‌کند و در نهایت منجر به ضعف اجتماعی در حوزه زیارت خواهد شد. در رویکرد تقلیل‌گرایانه مناسکی، اساساً نقشی زیستی برای زیارت در نظر گرفته نشده و در رویکرد تقلیل‌گرایانه روشنفکری، زیارت به واسطه نگاه سرمایه دارانه و مادی استحاله می‌یابد. این در حالی است که زیارت یک منبع معرفتی ثانویه و واسط در معنابخشی به مؤلفه‌های متنوع زیستی بوده و زمینه جهت‌بخشی به پاره‌های زیستی از یک سو و انسجام‌بخشی عناصر و متغیرهای متنوع و گوناگون در راستای هدف غایی را فراهم می‌آورد. زیارت یک نقطه عطف در ارتقای نظام معرفتی جامعه است و در صورتی که بتوان آن را به عنوان یک دال مرکزی و معنابخش در عرصه‌های محسوس زندگی عمومی ساخت، زمینه‌ای برای ارتقای نظام اجتماعی در مسیر حرکت به سوی آرمان‌ها فراهم خواهد آمد. فراوری مفاهیم و زمینه‌های ایدئولوژیک زیارت برای عرضه در نظام زیست روزمره معاصر، آن هم به طور غیرمستقیم و غیر دستوری، راهبردی اساسی در این زمینه محسوب می‌گردد. هنر به دلیل ویژگی‌های ذاتی خویش بهترین ابزار برای فراوری مورد اشاره است. استفاده از زبان غیرمستقیم، جهان‌شمولی در برقراری ارتباط، تناسب با شرایط معاصر، تأثیرگذاری ژرف، و برخورداری از طیف مخاطب وسیع مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی هنر است که زمینه جریان یافتن زیارت در ساحت اجتماعی را فراهم می‌آورد. هنر همواره در درازنای تاریخ در خدمت نشر معارف دینی بوده است. برای آن که هنر بتواند در عمومی‌سازی آثار زیارت نقش ایفا کند لازم است جایگاه سه ضلع مهم سیاست‌گذاران و متولیان زیارت، نظریه‌پردازان، و هنرمندان کاملاً مشخص و روابط و متغیرهای میان ایشان تنظیم گردد. همچنین می‌باید روند تبدیل مفاهیم انتزاعی به فرم‌های هنری نیز در راستای تقویت و غلبه گفتمان زیارت مورد مطالعه قرارگیرد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، هنر، زندگی اجتماعی

نگاهی به جریان زیارت حرم امام رضا (ع) از سوی زائران شرق ایران

پیمان اسحاقی

دانشجوی دکتری اسلام‌شناسی، دانشگاه آزاد برلین، برلین، آلمان | eshaghipeyman@gmail.com

چکیده

در همسایگی دور و نزدیک ایران در شرق و شمال شرق، مراکز مهم تمدنی و فرهنگی چندی به چشم می‌خورد که از میان آنها می‌توان به آسیای میانه، جنوب آسیا، جنوب شرق آسیا و چین اشاره کرد. این مناطق از یک سو شمار زیادی از مسلمانان جهان امروز خود را در خود جای داده‌اند و از سوی دیگر بسیاری از آن مسلمانان درون چهارچوب مسلمانان فاقد مذهب طبقه‌بندی می‌شوند. از نظر تاریخی نیز این مسلمانان همواره با فرهنگ ایرانی در ارتباط بوده و شماری از آنها به صورت مستمر به زیارت امام رضا (ع) می‌آمده‌اند. در این نوشتار پس از ذکر تاریخچه‌ای از زیارت امام رضا (ع) در دوره‌های تاریخی مختلف از مناطق مذکور، استدلال می‌کنم که جریان زیارتی مذکور همواره عاملی برای حضور فرهنگی ایران در شرق و ارتباط با مسلمانان مشرق‌زمین عمل کرده و احیای بیش از پیش این جریان زیارتی می‌تواند اقدامی در راستای تقویت حضور بین‌المللی ایران در آن مناطق عمل کند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آستان قدس رضوی، حرم امام رضا (ع)، مرز، فراملیت‌گرایی

تعریف تعینی تقدس بر پایه شباهت خانوادگی

عباس اسکوئیان*

استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران | abosko@gmail.com

صدرای تقی پور

دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

مقصد زیارت، دلالت بر تقدس آن دارد، اما اهل هر دینی تعاریف متفاوتی از امر مقدس بر مبنای نسبت آن با منبع تقدس بیان کرده‌اند و این به بحث از اعتبار و استناد امور مقدس فارغ از نسبت آن با مؤمنان انجامیده است. در مقابل غالب جامعه‌شناسان و فیلسوفان دین به این نسبت توجه داشته‌اند و آن را در تعریف خود از امر مقدس دخالت داده‌اند. هر دوی این رویکردها در پی تعریفی پیشین از امر مقدس که قابلیت انطباق بر تمام مصادیق آن را داشته باشد بوده‌اند اما در نهایت در رسیدن به تعریفی متفق‌علیه در این باره درمانده‌اند در واقع ما در اینجا با نوعی شباهت خانوادگی میان تعاریف امر مقدس روبه‌رو باشیم. ارزیابی تعاریف موجود از امر مقدس بی‌ارتباط با تعامل مفهوم و مصداق تقدس نیست و نمی‌توان با یک تعریف پیشین از امر مقدس به سراغ این موضوع رفت. تعیینی قلمداد کردن این مفهوم و سپس به سراغ مصادیق آن رفتن، خطای متداولی است که دست پژوهش‌گر این عرصه را در رسیدن به تعریفی جامع‌تر می‌بندد، در حالی که «مقدس» از آن دسته مفاهیمی است که به صورت تعینی تعریف خود را طی زمان و مکان و در بستر فرهنگ‌های مختلف می‌یابند. در واقع، از مراجعه به مصادیق، برای رسیدن به تعریفی از امر مقدس و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن، گریزی نیست. به تعبیری، مقدس آن چیزی است که آن را مقدس می‌شناسند. در این نوشته در صدد استخراج مفهوم تقدس در بستر فرهنگ ایرانی بر پایه شباهت خانوادگی میان مؤلفه‌های موجود در اموری که مقدس قلمداد شده و می‌شوند هستیم و این از دریچه بررسی آثار ادبی و تاریخی، به ویژه نوشته‌های متأخرتر که روان‌شناسی اجتماعی ایرانیان را ثبت کرده‌اند قابل ردیابی خواهد بود. مواردی چون انسان‌محور بودن و کارکردگرایانه بودن در اطلاق وصف مقدس به امور، از جمله اوصافی است که بر پایه شباهت خانوادگی در فرهنگ ما قابل استخراج است. در نهایت، مطالعه نسبت امر مقدس با باورمندان به آن، به جای شیوه متداول؛ یعنی توصیف نسبت آن با امر متعالی، نقطه عطف این پژوهش خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، تقدس، تعریف تعینی، شباهت خانوادگی

زیارتگاه‌های زنانه در الهیات ادیان

عباس اشرفی*

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران | ashrafi@atu.ac.ir

سیده فاطمه ساری زاده قوچانی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قرآن و حدیث علامه طباطبائی، تهران، ایران | sarizadeh50@gmail.com

چکیده

در الهیات همهٔ ادیان، زیارتگاه‌ها نمادهایی از اعتقادات هر دین هستند. این زیارتگاه‌ها معمولاً با ویژگی‌های عمومی و برای زنان و مردان، یعنی فارغ از جنسیت هستند، اما در این میان، اندکی از زیارتگاه‌ها یافت می‌شوند که مزار یا مشاهد (یادمان) بانوان تقدیس شده از حیث پارسائی و جز این است، که به نوعی به زنان اختصاص پیدا کرده‌اند. مثلاً ویژه زیارت زنان و ممنوع برای مردان هستند و یا برای این زیارت‌ها که پیوند بین یک امر مقدس و سنت ویژهٔ دینی با یک کارکرد اجتماعی است، در افکار عمومی مؤمنان، غیر از کارکردهای عام زیارت مانند پاکی و خلوص زائرین، شفابخشی بیماری و کارکردهای دیگر، دستاوردهایی که مختص زنان است، برای این گونه مزارها (زیارتگاه) در نظر گرفته می‌شود، مانند برآورده شدن تمنای فرزند و شفای بیماری‌های خاص زنانگی و غیره. البته مردان هم از طریق زنان با این مزارها ارتباط معنوی پیدا کرده و حاجت خواهی می‌نمایند. این زیارتگاه‌ها هرچند عمدتاً توسط مردان بنا شده باشند، ولی در اداره و متولی‌گری زنان درآمده و نوعی دولت زنان بوده‌است که آداب زیارت را هم تا حدودی مختص آنان کرده‌است. این کنش اختصاصی، معنادار است. البته انگیزه‌های این نوع اختصاص زنانه، در هر دینی با دیگری می‌تواند متفاوت باشد اما از بررسی روایت‌های پیرامون این زیارت‌ها در ادیان مختلف، شباهت‌ها و اشتراک‌هایی به دست می‌آید؛ مثلاً تقریباً در همهٔ آنها، پررنگ بودن نوعی هویت زنانه در مقابل مردان و جامعهٔ مردسالار و مختص انگاری برخی امور برای زنان و نیز گرامی‌داشت مقام مزور به علت رنج کشیدن یا باکره بودن و... دیده می‌شود. این پژوهش با وجود بررسی شواهدی از ادیان مختلف، مستند مرکزی خود را متمرکز بر زیارتگاه‌های زنانهٔ ایران مانند بی‌بی شهربانو در شهرری، بی‌بی دختران شیراز، بی‌بی دوست سیستان و غیر قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: زیارتگاه زنان، هویت زنانه، دولت زنان، الهیات زیارت

جاودانگی در پرتوی ابتغاء وجه الله

حوران اکبرزاده

استادیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران | h_akbarzadeh@atu.ac.ir

چکیده

همه عالم و موجودات هستی، از آن جهت که فعل خدا و ظهور و تجلیات حضرت حق هستند، وجه الله اند. «و لله المشرق و المغرب فأینما تَوَلَّوْا فَثَمَّ وجه الله». پس هر جا رو کنی، فعل او، و ظهور او را می‌بینی. در این میان معصوم (ع) مصداق بارز وجه الله و وجهه الله است. طبق تفسیر برخی مفسرین معاصر، خمسۀ طویه خود مصداق وجه الله بودند که توانستند صدقه و اطعام به فقیر و مسکین و اسیر را لوجه الله انجام دهند (انما نطعمکم لوجه الله)؛ از کوزه همان برون تراود که دروست. زیارت، طبق آیات «کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» و «کُلٌّ مِّنْ عَلَیْهَا فَاَنٍ وَ یَبْقَى وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ»، فرصتی برای ابتغاء وجه الله و رهایی از فنا و معدوم شدن است. پس رمز جاودانگی در پیوستن به وجه الله است. وصول به وجه الله مجاهدت می‌خواهد لذا انسانی که می‌خواهد به لقای حق نائل شود، باید افعال و امور نیکی که انجام می‌دهد، جنبۀ وجه الهی داشته و قربۀ الی الله باشد: «پریدون وجه الله و اولئک هم المفلحون». اگر زائر حقیقتاً برای زیارت وجه الله آمده، باید خود را به وصف وجه الهی نزدیک کند یعنی با مزور همسنخ شود، وسع خود را پویا، و شاکله وجودی خود را وسیع گرداند. اگر وجه الله باقی است، زیارت تمرین اتصال و ارتباط با وجه الله است و یک ارتباط دوسویه بین زائر و مزور برقرار است. برای متصل شدن، مقدمات لازم است و در تحصیل هر مقدمه‌ای مجاهداتی و تجافی از کدورات لازم است. ادب زیارت برای زائر اقتضا می‌کند که خود را در محضر امام معصوم (ع) ببیند و ادب حضور را بیاموزد و در سبک زندگی‌اش به کار بندد. در این صورت، خودش مصداق وجه الهی می‌شود و باقی و جاودانه می‌ماند.

کلیدواژه‌ها: وجه الله، مجاهدت نفس، مسانخت، زائر، زیارت

تأملی انتقادی در جایگزینی اخلاق به جای زیارت

رضا اکبری

استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام | r.akbari@isu.ac.ir

چکیده

آیا اخلاق می‌تواند جایگزینی برای زیارت باشد. این مقاله در صدد آن است که نشان دهد هرچند اخلاق بعدی بسیار مهم در زیست دینی است، اما جایگزینی برای زیارت نیست. زیارت دارای ابعاد مردم‌شناختی، فرهنگی، تمدنی است که به نظر نمی‌رسد با زیست اخلاقی بتوان این جنبه‌ها را پوشش داد. مکان‌های زیارتی دربرگیرنده معماری و هنرهای آیینی هستند که با تداوم زیارت حفظ شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و میراثی تمدنی به حساب می‌آیند. زیارت فرصتی برای تجدید میثاق با باورهای دینی، انجام عبادت و تفکر در میان جمعی است که تعهد دینی خود را مشتاقانه ابراز می‌کنند. به عبارت دیگر، زیارت تبلوری از بعد اجتماعی دینداری است و بر این حقیقت تأکید می‌ورزد که سعادت امری فردی نیست و در تعامل اجتماعی حاصل می‌شود. از سوی دیگر، زائر تلاش می‌کند زیستی شبیه انسان‌های مقدس داشته باشد. به بیان اخلاقی، زائر می‌کوشد از الگویی اخلاقی پیروی کند و فضایل اخلاقی را در خود تثبیت نماید. همچنین لازم است به سنخ‌های مختلف انسان‌ها در مقام دینداری توجه کرد. زیارت برای برخی انسان‌ها کارکردهایی اخلاقی دارد که به نظر می‌رسد بدون آن حاصل نمی‌شوند. در عین حال، نباید از این نکته غفلت کرد که زیارت همچون هر یک از دیگر شعائر می‌تواند دستخوش آسیب قرار گیرد. لذا آثار مثبت آن منوط به حفظ آن از آسیب‌هایی (همچون احساس بخشش از گناهان بدون جبران اشتباهات گذشته، احساس بهره‌مندی از شفاعت بدون آماده‌سازی وجودی خود) است که در مسیر آن قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، اخلاق، میراث تمدنی، بعد اجتماعی دینی

زیارت، اصالت معنویت و ابهت در مکان (مطالعه موردی حرم مطهر رضوی)

علی الهی خراسانی

پژوهشگر پژوهشکده اسلام تمدنی، مشهد، ایران | parsayan.ali@gmail.com

چکیده

زیارت مکانمند شدن امر معنوی است که «فضای هیبت و ابهت» را برای انسان رقم می‌زند و تمام جلوه‌های هنری و بصری را به خدمت می‌گیرد تا معنا در انسان شکل گیرد. زیارت حضور امر معنوی و «تعلیق زمان» است تا امر معنوی با تمام شکوه و عظمت خود در دل انسان بشیند و ذهن آرامش، سکونت و اطمینان را تجربه کند. درک فضای هیبت و ابهت در مکان حرم نیاز به «خلوت و سکوت» دارد. به بیان دیگر درگاه ارتباط با مکان و درک این فضای معنوی خلوت است و سکوت. سکوت دعوت به خویش شدن خویش است، و خلوت ظرفی برای پر شدن از معنا. مناسک‌زدگی و متبرک‌سازی بی‌رویه در حرم رضوی چالش بزرگی فراروی فضای با ابهت و فلسفه وجودی زیارت است. تأثیر زیارت و درک معنویت در مکان تحول، توسعه و شکوفایی وجودی است که حتماً در توسعه فضیلت‌های اخلاقی در هر شخص دیده می‌شود. زیست معنوی با تندخویی، نامهربانی، دیگری‌ستیزی، اضطراب و تشویش نمی‌سازد. اما چه چیزی بناها را «با ابهت» می‌کند و فضای قدسی را در مکان جلوه‌گر می‌سازد؟ پاسخ بدین پرسش چیزی بیشتر از شگفتی محض در نوآوری طراحی یا حضور پر قدرت بناهایی است که به لحاظ مادی مشرف بر افق هستند، یا آن که با ابهت انگیزه و هدف را در بناها منعکس می‌سازد. شکوه و تعظیم واقعی احتمالاً بیشتر در ارتباط با بناهایی است که به طور کلی ارزش مردم و زندگی اجتماعی مشترک را تقویت می‌کنند. حس یکی بودن، دوری از فاصله‌ها، تفرقه‌ها و برتری‌جویی‌ها و شکل‌گیری یک ارتباط انسانی فضیلت‌مدار زمینه درک ابهت و شکوه معنا را فراهم می‌سازد. «مکان‌های با دید باز» نیز که پژواک معنوی دارند می‌توانند ابهت را به انسان منتقل کنند. تجربه خیر عمومی در مکان زیارت که در حقیقت تعهد به فرایند بازمعناسازی، خلق ارزش‌ها و کشف بینش معنوی مشترک است، زمینه مناسبی برای شکل‌گیری معنویت شهری است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، امر قدسی، ابهت، مکان معنوی

«عهد» به مثابه بنیاد «زیارت»

مجتبی الهی خراسانی

استاد حوزه علمیه مشهد؛ استادیار مرکز تخصصی آخوند خراسانی (وابسته به دانشگاه باقرالعلوم ع)، مشهد؛ ایران |
mojtaba.elahi.khorasani@gmail.com

چکیده

عهد مفهومی بنیادین در ادیان ابراهیمی است و حدود سیصد بار در کتاب مقدس آمده است. بعثت پیامبران در آئین یهود، عهدسپاری خداوند به ایشان است که درباره ابراهیم و موسی تأکید شده است. کتاب مقدس مسیحیت، عهدین نامیده می‌شود که شامل عهد عتیق -شرح عهد خدا با پیامبران پیش از عیسی- و عهد جدید -ناظر به پیمان خداوند با عیسی- است. قرآن نیز عهد خداوند نامیده شده و عهد در آن، پنجاه بار به کار رفته و بیانگر عمق ارتباط دوسویه میان خدا و انسان در ایمان و عمل به اوامر او، و مایه سامان روابط اجتماعی میان انسانهاست، که آشکال مستحکم‌تر آن در امت‌های برگزیده و بالاتر از آن، به پیامبران و امامان اختصاص دارد. امامت در قرآن، عهد ویژه‌ای است که پس از امتحان، به ابراهیم داده شده و در معصومان نسل او امتداد یافته است. امام در روایات، امانت‌دار این عهد الهی و خود او، شاهد و تجسم عهد خداوند با انسان است و زندگی‌اش شهادت وفا به عهد الهی در همه ابعاد است و طاعتش، وفای به عهد خداوند است. بر این اساس، زیارت امامان همچون حج، دیدار خانه خدا و زیارت مزار پیامبر، همگی بر بنیاد عهد بنا نهاده شده و مناسک مهمی برای تجدید عهد انسان با خداوند است. برخی احادیث بر ارتباط زیارت با این عهد تأکید دارند. به عنوان مثال، حضرت رضا (ع) فرموده‌اند: هر امامی به گردن وفاداران خود عهدی دارد که وفای کامل به این عهد در گروی زیارت مرقد آنان است و در صورت زیارت از سر علاقه به امام و اهداف او، زائر را در قیامت شفاعت خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، عهدین، ادیان ابراهیمی، قرآن، امام

زیارت در سیره عملی امامان (ع) با تکیه بر منابع تاریخ‌نگارانه

محمدحسن الهی‌زاده

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران | mhelahizadeh@birjand.ac.ir

چکیده

در پی رحلت پیامبر اسلام (ص) و عدم دسترسی مردم به ایشان، توجه جامعه اسلامی معطوف به خانواده و نسل ایشان (اهل بیت) گردید و به تدریج منسوبین به پیامبر (ص) در جامعه از محبوبیت و جایگاه ارزنده‌ای برخوردار شدند. در این میان توجه جامعه به نسل (ذریه) پیامبر (ص) به ویژه امامان دوازده‌گانه (ع) شگفت‌انگیز بود. بر اساس گزارش‌های تاریخی از دوران امامت امام باقر (ع) (۹۴-۱۱۴ ق.) به بعد به ویژه در دوران امامت امام صادق (ع) (۱۱۴-۱۴۸ ق.) و امام رضا (ع) (۱۸۳-۲۰۳ ق.) مسلمانان در قالب شیعیان (پیروان) یا ارادتمندان (شاعران) به منظور اعلام تبعیت و ابراز ارادت به دیدار (زیارت) آنها معمولاً در مکه و مدینه می‌شتافتند و امامان (ع) نیز علاوه بر حفظ و تعمیق ارتباطات و پیوندهای باورمبنا که پیروانشان با ایشان داشتند، از ارتباط‌گیری‌های آحاد جامعه استقبال می‌کردند و بدین ترتیب پدیده زیارت نمود عینی و جایگاه تاریخی یافت. بزرگداشت و زیارت اهل بیت (ع) به روزگار حیاتشان محدود نشد و پس از شهادت یا درگذشتشان مدفن آنها به عنوان مزار (محل زیارت) مورد توجه قرار گرفت و زیارت در ادبیات اجتماعی و دینی جایگاه ویژه‌ای یافت و آداب و مناسک خاصی برای زائر و زیارت تدوین شد. پژوهش حاضر در صدد روشن نمودن جایگاه زیارت نزد امامان دوازده‌گانه (ع) و تبیین مواضع و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی آنان در خصوص مقوله زیارت با تکیه بر منابع تاریخ‌نگارانه است. محدوده زمانی این پژوهش سال‌های ۱۰ تا ۳۲۹ هجری قمری را در بر می‌گیرد و با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد و به ویژه منابع تاریخ‌نگاری شیعی همچون، عیون اخبار الرضا، الارشاد، کشف الغمه فی معرفه الائمه، اعلام الوری باعلام الهدی و تاریخ‌های عمومی نظیر تاریخ یعقوبی، مروج الذهب، اخبار الطوال و... انجام خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: زیارت، ذریه، امامان دوازده‌گانه، منابع تاریخ‌نگارانه، سیره عملی

آثار روان‌شناختی زیارت بر استحکام خانواده

علی اندیده

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران |
andideh@pgu.ac.ir

چکیده

زیارت اولیاء الهی در اندیشه شیعی جایگاه بسیار بالایی دارد و نقش آن در افزایش معرفت و تحکیم ایمان قابل انکار نیست. در عرصه زیارت و آداب و ادعیه مرتبط با آن منافع و آثار دینی فراوانی را می‌توان برشمرد. در این نوشتار با نگاه روان‌شناختی به آثار و فلسفه زیارت، نتایج و فواید آن را در استحکام خانواده و روابط میان همسران، والدین و فرزندان و ارتباطات اجتماعی آنها مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ داده‌ایم که زیارت قبور ائمه و اولیاء الهی چگونه می‌تواند باعث تحکیم خانواده و همبستگی میان اعضای خانواده شود؟ بر این مبنا پیوند عاطفی میان اعضای خانواده، زمان و فضای مشترکی که اعضا با هم هستند، همراه بودن خانواده در تصمیم‌گیری‌ها، و وجود منافع مشترک برای خانواده، همگی معیارهایی برای سنجش انسجام و استحکام خانواده هستند. زیارت و آیین‌های آن باعث ایجاد معنای مشترک درون خانواده (هدفمندی)، پیوند بیشتر میان اعضای خانواده (پیوند عاطفی)، استحکام پیوند زنانشویی (با محکم شدن نگرش‌های مذهبی)، کاهش آسیب‌های اجتماعی (با ایجاد تعهد اخلاقی)، تغییر روحیات و خلق و خو، نظم و انضباط درون خانواده (با برنامه‌ریزی دقیق امور خانواده در طول سفر زیارتی و مدیریت امور اقتصادی خانواده)، ایجاد همبستگی بین خانواده‌ها (با حلالیت طلبی و از بین رفتن کدورت‌ها) می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، معنویت، آثار، روان‌شناختی، خانواده، پیوند

گونه‌شناسی زائران حرم مطهر رضوی: مطالعه مروری نظامند

رمضانعلی ایزانلو

دانشجوی دکتری گروه ادیان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران |
ramazanaliiizanloo@gmail.com

چکیده

حرم مطهر رضوی مقدس‌ترین مکان زیارتی برای ایرانیان مسلمان به شمار می‌رود و عمیق‌ترین و ناب‌ترین تجارب زیارتی زائران در این مکان قدسی هویدا و پدیدار می‌شود. جایگاه این حرم سبب شده تا مطالعات متعددی در خصوص زیارت این مکان مقدس انجام شود. حجم تحقیقات انجام شده، مرور نظامند آنها را ضروری می‌سازد. مقاله حاضر با این هدف نوشته شده است. بدین منظور، ۱۵۵ مقاله و پایان‌نامه با موضوع کلی امام رضا (ع) و زیارت، و ۹ مقاله در موضوع گونه‌شناسی زائران، استخراج، و از ابعاد مختلفی مانند روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها، جامعه آماری، هدف و گونه‌شناسی زائران بررسی شده است. نتایج بررسی این آثار علمی نشان می‌دهد که (الف) روش غالب در این مطالعات، پدیدارشناسی است؛ (ب) شیوه گردآوری داده‌ها در آنها متعدد است و مواردی همچون مصاحبه عمیق با زائران، تجربه زیسته نویسندگان، بررسی دل نوشته‌ها، عریضه‌ها و سفرنامه‌ها را شامل می‌شود؛ (ج) حداقل جامعه آماری در این تحقیقات، ۶ و حداکثر ۳۰ نفر بوده است؛ (د) هدف مشترک همه نویسندگان بررسی و فهم کنش زیارت از منظر زائران حرم مطهر رضوی و سنخ‌شناسی آنان بوده است؛ (ه) گونه‌شناسی زائران، به صورت‌های مختلفی ارائه شده که ناشی از وجود منظرهای مختلف نویسندگان بوده است. برخی از منظر الگوهای دینداری و برخی از منظر تجدد و مدرنیته به دسته بندی زائران پرداخته‌اند. مثلاً از منظر الگوهای دینداری، سبک‌های زیارتی به مکتبی، سنتی، روشنفکرانه، مناسکی، مناسبتی، کارکردگرا، معناگرا تقسیم شده است. از منظر فضای تجدد و مدرنیته، سبک‌های زیارتی به مجازی، زنانه، کلان‌شهر، سنتی، مدرن و پسامدرن تقسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، زائران، حرم مطهر رضوی، پدیدارشناسی، زیارت

زیارت از منظر علوم شناختی: همگرایی نگره‌های تکاملی، عصب‌شناختی و فضا‌مندی

مهرناز باشی زاده مقدم*

استادیار گروه علوم و معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران | bmoghaddam14@gmail.com

سید شهاب‌الدین عودی

دانش‌آموخته دکتری دین‌پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

میثم فصیحی رامندی

دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

چکیده

زیارت در همه فرهنگ‌ها و ادیان کنشی عبادی در قالب سفر است که رنج هجران و حضور در مکانی مقدس از لوازم آن است. تجربه معنوی زیارت، غالباً در پیوندی گریزناپذیر با مؤلفه‌های بیرونی و درونی است که گرانیگاه آن باورهای زائر است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای درصدد بازایی هسته شناختی مشترک تجربه معنوی زیارت از سه منظر تکاملی، عصب‌شناختی و فضا‌مندی است که به ترتیب ناظر به سه‌گانه مزور، زائر و مزار است. ناظر به دیدگاه تکاملی، میل به جاودانگی و روح‌باوری، باوری پایه‌ای است که در ساختار شناختی انسان از بدو تولد وجود دارد و بر اثر فرآیند انتخاب طبیعی ایجاد شده است. بر این اساس انسان‌ها برای درگذشتگان نوعی از حیات غیرمادی را در نظر می‌گیرند و همین ادامه حیات پس از مرگ در کنار قوه ذهنمندانگاری، خود زمینه شکل‌گیری زیارت که ارتباط با ارواح درگذشتگان به ویژه انسان‌های مقدس است را فراهم می‌کند. از سوی دیگر نظر به یافته‌های عصب‌شناختی، تجربه زیارت نه تنها به لحاظ هیجانی بلکه به لحاظ شناختی تغییراتی در دستگاه عصبی زائر ایجاد می‌کند. این تغییرات هم در دستگاه عصبی خودکار و غیرخودکار و هم در دستگاه عصبی مرکزی، یعنی مغز قابل پی‌جویی است. در واقع طی تجربه معنوی زیارت، در سه زیر مجموعه اصلی تجارب مینوی؛ تجارب عرفانی و تجارب فراطبیعی «تغییر در حالت آگاهی» فرد رخ می‌دهد و بیش از هر چیز فرد «احساس حضور» را تجربه می‌کند. در نگره فضا‌مندی نیز، زیارت مناسکی است بدنمند که توسط گروهی از مردم اجرا می‌شود و طی آن مکانی خنثی تبدیل به فضایی مقدس می‌گردد. در این راستا فضای مقدس شده گونه‌ای از مناسک را نسبت به سایر اعمال برتری داده و آنها را به عنوان مناسک زیارت تعریف می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند، تجربه معنوی زیارت «جهشی ایمانی» است که مدرج بوده و تغییر در کنش‌های متتابع این تجربه را در سطح فردی و اجتماعی سبب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، عصب‌شناسی الاهیاتی، علوم شناختی دین، فضا‌مندی

زیارت و مشکلات روحی و عاطفی زنان

شهلا بختیاری

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران | sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

چکیده

سفر زیارتی که از عواطف و شوق دیدار ناشی می‌شود در میان مسلمانان و جامعه شیعی به قصد حج و یا زیارت اماکن متبرکه قبور بزرگان دین و حرم و مزار امامان شیعه و امامزادگان بوده است. سفرهای زیارتی در گذشته با مشکلاتی همراه بوده است که شوق بهره‌گیری از رهاوردهای معنوی آن سبب آسانی و تحمل سفر می‌شد. زنان به دلیل ظرافت جسمانی در مقایسه با مردان و نیز برخی ویژگی‌های روحی، در سفر زیارتی با انگیزه و مشکلاتی متفاوتی روبرو بودند. این نوشته با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد وزارت خارجه به بررسی علل، عوامل اقدام زنان به سفر زیارتی، فضای روحی و عاطفی سفر و نیز مشکلات خاص زنان از این منظر پرداخته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد، علاقه‌مندی به بهره‌بردن از دستاوردهای دینی این سفر معنوی، شوق حضور در حرم امامان و زیارت آنها و امید به کرامت آنان، شفا یافتن و درمان برخی بیماری‌های خود و دعا برای دیگران، حل مشکلات زناشویی و اموری از این دست در انگیزه سفر زیارتی تأثیر داشته است. همچنین امید به پاکی روح و جسم و جان در جریان سفر و مورد لطف واقع شدن در جریان سفر مشوق ادامه آن بوده است. برخی مشکلات جسمانی ناشی از امور زنانگی و بیماری‌های ناشی از آن، نبود امکانات سفر بهداشتی، ناراحتی و کلافگی از بی‌مبالاتی برخی همسفران در رعایت پاکی و ناپاکی، خستگی جسمی و روحی از سفر طولانی، بیم ناتوانی در به جا آوردن آداب زیارت و اموری از این دست آزاردهنده روح لطیف زنان بوده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زنان، مشکلات روحی، شفا یافتن، کرامت، الهیات زیارت

مبانی کلامی زیارت

رضا برنجکار

استاد گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران | berenjkar@ut.ac.ir

چکیده

زیارت به معنای میل و قصد و رو آوردن زائر به مزور، و رویگردانی زائر از غیرمزور است. به بیان دیگر، زیارت نوعی انتقال روحی و قلبی زائر به سوی مزور است که گاه با انتقال مکانی نیز همراه است. زیارت می‌تواند اهداف مادی و معنوی متعددی داشته باشد. یکی از اقسام زیارت، زیارت معصومان علیهم السلام بعد از شهادت یا وفاتشان است. این نوع زیارت مبتنی بر مبانی مختلفی از جمله مبانی کلامی است. برخی از مبانی کلامی این نوع زیارت را می‌توان در قالب گزاره‌های زیر بیان کرد. زائر نسبت به مزور معرفت دارد؛ حقیقت انسان به روح است و نه جسم؛ مرگ نابودی روح نیست و ارواح زنده‌اند؛ ارواح می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند؛ معصومان علیهم السلام به زائران علم دارند؛ معصومان از مقام و منزلت والایی نزد خداوند برخوردارند؛ اخذ نعمت‌های مادی و کمالات معنوی از معصومان امری ممکن است. به سه صورت می‌توان از معصوم کسب فیض کرد: الف. از خدا بخواهیم به خاطر معصومان نیازهای ما را برآورده کند. ب. از معصومان بخواهیم تا از خدا بخواهند نیازهای ما را برآورده کند. ج. از معصومان بخواهیم حوائجمان را برآورده کنند البته باذن الله. این مقاله، به بیان و تحلیل هر یک از این مبانی اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، زیارت معصومان، دعای حاجت، واسطه فیض، مبانی زیارت، کلام

زایش سیاست از روح زیارت

علیرضا بلigh

استادیار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ایران | alireza.baligh@gmail.com

چکیده

نخستین مسئله در شناخت درست نسبت میان زیارت و سیاست درک زیارت چنان ملاقات با امر مقدس است. در جهان اسطوره‌ای نیز -همچون عالمی که با ادیان ابراهیمی به روی بشر گشوده شد- امر مقدس در کانون و مبدأ مختصات قرار گرفته و موقعیت امور در نسبت با آن تعریف و سنجش می‌شود. با این حال، اگر سیاست به مثابه لحظه ابتلای متناهی به نامتناهی، گشودگی انسان به روی آینده و فراروی از خویش را ممکن کند، آنگاه زیارت یا همان ملاقات با امر مقدس می‌تواند نقطه شکستن چرخه تکرار در جهان اسطوره‌ای و زایش سیاست باشد. اگر سیاست نه همچون شیوه اداره امور یا حکمرانی یا سیاستگذاری، بلکه مطابق ادبیات پست‌متافیزیکال به عنوان امر سیاسی -که جوهره سیاست است- فهم گردد، پیوند میان سیاست با زیارت امری معنادار خواهد بود. در اینجا سیاست دیگر امری حرفه‌ای نیست که صرفاً سیاستمداران بدان اشتغال دارند. سیاست فراخوانی عمومی است که انسان‌ها به رغم نابرابری‌های گوناگون در مواجهه با آن خود را برابر می‌یابند. مبتنی بر همین فهم از سیاست آیین عزاداری اباعبدالله (ع) یا زیارت اربعین می‌تواند منبع زایش سیاست برای تشیع باشد. همچنین بر اساس همین درک از سیاست از این نیز سخن خواهیم گفت که چگونه در جهان مدرن به رغم داعیه افسون‌زدایی یا تقدس‌زدایی، همچنان صورتی سکولار از امر مقدس کانون‌هایی تازه برای گردهم آمدن مردم را بر ساخته‌اند. اگرچه شاهد تکثر این کانون‌ها در شهر مدرن هستیم اما مکان‌هایی چون کنسرت، استادیوم و تالار بورس و... همان نقاطی هستند که آدابی مقدس پیرامون خویش ساخته‌اند و چه بسا بسط افسون‌زدایی در اندیشه‌های پست‌مدرن همین مرکزهای نوظهور را هدف گرفته‌است.

کلیدواژه‌ها: سیاست، امر سیاسی، زیارت، فراروی از خود

نمایش ایرانی و الهیات زیارت

اسماعیل بنی اردلان

دانشیار دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران | bani.ardalan@art.ac.ir

چکیده

این پژوهش با تأملی در مفهوم نمایش و جایگاه آن در آیین‌های ایرانی و شناسایی تمایزات بنیادین آن با تئاتر یونانی، نشان می‌دهد که می‌توان تجلی درام ایرانی را در همهٔ وجوه فرهنگ ایرانی-اسلامی و از جمله در اشکال مختلف زیارت مشاهده کرد. به دیگر سخن، خود مراسم زیارتی را نیز می‌توان جلوه‌ای خاص از این نمایش دانست که در آیین و تفکرات و اعتقادات انسان ایرانی ریشه دارد. از این رو بحث الهیاتی در باب زیارت، از وجهی دیگر به مثابهٔ الهیات این نمایش تلقی می‌شود؛ نمایشی که مقولهٔ درام را با هستی‌شناسی ایرانی-اسلامی پیوند می‌زند و بر پایهٔ اعتقاد به عالم غیب و مشیت یزدانی استوار است. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه در الهیات زیارت، از جمله مفهوم غیب، ارتباط امر غیبی و ناملموس با عالم محسوس و ملموس، و قضا و قدر الهی موضوع درام ایرانی نیز قرار می‌گیرد، چرا که نمایش ایرانی بر آن است که امر ناملموس و نادیدنی را برای مخاطبانش ملموس و دیدنی کند. نمایش ایرانی بیش از همه در ساختار زبان فارسی و در ترکیبات کارواژه‌ای آن، خود را نشان داده است و از این رو بیان هنری از امر غیب و قضای الهی را می‌توان در تعبیر شاعران نیز یافت، چنان که فردوسی از «گردش روزگار» یا «دگر شدن گیتی» سخن می‌گوید. چنین باورداشتی طبعاً راه به تئاتر یونانی نمی‌داده و کاملاً در تعارض و تقابل با آن بوده است.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، نمایش ایرانی، آیین‌های ایرانی، تئاتر

زیارت امامان شیعه (ع) در شعر و نثر معاصر فارسی

رضایات

استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران | bayat.dr@sru.ac.ir

چکیده

در همه ادوار تاریخی، زائران سطح فهم‌های متفاوتی داشته‌اند و بر اساس فهمشان زیارت کرده‌اند و سفرنامه و خاطره و... نوشته‌اند. در این نوشته، به موارد نادر که در همه ادوار یافت می‌شود نمی‌پردازیم و جریان‌های اصلی و کلی را بررسی می‌کنیم. رویکرد عمومی در اشعار زیارتی ادوار پیشین، بسیار نزدیک به ادبیات درباری بوده و از تجملات حرم و بزرگی‌های ممدوح، آن هم به شکل وهم‌آمیز درباری، یاد می‌شده است؛ اما در اشعار زیارتی بعد انقلاب، به طور مشهودی تغییر ایجاد شده است. شاعر یا زائر، با ممدوح ارتباط عاطفی شخصی دارد؛ جایگاه معنوی ولی و امام را می‌فهمد و در سروده‌هایش که نوعی زیارت‌نامه منظوم محسوب می‌شوند، معارفی شبیه به مضامین زیارت جامعه را مطرح می‌کند. همچنین، همکام با وصف بزرگی ممدوح، کوچکی و شکسته‌حالی خود را به صراحت یا با بیان نمادین باز می‌گوید. در برخی از آثار، شاعر فهم سیاسی اجتماعی نیز دارد. به عنوان مثال از آثار اجتماعی زیارت اربعین می‌گوید یا این پدیده عظیم را مقدمه ظهور می‌داند. فهم سیاسی-اجتماعی در آثار ادبی معاصر، تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی بر فرهنگ است. از نکات جالب اشعار اربعینی، تفاوت معنادار آنها با سروده‌های عاشورایی است؛ یعنی به ذکر مصائب و حوادث نمی‌پردازند و صرفاً به خود زیارت، حال زائر و ارتباط روحی‌اش با ممدوح توجه دارند. دیگر وجه سروده‌های زیارتی، مردم‌نگاری و بیان آداب و شرایط زیارت و تجربه زیسته زائران است. در این نوشته، به طور مشخص به زیارت امام رضا (ع) و اربعین پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، شعر آیینی، شعر رضوی، شعر اربعینی، ادبیات معاصر فارسی

بازخوانی فلسفی فرایند زیارت: چیستی فرایند زیارت بر اساس اتحاد عاقل و معقول

محمد رضا بیات

دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران |
bayat.m.r1991@gmail.com

چکیده

یکی از اصول فلسفی ملاصدرا در معرفت‌شناسی مبحث اتحاد عاقل و معقول است، که البته دربرگیرنده اتحاد حاس و محسوس، و اتحاد متخیل و متخیل نیز هست. صور ادراکی در نظر ملاصدرا قیام صدوری به نفس دارند، و نفس با صورت ادراکی متحد می‌شود. این صورت مطابق شیء خارجی است، و حضورش نزد نفس باعث اشتداد نفس می‌شود. البته در ادراک، اموری هستند که کمک‌کننده به ادراکی خاص‌اند، و اموری که نسبت به آن غفلت‌زا محسوب می‌شوند، و در نتیجه یک ادراک خاص در نسبت با امور گوناگون تقویت یا تضعیف و منقطع می‌شود. زیارت، وقتی جسم در محل مقدس خاصی قرار می‌گیرد، و آن محل تداعی‌گر امور معنوی است، و عوامل گوناگون (مثل بنا و آرایش محیط و انسان‌های دیگر) ذهن ما را متوجه امر مقدس می‌کنند، عوامل حداکثری برای تقویت ادراک ما در توجه به آن امر مقدس هم‌راستا می‌شوند. قوای حرکتی و حسی ما نیز کمتر غفلت‌زایی کرده، بلکه بیشتر کمک‌کننده‌اند. زیرا اموری که در برابر آنها است، منافرد ادراک مراتب بالاتر نیست. همچنین همه این فرایندها، خاطرات و عواطف و افکار ما را نیز در توجه به امر مقدس سوق می‌دهد. از این رو در مکان زیارتی، همه قوای حیوانی و انسانی ما در یک جهت و متوجه یک امر قرار می‌گیرد. این تمرکز، شدت ادراک را نیز بیشتر می‌کند. البته توجه از مرتبه حس آغاز شده و تا مرتبه عقل ادامه دارد. اگرچه عموم مردم در مراتب مختلف خیال قرار دارند. در نتیجه این توجه گسترده، مدرک در مراتب ادراکی‌ای که دارا است، وارد فرایند ادراک امر مقدس و توجه به آن می‌شود. هر نوع ادراکی نیز مستلزم اتحاد با صورت ادراکی آن است. در نتیجه این ادراک نیز مدرک در حرکت اشتدادی و جوهری خود، ارتقا پیدا می‌کند، و به امر مقدس (و شخص مقدس مدفون که مورد توجه اوست)، نزدیکی حقیقی پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، اتحاد عاقل و معقول، ادراک، الهیات زیارت

بازتاب ابعاد مختلف زیارت در گستره ادبیات فارسی

طیبه پرتوی راد

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران |
t.partovirad@gmail.com

چکیده

یکی از وجوه عبادات مذهبی و باورهای معنوی زیارت است که در ادیان و مذاهب مختلف به شکل‌های گوناگون بروز و ظهور دارد. گاه زیارت شکل فیزیکی یافته و در واقعیت جامه عمل می‌پوشد و گاه در ذهن و خیال صورت می‌گیرد و گاه حاصل رفت‌وبرگشت میان جهان درونی و جهان بیرونی انسان‌هایی است که به نیرو، مکان یا فرد خاصی ارادت خودآگاه یا ناخودآگاه دارند. از آنجا که یکی از کارکردهای مهم ادبیات از ابتدای شکل‌گیری، بهره‌گیری از آن برای ترویج باورهای دینی و اعتقادی و حتی تغییر نوع نگرش افراد به دین است، در این کارکرد شاعر یا نویسنده می‌کوشد منویات وجودی خود را با اعتقادات دینی و مذهبی درآمیزد و اثری بیافریند که بتواند بر خوانندگان مؤثر باشد. شاعران و نویسندگانی همچون ناصرخسرو، خاقانی، سنایی، امیرحسینی، مولوی، شیخ محمود شبستری، عطار، غزالی، شریعتی، جلال آل احمد و پرنوش صنیعی از جمله شاعران و نویسندگانی هستند که به نگارش زیارت خود از کعبه در مکه و مسجدالنبی در مدینه و آستان مقدس اهل بیت علیه‌السلام پرداخته‌اند یا از آن در آثار خود سخنی به میان آورده‌اند. اگرچه تعداد و حجم این نمونه‌ها بسیار نیست و نیازمند تدقیق در متون مختلف است ولی این اعتقاد در گستره وسیع ادبیات فارسی در قرون مختلف منعکس شده و در قالب سفرنامه‌ها و ذکر زیارت در آثار به نگارش درآمده است و مؤید این فرضیه است که نویسندگان و شاعران به عنوان بخشی از فضای فرهیختگی جامعه به این موضوع به صورت مفصل و گاه به شکلی موجز پرداخته‌اند و نه تنها از آداب زیارت و توصیف مکان و بیان احوال، سخن رانده که گاه نتایجی برخلاف باور ظاهری مردم از زیارت را با مخاطب خود به اشتراک گذاشته‌اند. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بازتاب ابعاد مختلف زیارت در ادبیات فارسی می‌پردازد و رویکرد متفاوت شاعران و نویسندگان به این موضوع را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، ادبیات فارسی، سفرنامه، آداب زیارت

آثار روان‌شناختی زیارت

عباس پسندیده

رئیس پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث؛ استاد دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران |
pasandide@qhu.ac.ir

چکیده

روان‌شناسی دین حوزه‌ای از روان‌شناسی است که ابعاد مختلف دین را موضوع تحلیل روان‌شناختی قرار می‌دهد. در این مقاله تلاش می‌گردد با محوریت کتاب روان‌شناسی، دین و معنویت (۲۰۰۹) اثر جی.ام. نلسون، مقاله آر. سی. هیلاریو با عنوان «کارآمدی و محدودیت‌های زیارت به عنوان درمانی برای افسردگی» (۲۰۲۳)، و مقاله میهالا راس و واسیل راس با موضوع «نیمرخ کلامی و روان‌شناختی زائر مسیحی» (۲۰۲۳)، برخی دیدگاه‌های روان‌شناسان دین نسبت به زیارت توضیح داده شود. نلسون زیارت را سفر از مکانی آشنا و رها کردن کار روزمره، به مکانی ناآشنا برای وصول به آرمان دانسته و به بررسی انگیزه، اهداف و مراحل آن می‌پردازد. از نظر او انگیزه‌های زیارت را می‌توان در قالب مناسکی، عبادی، ابزاری و گاه مبهم دسته‌بندی کرد. همچنین برخی از اهداف زیارت اصلاح بخشی از وجود، پاسخ به ندای درونی و خروج از روزمرگی است. تصمیم، جدا شدن از زندگی روزمره، حرکت به سمت فضای مقدس، ورود به فضای مقدس و تجربه مقدس، مراحل زیارت را تشکیل می‌دهند. هیلاریو معتقد است زائران در سفر زیارتی سعی در برقراری ارتباط با اعتقادات مذهبی خود را دارند؛ گویی زیارتگاه منبع حقایق و اعتقادات زائران است. در بحث افسردگی، پژوهش هیلاریو حاکی از آن است که افراد پس از زیارت، به دلیل تقویت ایمان درونی، حس رضایت و آرامش بیشتری در زندگی خود دارند. بیماران نیز پس از زیارت، توانایی بیشتری برای پذیرش ناتوانی خود پیدا می‌کنند. از نظر میهالا راس و واسیل راس، زیارت جستجوی اصالت و فرصتی برای توسعه شخصی است و آن را روشی جدید در ملاقات با خدا می‌داند که موجب بینش جدید در زندگی می‌شود. در مجموع، زیارت از منظر روان‌شناسان دین بازگشت به معنویت است و یک نوع انضباط معنوی به افراد می‌دهد. همچنین زیارت موجب ایجاد بینش جدید در زندگی می‌شود و یک نوع شیوه مقابله با سختی‌های زندگی است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، روان‌شناسی دین، جی.ام. نلسون، آر. سی. هیلاریو

تبیین تاریخی علل وقوع تغییرات در زیارتگاه‌ها و اصل زیارت در حجاز از قرن اول هجری تا سقوط خلافت عباسی

امین رضا توحیدی*

استادیار بخش معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران | tohidi@uk.ac.ir

مصطفی پیرمردیان

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران

سیداصغر محمودآبادی

استاد گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

اصغر منتظرالقائم

استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

نشانه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد برخی از زیارتگاه‌های حجاز از دوران قبل از اسلام مورد احترام ادیبانی چون زرتشتی بوده‌اند. این روایت که توسط مسعودی نقل شده و برخی روایات دیگر در گفتگوهای بین‌الادیانی اهمیت دارند. ولی در حال حاضر این مناطق به جز مسلمانان زائری ندارد. اما موضوع مهم‌تر تغییراتی است که پس از اسلام در زیارتگاه‌های حجاز پدید آمده است. چنان که تافرن هفتم جحفه و مسجد عظیم آن که یادآور غدیر است یک زیارتگاه مهم برای همه بود، اما با تسلط ایوبیان جحفه از مسیر زائران حذف شد و امروز جز خرابه‌های آن باقی نمانده است. نمونه دیگر قبر ابوذر غفاری است؛ جایی که اکنون به عنوان مرقد وی نشان داده می‌شود با محلی که در گذشته در فید زیارت می‌شد متفاوت است. تغییرات و حذف زیارتگاه‌های حجاز با مطالعه منابع در ابعادی گسترده ملاحظه می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد عوامل سیاسی همراه با اعتقادات خالص مذهبی پیروان مذاهب اسلامی موجب تغییراتی در زیارتگاه‌ها شده است. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال اساسی انجام شده است که طی قرون اول تا هفتم هجری قمری تغییرات در زیارتگاه‌های مد نظر مؤمنان و مقاصد زیارتی با سلطه جریانات خاص سیاسی چه نسبتی دارد؟ در پاسخ به این پرسش در مقاله فعلی با روش توصیفی-تحلیلی، مشخص گردید که بعضی از مقاصد زیارتی به دلیل تغییر مسیرها و نفوذ عوامل سیاسی و عقاید بدعت‌آمیز به کلی حذف گردیده و بسیاری از آنچه قبلاً زیارتگاه محسوب می‌گردید به دلیل تغییر باورها و حمایت سیاسی از عقاید جدید منسوخ گردیده‌اند. این تغییرات در مقاطع جداگانه بررسی شده‌اند؛ زیرا در هر مقطع نگاه جریانات سیاسی-مذهبی منبعث از ژئوپلیتیک زمانه متفاوت بوده است. تحقیق فعلی در پاسخ به این فرضیه‌ها به پاسخ‌هایی رسیده که مستندات درخور توجهی برای اثبات درستی فرضیه اصلی هستند.

کلیدواژه‌ها: زیارتگاه، زیارت، حجاز، سیاست، اقتصاد

بازنمایی حج در مثنوی‌های عطار

زهیر توکلی

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ایران | soltanal84@gmail.com

چکیده

زیارت در متون تصوف اقسامی دارد. مبتنی بر آموزه «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین فی الحق» (فصلت: ۵۳) دو اصطلاح سیر آفاقی و سیر انفسی ساخته شده است. یکی از جنبه‌های سیر آفاقی سیاحت سالک بوده است و اساساً یکی از کاربری‌ها یا کارکردهای خانقاه‌ها، زاویه‌ها و دایره‌ها پذیرایی و اسکان دادن صوفیان مسافر بوده است. از جمله اهداف مهم سفرهای صوفیان، زیارت قبور مشایخ یا زیارت مشایخ زنده و دریافت خرقه تبرک از دست آنان بوده است. در کنار این جنبه از زیارت، زیارت حج و سفر بادیه، شاید مهم‌ترین سفر زیارتی در متون تصوف باشد. این سفر دو اصطلاح دارد: حج بر توکل یعنی بدون هیچ اسباب سفر و حج بر تجرید یعنی اقتضار بر یک عصا و یک راویه (مشک آب). این سفر در انتها ممکن است به مجاور شدن صوفی در مکه منجر شود. مثلاً مهم‌ترین حکایت فرعی که عطار در ضمن روایت کلان منظومه‌هایش آورده و بلندترین این حکایات نیز هست، داستان شیخ صنعان است که در آن، شیخ صنعان، در مکه مقیم است و قریب پنجاه حج به جای آورده اما «خارج شدن از سیر و سلوک صوفیانه که تهی از تجربه عشق است» با رمز خروج از مکه به سمت روم بیان شده است و بازگشت دوباره شیخ صنعان به مکه از روم، رمز «برخاستن گردی سیاه که بین شیخ و خدا از دیرگاه، حائل و حجاب بوده» تلقی شده. زیارت کعبه بدین ترتیب، نمادی از لقاءالله است و مهم‌ترین دستمایه فرا رفتن از هنجار متدینان در حکایات مربوط به حج در آثار عطار، بر اساس همین رمز است: اگر خانه را دیدی و صاحب‌خانه را نه، حج نکرده‌ای: کعبه دل روی جانان دیدن است روی او در کعبه جان دیدن است گر چنین بینی جهان‌بین خوانمت ورنه نابینای بی‌دین خوانمت

کلیدواژه‌ها: حج، زیارت، تصوف، عطار

تبیین زیارت بر اساس اندیشه ابن‌سینا

سعید حسن‌زاده

دانشجوی دکتری گروه حکمت، فلسفه و منطق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران |
saeed.hassanzade@gmail.com

چکیده

رسائل متعددی منسوب به ابن‌سینا وجود دارد که در آنها به تبیین امور دینی و معنوی پرداخته شده است. ابن‌سینا در یکی از این رسائل، که در پاسخ به ابی سعید بن ابی‌الخیر است، به تبیین فلسفی زیارت و آثار آن پرداخته است. در این پژوهش به این مسئله پرداخته می‌شود که بر اساس این رساله چه تبیینی از زیارت می‌توان ارائه نمود و آیا این تبیین با اندیشه شیخ رئیس سازگاری دارد یا خیر؟ در نگاه ابن‌سینا اگر نفسی به مراتب بالای شرافت و کمال رسیده باشد به عقول و نفوس سماوی شبیه می‌شود و می‌تواند مانند آنها در عالم ماده تأثیر داشته باشد. این نفوس بعد از مرگ و مفارقت از بدن به دلیل مشابهت با عقول همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. کسانی که از این نفوس کمک می‌طلبند با استمداد از آن نفوس در شرایط خاص مستعد پذیرش افاضاتی از جانب آنها می‌گردند. اموری مانند اعتدال مزاجی، اجتماع مکانی بدن زائر و مزور، قوت و شرافت نفس زائر، دوری از دنیا و درگیری‌های مادی، فکر به عالم ملکوت و مانند اینها از جمله عواملی است که انسان را برای پذیرش افاضات نفوس شریف و مورد زیارت مستعدتر می‌کند. هرچند انتساب این رساله به شیخ رئیس قطعی نیست، به نظر می‌رسد بر اساس مبانی فلسفی او می‌توان از این تبیین دفاع کرد و آن را با اندیشه ابن‌سینا سازگار دانست.

کلیدواژه‌ها: زیارت، ابن‌سینا، نفوس شریف، تأثیر در عالم ماده

تحلیل نشانه‌شناسی «در» در ورودی آستان‌های زیارتی اسلامی بر اساس الگوی پیرس

کوثر حسن‌زاده

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران | hassanzadek60@gmail.com

چکیده

انسان موجودی معناآفرین است و تلاشش برای یافتن معنا را از تفسیر «نشانه‌ها» مورد توجه قرار می‌دهد. عناصر معماری را نیز می‌توان به عنوان نشانه در نظر گرفت و پیام‌های ارزشمندی را از آن دریافت کرد. هنگام ورود به هر مکان جدیدی، نوعی عبور از ساحتی به ساحتی دیگر به ظهور می‌رسد و این مهم به مدد یک عنصر ارتباطی میسر می‌شود. در معماری آستان‌های زیارتی اسلامی، «در» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیین‌های بسیاری در مواجهه با عنصر ارتباطی «در»، بیان شده‌است. نقطه شروع حرکت به فضایی معنوی محسوب می‌شود و همچنین تأکیدی بر آغاز آداب ورود و تشریف را بیان می‌کند. این پژوهش از طریق دانش نشانه‌شناسی بر اساس الگوی پیرس، عنصر معماری «در» را به عنوان نشانه‌ای معنایی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده؛ و با روش توصیفی-تحلیلی به تفسیر نشانه‌شناسانه «در» پرداخته‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: عنصر معماری «در»، علاوه بر ماهیت کارکردی‌اش، دربردارنده معانی قابل توجهی است و دانش نشانه‌شناسی به ما کمک می‌کند تا فهم بهتر و درک عمیق‌تری از این عنصر معماری داشته باشیم و آن را تفسیر کنیم. در معماری آستان‌های زیارتی، با تقسیم فضا به درون و بیرون توسط «در» شاهد هدایت و دعوت‌شدگی به محیط هستیم. نخستین آداب تشریف و حضور نیز از این‌جا آغاز می‌شود؛ دست بر سینه گذاشتن و عرض ارادت کردن، سلام دادن و اجازه ورود خواستن.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، پیرس، در، ورودی، زیارت

تبیین فلسفی فخر رازی از زیارت قبور

مرتضی حسین‌زاده*

استادیار فلسفه دانشگاه زنجان، زنجان، ایران | mhoseinzadeh@znu.ac.ir

فاطمه نجفی

طلبه سطح ۳ تفسیر

چکیده

یکی از موضوعات مورد بحث کلامی مسئله زیارت است. با مراجعه به آیات قرآن می‌توان مبنای قرآنی زیارت قبور را به دست آورد و به کمک سنت نبوی بر مشروعیت آن تأکید کرد. این در حالی است که برخی از مذاهب اسلامی معتقد به عدم مشروعیت زیارت قبور هستند و با استناد به روایاتی آن را غیرمشروع می‌دانند و حتی حکم به تخریب قبور داده‌اند. فخر رازی، فقیه شافعی، فیلسوف، متکلم اشعری و مفسر اهل سنت، از کسانی است که در رساله «زیارة القبور» با طرح مقدمات فلسفی مانند براهین تجرد نفس، باقی ماندن نفس بعد از مرگ و از بین رفتن بدن و عدم قطع تعلق ارتباط بین نفس و بدن بعد از مرگ به بحث زیارت پرداخته و تبیین فلسفی جامعی از زیارت ارائه کرده است. او از طرح این مقدمات این نتیجه را می‌گیرد که روح زائر با تربت قبر ارتباط می‌گیرد. از طرفی روح میت نیز با تربت در ارتباط بوده و در نتیجه روح زائر و مزور با هم ملاقات می‌کنند و زیارت تحقق پیدا می‌کند. فخر با تشبیه زائر و مزور به دو آینه مقابل هم، معتقد است شعاع و نور هر کدام به دیگری سرایت کرده و علوم هر کدام از آنها به دیگری منتقل شده و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، «زیارة القبور»، زائر، فخر رازی

زیارت: الگوسازی و الگوپذیری

حبیب‌الله حلیمی جلودار*

دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران |
jloudar@umz.ac.ir

معصومه نوروزیان عزیزی

طلبة سطح ۴ تفسیر تطبیقی حوزه علمیه حضرت خدیجه (س) بابل، مدرس حوزه، بابل، ایران

چکیده

انسان برای سیر در هر جهت از تعالی یا خلاف آن به الگوها توجه دارد. به همین دلیل خداوند رحمان پیامبر خاتم (ص) را الگوی بسیار مناسب برای تعالی بشر معرفی می‌نماید. یکی از راه‌های مهم و تأثیرگذار ارتباط با انسان‌های الگو زیارتشان است. «زیارت» در لغت به معنای میل و قصد چیزی یا کسی را کردن است و در عرف «زیارت کسی» عبارت از آمدن نزد او به قصد تکریم و تعظیم و انس گرفتن با وی است. بر این اساس، زائر کسی است که مزور را قبول دارد و بر او ارج می‌نهد و دوست دارد تا خود را به او شبیه سازد. لذا او را الگو و اسوه خود می‌گیرد. پس وجود انسان‌های کامل نقش بسزایی در الگوسازی و الگوپذیری دارد. در واقع زیارت را می‌توان یکی از آموزه‌های مهم مذهبی مسلمانان به شمار آورد. به همین جهت، این پژوهش با بهره‌گیری از آیات، روایات و منابع مرتبط، با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و نقش زیارت را در الگوسازی و الگوپذیری مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل این است که این عمل دو اثر مهم بر جای می‌گذارد: اول این که طی این فرایند زیارت‌شونده شخصیت محبوب و برجسته زائر می‌شود و این محبوبیت و دل‌بستگی موجب می‌شود تا زائر خود را به محبوب خویش شبیه سازد و اصول، روش و اهداف آن محبوب را سرلوحه زندگی خود قرار بدهد؛ دوم این که از این مسیر فضایی چون توحیدباوری، خودسازی، خضوع و خشوع، شکرگزاری، ازخودگذشتگی، مهرورزی، دگردوستی، ظلم‌ستیزی، امیدپروری، اتحاد و همبستگی، تبادل فرهنگ‌ها و... در زائر ایجاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: الگوسازی، الگوپذیری، انسان‌های کامل، فضایل اخلاقی، الهیات زیارت

نقش زیارت در طیب‌سازی قلب زائر

عین‌اله خادمی

استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران | e_khademi@ymail.com

چکیده

در ساختار انسان‌شناسی اسلامی، انسان در دو ساحت مادی و معنوی، بروز و ظهور فردی و جمعی دارد که صورت بندی او را به عنوان موجودی اثرگذار و اثرپذیر درهستی نشان می‌دهد. این بدان معناست که انسان در طبع اولیه خود متصل به خداست و برای حفظ این جریان، باید ارتباط خود را از رحم حقیقی دنیا (وجودبرگزیدگان) قطع نکند. «زیارت» به عنوان یکی از مصادیق صورتمندی انسان از طریق بستر ارتباط (زائر و مزور) ساحت درونی وی و جهت کلی زندگی را تنظیم می‌سازد. آنچه در ماهیت «زیارت» برای انسان نهفته است، وجود جریان دائمی متصل به حق است که با اثرگذاری بر بن مایه‌های درونی فرد مانند فطرت و قلب (صدر)، بقا و استمرار می‌یابد. «زیارت» به عنوان سندی راهبردی از یک فرآیند استعاده‌خواهی آغاز شده و در دو شکل تثبیت فضایل همچون بهسازی تفکر، اتصال به حق، توجه به حسنات و اصلاح شرور همچون اجتناب از کبائر و القائنات کاذبی چون نفاق، خدعه، حسد، اثر مستقیم دارد. بنابراین در حلقه اتصالی (زائر، مزور و خصیصه درونی قلبی) مراتبی از تعقل و معرفت برای زائر محقق می‌شود که عامل خروج انسان از مرحله تحیر و ورود به مرحله تسلیم عملی گشته و از آن با عنوان (قلب طیب) یاد می‌شود. اثر حقیقی قلب طیب در ارتباط بین ساحت عاطفی و شناختی انسان نمایان شده و چرخه بهسازی عقلی و حالات قلبی زائر را ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زائر، قلب طیب، زیارت، تعقل

الهیات زیارت و هنرهای سنتی

ایرج داداشی

استادیار دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران | dadashi@art.ac.ir

چکیده

سنت تنها به معانی متعارف و متداول آن محدود نمی‌شود و می‌توان آن را در قیاس با اصطلاحات مشابه در سنت‌های شرقی مانند سنت هندو که آن را ریته (Rta) و در سنت چینی تائو (Tao)، و در سنت مزدایی ارته (Arta) یا اشه (Asha)، می‌خوانند، بهتر دریافت. همچنین معنای ترکیب‌های قرآنی سنت‌الله و کلمات‌الله به عنوان بنیان‌های لن‌یتغیر و لن‌یتبدل الهی نیز به فهم دقیق‌تر آن یاری می‌رساند. درست است که هنر لفظاً به معنای انسان کامل و فاضل است و از دیرباز این لفظ برای نعت و وصف انسانی به کار می‌رفته که به کمالات و فضایل نائل آمده است، ولی می‌توان با اغماض آن را به معنای رایج آن در نظر گرفت و از هنر سنتی در برابر هنر مدرن یاد کرد. اگر مدرنیته به گفته هابرماس ارزش‌هایش را از درون خودش می‌کاود و خودبنیاد است؛ سنت به عکس آن، خدابنیاد است. برای همین، هنر سنتی یا صناعات به تعبیر متفکران مسلمان هنری است برآمده از اصول سنت‌های الهی. صناعات سنتی، در اندیشه حکما و عرفای مسلمان، یکی از دو شاخه حکمت عملی محسوب می‌شود. خواجه نصیر حکمت نظری را صورت و حکمت عملی را ماده یا هیولی خوانده است که بی‌یکدیگر ثبات و ثبوت ندارند. غرض و غایت صناعات یا در نظری عام‌تر حکمت عملی، نیل به کمال و سعادت است. همان گونه که در حکمت نظری هم همین است. پس هنر سنتی یا صناعات راهی یا طریقه‌ای برای کمال یافتن است. این معنا با لفظ هنر در معنای سنتی‌اش هم راست می‌آید که به معنای انسان کامل است. هنر سنتی یعنی هنری برآمده از اصول سنت. از آنجایی که کار و پیشه و هنر راهی برای نیل به کمال است، به نظر می‌آید هنر سنتی نوعی زیستن اصول سنت و نوعی وظیفه روحانی و مناسکی است که به حفظ و مشارکت در سنت یا بیرونی ساختن آن مدد می‌رساند. آداب جوانمردی در ایران و جهان اسلام، در واقع نوعی آیین‌نامه اجرای مناسک در قالب صناعات و هنرهاست. یکی از جلوه‌گاه‌های هنر سنتی در طول تاریخ تمدن اسلامی اماکن مقدس زیارتی و در رأس آنها خانه کعبه بوده است. در بناهای زیارتی موجود در ایران نیز معماری بنا و اشیاء موجود در این ابنیه، همگی ساخته دست هنرمندان سنتی است. اساساً خود هنر ضریح‌سازی به عنوان شاخصه اصلی بناهای زیارت یکی از هنرهای سنتی ایرانی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سنت، هنر، هنر سنتی، زیارت

زیارت به مثابه سفر روحانی در اندیشه فارابی

ریحانه داودی کهکی

دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران |
reihaneh.davoodi65@gmail.com

چکیده

از منظر فارابی هر انسانی در این عالم زائر است و هر کس به اندازه نسبتی که با عقل فعال دارد مزوری برمی‌گزیند. مسیر فیلسوف جز از طریق بسط عقل و طی مراتب ادراک میسر نیست. او طی مسیر خویش از طریق اتصال به عقل فعال در هر مرتبه از مراتب هستی از حس، خیال و وهم تا عقل، حضور می‌یابد. دیدگاه او بر این اساس از نظریه یادآوری افلاطون درباره ادراک و همچنین بدیهیات اولیه ارسطو متمایز می‌گردد چرا که حتی معلومات اولیه، خارج از وجود انسان و توسط افاضه عقل فعال است. این عقل اشراقی انسان را در سفر سیاحتی و زیارتی شناخت هستی و طی مراتب ادراکی پیش می‌برد و هر انسانی در این سفر مجذوب امری می‌گردد و این جذبه او را به زیارت مزور خویش می‌برد از این جهت مفهوم زیارت در دیدگاه فارابی از معنای عرفی مکانی آن عبور کرده و سیری انفسی و روحانی است. در این نوشتار با مطالعه آثار فارابی و به روش تحلیلی به این سؤال پاسخ خواهیم داد که رابطه زیارت و کمال انسان در فلسفه فارابی چیست؟ آیا زیارت سبب کمال و سعادت انسان است یا سعادت و کمال خود زیارت است؟ در دیدگاه فارابی فیلسوف با تحولاتی که در نفس او پدیدار می‌شود سخن می‌گوید. تحول در نفس میسر نیست مگر در طلب و سپس کسب علم. علم نیز در پرتو عمل به دانسته‌های یقینی نو و تازه می‌گردد و تحول، در این چرخه تودر توی شناخت و عمل حاصل می‌شود و زیارات متعدد نفس با نفوس متعالی تا در نهایت زیارت مزور اصیل و زیبا -زیارت خداوند- رخ می‌دهد. در دیدگاه فارابی زیارت در ابتدا جذبه‌ای رقیق است از حضور در ساحت آن مزور و در انتها جذبه کامل و عشق است که در پی تلاش زائر و افاضه عقل فعال حاصل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، سفر معنوی، فارابی، مراتب زائر

تأملی در باب زیارت و زنان عصر قاجار با مرور سه سفرنامه زن‌نگار

زهرا داورپناه

استادیار پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران | davarpanah@wfric.ac.ir

چکیده

پیشفرض رایج درباره زنان عصر قاجار، بیشتر دال بر محدودیت و محرومیت از حضور در اجتماع و حتی جهل و ناتوانی زنان در نظامی شدیداً مردسالار است. با این حال آثاری از آن عصر باقی مانده که توسط خود زنان نگارش یافته و این کلیشه را به چالش می‌کشد. بخشی از این آثار به سفرنامه‌های زنان و یادداشت‌های ایشان از سفر حج و عتبات عالیات اختصاص دارد. مطالعه این سفرنامه‌ها به ما تصویری از زیارت در نگاه زنان و نیز اوصاف خود زنان زائر ارائه می‌دهد. در بررسی سفرنامه‌های زنان از رویکرد کامران اسکات آقایی و آرای او درباره نسبت زنان و مناسک محرم در عصر قاجار بهره‌مند خواهیم شد. وی متخصص تاریخ شیعه در عصر حاضر در ایران و خاورمیانه و همچنین مباحث مربوط به جنسیت است و در برخی آثار خود از جمله دو کتاب زنان کربلا: مناسک و گفتمان‌های نمادین در اسلام شیعی مدرن و شهدای کربلا: نمادها و مناسک شیعی در ایران مدرن به نسبت زنان با عاشورا و مناسک عاشورایی پرداخته است. آقایی معتقد است این مناسک، برای مثال تعزیه‌ها و روضه‌ها، از سویی مایه تداوم و تقویت نظام جنسیتی و آداب دینی و اجتماعی مرسوم درباره زنان بودند، لکن از سوی دیگر فرصت‌هایی برای استقلال، تأثیرگذاری اجتماعی و مشارکت بیشتر زنان به شیوه‌های دلخواه و مدنظر خودشان فراهم می‌کردند. به همین شکل به نظر می‌رسد زیارت علاوه بر جنبه مذهبی آن، با خارج ساختن زنان از مکان و جامعه روزمره فرصتی بی‌بدیل برای ظهور فردیت و توانایی‌های این زنان بوده است. به این ترتیب زیارت‌های زنان قاجار به ما تصویری متفاوت و کلیشه‌شکن از زن سنتی ایرانی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زنان قاجار، کلیشه‌های جنسیتی، سفرنامه، عاملیت

بازخوانی انتقادی و تکمیل استدلال فلسفی بر نبوت عامه با نظر به مؤلفه‌های زیارت

مه‌دی دوستان

پژوهشگر پسادکتری دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران |
mahdi.doustan@gmail.com

چکیده

زیارت به عنوان منسکی که در میان عموم ادیان و مذاهب مشترک است می‌تواند نماینده ابعاد مختلف مقوله دین و گستره آن در زمینه‌های متفاوت حیات انسان تلقی گردد. اگرچه ادعای تجلی تمام وجوه دین در یک منسک خاص دشوار می‌نماید و لذا نباید بررسی مؤلفه‌های زیارت را به منزله احصای کامل ابعاد دین به شمار آورد، اما استفاده از این ابزار به منظور نقد دیدگاه‌های مختلف دینی در جهت پرهیز از رویکردهای تک‌بعدی و انحصارگرایانه درخصوص دین موجب و معقول خواهد بود. از طرف دیگر استدلال مشهور ارائه‌شده در باب اثبات نبوت عامه چهره خاصی از دین به تصویر می‌کشد که به نظر می‌رسد نیازمند تکمیل و ترمیم است. در آن استدلال ابتدا نیاز انسان به قانونی کامل در عرصه اجتماع با استفاده از قول به حیات اجتماعی ذاتی او (الانسان مدنی بالطبع) اثبات می‌گردد و سپس با ضمیمه این مقدمات که عقل بشری برای تدوین چنان قانونی کافی نبوده و خداوند نیز دارای صفاتی همچون حکمت، رحمت، علم و قدرت است، ضرورت تنظیم و ابلاغ قانون مذکور از سمت واجب‌الوجود تبیین می‌شود. مقایسه مؤلفه‌های مختلف زیارت با استدلال مذکور نشان می‌دهد که نیازهای انسان -در قیاس با استدلال مذکور- قابل تعمیم بوده و به ضمیمه مقدمات دیگر، وجوه متکثر و متنوعی برای اثبات خواهد شد. زیرا در زیارت علاوه بر جهات مربوط به قانون و عمل اجتماعی، عمل فردی نیز مورد توجه است (مانند وجه فردی مناسک مربوطه). همچنین با ترکیبی از عناصر گرایشی و عاطفی (همچون محبت و تسلیم در برابر شخص مَ‌زور) و وجوه ادراکی و اندیشه‌ای (از جمله شرط معرفت به حق شخص مَ‌زور) در زیارت مواجه هستیم که ضمن ابتنا بر مبادی وجودشناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص، مستلزم توسعه‌ای ویژه در برهان پیش‌گفته و اتخاذ رویکردی چندبعدی به دین خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: نبوت عامه، مؤلفه‌های زیارت، گستره ابعاد دین، منسک

بررسی تطبیقی زیارت در تفسیر المیزان و المنار

علیرضا دهقانپور*

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران |
dehqanpour@khu.ac.ir

سپیده سادات شاه طاهری

دانش‌آموخته الهیات دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

زیارت به عنوان مفهومی مستقل و یا دربردارنده توسل، تبرک و شفاعت، با برداشت خاصی از توحید عبادی - که از نظر تفسیر المنار رکن دین است - منشأ شبهاتی است. در این مقاله با تحلیل متن تفسیر المیزان و المنار، نظر هر دو مفسر طرح و مقایسه می‌شود. رشید رضا با رویکرد سلفی - که بر سه اصل تأکید بر نقل، ظاهرگرایی و تکفیر استوار است - زیارت را شرک می‌داند. او به حکم آیه (وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) دو نوع عبادت را مطرح می‌کند، عبادت خالصانه و عبادت مشرکانه که همان توسل، تبرک و زیارت است؛ زیرا توجه به انبیاء و صالحان منافی خلوص برای خداست. علامه طباطبایی در تعریف توحید عبادی می‌گوید اطاعت بدون قید و شرط و بالاستقلال همان عبادت و پرستش است و مختص به خدای سبحان است. ایشان وجه فارق را نگرش استقلالی می‌داند. مهم در توحید، انحصار استقلال برای خداست. توسل نزدیکی به خدا به غرض حاجتی، با واسطه قرار دادن حقایقی منتسب به خدا است. تبرک طلب خیر و فزونی از اولیای الهی یا آثار برجامانده از آنهاست. شفاعت طلب رفع عذاب و در خواست بخشش مستحق عقاب از جانب خداوند است. از نظر رشید رضا توسل و قرار دادن واسطه میان خدا و خلق بدعت و کاری به مانند کار بت‌پرستان و از درجات بالای شرک است؛ زیرا دعا و خواندن عبادت است و به حکم آیه، عبادت فقط از آن خداست. المیزان با تفاوت در تعریف عبادت و فرق بین توسل جاهلی به بت‌ها و توسل صحیح قرآنی (وابتغوا الیه الوسیله)، نظر المنار را نمی‌پذیرد؛ زیرا توسل به اسباب منافاتی با اخلاص ندارد، بلکه اعتماد به اسباب با اخلاص منافات دارد. رشید رضا زیارت قبور و تبرک به آن را در عداد بت‌پرستی می‌شمارد، ولی علامه در المیزان زیارت قبور بزرگان دین را به حکم قرآن، مصداقی برای تعظیم شعائر می‌داند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، توسل، تبرک، المیزان، المنار

ارتباط زیارت و زیبایی‌شناسی در الهیات مسیحی

هادی ربیعی

استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران |
hadirabie@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث قابل توجه در الهیات مسیحی قرون وسطی زیارت و چگونگی ارتباط آن با دیگر حیطه‌های تفکر و فرهنگ مسیحی است. پژوهش حاضر در پی یافتن وجوه ارتباط میان زیارت و زیبایی‌شناسی در الهیات مسیحی است. در تفکر الهیاتی مسیحی حداقل از چهار جنبه کلی درباره «زیارت» سخن گفته شده است. این وجوه عبارتند از: زیارت به مثابه نوعی سفر به سوی یک مکان مقدس (سفر زیارتی)، زیارت به مثابه خواندن ادعیه و اورادی خاص (زیارت خوانی)، زیارت به مثابه تکریم، تقدیس یا عبادت در برابر یک امر مقدس و زیارت به مثابه مواجهه با امری نمادین. در آثار الهیات مسیحی مباحث متعددی درباره «هنر و زیبایی‌شناسی» قابل استنباط است. افزون بر این، آثار هنر مسیحی، به ویژه آن دسته از آثار که به کلیساها و زیارتگاه‌ها مربوط می‌شوند، را می‌توان گونه‌ای بازنمود نظرات الهیاتی در هنر و زیبایی‌شناسی مسیحی قلمداد کرد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که زیارت و زیبایی‌شناسی مسیحی حداقل از چهار جهت ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند که عبارتند از: تأثیر سفرهای زیارتی در شکل‌گیری آثار هنر مسیحی و نظریه‌پردازی درباره آنها، نقش و جایگاه سرودها و نغمات موسیقی در زیارت‌خوانی مسیحی، آثار هنری به مثابه متعلق زیارت و بحث از روایی زیارت آنها، و در نهایت معنای نمادین آثار هنری که متعلق زیارت قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، الهیات مسیحی، زیبایی‌شناسی مسیحی، هنر مسیحی

زیارت، سفر به مقصد خودیابی

رسول رسولی‌پور

دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | rasouli@khu.ac.ir

چکیده

پرسش منون از سقراط که «چگونه در پی چیزی هستی که ذاتش بر تو پوشیده است؟»، به هیچ وجه درباره این نیست که آیا می‌شود ناشناخته‌ها را شناخت و به آنها دست یافت، بلکه درباره این است که چطور باید در پی‌شان بود و چطور به مقصدشان راهی سفر شد. طریق زیارت مشترک و همگانی است، و در همین طریق مشترک و همراهی با دیگر بندگان است که حقیقت خویش را می‌یابیم. کار زیارت همین است؛ تحولی وجودی که ناشی از سفر از خانه خود به خانه‌های بزرگ بندگان خداست. درک این حقیقت به زائر امید می‌دهد که خطر کند و به سفر زیارت برود، مهم نیست چه اتفاقی در راه می‌افتد. زیارت موضوع مقدس‌تر بودن یک مکان نسبت به جاهای دیگر نیست، بلکه به زیارت رفتن موضوع پاسخی است به چیزی در درون ما که مشتاق به آن سو رفتن است؛ و در جستجوی آن‌سوتر، خود را یافتن. زیارت اشتیاق به گوشه‌گیری و انزوا نیست؛ در عین حال، فرصتی است برای گم شدن در دوری و سکوت، خلوتی برای بازگویی آنچه گوش و محرمی برایش نبود، چرخشی در آرزوها و تمناهایی که ظرفی برای تحققش نمی‌نمود، و تلاشی برای ساختن تصمیم‌هایی که پیش از این جسارت و همتش هیچ گاه نبود. گم شدن در ذات چیزهاست، نه پیدا شدن. گم کردن خود یعنی تسلیمی لذت‌بخش، گم‌شده در آغوش پروردگار، بی‌اعتنا به جهان، یکسره غرق در آنچه حاضر است؛ طوری که همه چیز اطرافمان محو شود. به قول والتر بنیامین، گم بودن یعنی حضور تمام و کمال. و حضور تمام و کمال یعنی داشتن ظرفیت ماندن در حیرت و رازآلودگی. انسان گم نمی‌شود بلکه خودش را گم می‌کند؛ این انتخابی آگاهانه است؛ وضعیتی روانی که دستیابی به آن از راه جغرافیاست. حرم‌ها و معبدها و مرقد‌ها مکان‌های خودیابی و آشتی با الگوهای بزرگ معنوی و اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، سفر، گم شدن، پیدا شدن، مکان

واکاوی ماهیت زیارت معصومان علیهم‌السلام و نسبت آن با لقاء الهی بر پایه روایات امامیه

امیر رضاقلی

دانشجوی دکتری دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران |
jangenarm123@gmail.com

چکیده

زیارت به عنوان یکی از دستورات معصومان علیهم‌السلام، از جمله عناصر ایجاد ارتباط دوسویه میان مؤمنان و ایشان است. بسیاری از روایات امامیه، ماهیت زیارت را تجدید عهد میان مؤمن و امام علیه‌السلام دانسته است؛ تجدید عهد ایمانی مؤمن با امام علیه‌السلام، از دو طریق زیارت مشاهد ایشان از نزدیک و زیارت از راه دور صورت پذیرفته و زائر در هر دو طریق، با امامی دیدار و او را زیارت می‌کند که حی بوده و نسبت به درود و خواسته‌های او، شنوا و بیناست. بر پایه روایات امامیه، لقاء خداوند متعال نیز به نوعی زیارت و دیدار با خداوند به شمار آمده است. از جمله مسلمات معارف اهل بیت علیهم‌السلام آن است که خداوند با چشم سر رؤیت نشده و جسم و پیکر و مکان ندارد. بر این اساس، معنای آنچه از زیارت خداوند و لقاء با او تعبیر می‌شود، معنایی غیر از زیارت جسمی دارد. با مراجعه به روایات امامیه روشن می‌شود که زیارت امام علیه‌السلام، دیدار با خداوند و زیارت اوست؛ زیرا بر اساس قرآن کریم، اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیعت با ایشان، اطاعت از خداوند و بیعت با اوست. و از آن رو که مقامات نبی اکرم صلی الله علیه و آله، غیر از نبوت، در معصومان علیهم‌السلام نیز جاریست، اطاعت از معصومان نیز هم‌پایه اطاعت از نبی اکرم است. با این بیان، زیارت ایشان نیز زیارت خداوند است؛ زیرا آنان «وجه الهی» نیز هستند و متوجه به وجه خدا شدن، از طریق ایشان ممکن است.

کلیدواژه‌ها: ماهیت زیارت، زیارت خدا، عهد، زیارت امام

بررسی مناسبات زیارت و جهان زندگی بر اساس حکمت صدرایی

مهدی سلطانی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران | m.soltani@bou.ac.ir

چکیده

برخی پژوهشگران عرصه زیارت، با تفکیک تعامل‌های روزمره از ارتباطات اجتماعی زیارت، شروع به دوگانه‌سازی کرده‌اند و ارتباط‌های اجتماعی زیارت را به عنوان نوعی عدول از تعاملات زندگی روزمره توضیح داده‌اند. شروع این نوع دوگانه‌سازی به جهان مسیحیت بازمی‌گردد. در جهان مسیحیت، از آگوستین دوگانه‌سازی‌هایی همچون شهر خدا و شهر زمین رواج یافته است. از نظر آگوستین، پیشرفت همان زیارت است و انسان به عنوان زائر شهر خدا در مسیر این زیارت به پیشرفت می‌رسد. اما جهان الهیات شیعی و حکمت متعالیه که بازتوضیح جهان الهیات شیعی است، این دوگانه‌سازی را برنرفته و اظهار می‌دارد که زندگی همواره زیارت است. زندگی سیر و سفر است و انسان زائر این زندگی است. قوام وجودی زندگی به الهیات شیعی است که در تجلی تام آن امام قرار دارد. امام تجلی تام الله و واجد صفات جمالی و جلالی است. انسان در سیر و سفر زندگی در تلاش است تا این صفات را در خود پیاده سازد. حرکت جوهری که بر سراسر وجود زندگی جریان دارد قوام و صورت‌یافتگی‌های مختلفی را بر شخص انسان به عنوان نوع اخیر محقق می‌سازد. در این سفر، انسان زائر امام در سفر زندگی است، منتها یا به سوی اسمای جمالی امام رهنمون است و یا به سمت اسمای جلالی امام. نکته جالب توجه آن است که در قرن چهاردهم میلادی، اروپاییان نیز زیارت را به سفر زندگی معنا می‌کردند، همان طور که در حکمت متعالیه زیارت به معنای سفر زندگی است، زندگی‌ای که قوام وجودی آن به امام است. هرچند انسان در سراسر زندگی زائر است و از امر قدسی جدا نمی‌شود، اما بر اساس مفاهیم حقیقت و رقیقت در حکمت متعالیه، حضور امر قدسی در برخی مکان‌ها و زمان‌ها (مانند حرم‌های شریفه و یا روز عرفه) به حقیقت است و در سایر مکان‌ها و زمان‌ها - به نحو تشکیکی - به رقیقت.

کلیدواژه‌ها: زیارت، ارتباطات اجتماعی، حکمت متعالیه، جهان زندگی، الهیات شیعی

تحلیل مراتب ظاهری و باطنی زیارت و نسبت‌سنجی آنها

روح‌الله سوری

استادیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | souri@khu.ac.ir

چکیده

زیارت در خوانش عمومی به معنای رویارویی جسمانی زائر با بدن یا تربت اولیای الهی است. این گونه زیارت در عین ضرورت و سودمندی، همه حقیقت زیارت نیست. بر پایه اصالت و تشکیک وجود، هم زیارت‌کننده و هم زیارت‌شونده دارای مراتب جسمانی، مثالی، عقلی و فراعقلی هستند که زیارت در همه این نشئات امکان‌پذیر است. بی‌گمان زیارت‌شونده ویژگی‌هایی دارد که زیارت را در باور زیارت‌کننده سودمند ساخته می‌سازد؛ مانند ارتباط با عالم غیب و نیروی تأثیرگذاری در جهان. این ویژگی‌ها به جنبه‌های باطنی زیارت‌شونده اختصاص دارند؛ زیرا بدن و جنبه‌های ظاهری در مردم عادی نیز هست اما چنین توانایی ندارد. بنابراین اگر بدن یا تربت اولیای الهی آثاری دارد، در واقع این آثار روح و باطن آنهاست که از پیکرشان بروز می‌کند. از این رو آنچه شایستگی بیشتری برای زیارت دارد، مراتب باطنی زیارت‌شونده است. زیارت باطنی به معنای بهره‌مندی، همانندی و حتی یگانگی با کمال‌هایی است که در مراتب باطنی زیارت‌شونده نهفته است. این همان نکته سودمندی است که زیارت ظاهری را موجه و معقول می‌سازد. زیارت ظاهری برای این که بتواند بستر شایسته‌ای برای زیارت باطنی فراهم سازد به آداب و مراقبه‌های ویژه‌ای نیاز دارد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی مراتب گوناگون زیارت را تبیین کرده و نسبت آنها را بررسی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: زیارت ظاهری، زیارت باطنی، آداب زیارت، اتحاد وجودی، حقیقت زیارت

بررسی کارکرد تاریخی پناه‌دهندگی و دادخواهی زیارتگاه‌ها در ایران با تکیه بر حرم امام رضا (ع)

سید علاءالدین شاه‌رخ

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، لرستان، ایران | shahrokhi.a@lu.ac.ir

چکیده

اقامت و پناه گرفتن مردم در جوار اماکن مقدس زیارتی به منظور دادخواهی و رهایی از مجازات و یا نجات جان، خاص مردم ایران نبوده و از گذشته‌های دور میان اقوام مختلف رواج داشته است. دادخواهی از نظر ایرانیان با نمادهای دین اسلام به ویژه قرآن مجید، پیامبر اکرم (ص) و خاندانش (اهل بیت عصمت و طهارت) ارتباطی عمیق و معنادار داشته و در تاریخ آنان تجلی یافته است. این موضوع موجب این دغدغه فکری و سؤال است که چگونه در این راستا زیارتگاه‌ها خصوصاً حرم ثامن الحجج (ع) در شرایط گوناگون و به ویژه در اوضاع بحرانی، پناهگاه مردم و محل دادخواهی ایرانیان بوده‌اند؟ این تحقیق با استفاده از روش پژوهش تاریخی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. یافته‌های پژوهش گویای این واقعیت است که در فقدان هر گونه فضای حداقلی برای طرح درخواست‌های حقوقی مردم در برابر قدرتمندان و صاحب منصبان، بر اساس پیشینه قداست و پناه‌دهندگی مکان‌های مقدس، زیارتگاه‌ها و از همه مهم‌تر حرم رضوی تنها محل امن مردم بی‌پناه برای گفتگو با حاکمان و صاحبان قدرت بوده است. زیارتگاه‌ها به ویژه حرم امام رضا (ع) کارکردهای دیگری از جمله اعتکاف، شفاطلبی بیماران، درخواست بخشش، دادخواهی یا پناه‌دهندگی از ستم حاکمان مستبد نیز بوده است که در موارد متعددی امکان کمک و لطف به این افراد فراهم می‌شد و در مواردی نیز مغری فراهم نمی‌آمد. علاوه بر موارد شخصی، مهم‌ترین وقایع پناه‌دهندگی و اجتماع عمومی در حرم رضوی در دوران معاصر، حضور مردم مشهد در اعتراض به امتیازنامه رژی در دوران ناصرالدین شاه قاجار بود؛ همچنین در جریان مشروطیت، به سبب اجتماع مردم در این مکان، رکن‌الدوله والی خراسان حرم امام رضا (ع) و مسجد گوهرشاد را به توپ بست. سرانجام به واقعه مسجد گوهرشاد در تیرماه ۱۳۱۴ باید اشاره نمود که از آن به عنوان قیام علیه بی‌حجابی یاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حرم امام رضا (ع)، زیارتگاه، کارکرد، فرهنگ دادخواهی، خشونت.

گونه‌شناسی زیارت در دین و فرهنگ یهود

محسن شرفایی

پژوهشگر و مدیر گروه ادیان و مذاهب، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ایران | sharfa3700@yahoo.com

چکیده

یهودیت در کنار مسیحیت و اسلام، بر زیارت تأکید فراوانی دارد، و از نظر تاریخی، در این زمینه، پیشرو محسوب می‌شود. چنان که بیت المقدس، مقدس‌ترین مکان مذهبی آنها، به طور مشترک از سوی دو دین دیگر گرامی داشته می‌شود. همچنین آرامگاه انبیاء و بزرگانی همانند حضرت داود (ع) بر فراز کوه صهیون، سموئیل نبی در شمال اورشلیم، راحیل در میانه اورشلیم و بیت لحم، نقطه‌ای برای پیوند این سه دین الهی فراهم آورده‌اند. پیچیدگی و گستردگی حیطه زیارت در فرهنگ یهودی به گونه‌ای است که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف سنخ‌شناسی نمود. از این رو، هم از حیث باور، نیت و انگیزه، صورت‌های زیارت و انواع اماکن زیارتی قابل بررسی است. برای نمونه برای مکان‌های زیارتی می‌توان از سه دسته نام برد: (۱) معبد اورشلیم و مکان‌هایی که در قدس و اطراف آن پدید آمده‌اند. این زیارتگاه‌ها تاریخی بوده، در کتاب مقدس از آنها نام برده شده، و مزار مشایخ و انبیای یهود هم جزئی از آنها به شمار می‌آید؛ (۲) آرامگاه دانشمندان تلمودی و قبلائی که عموماً در جلیل واقع شده‌اند؛ (۳) مراکز مختلفی که در دوره جدید به وجود آمده‌اند، و بیشتر یادواره‌هایی برای حکما و دانشمندان و برخی حوادث تاریخی هستند. نوشتار حاضر می‌کوشد سنخ‌های مختلف زیارت را در فرهنگ یهود آن هم با رویکرد توصیفی-تاریخی تبیین نماید. آنچنان که از بررسی‌های تاریخی به دست می‌آید، برخی از گونه‌های جدیدتر زیارت که شامل یادبودها و زیارت مجازی می‌شوند، به اقتضای شرایط اجتماعی و تاریخی یهودیان طی سده گذشته به وجود آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، معبد اورشلیم، انبیا و مشایخ، حکمای تلمودی، جلیل

زیارت به مثابه مواجهه‌ای جسمی و روحی بر اساس عرفان اسلامی

زهرا شریف

استادیار گروه مبانی نظری جنسیت، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران | za.sharif.za@gmail.com

چکیده

در عرفان اسلامی قاعده‌ای به نام ترقّح اجساد و تجسد ارواح وجود دارد. تروحن حالتی برای بدن است که از مادیت محض ارتقا پیدا می‌کند و با حفظ حالت مادی خود، دارای خصایص و لطافت مجردات نیز می‌گردد. از سوی دیگر ارواح نیز با احتفاظ بر ذاتیات خود می‌توانند در عالم اجساد حضور یابند و رنگ آنها را بگیرند. امکان جمع شدن ویژگی مجرد و مادی در امر واحد به دلیل عدم بینونت ذاتی میان مجرد و مادی و قابلیت اتحاد کامل روح و بدن از منظر عرفان اسلامی است. انسان کامل و کون جامع نمونه بارز جسد تروحن‌یافته و روح متجسد است. بر این اساس روح و جسم اولیای الهی حتی بعد از پایان یافتن عمر دنیایی، به دلیل عینیت حاصل شده، دچار مفارقت از بدن نمی‌گردد. بنابراین نه بدن دچار تلاشی می‌گردد و نه روح از تدبیر امری غیری و عارضی فارغ می‌گردد، زیرا بدن تبدیل به شأنی از آن شده، از رابطه تعلقی به رابطه وحدت حقیقی عبور کرده است. بر اساس این دیدگاه، زیارت مواجهه با جسدی صرف و یا حضور روحی جدای از بدن نیست، بلکه تشرف نزد نفس‌الامری است که به دلیل تحقق وحدت حقیقی، وجودی یکپارچه و غیرقابل زوال است. ائمه علیهم السلام شبیه‌ترین حقایق به احدیت جمع الهی هستند که مقام «فوق جمع بین مادیت و تجرد» است. این به معنای نفی مرگ از ایشان نیست، اما سؤالی که پدید می‌آید این است که آیا چنین بدنی کارکرد قبل از زمان مرگ را خواهد داشت و اگر ندارد چه غایتی برای آن مترتب است؟ یکی از پاسخ‌ها تقریر جسمانی بودن معاد است که از این رهگذر قابل فهم خواهد بود. از میان فلاسفه ملاصدرا و حکیم زنوزی و در بین عرفا ابن عربی چنین امری را پذیرفته‌اند. بسیاری از روایات و مفاد زیارت‌نامه‌ها بر اساس این دیدگاه در معنای ظاهری قابل فهم و بی‌نیاز از تأویل -به معنای حمل بر معنای غیرظاهر- می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تروحن، تجسد، زیارت، عرفان اسلامی

نسبت انسان و زیارت

محمدرضا شمشیری

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی (خوراسگان)، اصفهان، ایران |
mo_shamshiri@yahoo.com

چکیده

این جستار درصدد است تا زیارت را با رویکردی انسان‌شناختی و برون دینی و با روش تحلیلی-استنباطی چونان جزیی جدایی‌ناپذیر از ساحت حیات انسانی و تلاشی در گشودگی انسان به جهان، فارغ از زمان و مکان آفاقی، مورد مطالعه قرار دهد؛ ساحتی که حیثیتی هستی‌شناسانه، انسانی و انفسی خواهد داشت. از این رو مسئله اصلی این است که آیا به واقع نسبت انسان و زیارت صرفاً نسبتی است که در زمان و عصر برقرار می‌شود یا که این نسبت فراتر از معنای آفاقی مستخرج از معنای واژگانی و اصطلاحی «زیارت» بوده بلکه مقدم بر آن، حیثیتی انفسی داشته و زائر بودن در هر زمان و مکانی از انسان، جدایی‌ناپذیر است؟ در این راه، عنصر آئینی و نماد دینی در معرفی زیارت و عناصری چون تمنا و امید در ساحت انسانی و التزام و وفا در رابطه من-تویی انسان با خدا به بحث گذاشته شد. نتیجه آن که بنیان شکل‌دهنده به زندگی انسان از حیث انسانی و تداوم فرایند «شدن» به «بودن» در زیارت گذاشته شده و زیارت فرایندی پیوسته و پویا دیده شده که برای آن پایانی در زمان متصور نیست. از این روست که انسان در آفاق و انفس «زائر» است و لذا زیارت، بیش و پیش از آن که صبغه دینی داشته باشد، اصالتی انسانی دارد و گویا انسان به آفرینش آمده است تا زائر باشد و زیارت کند و انسان غیرزائر نا-انسان است.

کلیدواژه‌ها: انسان، خدا، رابطه، زائر، زیارت

زیارت به مثابه رشته‌ای علمی

سید رضا شیرازی

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران | srshirazi@yahoo.com

چکیده

سیاحت (گردشگری) و زیارت دو موضوع شبیه به هم با اهدافی متفاوت هستند. در حالی که گردشگری با مفاهیم لذت، تفریح و اوقات فراغت همراه است، مفاهیم معنویت، تطهیر و عبادت قرین زیارت‌اند. پژوهش‌ها در حوزه گردشگری به حدی گسترش یافته است که گردشگری به عنوان رشته‌ای در مجامع علمی پذیرفته شده و اندیشمندانی در این حوزه دانشی مشغول به فعالیت هستند. گردشگری پای خود را از این فراتر نهاده است و زیارت را زیرشاخه‌ای از مباحث خود با عنوان «گردشگری دینی» قلمداد کرده است. ویژگی‌های درآمدزایی ارزی، اشتغال‌زایی و فرابخشی بودن گردشگری، باعث اهتمام دولتها به آن و در نتیجه غلبه توجه به گردشگری شده است. هدف این مقاله اثبات این امر است که موضوع «زیارت» دارای مسائل متعدد علمی است که نیازمند پاسخ هستند و در صورت پاسخ روشن‌تر بدانها دانشی تولید خواهد شد که قابلیت پی‌گیری و توسعه را داراست. در این مقاله پس از اثبات فلسفه علمی دسیپلین بودن زیارت، به وسیله الگو قرار دادن رشته گردشگری و کاربرست مسائل آن به زیارت و همچنین بررسی، نقد و بهره‌گیری از نظام موضوعات و شبکه مسائل پیشنهادی فعالیتهای علمی سابق (طرح توسعه کمی و کیفی زیارت، برنامه علمی زیارت، هیئت اندیشه‌ورز زیارت و...) فهرست اهم موضوعات و مسائلی که در این دانش باید پی‌گیری شود، گزارش می‌شود. این فهرست در هفت شاخه اصلی: ۱) الهیات زیارت، ۲) اقتصاد زیارت، ۳) مدیریت زیارت، ۴) مطالعات اجتماعی زیارت، ۵) دیپلماسی زیارت، ۶) معماری زیارت و ۷) زیارت و مسائل شهری ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: گردشگری دینی، اقتصاد زیارت، توریسم مذهبی، سفرهای زیارتی

الهیات زیارت بین مناسک و اخلاق

مسعود صادقی

استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران | masoudsadeghi@ut.ac.ir

چکیده

زیارت در مطالعه پدیدارشناختی دین در مقوله شعائر و مناسک قرار می‌گیرد. شعائر و مناسک در جوامع پیشامدرن نقش و کارکرد اجتماعی و سیاسی مهمی بر عهده داشتند. پیشرفت و رشد فرهنگی جوامع اگرچه اجتناب‌ناپذیر نیست، اما تحقق آن در جوامع مدرن همراه با رشد آگاهی اخلاقی بوده است، و اخلاق توان این را پیدا کرده است که برخی از کارکردها و نقش‌های سیاسی و اجتماعی شعائر و مناسک را عهده‌دار شود. این توان را هم فیلسوف تومیستی مسیحی، ژاک ماریتن، و هم فیلسوف کانتی فرهنگ، ارنست کاسیرر، مورد توجه قرار داده‌اند. در جوامع پیشامدرن هم هر جا آگاهی اخلاقی محوریت یافته است بر این جایگزینی تأکید شده است. در سنت ایرانی و اسلامی آثار سعدی شیرازی نشان از این محوریت یافتن اخلاق دارد و نشانگر نوعی رشد اخلاقی است. سعدی غیر از نماز و روزه به عنوان دو شعائر اصلی اسلام به حج و سفر حج به عنوان مهم‌ترین مناسک زیارتی از همین منظر می‌نگرد و اخلاق را مسئول نقش و کارکردی می‌داند که این مناسک و شعائر عهده‌دار آن بوده‌اند. در این صورت، درون الهیات اسلامی مقوله و بعدی از دین نقش و کارکرد مقوله و بعد دیگری از دین را به انجام می‌رساند و کلیت و انسجام الهیات حفظ می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، مناسک دینی، اخلاق

نقد و بررسی ادعای واگشت معنایی زیارت در دوره مدرن با تأکید بر نظریات ایان ریدر

سید محمدحسن صالح

دانش‌آموخته دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران |
m.hasansaleh2010@gmail.com

چکیده

زیارت از مفاهیم مهم و پرسابقه در ادیان به شمار می‌رود. این مفهوم همواره با تقدس مکان و تبلور اراده الهی در ارتباط بوده است. برخی از دین‌شناسان معاصر مانند ایان ریدر معتقدند در دوره مدرن، زیارت در مفهوم گردشگری صرف و خارج از زمینه‌های مذهبی رسمی تفسیر می‌شود. در این واگشت معنایی که می‌توانیم از آن به زیارت سکولار نیز یاد کنیم مفهوم تقدس مکان زیارتی نه مفهومی اکتشافی، بلکه اختراعی به شمار می‌رود به گونه‌ای که توجه و علاقه گروهی از انسانها مکانی را مقدس می‌نماید. آرامگاه الویس پریسلی در ایالات متحده آمریکا، مزارجیم موریسون در پاریس و بنای یادبود جنگ ویتنام در واشنگتن دی سی از مصادیق واگشت معنایی زیارت در دوره مدرن به شمار می‌روند که در این مقاله به آنها پرداخته شده است. در این تطور معنایی زائر به هیچ وابستگی مذهبی پیشین نیاز ندارد و حتی ممکن است فقدان آن را اعلام نماید. در نقد این نظریه باید گفت اگرچه ممکن است در برخی از بازه‌های زمانی خاص و یا مکان‌های ویژه‌ای زیارت معادل گردشگری دانسته شود اما نظریه غالب در جهان امروز زیارت را امتداد تقدس و برآمده از مذهب و اعتقاد به مبدأ غیبی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: تقدس، مکان مقدس، زیارت، گردشگری، مدرنیسم

پیوندهای الهیات زیارت و موسیقی ایرانی

احمد صدری

پژوهشگر مستقل در حوزه موسیقی | sadriahmad@gmail.com

چکیده

زیارت به سبب آن که امری برخوردار از جوانب مهم تفکری، فرهنگی و اعتقادی است، از سویی می‌تواند موضوع بحث الهیات قرار بگیرد و از سویی دیگر می‌تواند از لحاظ موسیقایی بررسی شود. در پژوهش حاضر، مهم‌ترین وجوه ارتباط الهیات زیارت و موسیقی در فرهنگ ایرانی-اسلامی برشمرده می‌شود. نخست، سفر زیارتی و موسیقی مورد بحث قرار می‌گیرد. آواهای موسیقایی که برای بدرقه یا استقبال از زائران سروده می‌شوند، به ویژه چاوشی‌خوانی‌ها، از جمله آثار موسیقایی ماندگار در این فرهنگ محسوب می‌شوند. اما افزون بر این، متن آنها عموماً شامل پیام‌هایی الهیاتی برای عموم مردم است. این آثار با به کارگیری وجه تخیلی شعر و موسیقی، برخی اهداف الهیاتی را همچون ایجاد وجد و شور معنوی، یادآوری هدف از زیارت، تکرار و ذکر دائم محقق می‌سازند. تأثیر تخیلی موسیقی این مزیت را برای آن، نسبت به آموزه‌های صرفاً عقلی، ایجاد می‌کند که بیشتر در خاطر زائران ماندگار می‌ماند و درگیری عاطفی بیشتری را نیز موجب شود. بخش دوم این پژوهش به نسبت اماکن زیارتی و موسیقی اختصاص دارد. هر یک از اماکن زیارتی، هویت موسیقی خاصی دارند، از جمله آواهای اذان یا نقاره‌خانه و نظایر آن. هویت موسیقایی خاص هر مکان، در عین این تفرد با موسیقی سایر اماکن مقدسه وحدتی جوهری دارد. این نکته در خصوص موسیقی مراسم مختلف زیارتی، از جمله اعیاد مقدسه، عزاداری‌ها و ولادت‌ها نیز صدق می‌کند. زیارت‌نامه خوانی و ادعیه‌خوانی به شکل فردی یا گروهی، و اذکاری همچون تلبیه، یا صلوات خاصه نیز وجه دیگر بیان به کمک ابزار موسیقی است که می‌تواند حاکی از سلوک و وجد معنوی زائر باشد.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، موسیقی ایرانی، چاوشی‌خوانی، تخیل هنری

زیارت، زنان و ضرورت‌های پزشکی (مطالعه تاریخی با تأکید بر دوره قاجار)

مژگان صلائی*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران | mozhgansalay20@gmail.com

شهلا بختیاری

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده

زیارت همواره یکی از نمودهای رفتار معنوی ایرانیان بوده است. افزایش حضور زنان در سفرهای زیارتی دوره قاجار و دریافت حس معنوی از زیارت نیز از کارکردهای آن برای زنان به شمار می‌رفته است. مسیر زیارت همواره مسیر پر فراز و نشیبی قلمداد می‌شده و این موضوع برای زنان با سختی‌ها و مشکلات عدیده‌ای همراه بوده است. عدم وجود امکانات پزشکی و بهداشتی در طول سفر دامن گیر تمام زائران می‌شد، اما با توجه به اقتضائات خاص زنان این مشکل برای ایشان با شدت بیشتری نمود پیدا می‌کرد. موضوعی که برای آقایان می‌توانست به شکل یک مسئله قابل حل باشد، اما برای زنان همان موضوع تبدیل به یک بحران شده و کل سفر زیارتی آنان را تحت الشعاع قرار می‌داد. پژوهش پیش رو برآن است تا با استفاده از روش کیفی توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای مختلف به بررسی ضرورت‌های پزشکی برای زنان در زیارت با نگاهی تاریخی بپردازد و زوایای مختلف آن را شناسایی و مورد پژوهش قرار دهد. بررسی مسائل پزشکی و بهداشتی زنان در امتداد سفر زیارتی نشان می‌دهد که زنان با مسائل ناشی از نبود پزشک زنان، عدم رعایت بهداشت و طهارت، فقدان امکان استحمام، مشکلات ناشی از ازدحام جمعیت، بیماری و مرگ و میر، شرایط جسمی و روحی، سختی‌های مسیر و همچنین مشکلات مرتبط با حاکمیت سرزمین‌های ایران و عثمانی رو به رو بودند. بر همین اساس می‌توان این موارد را تقسیم بندی نمود و مورد کنکاش قرار داد.

کلیدواژه‌ها: زنان، زیارت، مراقبت‌های پزشکی، اصول بهداشتی، مطالعه تاریخی، قاجاریه

ارتباط نفس و بدن پس از مرگ: مبنای فلسفی زیارت

جواد طالبی طادی

دانشجوی دکتری دانشگاه قم، قم، ایران | javadtalebitadi@gmail.com

چکیده

در دین مبین اسلام نسبت به امر زیارت مرقد مؤمنان و اولیای الهی تأکیدات فراوانی به چشم می‌خورد. در این میان مسئله‌ای خودنمایی می‌کند: اگر پس از مرگ، نفس انسانی به کلی از بدن قطع ارتباط کند، زیارت مرقد مؤمنان و اولیای الهی چگونه مصحح زیارت نفس مجرد آنان از بدن خواهد بود؟ آیا می‌توان قائل به زیارت بود و هیچ نحو از ارتباط بین نفس و بدن را پس از مرگ تصویر نکرد؟ پاسخ به این پرسش منفی است. به نظر می‌رسد بدون ترسیم نوعی از ارتباط بین نفس و بدن پس از مرگ نمی‌توان احکامی را که در باب زیارت در دین اسلام بیان شده است را موجه ساخت. حال باید دید این نوع از ارتباط بین نفس و بدن چگونه می‌تواند تصویر شود؟ محقق این نوشتار سعی دارد نظرات فیلسوفان اسلامی در این مسئله را بیان کرده و در صورت امکان پاسخ مناسبی را اختیار کند. ایده ذیل پاسخی است که اکنون در ذهن محقق نقش بسته و نیازمند تحقیق و بررسی است: هر موجود مجردی نسبت به همه اشیا مادی مادی نسبتی یکسان دارد. نفس انسان پس از مرگ نیز مشمول همین امر است. اگر نفس بخواهد به شئی مادی توجه کند لازم است مرجحی در میان باشد تا رجحان بدون مرجح پیش نیاید. توجه نفس انسان پس از مرگ نسبت به بدن سابق خود در دنیا دارای مرجح است. با توجه به مشابهت میان صورت مثالی نفس با صورت بدن، نفس از میان اشیا مادی فراوانی که در عالم دنیا موجود است به بدن دنیوی خود توجه دارد. همان توجه است که می‌تواند مصحح حضور در مرقد اولیای الهی به منظور زیارت آنان باشد. هر چه نفس قوی‌تر باشد و به تعبیر فلسفی مراتب کمالی بالاتری را دارا باشد توجهش به بدن خود نیز بیشتر خواهد بود تا جایی که می‌توان همین توجه را مصحح نگهداری از بدن نیز دانست. نفوس دیگر که از چنین قوتی برخوردار نیستند توجه اندکشان به بدن نمی‌توند مانع فساد آن شود.

کلیدواژه‌ها: نفس، بدن، مرگ، فلسفه اسلامی، الهیات زیارت

زیارت و حیات دینی جمعی

سیدعلی طالقانی

استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران | taleqani@bou.ac.ir

چکیده

دین به معنای عام، در بنیاد خویش، اجتماعی است، گو این که «دعوت» سرآغاز شکل‌گیری هر دینی است. افزون بر این، اسلام به طور خاص، ابعاد مختلف اجتماعی دارد و سراسر فقه که وقف آداب حیات دینی مسلمانان است مشحون است از جنبه‌های اجتماعی، از نماز جماعت و جمعه گرفته تا امر به معروف و جهاد. در این میان، بخش مهمی از حیات جمعی اسلامی در مکان‌های مقدس از جمله مساجد یا حول مکان‌های مقدسی چون کعبه و قبور اولیای الهی شکل گرفته است که با پدیده «زیارت» ارتباط وثیقی دارد. فارغ از نحوه شکل‌گیری زیارتگاه‌ها و چیستی خود زیارتگاه، زیارت به طور طبیعی پدیده‌ای اجتماعی است و بخش مهمی از حیات دینی جمعی را شکل می‌دهد. با گرد هم آمدن باورمندان و علاقه‌مندان در مکانی به عنوان زیارتگاه، به طور طبیعی، روابط مختلف اجتماعی، از جمله روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، شکل می‌گیرد. این مقاله متمرکز است بر نقش زیارتگاه‌ها به ویژه زیارتگاه‌های مشهور - که با گسترش پدیده زیارت در یک مکان خاص شکل می‌گیرند - در روابط و تبادلات فرهنگی به معنای عام، و نقش آنها در شکل‌گیری معرفت دینی اجتماعی به طور خاص.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارتگاه، زندگی جمعی، حیات دینی، روابط فرهنگی، معرفت اجتماعی

زیارت پس از مرگ: انعکاس انتقال اجساد به حرم‌های مطهر در سفرنامه‌ها

سعید طاوسی مسرور

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی و شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران | saeed.tavoosi@atu.ac.ir

چکیده

انتقال اجساد به حرم‌های مطهر خصوصاً نجف اشرف و کربلای معلی در سده‌های اخیر بین شیعیان ایران، عراق و حتی هندوستان رایج بوده است، اما دانسته است که سابقه این کار به پنج قرن اول هجری می‌رسد، چنان که دیگر سلاطین آل بویه به حرم امام حسین علیه السلام منتقل شده و در این حرم دفن شده است. از آنجا که از معانی ولایت، قرب است، شیعیان عصر حضور تلاش می‌کردند با تحمل همه سختی‌ها به دیدار امامان خود نائل شوند یا مزار امامان را زیارت کنند. در ادامه همین رویکرد، شیعیان علاقه‌مندند که پیکرشان نیز در خاک آستان امامان آرام گیرد و سنت انتقال پیکرها به حرم‌های مطهر تجلی همین باور و علاقه در عمل است. از منابع اصلی تاریخ انتقال اجساد به مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعی، سفرنامه‌ها هستند، اعم از سفرنامه زائران مسلمان مانند سیف الدوله قاجار تا سفرنامه نویسان غیرمسلمان مانند مادام دیولافوا. بر اساس گزارش‌های سفرنامه‌ها و دیگر منابع، مشخص می‌شود که پیرامون انتقال اجساد مسائل مختلفی شکل گرفته بوده است مثلاً مسائل بهداشتی، اقتصادی، سیاسی و... که برای نمونه صبری آتش، محقق ترک در مقاله‌ای به مسائل مربوط به انتقال اجساد از ایران به عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی در قرن نوزدهم میلادی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه‌ها، عتبات عالیات، انتقال اجساد، عثمانی، شیعیان

زیارت معصومان علیهم السلام و توحیدمحوری: بررسی موردی زیارت‌نامه «امین الله» و زیارت «جامعه کبیره»

سید محمدکاظم طباطبائی

رئیس پژوهشکده علوم و معارف حدیث، پژوهشگاه قرآن و حدیث؛ دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران |
tabakazem@gmail.com

چکیده

زیارت از منظر لغت و اصطلاح، لایه‌ها و مراتبی دارد. گوهر معنایی آن «میل» است که فرازمانی و فرامکانی است و در مرحله بعد به قصد می‌رسد. از این رو می‌توان گفت مرتبه اول و آغازین زیارت «میل» است که نشان‌دهنده پیوند قلبی میان زائر و مزور است. مرتبه دوم «قصد» است که او را به حرکت و آهنگ رسیدن به مزور وامی‌دارد. سطح سوم زیارت «دیدار» و ملاقات مزور است که با حضور در حرم معصومان حاصل می‌شود. لایه نهایی و متعالی زیارت حضور و درهم‌تنیدگی زائر با مزور است، که معرفت ویژه‌ای می‌طلبد که بتواند افق فکری زائر را به حیطه معرفت مزور نزدیک کند. این معرفت ظهور و بروز بیشتری در زیارت‌نامه‌ها دارد که گوهر زیارت را آشکار می‌کند و زائر را ارتقای معرفتی می‌بخشد. مهم‌ترین وجه این ارتقای معرفتی توحیدمحوری است که در زیاراتی همچون زیارت «جامعه کبیره» و «امین الله» بروز و ظهور بیشتری دارد. زیارت «جامعه کبیره» بیش از ۲۰۰ ویژگی والای امامان علیهم السلام را همراه با ۳۱۸ بار ذکر خدا آورده است. زیارت کوتاه «امین الله» نیز دربردارنده ۶۶ مرتبه نام و ذکر خدای تعالی است که با ذکر ویژگی‌های امام معصوم در پرتو الطاف الهی آغاز شده و به توجه به خالق ختم می‌گردد. در واقع، زیارت با میل قلبی و قصد زائر نسبت به امام معصوم علیهم السلام آغاز می‌شود و نهایتاً زائر را به شناختی عمیق از خداوند و توحید می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت‌نامه «امین الله»، زیارت «جامعه کبیره»، توحیدمحوری

قمقمه زائر از مسیحیت تا اسلام

مرتضی عطائی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران |
m.ataie@umz.ac.ir

چکیده

ظروفی که به قمقمه زائر (Pilgrim Flask/ampulla) معروف‌اند در تاریخ زیارت مسیحی از لوازم پرکاربرد به شمار می‌آمدند. زائران این ظروف کوچک را که اکثراً از جنس سفال، شیشه یا فلز ساخته می‌شدند به منظور تبرک، از آب مقدس و یا روغن چراغ‌های حرم و یادمان‌های شهدا و قدیسیان مسیحی می‌انباشتند. همچنین این ظروف معمولاً به عنوان ره‌آوردی متبرک در اماکن زیارتی تهیه و به زائرین فروخته می‌شد. رایج‌ترین فرم سفالی و فلزی این ظروف معمولاً قمقمه مدور و عدسی شکلی است با ابعاد کوچک که دهانه کوچک آن با گردنی کوتاه و دو دسته زاویه‌دار به شانه ظرف متصل می‌شود؛ فرمی که به دلیل باریکی بدنه برای حمل و نقل مناسب بود، دهانه کوچک آن به راحتی بسته و به سادگی به زین اسب یا بدن فرد (به عنوان حرز و تعویذ) آویخته می‌شد. در مقابل نمونه‌های شیشه‌ای اغلب به شکل بطری‌های کوچک چندوجهی ساخته می‌شدند که البته چندان مناسب حمل و نقل نبود و از همین رو برخی پژوهشگران در تشابه کارکرد آنها با نمونه‌های سفالین و فلزی تردید کرده‌اند. بسیاری از این نمونه‌ها (اعم از فلزی، سفالی و شیشه‌ای) دارای نقوش هستند که ارتباط آنها را با عقاید دینی (به ویژه مسیحیت) روشن می‌سازد که در این میان قمقمه‌های سفالی سنت مناس (ابو منا) همه معروف‌ترند. در میان سفالینه‌های دوران اسلامی نیز نمونه‌هایی از ظروفی با فرم مشابه اما اندکی بزرگ‌تر دیده می‌شود که آنها نیز در میان پژوهشگران به همین نام معروف هستند و معمولاً کارکرد زیارتی - ظرف آب زمزم - برای آنها در نظر گرفته می‌شود؛ اما بر روی آنها نقوش یا علائمی که بر کارکرد زیارتی آنها اشاره داشته باشد به چشم نمی‌خورد. این مقاله بر آن است تا با معرفی و بررسی نمونه‌های سفالین دوران اسلامی موجود در مجموعه‌ها و موزه‌های مختلف، کارکرد این ظروف سفالین را به عنوان قمقمه متبرک زائران در مقایسه با نمونه‌های مسیحی مورد بازبینی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: قمقمه زائر، زیارت، آب مقدس، روغن مقدس، زمزم

الهیات اگزیستانسیالیستی زیارت

سید محمدکاظم علوی

دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی / ادیان و عرفان، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران |
smk.alavi@hsu.ac.ir

چکیده

نگرش به زیارت را می‌توان به مثابه یک سوژه فردی در یک نظام الهیاتی محقق نمود و تحلیلی اگزیستانسیالیستی از آن ارائه کرد. در این تحلیل، زیارت با عزیمت از خود غیر حقیقی در یک سیر وجودی اگزیستانسیالیستی، آغاز می‌گردد و با صیرورتی وجودی همراه می‌گردد که امکان‌های متعددی را پیش روی انسان فراهم می‌آورد. با توجه به تمایز اگزیستانسیالیستی میان وجود به خودی خود و وجود برای خود، عزیمت از خود، نفی مرتبه اول و مقدم داشتن مرتبه دوم است، که برخلاف مرتبه نخست، ماهیتی تعیین‌یافته ندارد و تقدم آن، تقدم وجود بر ماهیت را رقم زده و اصالت را به اگزیستانس انسان بازمی‌گرداند. زیارت یک موقعیت مرزی برای گذر از زندگی روزمره و عادی است که به دلیل عافیت‌طلبی باعث سقوط دازاین گشته و او را از شناخت خود و امکان‌های پیش رویش محروم ساخته است. زیارت به عنوان یک پدیدار ساجکتیو با بازدید به عنوان یک پدیده آبجکتیو متمایز می‌گردد و این تمایز مبتنی بر تفکیکی است که در واژگان مارسل، میان مسئله و راز نهاده می‌شود. زیارت را نمی‌توان به عنوان یک مسئله حل نمود و آن را به اتمام رساند بلکه یک راز وجودی است که با آن باید زندگی کرد و به تعالی رسید. این صیرورت، با حضوری میسر می‌شود که در مواجهه با امر مقدس به مثابه مطلق، رخ می‌دهد و حاصل آن ظهور و بروز خود حقیقی و اصیل در زیارت است.

کلیدواژه‌ها: الهیات زیارت، الهیات اگزیستانسیالیستی، مسئله و راز، وجود به خودی خود و وجود برای خود، خود حقیقی و خود غیر حقیقی، موقعیت‌های مرزی

زیارت و معنای زندگی: رویکرد معناگرا به زیارت (زیارت به مثابه دیدار)

امیرعباس علیزamani

دانشیار گروه فلسفه دین، دانشگاه تهران، تهران، ایران | Amir_alizamani@ut.ac.ir

چکیده

معنای زندگی، چه به معنای غایت زندگی و چه به معنای ارزش زندگی، امری ارتباطی است، به این معنا که معنای زندگی محصول برقراری نوعی ارتباط عمیق با کانون معناست. ارتباط معنابخش به ارتباطی دو سویه، آگاهانه، آزادانه، عمیق و با تمام وجود است. زیارت دارای دو ساحت است: (۱) ساحت صورت، (۲) ساحت معنا. به حسب صورت، زیارت مشتمل بر مناسک و اعمال ظاهری است، ولی به حسب معنا زیارت زمانی محقق می‌شود که چنین ارتباط اصیل و معناداری بین زائر و زیارت‌شونده برقرار گردد. زیارت باطنی و معنایی، در واقع نوعی «دیدار» است و این دیدار در صورتی محقق می‌شود که شخص زائر با تمام وجود خویش در عالم «زیارت‌شده» وارد شود. به موجب روایت معروف «المؤمن مرآة المؤمن»، بنا بر تفسیر ابن عربی، مؤمن نخست اشاره به انسان کامل و مؤمن دوم اشاره به حضرت حق دارد. مفهوم آینه به خوبی بیان‌کننده معنای باطنی و عمیق زیارت است. در زیارت اولیاء حق، جلوه حق از طریق آئینه اولیاء بر شخص زائر متجلی می‌شود. در زیارت معناگرا، سه دیدار به معنای واقعی کلمه رخ می‌دهد: (۱) دیدار اولیاء خداوند (وجه الله)، (۲) دیدار خداوند، (۳) دیدار خود برتر ملکوتی. محصول و نتیجه این نوع دیدار نوعی دگرگونی بنیادین، تولّد دوباره و رسیدن به ساحتی از زندگی است که ارزش زیستن دارد. **کلیدواژه‌ها:** زیارت، معنای زندگی، رویکرد معناگرا، دیدار

زیارت و اثرگذاری تربیتی

احمد غلامعلی

معاون پژوهشگاه علوم و معارف حدیث، پژوهشگاه قرآن و حدیث؛ استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، شهر قم، ایران |
a.gholamali110@gmail.com

چکیده

تربیت به معنای رشد دادن استعدادها و یا ایجاد زمینه برای تغییرات مطلوب در جهت هدف است. تربیت در نگاه سنتی به شیوه مصون‌سازی و دورکردن متربی از مکان‌های ناهمسو با ارزش‌های مربی و نیز بر پایه تلقین و تحمیل انجام می‌شد. اما این روش‌ها برای تربیت دینی در دوران معاصر کمتر کارایی دارد زیرا مصون‌سازی مکانی با توجه به گسترش انواع رسانه‌ها کارایی خود را از دست داده است و از سویی داده‌های مختلف در اختیار نوجوانان و جوانان به قدری گسترده است که تحمیل را نمی‌پذیرند. به نظر می‌رسد تأمل در متون زیارت‌نامه‌هایی که از پیشوایان دین به یادگار مانده است راه‌کار خوبی برای تربیت دینی ماندگار است. برای نمونه، آنچه در متون زیارت‌نامه‌های جامعه آمده است برای کشف آموزه‌های تربیتی انتخاب شد. زیرا زیارات جامعه به زمان، مکان و امام خاصی اختصاص ندارد و در هر زمان و مکانی می‌توان امامی را قصد کرد و برای او زیارت خواند. نخستین آموزه تربیتی در زیارات جامعه، تبیین است. در تبیین، زائر با تغییراتی که قرار است در اثر زیارت در اندیشه و رفتار وی پدید آید آشنا می‌شود. مثلاً زائر در هنگام خواندن زیارت «جامعه کبیره»، یکصد بار الله اکبر می‌گوید تا یکتایی خدا را به خود یادآور شود و آنگاه در متن زیارت، ظرفیت علمی برای خود درخواست می‌کند و بر این باور است که موالات اهل بیت علیهم السلام سبب سامان یافتن دنیای او خواهد شد. دومین آموزه تربیتی که در زیارت «جامعه کبیره» می‌توان یافت کشف معیار و قواعد تربیتی است، از جمله معیار حق‌گرایی، تقدم خدا بر همه چیز و همه کس و غیره است. سومین آموزه تربیتی زیارت، تغییر زاویه نگاه دینی است که سبب ارجمندی مؤلفه‌های اعتقادی، احساسات و تجربیات دینی خواهد شد که در نهایت مفهوم تدین تحولی عمیق خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آموزه‌های تربیتی، تبیین، قواعد تربیتی، تحول تدین

بررسی تاریخی صحت انتساب مقابر پیامبران الهی در ایران

یاسمن غنی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران | yasamangh39@gmail.com

چکیده

پیامبران الهی در تمامی ادیان همواره مورد تقدیس و احترام پیروان بوده‌اند. مسلمانان، به خصوص شیعیان، علاوه بر قداست و عصمت، به شفاعت و توسل به ایشان نیز معتقدند. در احادیث و روایات بسیاری در دین اسلام و یهود، زیارت قبور این بزرگان توصیه شده است. در عهد عتیق آیات بسیاری است که اشاره به سرزمین پارس (ایران) دارد و امروزه بیش از ۴۷ مقبره منسوب به ۳۵ تن از پیامبران در ۱۵ استان مختلف در ایران شناسایی شده که اکثریت متعلق به پیامبران قوم بنی‌اسرائیل است. با توجه به جغرافیای تاریخی رسالت این انبیاء که غرب خاورمیانه بوده است و آنان برای هدایت قوم خود مبعوث شده بودند، این پرسش پیش آمد که چرا و چگونه آنها به ایران آمده‌اند؟ آیا نشانی از حضور انبیاء در سرزمین پارس وجود دارد؟ قدمت این مقابر به چه ادواری بازمی‌گردد؟ تا چه حد می‌توان این مقابر را به پیامبران منسوب دانست؟ نظر به این که تا کنون مقابر انبیاء به درستی شناسایی و معرفی نشده‌اند و بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش، تاریخ زندگانی و هجرت‌های احتمالی این انبیا و همچنین قدمت و ویژگی‌های ساختاری هر مقبره از منظر منابع دینی شامل کتاب مقدس، قرآن، تفاسیر، احادیث متقن، روایات موجود و همچنین منابع تاریخی شامل نوشته‌های مورخان و سیاحان، تواریخ محلی، دانشنامه‌ها، مجموعه مزارات و سایر اسناد و مدارک موجود تا حد امکان بررسی شد و مشخص شد به استثنای چند مورد، در باقی موارد قدمت این مقابر به دوره صفوی و بعد از آن بازمی‌گردد. همچنین برای برخی پیامبران بیش از یک مقبره ثبت شده است و احتمالاً افراد مدفون در آن، همان‌ها با برخی از اولیای الهی بوده‌اند. در نهایت از میان مقابر موجود تنها در چهار مورد می‌توان پذیرفت که آن بناها مدفن انبیاء باشند و در باقی موارد سند و مدرک کافی برای قبول این انتساب یافت نشد. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: مقابر، پیامبران، انبیاء، ایران، بنی‌اسرائیل

تفاوت تلقی از زیارت در امامیه و مسیحیت کاتولیک

روح‌الله فدائی

دانش‌آموخته دکتری فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران | r.fadaei@modares.ac.ir

چکیده

مکتب امامیه در اسلام و کاتولیسیسم در مسیحیت توجه ویژه‌ای به زیارت به عنوان یک منسک دینی دارند. با این حال، بررسی آموزه‌های الهیاتی ناظر به زیارت و همچنین تحقق تاریخی-اجتماعی آن حاکی از وجود تفاوتی بسیار مهم در فهم از زیارت میان این دو مکتب است. در امامیه، محور زیارت دیدار مزور است و اکثر قریب به اتفاق دستورالعمل‌های دینی ناظر به نحوه حضور در مکان زیارتی و چگونگی ارتباط با مزور است. این در حالی است که در مسیحیت کاتولیک، مسیر زیارتی و طی طریق برای رسیدن به مکان مقدس از مقومات زیارت -و نه صرفاً مقدمات آن- محسوب می‌شود. این تفاوت مهم از منظر زبانی نیز در جعل اصطلاح برای این منسک دینی اثرگذار بوده است. زیارت در زبان عربی از ریشه «ز و ر» به معنای قصد چیزی را کردن و همچنین قسمت بالای سینه است که هر دو معنا دال بر توجه به مزور و مواجهه رودررو با آن است. اما واژه Peregrinatio که در زبان لاتین و متون مسیحی برای زیارت به کار برده می‌شده (واژه انگلیسی pilgrimage نیز برگرفته از آن است) به معنای بیرون از دیار بودن و سفر کردن است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، مسیحیت کاتولیک، امامیه، مسیر زیارت، دیدار

زیارت سکولار: سازگاری یا ناسازی مفهومی

احمد فرامرزی قراملکی

استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران | ghmaleki@ut.ac.ir

چکیده

امروزه دیدار مقبره افرادی همچون سهراب سپهری، مولانا، فردوسی، سعدی، حافظ، سارتر، مائو، و کشته‌شدگان جنگ ویتنام رو به افزایش نهاده است. عده‌ای همچون پیترو مارگری در مقاله «زیارت سکولار: یک تناقض در اصطلاح؟» این گونه دیدارها را زیارت سکولار نامیده‌اند. اما آیا این دیدارها را به حقیقت می‌توان زیارت خواند و مقبره‌های یادشده را می‌توان زیارتگاه دانست؟ فرضیه این قلم ناسازی مفهومی در تعبیر «زیارت سکولار» است. هرچند بین زیارت در ادبیات و سنت دینی با زیارت سکولار اشتراک‌هایی وجود دارد (از جمله عزم به دیدار مقبره فردی قابل احترام؛ سفر و دیدار مقبره آن فرد از نزدیک در بیشتر موارد)، اما اختلاف‌هایی نیز وجود دارد. زیارت در سنت دینی ویژگی‌هایی گوهری (و نه عارضی) دارد که در زیارت سکولار مفقود است: (الف) در سنت دینی، مراد دیدار مقبره نیست، بلکه شخص مدفون در آن مقبره مقصد دیدار است. زائر مشتاق است که در محیط مقبره (حرم) با فرد قدسی دیدار و گفت‌وگو کند، حاجت بیان کند و کمک بخواهد، ستایش کند و راز بگوید. زیارت سکولار، در مقابل، به یک معنا، تماشا است تا دیدار و گفت‌وگو. (ب) زیارت در سنت دینی آورده‌ای ارزشمند دارد که در زیارت سکولار مفقود است: تجربه حضور امر قدسی. توجه به این دو ویژگی گوهری زیارت معلوم می‌کند که مفهوم «زیارت سکولار» متضمن تناقض است. هرچند با کنار نهادن مؤلفه قدسیت، و توسع مفهومی زیارت، می‌توان ظاهراً این تناقض را رفع کرد، اما این توسع مفهومی می‌تواند انگاره‌ای فروکاست‌گرایانه از زیارت ایجاد کند. مهم‌ترین وجه قدرت زیارت نه در حرکت و اجتماع جمعی بلکه در قدسی بودن این حرکت و اجتماع است. لذا، ادعای سازگاری مفهومی در تعبیر زیارت سکولار بر مصادره به مطلوب و فروکاست‌گرایی در مفهوم زیارت استوار است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت سکولار، قدسیت، ناسازی مفهومی

اهداف زیارت از منظر امامیه

سیدعلی قاضی عسکر

تولیت آستان حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، شهر ری، ایران | seyedali_ghaziaskar@yahoo.com

چکیده

در فرهنگ عامه، هدف اصلی زیارت حاجت‌خواهی از معصومان علیهم السلام است. این در حالی است که طبق روایات امامیه، محور زیارت معرفت مزور است که مبتنی بر این معرفت اهداف مهم دیگری برای زیارت توسط خود معصومان علیهم السلام ترسیم شده است. این اهداف از این قرارند: نزدیکی زائر به خداوند متعال، ایجاد تحول روحی و اخلاقی در زائر، توبه زائر از گناهان، بیعت زائر با مزور، برائت جویی زائر از ظالمان، و جهل زدایی. در روایات به منظور تحقق زیارت حقیقی و رسیدن زائر به این اهداف، دستورالعمل‌هایی برای قبل و هنگام زیارت مطرح شده است، برای مثال می‌توان به بحث حلالیت‌طلبی و خالص کردن مال پیش از زیارت اشاره کرد. همچنین در سفرهای زیارتی زائران را از هر گونه اسراف بر حذر داشته شده‌اند و در سفر کربلا به زائران توصیه شده که هنگام زیارت کمتر بخورند و بیاشامند تا شرایط اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یاران حسین بن علی علیه السلام را در عاشورای آن زمان بهتر درک کنند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، اهداف زیارت، معرفت مزور

جایگاه خیال متصل و منفصل در ارتباطات زیارت در تفکر شیعی

محمدرضا قائمی نیک

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران | ghaeminik@gmail.com

چکیده

مروری بر نظریات فلسفی ارتباطات در جهان غرب، فی‌المثل در آراء افرادی نظیر گادامر، باختین، هابرماس و نظایر آنها نشان می‌دهد که ارتباطات اجتماعی با تکیه بر هرمنوتیک فرهنگی و قوه خیال (Imagination) صورت‌بندی شده‌اند. با این حال این قوه خیال، به معنای قلمرو غیرواقعی و به تعبیر هانری کربن، «فانتزی» است که در آن، نفس انسان، تحت تأثیر صور پدیدارشناختی حسی، صورت‌های خیالی را می‌سازد و بنابراین ارتباطات مبتنی بر این نظریات، متضمن نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی است که هر گونه حقیقت فراتر از جهان ارتباطات انسانی را به محاق می‌برد. در مقابل، قوه خیال نزد عرفا و حکمای مسلمان، نظیر ابن عربی، سهروردی و صدرالمتهلین، به عنوان قلمرو امور حقیقی و ناظر به عالم برزخ مطرح می‌شود. در این مقاله به تمایز قوه خیال در معنای غربی و اسلامی با نظر به حکمای مسلمان مخصوصاً صدرالمتهلین اشاره خواهد شد. به زعم ما قوه خیال نزد متفکران غربی، معادل «خیال متصل» (خیال اصغر) نزد صدرالمتهلین است که البته گسسته از خیال منفصل (خیال اکبر) شکل گرفته و در نظریات غربی، خیال منفصل جایگاهی ندارد. در ادامه مقاله، با تکیه بر تحلیل گُربن از قوه خیال و معادل‌های آن نظیر اقلیم هشتم، عالم جابلقا و جابلسا، عالم برزخ و نظایر آنها، به ارتباط این قلمرو با جایگاه امام معصوم در تفکر شیعی اشاره خواهیم کرد. از آنجا که مفهوم زیارت در تفکر شیعی در ارتباط با امام معصوم به عنوان مَزور شکل می‌گیرد، به نظر می‌رسد در زیارت، نفس انسان از تعلقات جهان محسوس مادی فاصله گرفته و مهبای پذیرش صور معلقه خیال منفصل و زیارت مَزور می‌گردد. با نظر به توضیح صدرالمتهلین از نحوه اتحاد خیال متصل و منفصل، زائرین در حالت زیارت چنین اتحادی با امام معصوم برقرار می‌کنند و شکلی از ارتباطات انسانی اصیل معنادار می‌شود. این نحوه از فعال‌شدن قوه خیال بر خلاف نظریات غربی ارتباطات، گرفتار نسبی‌گرایی فرهنگی نخواهد شد. در این دیدگاه، زائرین امام معصوم، بر اساس درک مشترکی که از حقیقت امام دارند، فراتر از ظواهر زبانی، قومی، قبیله‌ای، نژادی و دیگر مظاهر جهان محسوس، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، خیال متصل و منفصل، نظریه ارتباطات، صدرالمتهلین شیرازی

تبارشناسی زیارت در مسیحیت کاتولیک

سیدرضا قائمی

استادیار گروه فلسفه و کلام، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران | sr.ghaemi@motahari.ac.ir

چکیده

یکی از شعائر مذهبی در ادیان مختلف مسئله زیارت است. این عمل عبادی در مسیحیت و به خصوص مسیحیت کاتولیک نمود بسیار زیادی دارد. از آنجا که مسیحیت، عیسی مسیح (ع) را به مثابه الوهیت متجلی در زمین می‌داند، از نگاه کلیسای کاتولیک، وحی خود حضرت عیسی (ع) است؛ یعنی هر عملی که عیسی مسیح (ع) انجام می‌داده، تجلی وحی است و کلیسا به عنوان نماینده مسیح موظف است متولی این اعمال باشد. یکی از این اعمال، زیارت است. به عبارت دیگر چون عیسی (ع) برای زیارت به اورشلیم رفته است، لذا مسیحیان نیز موظفند به زیارت بروند. این زیارت در قرون ابتدایی مسیحیت منحصر در اورشلیم بود اما به تدریج قبور حواریون، قدیسان و شهدا نیز تبدیل به مقصد زیارتی مسیحیان گشت. این زیارت جنبه‌ای ظاهری داشت که زیارت اورشلیم زمینی و یا قبور بزرگان دین را شامل می‌شد که با توسل و توبه و درخواست شفاعت همراه بود؛ اما جنبه باطنی زیارت از نگاه مسیحیت کاتولیک بر اساس کتاب مقدس، زندگی زائرگونه در دنیا و سفر به شهر آسمانی اورشلیم است؛ چرا که بر اساس اعتقاد مسیحیت، انسان با گناه اولیه آدم و حوا از بهشت رانده شده و مسیح (ع) با به صلیب رفتن، کفاره گناهان آدمیان شد و خدا و خلق را با یکدیگر آشتی داد. این فدیة شدن عیسی مسیح (ع) باعث شد که انسان بتواند بار دیگر به جایگاه اصلی خود یعنی بهشت برین خداوند بازگردد. از این رو انسان مسیحی در دنیا مسافری است که باید به جایگاه اصلی خود بازگردد، باید همچون زائری در سفر که تعلقات دنیایی اندکی دارد، زندگی کند و همواره مسافر شهر آسمانی اورشلیم باشد. رسیدن به این شهر آسمانی، تنها با زندگی زائرگونه تحقق پیدا نمی‌کند بلکه انسان نیازمند راهبری است که مسیر را به او نشان بدهد و نجات دهنده او باشد که این امر منحصر در عیسی مسیح (ع) است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، مسیحیت کاتولیک، اورشلیم، عیسی مسیح

آموزه زیارت در الهیات شیعی و پیامدهای رویکرد غلوآمیز نسبت به آن

قدرت الله قربانی

دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | qorbani48@gmail.com

چکیده

زیارت در الهیات شیعی از آموزه‌ها و شعائر مهم است. اهمیت مناسک زیارت در آموزه‌های اساسی‌تر الهیات شیعی ریشه دارد. در واقع، الهیات شیعی شبکه‌ای از آموزه‌ها و شعائر دینی را تشکیل می‌دهد که در آن اعتقادات بنیادین نقش اساسی را در توجیه معرفتی و عمل ایمانی دینداران در باب سطوح بعدی نظام اعتقادات و شعائر ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد در این شبکه الهیاتی، پدیده زیارت، به مثابه نوعی از مناسک و شعائر دینی، در جایگاه ثانوی و چه بسا حاشیه‌ای آن قرار دارد؛ یعنی زیارت تنها مبتنی بر توجیه معرفتی و ایمانی نظام اعتقادات، به ویژه باورهای اساسی الهیات شیعی، دارای پذیرش معرفتی و عملی است. با این ملاحظه آنچه تاریخ عملی الهیات شیعه نشان می‌دهد مشکلات و چالش‌های خاص مربوط به پدیده زیارت است. از جمله این که، ما ظاهراً با انبوه روایات منقول از امامان شیعه و پیامبر اسلام مواجه‌ایم که تعداد بیشتر چنین روایاتی جایگاه و کارکردی ناپذیرفتنی و مخالف اعتقادات بنیادین شیعی و بعضاً خردستیز برای پدیده زیارت را معرفی می‌کنند. ضمن این که طی قرون گذشته از سوی عالمان شیعه تلاش چندانی برای ارزیابی اسنادی و محتوایی این نظام روایی صورت نگرفته است که این اهمال موجب شیوع بیش از حد آنها در میان عوام و رشد دینداری عوامانه زیارت‌محور گردیده است. نتیجه ناشی از گسترش تاریخی این پدیده، فربه شدن آموزه زیارت و تنگ شدن فضای لازم برای دیگر آموزه‌ها و ابعاد دین و نقش پررنگ زیارت برای تعریف هویت جامعه شیعی بر اساس آن شده است. در حالی که نگاه آسیب‌شناسانه نشان می‌دهد که آموزه زیارت که عمدتاً عملی مستحبی است به لحاظ الهیاتی در میانه و چه بسا در حاشیه شبکه الهیات شیعی قرار دارد و لذا تنها هنگامی دارای کاربردی درست است که متناسب جایگاهش از آن استفاده گردد و از افراط در باب آن اجتناب گردد،

کلیدواژه‌ها: زیارت، الهیات شیعی، شبکه نظام اعتقادات، دینداری عوامانه

شناسایی فرهنگ مادی زیارت امام رضا در قرن چهارم هجری با تکیه بر باب پایانی کتاب عیون اخبار الرضا

مصطفی قناعتگر

استاد حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران | mostafaghanaatgar@yahoo.com

چکیده

فرهنگ در کلی‌ترین تعریف، مجموعه رفتارها و باورهایی است که انسان‌ها از نسل پیشین خود می‌آموزند و با تغییراتی جزئی آن را به نسل‌های بعد از خود آموزش می‌دهند. هر فرهنگ دارای اجزایی مادی و غیر مادی است. فرهنگ زیارت در میان علاقه‌مندان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (بخش‌های متمایز زندگی ایشان نسبت به غیر ایشان)، دارای اجزایی شامل مسائلی غیر مادی (مانند گفتارها، هنجارها و باورهای رسمی و عامیانه) و مادی (مانند اشیاء، رفتارها، مکان‌ها، سرزمین‌ها، نمادها و مراسم) است که عملاً ارتباطات ایشان با آن شخصیت‌های مقدس را در طول تاریخ گذشته بازگو می‌کند. از این میان، در پژوهش حاضر، شناسایی فرهنگ مادی زیارت امام رضا علیه السلام در میان شیعیان و حتی اهل سنت علاقه‌مند به آن امام انجام خواهد شد. برهه‌ای از تاریخ که در این پژوهش مد نظر است، قرن چهارم هجری قمری است. نگاهی به باب پایانی کتاب عیون اخبار الرضا معلوم می‌کند که فرهنگ مادی زیارت امام رضا علیه السلام در عصر شیخ صدوق، مؤلفه‌هایی همچون آستانگی فضا، برکت جویی از فضا، خواب دیدن در فضا، بالاسر، بنا و ضریح، قبه، مفهوم «الدعاء عند القبر»، تولیت مشهدالرضا (مدیریت زیارت)، کاروان‌های زیارتی (حمل و نقل)، بوم زائران، درخواست‌های مادی و پناه آوردن حیوانات به آن مشهد (ژانر آهو) را در بر می‌گیرد. همچنین می‌توان دریافت که مؤلفه‌های مرتبط با فضا و درخواست‌های مادی، از محوریت بیشتری برخوردار هستند. از سوی دیگر، معلوم می‌شود که فرهنگ مادی زیارت امام رضا در قرن چهارم هجری در مردم خراسان تاریخی (نیشابور، توس-سناباد، نوغان-بخارا، بلخ، مرو)، ری و قم بروز و تا سایر بلاد اسلامی مانند مصر نیز توسعه یافته است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، فرهنگ مادی، امام رضا، قرن چهارم

آینده‌پژوهی پدیده زیارت در جهان بر ساخته از فناوری‌های همگرای «ارزش»

هدایت کارگر شورکی*

دانش‌آموخته دکتری مدیریت دانشگاه یزد، ایران | hkargar@ostanyazd.ir

محمدحسین کارگر شورکی

دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

فاطمه پاک‌نژاد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی اسلامی، دانشگاه پیام نور یزد، ایران

چکیده

پدیده زیارت از جایگاهی کم‌نظیر در شناخت و تحلیل ابعاد فردی و اجتماعی جوامع معاصر برخوردار است. از سوی دیگر این پدیده نیز همانند سایر ابعاد دین‌ورزی تحت تأثیر جریان‌ات متعدد به ویژه پیشرفت‌های علمی و فناورانه قرار دارد. در شرایط کنونی و به استناد مطالعات آینده‌شناسی، توسعه نظام علم و فناوری در جهان با محوریت مفاهیم جدیدی همچون «همگرایی فناورانه» و «فناوری‌های همگرا» رقم خواهد خورد. منظور از این اصطلاح، هم‌افزایی میان چهار دانش فناوری کلیدی شامل فناوری اطلاعات، ریزفناوری، زیست‌فناوری و فناوری شناختی است که در زبان فارسی با سرنام «ارزش» و در زبان انگلیسی با واژه «CIBN» از آن یاد می‌شود. هدف از مطالعه حاضر آن است که با تمرکز بر انقلاب همگرایی فناورانه، آینده‌های قابل تصور از پدیده زیارت را در افق زمانی بلندمدت تصویر نماید. این مطالعه کیفی با رویکرد آینده‌پژوهی از نوع اکتشافی در افق زمانی ده ساله و با تکنیک چرخ آینده با مشارکت هشت نفر از خبرگان آشنا با هر دو موضوع علمی (فلسفه دین و مدیریت فناوری) از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های معتبر کشور اجرا شده است. تمامی این افراد دارای سوابق پژوهشی از قبیل تدوین مقاله و کتاب یا راهنمایی رساله و پایان‌نامه در موضوع مورد مطالعه بوده‌اند و دو نفر از آنها از میان بانوان انتخاب شده‌اند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند ضمن تبیین جایگاه مفهومی همگرایی فناورانه ارزش در زیست‌بوم دین‌ورزی، شرایط و خصوصیات پدیده زیارت را در آینده‌سازی تمدن بشری توصیف نماید. برخی از مؤلفه‌های استخراج شده از این مطالعه کیفی را می‌توان بدین ترتیب برشمرد: ارتباط بی‌واسطه، وحدت وجود، هم‌آوایی با کائنات، طغیان شیطانی و خسران ابدی.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آینده‌پژوهی، فناوری‌های همگرا، همگرایی فناورانه، فناوری‌های ارزش

بررسی مؤلفه‌های رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا در «زیارت جامعه کبیره» و تأثیر آن بر بهداشت روانی زائرین اماکن مقدسه

معصومه کرامتی*

استادیار گروه معارف مجتمع آموزش عالی اسفراین، خراسان شمالی، اسفراین، ایران
masoomeh.keramati@yahoo.com

سیدعقیل نسیمی

استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان پردیس امام محمدباقر، خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

روان‌شناسی مثبت‌گرا به عنوان یکی از جدیدترین شاخه‌های روان‌شناسی با انگیزه بهینه‌سازی کیفیت زندگی از طریق ارتقای شادی ذهنی در بستر رضایت از گذشته، شادی حال و امید و خوش‌بینی به آینده شکل گرفته است، که جلوه‌هایی از نگرش مثبت‌نگر را در آموزه‌ها، زیارات، ادعیه، و مکان‌های دینی نیز می‌توان دید. مخصوصاً «زیارت جامعه کبیره» که سرشار از معارف الهی و مضامین عالی است و سفارش زیادی بر تلاوت آن در اماکن مقدسه شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و داده‌بنیاد به دنبال بررسی مؤلفه‌های رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا در «زیارت جامعه کبیره» و تأثیر آن بر سلامت و بهداشت روانی زائرین است. در این مطالعه، «زیارت جامعه کبیره» در سه سطح موضوعی تجارب ذهنی و هیجانات، سطح فردی و سطح گروهی مورد بررسی قرار گرفته است، و شش توانمندی (تعالی، خرد، انسانیت، عدالت، شجاعت، خویشتنداری) و بیست‌و‌چهار قابلیت از این زیارت استخراج شده است که یافته‌ها نشان می‌دهد مفاهیم استخراج‌شده شش‌گانه در این زیارت ما را به مؤلفه‌های شش‌گانه روان‌شناسی مثبت‌گرا مرتبط می‌کند، هرچند مفاهیم چه از نظر تعداد و چه از نظر مفهومی در «زیارت جامعه کبیره» گستردگی بیشتری دارد. در مؤلفه‌های شش‌گانه تعالی و خردورزی بیشترین تأثیر را جهت ایجاد معنا، رضایت از زندگی و سعادتمندی دارا هستند. وجه تشابه، تفارق و تعارض‌هایی هم در دو رویکرد وجود دارد. در تحلیل نهایی، زیارت و خواندن ادعیه سفارش‌شده تأثیر انکارناپذیری بر بهداشت و سلامت روان دارد. زیارت به رغم این که سفری جسمانی است، تحولی درونی برای زائر به همراه دارد. زائر تحت تأثیر فضای روحانی مکان مقدس و ادعیه قرار می‌گیرد و نهایتاً بهداشت و سلامت روانی وی تأمین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی مثبت‌گرا، سلامت روان، «زیارت جامعه کبیره»، زائر، اماکن مقدسه

پدیدارشناسی ابعاد فرافضامند الهیات زیارت مبتنی بر روایات امامیه در کامل الزیارات

احمد کریمی

دانشیار گروه کلام اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، شهر قم، ایران | karimi.ah@qhu.ac.ir

چکیده

پدیدارشناسی روشی است برای درک آنچه در آگاهی و فهم انسان خالق یک اثر و پدیدار می‌گذشته است. در این روش، پژوهشگر با نگاهی همدلانه، سعی می‌کند بدون تصدیق یا تکذیب قضایا و احکام اثر، فهم پدیدآور را شناسایی کند. اگر ادبیات روایی امامیه با رویکرد پدیدارشناسانه مورد بازخوانی قرار گیرد، آنگاه به توصیفات و عناصر جدیدی ناظر به مفهوم زیارت دست خواهیم یافت. بررسی پدیدارشناسانه روایات کتاب کامل الزیارات حاکی از آن است که زیارت دارای ابعادی فرافضامند است. به عبارت دیگر، زیارت تلازمی با حضور در مکان زیارتی ندارد. این وجوه فرافضامند به دو ساحت معرفت و جنبه وجودی انسان مرتبط می‌شود. به لحاظ معرفتی، شناخت مزور و جایگاه او یکی از مقومات زیارت محسوب می‌شود و در کتاب کامل الزیارات هم باب مستقلی به معرفت امام و اهل بیت (ع) اختصاص داده شده است. اتصال وجودی زائر با مزور نیز یکی دیگر از ارکان زیارت است. در روایات تعبیر و اشکال متعددی برای این اتصال و ارتباط وجودی ذکر شده است؛ تعبیری مانند: حُبّ به مزور، بُغض به دشمنان مزور، توجه و التفات به مزور، و هم احساسی با رنج مزور. همچنین مسئله حاضر دانستن مزور نیز در همین حوزه جای می‌گیرد که برای این موضوع نیز باب مستقلی در کامل الزیارات قرار داده شده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، کامل الزیارات، پدیدارشناسی، معرفت مزور، اتصال وجودی با مزور

اخلاق زیارت امام حسین علیه‌السلام: نوعی تجربه دینی

سعید کریمی

دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران | saedsaeid90508@gmail.com

چکیده

زائر واقعی کسی است که ادب و اخلاق زیارت را قبل از زیارت، هنگام زیارت و بعد از زیارت به جای آورد. بنابراین فرق بزرگی است بین کسی که بدون رعایت ادب، اخلاق و ملاک زیارت، به زیارت برود، با کسی که ادب و اخلاق زیارت را به جای آورد. آداب زیارت امام حسین و بایسته‌ها و مواردی که برای زیارت امام حسین از طریق ادعیه و روایات بیان شده است، به عنوان اخلاق زیارت امام حسین محسوب می‌گردد. از طرف دیگر واقعه‌ای که از سر انسان می‌گذرد و نسبت به آن آگاه است، تجربه است. تجربه دینی هم غیر از تجربه‌های متعارف است و متعلق تجربه دینی موجودی ماورای طبیعی مانند خدا و یا موجودی است که با خداوند مرتبط است، مانند ائمه معصومین علیهم السلام. کسی که اخلاق و ادب زیارت را رعایت می‌کند، تجربه دینی متفاوت‌تری خواهد داشت با کسی که این ادب را رعایت نمی‌کند. آداب بسیاری جهت رعایت اخلاق زیارت امام حسین در ادعیه و روایات وارد شده است. بنابر روایات وارده در زیارت امام حسین هرکس می‌خواهد زیارت مقبول و تجربه دینی بالاتر و خاصی داشته باشد، باید آداب وارده را رعایت کند. قبل از زیارت کردن، داشتن نیت خالص جهت زیارت، مصاحبت نیکو با هرکسی که رفیق انسان است، بسیار یاد خدا کردن، پوشیدن لباس‌های پاکیزه، قبل از ورود به داخل حائر غسل کردن، نماز بسیار خواندن، احسان به برادران مؤمن، تقیه کردن در صورت نیاز، ترک خصومت، غسل کردن با آب فرات و مواردی از این قبیل بیان شده است. در هنگام زیارت و بعد از زیارت نیز خواندن ادعیه و زیارت‌ها و نمازهایی که سفارش شده است، از ادب و اخلاق زیارت امام حسین است که موجب نوعی تجربه دینی بالاتری برای عمل‌کنندگان برای آن خواهد شد که زائران را در حال و هوای معنوی زیارت قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق زیارت، تجربه، تجربه دینی، امام حسین، آداب

مردم‌شناسی زیارت: رهیافتی حسی در بررسی کنشگری زائران اماکن مقدسه موردپژوهی بقعه بین‌الادیانی چهارانبیاء و امامزاده صالح علیهم السلام قزوین

احسان کریمیان‌ها

دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران | ehsan.safir@chmail.ir

چکیده

در پژوهش حاضر تلاش شده تا با تحلیلی مُقتبس از روش انسان‌شناسی حسی، به بررسی و تبیین کنش «زیارت» به عنوان یکی از مناسک مهم دینی پرداخته شود. انسان‌شناسی حسی نگرشی برتافته از اعتماد به ادراکات تجربی انسان جهت بازکاوی پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی پیرامون است که تجسّد علمی یافته. این معنا، به بوییدن، چشیدن، شنیدن، لمس کردن و دیدن به مثابه خط انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی می‌نگرد. از این رو، حیات اجتماعی حس‌ها را باید بهره‌وری عریان و بی‌پرده از علم حضوری بشر در مواجهه عینی با اجتماع و مقوله فرهنگ برشمرد. هرچند این روش با وجود تلاش‌های ارزشمند عده اندکی از جامعه‌شناسان ایرانی هنوز در کشور ما به عنوان یک سرمشق پژوهشی مستقل قدری غریب و عجیب می‌نماید. تمرکز این تحقیق به چگونگی ادراکات حسی زائرین حین زیارت اماکن مقدسه معطوف گشته است. رمزگشایی حسی در این محاکات، علاوه بر کشف چگونگی دخالت حواس بر درک زیارت و یابش نظم فرهنگی این احساسات هنگام زیارت، به نحو قابل توجهی بر نقش فراحسی تجربه امرقدسی اشاره دارد؛ تجربه‌ای فراسوی حواس پنج‌گانه اما در ارتباطی وثیق با آنها، احساسی منحصر به فرد که به تناسب شرایط روحی زائرین بر کیفیت ادراکات طبیعی آنان نیز مؤثر می‌افتد. یافته‌ها حاکی از مشارکت جمله حواس کلاسیک و تازه شناخته انسانی در هنگام زیارت اماکن مقدسه بوده که به حسب تنوع فرهنگی، اقلیمی، شناخت و آگاهی، موقعیت روحی و روانی، جایگاه اجتماعی، پیشفرض‌های ذهنی و تجربه‌های معنوی به نحوی متفاوت ظهور نموده و در نقطه اوج این ادراکات به تجربه‌های فراحسی منتج گشته است. داده‌های این مقاله با روش استماع موقعیتی، مشاهده مشارکتی و یادداشت‌های میدانی، در سایت زیارتی شاخص چهارانبیاء در بافت کهن شهر قزوین تهیه و با رویکرد تحلیل محتوا صورت‌بندی یافته است.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی حسی، فرا حس، امر قدسی، زیارت

بازتعریف مفهوم عرفی زیارت با حذف عنصر مکان

عطیه کشتکاران

دانش‌آموخته دکتری الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران | atiye.ke@gmail.com

چکیده

زیارت یکی از اعمال عبادی ادیان مختلف است که عموماً به معنای سفر دینی یا بازدید از اماکن مذهبی دانسته می‌شود و عنصر تغییر مکان در این تعریف نقشی محوری دارد. از این رو برخی زیارت را به گردشگری دینی تحویل برده‌اند. تقید زیارت به مکان موجب می‌شود بسیاری از مؤمنان به دلیل مشکلات معیشتی از فیض زیارت محروم شوند و امکان رشد معنوی از آنها سلب شود. از سوی دیگر بسیاری اوقات زیارت به قصد شفا صورت می‌گیرد و بیماری خود مانعی برای تحقق زیارت است. در دین اسلام عنصر ذاتی زیارت نه تغییر مکان که روی کردن به امر مقدس است. بر اساس روایات زیارت پیامبر اکرم (ص) از بعید و سفارش به زیارت امام حسین (ع) از هر مکانی شواهدی است بر این که در اسلام زیارت مختص به همجواری جغرافیایی نیست. به منظور توسعه مفهوم زیارت مناسب است که توجهی هم به نسبت میان مفاهیم زمان و زیارت داشته باشیم. گرچه زیارت در هر زمانی میسر است، زمان‌های خاصی در اسلام برای بهره بیشتر از زیارت توصیه شده است. در نتیجه مفهوم زیارت در اسلام وابسته به مکان جغرافیایی و زمان مشخصی نیست و زمان و مکان‌های مؤکد، مقوم زیارت هستند تا از این طریق کارکردهای معنوی زیارت افزایش یابد. این مفهوم از زیارت ظرفیت‌هایی را برای زیارت قشرهای گوناگون جامعه، زیارت مجازی در دوران بیماری‌های همه‌گیر و... فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، گردشگری دینی، زیارت از بعید، زیارت مجازی

نگاهی به ابعاد لغوی، هنری، فلسفی و عرفانی زیارت

اردشیر محمودی*

ardeshir_mahmoodi@yahoo.com | ایران | الیگودرز، دانشگاه پیام نور، الیگودرز، ایران

زهرا خیری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فیزیک، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

زیارت به معنای ملاقات با کسی است که از حیث مقام، به ویژه مرتبه معرفتی و معنوی بالاتر از زائر است. در این ملاقات، دیدارها تازه و زائر از منظر تازه‌ای عالم و آدم را می‌نگرد. نزد اهل معرفت، ملاک دیدار، روح و اندیشه است، زیرا زیارت و مشاهده کار جسم که امری ساکن و بی‌تحرك است، نیست، بلکه کار موجود زنده یعنی روح است. هر چند ملاقات روح‌ها بر جسم زائر و مکان و معماری محل زیارت نیز مؤثر است. روح منتسب به خداوند است و ملاقات روح‌ها در حقیقت ملاقات تجلیات الهی است. بر اساس اصل انعکاس نور در هنر آیین‌کاری در معماری قدسی، روح بشر و به ویژه روح انسان کامل، انعکاس دهنده نور خداوند بر سایر مخلوقات است، در هنگام زیارت، روح زائر و زیارت‌شونده مانند آئینه‌های شفاف کار انعکاس و نور دهی به همدیگر را انجام می‌دهند. از جهت فلسفی، دنیای مادی، دنیای امکان است، یعنی در هر حرکتی بیرونی و درونی، امکان و استعدادی نهفته است، و هر دیداری می‌تواند امکان دیدار نهایی، یعنی دیدار حق، را برای زائر فراهم آورد، چنانچه موسی (ع) برای کسب آتش به کوه طور رفت، اما نور الهی نصیبش گردید. از جهت تاریخی نیز این سؤال مطرح است که آیا در مقابر اولیاء و امامزاده‌ها واقعاً فردی دارای مقام معنوی، یا مقام عادی آرمیده، جواب به این پرسش‌ها سخت است، زیرا ما بر زمان، وقایع و مشهورات تاریخی احاطه نداریم. اما در زیارت نیت زائر برای کسب معنا و طلب دیدار مهم است. زیرا هر طلبی و به ویژه طلب زیارت، از ناحیه خداوند بوده و ارزشمند است. اگر غایت نهایی زیارت، دیدار خداوند بوده، در این میان، دیدار اولیاء و امامزادگان حیث ابزاری و واسطه‌ای دارند. این مقاله، با روش پدیدارشناسی (حکایت‌گری) به ابعاد لغوی، فلسفی، عرفانی و هنری زیارت، به پدیده زیارت و حکمت آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، پدیدارشناسی، حکمت، آئینه

زیارت، رهیافت وجودی در باب الهیات

عاطفه مروی

دانشجوی دکتر فلسفه دین دانشگاه تهران، تهران، ایران | atefe.mrv@gmail.com

چکیده

زیارت یکی از ارکان مهم و مطرح در ساحت ادیان و آئین‌ها به ویژه ادیان ابراهیمی است. در آئین و مناسک شیعی اهتمامی بیشتر و جایگاهی ویژه‌تر به امر زیارت اختصاص دارد. به نحوی که در این سنت، میان زیارت و بسیاری از باورهای دینی و آموزه‌های اخلاقی پیوندی ناگسستی برقرار است. این موضوع دین‌پژوهان را به پرسش از «چیستی زیارت» و پدیدارشناسی آن برانگیخته است. آیا زیارت صرفاً یک مناسک عبادی است و یا دارای ابعاد تعلیمی، تربیتی و معرفتی است؟ آیا زیارت، عملی جوارحی است یا فرایندی ادراکی و شناختی است و یا از سنخ رابطه وجودی و اگریستانی است؟ پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکرد اگریستانی به تحلیل پدیدارشناختی «زیارت» و تبیین مؤلفه‌های معرفتی، احساسی و عملی آن پرداخته و با بررسی کارکرد زیارت و نتایج مترتب بر آن نشان دهد ماهیت چندگانه زیارت را نمی‌توان صرفاً به یک مناسک عبادی فروکاست. اگر بنیان دین را ایمان و گوهر ایمان را رابطه وجودی با خداوند بدانیم زیارت این ارتباط را تنظیم، تثبیت و تقویت می‌کند. در واقع زیارت نه یک عمل تک‌ساختی بلکه سپهری پویا و زنده در حیطه الهیات است که بستر صیروت انسان موحد را فراهم می‌سازد و تمام ساحات شناختی، احساسی، عاطفی و ارادی انسان را به نحو وجودی با خداوند مرتبط و متصل می‌گرداند. به این ترتیب شخص آنچه را با تعلیم و تعلم آموخته و هر چه را از عمل و عقیده اندوخته، در سپهر زیارت به نحو شهودی و وجودی ادراک می‌کند. زیارت نه یک فرایند عقلانی الهیاتی بلکه یک رهیافت وجودی در باب الهیات است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، رهیافت وجودی، صیروت، الهیات پویا

خلق اتوپیا از طریق روایت‌های زیسته‌شده زیارت

امیررضا مزاری

دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران |
Mazari.amir@gmail.com

چکیده

اتوپیا یکی از مفاهیمی است که متفکران همواره با دیده ابهام به آن می‌نگرند. به نظر می‌رسد که این ابهام ناشی از معانی دوگانه‌ای است که در درون مفهوم اتوپیا است. اگر اتوپیا به مثابه وجود بشر و نه مکانی مشخص در نظر گرفته شود، آنگاه شاید ابهام آن کاهش یابد. اما این امر زمانی محقق می‌شود که از رابطه‌ای متقابل بین فضاها و کنش‌ها، وجود آدمی برساخته شود. کنش‌ها متأثر از فضای تجربه‌شده انسان زمانی ساحت انسان را به سطوح عالی‌تری می‌رساند که قابلیت روایت شدن داشته باشد. این روایت‌ها وقتی متأثر از فضاها و مقدس باشند، اتوپیاها ارزش را خلق می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد می‌توان تا حد زیادی بر ابهام اتوپیا از طریق خلق روایت‌های متأثر از فضای زیارت فائق آمد. سنگ بنای این عبور از ابهام را در ارزش محقق‌شده روایی زیارت که در وجود آدمی پدیدار می‌گردد می‌توان یافت.

کلیدواژه‌ها: اتوپیا، روایت، فضاها و دیالکتیکی، کنش

بیگانگان در حرم: مسائل و چالش‌های حضور غیرمسلمانان در اماکن مقدس شیعی در ایران

محسن حسام مظاهری

پژوهشگر مستقل، دبیر مجموعه کتابهای سرو (مطالعات اجتماعی شیعه) |
mohsenhesammazaheri@gmail.com

چکیده

«حرم» (از ریشه حَرَم به معنای ممنوعیت) مهم‌ترین و پرکاربردترین واژه و اسم عامی است که در فرهنگ اسلامی برای مکان‌های مقدس به کار می‌رود. نخستین مصداق این مفهوم، مسجد الحرام بوده است. طبق مشهور فقهای مسلمان، ورود به محدوده مسجد الحرام برای غیرمسلمانان ممنوع و حرام است. به تدریج این قاعده بسط یافته و شامل دیگر مساجد و اماکن مقدس اسلامی از جمله زیارتگاه‌ها شده است. این قاعده فقهی زمینه‌ای برای پیدایش یک عرف اجتماعی و نیز در دولت‌های مسلمان یک قانون را فراهم آورد. به عبارت دیگر این ممنوعیت به تدریج سه وجه مکمل پیدا کرد: یکی فقه (شریعت)، دوم قانون (دولت) و سوم عرف (جامعه). گزارش‌های سیاحان اروپایی نشان می‌دهد از دوره صفویه به بعد در روندی تدریجی محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی برای ورود غیرمسلمانان به مساجد و زیارتگاه‌ها (حرم رضوی، حرم حضرت معصومه و...) اعمال می‌شده است. بیشترین شدت عمل در اجرای این محدودیت‌ها در دوره قاجار بوده است. در اواخر دوره پهلوی اول، قانون مذکور به زیارتگاه‌ها تقلیل داده شد و برای سیاحان خارجی و دیگر غیرمسلمانان امکان ورود به مساجد و بازدید از آنها فراهم آمد. اما ممنوعیت ورود به اماکن زیارتی تا سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان پابرجا بود. علاوه بر ایران، مشابه این ممنوعیت در عتبات عالیات و دیگر زیارتگاه‌های عراق نیز وجود داشته است. در سال‌های اخیر اما قانون مذکور تغییر یافته و درهای اماکن زیارتی (نظیر حرم‌های امامان شیعه در عراق و ایران) به روی هیئت‌های دیپلماتیک دیگر کشورها و عموم گردشگران خارجی گشوده شده است. به گونه‌ای که حتی می‌توان نوعی رقابت بین متولیان این اماکن زیارتی در جذب بازدیدکنندگان خارجی را مشاهده کرد. عوامل متعددی در این تغییر رویه دخیل بوده‌اند؛ از تحولات جهانی و افزایش تعاملات و ارتباطات با دیگر ملت‌ها تا اراده‌های سیاسی و منافع نهاد رسمی تشیع و مهمتر از همه تغییرات فرهنگی گسترده و شتابان در جامعه ایران معاصر که بستر ساز تحولات عمیقی در فرهنگ دینی و مناسک شیعی شده است. در نتیجه این تغییرات شاهد چرخش مفهومی از «حرم» به «میراث فرهنگی» و از «زیارت / زائر» به «گردشگری / گردشگر مذهبی» هستیم که گشوده شدن درهای اماکن مقدس به روی غیرمسلمانان یکی از پیامدهای آن است.

کلیدواژه‌ها: حرم، سفرنامه‌های اروپایی، ممنوعیت ورود غیرمسلمانان، زیارت، گردشگری مذهبی

مناقشه زیارت در الهیات مسیحی

منصور معتمدی

دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران | motamedi@um.ac.ir

چکیده

عمده کتاب‌های نگاشته‌شده در موضوع مناقشات زیارت در مسیحیت، مختص دو مذهب کاتولیک و ارتدوکس است. زیارت به عنوان مقوله‌ای مستقل در عهدین نیامده و صرفاً مفهومی ضمنی در سفرهای پیامبران یا توضیح عبادت‌ها است. اسلام‌شناسان نیز بیان کرده‌اند که زیارت، در متون اسلامی اولیه، نه به عنوان مقوله‌ای مستقل بلکه در قالب حج بیان شده است. می‌توان گفت که زیارت در مسیحیت از قرن چهارم میلادی شروع شده است. در تاریخ مسیحیت دو نوع زیارت از یکدیگر متمایزند: زیارت فیزیکی به عنوان جابجایی از یک مکان به مکان دیگر؛ و زیارت باطنی و درونی. مبنای الهیاتی هر دو نوع زیارت به اعتقادات مسیحیان در باره نحوه شهادت و عروج حضرت مسیح بازمی‌گردد. مبنای زیارت باطنی این اعتقاد مسیحیان است که حضرت عیسی بعد از مرگ با بدن خود عروج کرده و لذا پیکر او مکانمند نیست تا در جای خاصی به زیارت او رفت. مبنای زیارت فیزیکی این اعتقاد مسیحیان است که مشاهده محل زندگی حضرت مسیح باعث بهتر شدن رابطه او با خداوند می‌گردد. توماس آکمپیس، متأله قرن ۱۵ میلادی، زیارت فیزیکی را مردود می‌داند. مارتین لوتر، آغازگر اصلاحگری دینی در مسیحیت، که خودش زمانی زیارت به جا می‌آورد، در آثار بعدی خود علاوه بر نقد کلیسا، اسقف‌ها و پاپ، زیارت فیزیکی را نیز مورد انتقاد قرار داد. برخی از متألهان و نویسندگان مسیحی بعد از اصلاحات دینی، کتاب‌هایی در رد زیارت - با زبان تمثیلی و ضمنی - نگاشتند. این آثار، از جمله کتاب سیر و سلوک زائر نوشته جان بانین (یک متأله اصلاح‌گرا)، زیارت ظاهری را رد کرده‌اند. کتاب جان بانین را می‌توان نوعی بیانیه اعتقادی برای اصلاحگران دینی پیرو لوتر دانست. آنها به ترجمه این کتاب به دیگر زبان‌ها از جمله فارسی اقدام کردند.

کلیدواژه‌ها: زیارت باطنی، زیارت ظاهری، اصلاحات دینی، توماس آکمپیس، مارتین لوتر، جان بانین

مبانی فلسفی زیارت

سید محمد موسوی بایگی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران | moosavi@razavi.ac.ir

چکیده

یکی از آدابی که تقریباً در همه ادیان الهی مورد تأکید است حضور مؤمنان در مکان‌های خاص برای انجام مناسک است. به سبب ارتباط این امر با نبوت می‌توان از منظر فلسفی نیز درباره آن سخن گفت. در این پژوهش مقدمات هفتگانه‌ای جهت تبیین مبانی فلسفی زیارت و نحوه اثرگذاری زیارت بر نفوس مؤمنان احصا شده است: (۱) بر اساس مبانی فلسفی، آفرینش در یک ترتیب معین و از مجرای ملائکه مقرب است. (۲) علیت منوط به سنخیت میان علت و معلول است که به دو نحوه قابل تصور است: یکی اصل ایجاد و دیگر افاضه کمالات ثانیه. (۳) شرط افاضه کمال قابلیت فرد است، زیرا حق تعالی (بخشنده مطلق) کسی را از هیچ خیری محروم نمی‌کند مگر این که خودش استعداد دریافت آن را نداشته باشد. (۴) نفوس انسانی در پذیرش کمالات معنوی متفاوت‌اند. گروه اندکی، بدون نیاز به معلم بشری، قابلیت کامل شدن دارند (نفوس قدسی) و اگر در مراتب استکمال به مرتبه عقول یا بالاتر نائل شوند همان آثاری از ایشان سر می‌زند که از ملائکه مقرب ظاهر می‌شود. (۵) غرض از زیارت کسب کمال برای نفس زائر است که آن نیز منوط به قابلیت وی است. (۶) امور جسمانی تحت تأثیر امور معنوی است، مثلاً مکانی که ارتباط با بدنی داشته که متعلق به روح ولی الهی است (مانند مدفن او یا محل سکونت و...) نحوه‌ای اثرپذیری و شرافت حقیقی می‌یابد و این کمال مکانی موجب می‌شود که اگر جسم دیگری نیز اتصالی به آن پیدا کند یک نحوه کمال برای آن حاصل شود. (۷) اجتماع و کثرت ابدان ظاهری نیز موضوعیت دارد، زیرا هر چه تعداد زائران بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که اهتمام نفوس به باطن ولی الهی بیشتر است. بر اساس این مقدمات، می‌توان نتیجه گرفت که اثرگذاری ولی مقرب الهی بیش از عقول است، زیرا سنخیت او با انسان‌ها بیشتر از ملائکه مقرب است. از طرف دیگر کمال ولی الهی به اندازه ملائکه یا بیشتر از آنان است. از این رو، توجه به اولیاء الهی یا تشریف به مکان‌هایی که نسبتی با آنها دارد و یا هر امر دیگری که وجوه مناسبت و سنخیت و قابلیت کسب کمال را تقویت کند، موجب فزونی کمال برای نفس انسان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، فلسفه، علیت، سنخیت علت و معلول

کارکرد تربیتی زیارت «امین الله» در حل مسئله تنهایی

سید محمدحسین موسوی‌پور

استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران/ کرج، ایران |
musavipur@khu.ac.ir

چکیده

انسان معاصر به رغم رشد فزاینده در عرصه تکنولوژی، با بحران‌های شکننده‌ای در حوزه احساسات روبرو است. همان گونه که در روان‌شناسی وجودی اروین یالوم مشاهده می‌کنیم، یکی از بحران‌های معاصر، «احساس تنهایی» است که البته با شناخت درست و به‌کارگیری روش‌های کارآمد، قابل پیشگیری و درمان است. نگارنده در این مقاله به روشی توصیفی و کتابخانه‌ای و بر اساس دیدگاه روان‌شناسانی مانند اروین یالوم تلاش می‌کند، ضمن توجه به نقش تلقینی زیارت که به نوعی در تربیت دینی هم قابل پذیرش است، راه‌های برون‌رفت از بحران احساس تنهایی را معرفی نماید. لذا در طبقه‌بندی مطالب سعی می‌شود در ابتداء مفهوم‌شناسی واژگان «تنهایی» و «زیارت» مورد تبیین قرار گیرد. سپس با تبیین روان‌شناختی از احساس تنهایی به راه‌حل‌های مسئله احساس تنهایی با تطبیق بر مسئله زیارت خواهیم پرداخت. در بخش تطبیقی به مسئله زیارت، انتخاب ما در بین زیارات، زیارت مأثوره «امین الله» است که در کتب روایی ما موجود است. این زیارت مشتمل بر عناصر احساسی متعددی از قبیل: احساس اطمینان، رضایتمندی، صبر، شکر، ذکر، پرهیزگاری، اعراض از دنیا، مُحَبِّ خدا بودن، محبوب خدا بودن و لقاء پروردگار است که آدمی می‌تواند با به‌کارگیری آنها به لحاظ کارکردهای چهارگانه، خود را از احساس تنهایی منفی رهایی‌ده و به سرمنزل آرامش و طمأنینه برساند.

کلیدواژه‌ها: بحران‌های روانی، احساس تنهایی، زیارات، زیارت «امین الله»

الهیات معماری و زیارت: از مکانمندی زیارت تا بدنمندی معماری در خوانش تحولات معماری حرم مطهر رضوی

سعید مهرپویا

دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران | s_mehrpouya@sbu.ac.ir

چکیده

معماری تلاشی هنرمندانه برای ساختن محیط، دستگاهی برای برآوردن نیازها و صناعتی فرهنگی و راوی زمینه‌های اجتماعی خاستگاه خود است. معماری مذهبی گونه‌ای از معماری و واسطه‌ای برای بیان مفاهیم پیچیده فرهنگی، اعتقادی، تاریخی و نمادین است. مکان‌های مقدس نظیر معابد، قدمگاه‌ها، عناصر طبیعی مقدس، مقبره‌ها و... ناشی از نحوه حلول امر مقدس در مکان پدید آمده‌اند. مقابر و مزارها از جمله مکان‌های مقدس هستند و زیارت مهم‌ترین رفتاری است که در آن جا انجام می‌شود. زیارت را می‌توان کنش مستقیم زائر در مکان مقدس دانست که اغلب توأم با قصد، سفر و حرکت به سوی مزار، حضور در آن، رعایت آیین‌ها و رسوم زیارت و برگزاري آداب، مناسک و شعائر مذهبی است. معماری مزار و زیارت رابطه‌ای دوسویه با یکدیگر دارند؛ معماری محمل انجام زیارت است و آداب زیارت بر شکل‌گیری مزار مؤثر. بدین ترتیب زیارت پدیده‌ای مکانمند است. مطالعه این رابطه از جمله مصادیق نسبت الهیات زیارت و معماری است. از دیگر سو، عاملیت انسان و بدن او در برگزاري آداب و مناسک زیارتی و عموماً وجود پیکر فرد مقدس در مزارها باعث می‌شود تا زیارت را پدیده‌ای بدنمند دانست. مطالعه رابطه سه جزء اصلی زیارت یعنی مزور، مزار و زائر در حرم مطهر رضوی، مهم‌ترین بنای مذهبی ایران، و بررسی سیر تحولات معماری آن نشان می‌دهد که شکل کالبد اولیه آن بر تکوین آداب زیارت تأثیر گذاشته است و سنت‌های زیارت و نحوه حضور زائر و موقعیت بدن مزور مولد آدابی بوده است که نقشی بسزا در تحولات معماری حرم مطهر داشته است.

کلیدواژه‌ها: معماری، الهیات زیارت، حرم مطهر رضوی، بدنمندی، آداب

الهیات معبد، الهیات غربت

فاطمه میررحیمی

دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران |
fmirrahimi@yahoo.com

چکیده

شناخت حقیقی خدا فقط تصدیق ذهنی یا عقلی نیست بلکه اساس آن شهود حق در مظاهر آفاقی و انفسی است و بستر این شهود و مکاشفه معبدی است که میقات با خداوند در آنجا محقق می‌شود. کل هستی معبد است، اما مکاشفه و تجلی خاص حق نیاز به طور سینا و غار حرا دارد. معبد واقعه‌ای جاری است که در خروج از غربت غربیه، استحاله و استعلای وجودی عابد، ضرورت دارد، تا عابد به شهود برسد و معبد، مشهد شود. رابطه بین معبد و مکاشفه، امری تشریعی یا قراردادی نیست بلکه تکوینا ارتباط عمیقی بین آنها برقرار است. برای یک سالک، گشودگی و ارتباط با وجود خود معبد و دریافت حقیقت از آن، موضوعیت دارد. معبدی زمینی که حیاتی آسمانی دارد. وجود حقیقی معبد، مجمع البحرین یا قاره گمشده‌ای است که حد واسط عالم محسوسات و عقول است و وظیفه آن آزادسازی وجود باطنی سالک از غربت غربیه و ورود به شرق عالم از طریق عالم مثال است. از معبد و بیت مقدس است که هدیه پیام‌آور نامه‌ای از جانب حق برای سالک می‌آورد تا او را از چاه قیروان و غربت غربیه‌اش آگاه کند و هدایت او را تا مشهد و آب زندگانی و دیدار حق برعهده گیرد. طی مسیر سفر، بنابر نقشه‌ای است که برای هر فرد در رقع‌ای آورده شده، همان قرآنی که برای او نازل شده است، تا او را به حقیقت معبد برساند. هر معبد، آفرینندگان و حافظان خود را دارد که سالک به ملاقات آنها نائل می‌شود. رسول، خضر، امام زمان و پدر آسمانی هر معبد که ایجاد و حیات آسمانی آن معبد بر عهده اوست و حفاظت و طهارت نیز بواسطه او رخ می‌دهد. رسیدن به معبد، رسیدن به خضر و امام کعبه و خود متعالی انسان است، تا انسان با او متحد شود و بواسطه این اتحاد عوالم ملکوت طی شود و شهود حق محقق شود. تبیین چگونگی گذر از معبد ظاهری و ارتباط با حقیقت معبد، همچنین اتحاد با امام یا خود متعالی و خلاصی از غربت غربیه، محورهای اصلی این مقاله است تا در این بررسی، ضرورت وجود معابد در سیر آگاهانه انسان از دید حکمای اشراقی شرح داده شود.

کلیدواژه‌ها: الهیات معبد، الهیات غربت، غربت غربیه

آداب و ویژگی‌های زیارت در متون پهلوی

فرشید نادری

استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران | farshid.naderi@yahoo.com

چکیده

زیارت و آداب چگونگی ورود به اماکن مقدس پیشینه‌ای بس دراز در تاریخ و فرهنگ کهنسال ایران دارد. در متون اوستایی و پهلوی نظیر «خرده اوستا»، «بندش»، «روایت پهلوی»، «نیرنگستان»، «اندرنامه‌آذربادمهرسپندان» و... به چگونگی زیارت و آداب آن اشاره شده است. در اینجا مراد از زیارت، آداب ورود به اماکن مقدس زرتشتی یعنی آتشکده‌ها است. به عنوان نمونه می‌توان به برخی الزامات اولیه ورود به آتشکده یا همان آداب تطهیر اشاره کرد. این آئین‌ها با برخی مقررات اسلامی مرتبط با ورود به اماکن مقدس و متبرک نظیر غسل جنابت و غسل زیارت قابل سنجش است. همچنین بایستی از برخی نیایش‌های ویژه آتش مانند «آتش نیایش» و چگونگی مواجهه افراد با آتش مقدس یاد کرد. این مورد با برخی آداب اسلامی زیارت نظیر «اذن ورود» و «متن زیارت‌نامه‌ها» و شیوه مواجهه زائر با اماکن مقدس قابل تطبیق و سنجش است. زمان مناسب ورود به آتشکده، دفعات آن و تأثیر آن در کیفیت زیارت نیز در این بررسی حائز اهمیت است. در این جستار تلاش می‌شود برخی ویژگی‌های زیارت در فرهنگ کهن ایرانی که در دوران اسلامی نیز تداوم یافته‌اند، مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، متون زرتشتی گنجینه‌ای معتبر به منظور بررسی ریشه‌ها و بنیان‌های کهن آداب زیارت به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آداب زیارت، متون اوستایی، متون پهلوی

گونه‌شناسی ادبیات زیارت در شعر فارسی

مسلم نادعلی‌زاده

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (ع)، تهران، ایران |
moslemnadali@gmail.com

چکیده

زیارت حج و مشاهد مشرفه از موضوعات مورد علاقه شاعران در سرودن شعر بوده است. این گرایش در حدی بوده که منجر به پیداشدن گونه‌هایی متنوع در ادبیات مربوط به زیارت در شعر فارسی شده است. در این پژوهش، به بررسی نمونه‌هایی از هر یک از گونه‌های مورد بحث پرداخته شده است: اشتیاق‌نامه‌ها یا آرزونامه‌ها، شوق و خواهش شاعران در جهت تشرف به زیارت بازتاب می‌دهند؛ زیارت‌نامه‌های منظوم، ترجمه زیارت‌هایی است که در کتب ادعیه و زیارات به خواندن آنها توصیه شده است نظیر زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره و... به زبان شعر. چاووش خوانی در بدرقه زائران و استقبال از ایشان به کار می‌رود. درنوشت‌ها، کاشی‌نوشت‌ها، ضریح‌نوشت‌ها و سنگ‌نبشته‌ها در کنار کتیبه‌ها و گورنوشت‌ها، بیان‌کننده ارادت شاعران به شخصیت‌های مدفون در بقاع متبرکه است. ماده‌تاریخ‌ها به زمان ساخت یا تعمیر بناها و نصب ضریح‌ها و مسائلی مشابه اشاره دارند. توبه‌نامه‌ها، توسل‌نامه‌ها، اشعار سلامیه و صلواتیه و نظایر آن، به آداب تشرف و تحولات درونی زائر مرتبط است. اشاره به مسائل اجتماعی مربوط به زیارت نظیر تعرض دُول متجاوز به اعتاب مقدسه و بث‌الشکوی‌ها از دیگر گونه‌های ادبیات زیارت است. اشعار انتقادی با هدف آموزش زیارت صحیح و نیز تعزیه‌نامه‌ها با موضوع زیارت مشاهد مشرفه و خطراتی که برای زائران پیش می‌آمده یا توصیف کراماتی که در این سفرها ظاهر می‌شده است، انواع دیگر ادبیات منظوم زیارت را شامل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، انواع ادبی، گونه‌شناسی، شعر مذهبی، زیارت

آسیب‌شناسی الهیاتی زیارت: آسیب‌ها و پیامدهای عدم شناخت جایگاه و منزلت مزور

حافظ نجفی

عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت، قم، ایران | hnk317@yahoo.com

چکیده

زیارت یکی از اثرگذارترین شعائر دینی است که می‌تواند باعث رشد معنوی، آرامش روحی و تحول و دگرگونی در شخصیت زائر گردد. در دین اسلام، برای زیارت قبور پیشوایان شرایط و آدابی اعلام شده است که رعایت آنها و توجه به مضامین زیارت‌نامه‌ها، نقش بسزائی در تحقق اهداف زیارت دارد. البته ممکن است زیارت از جهات عدیده خصوصاً از بُعد اعتقادی با آسیب‌ها و آفت‌هایی نیز روبرو گردد که بی‌توجهی به آنها زیارت را از محتوای خود خارج و زائران را از رسیدن به اهدافشان محروم می‌سازد. نظر به فراوانی آسیب‌ها، در این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع روایی و تاریخی و الهام از سیره و سخن حضرات معصومین ع، نگارش یافته، سعی شده است به تبیین آسیب‌ها و پیامدهای «عدم شناخت جایگاه و منزلت زیارت شونده‌گان»، به عنوان یکی از مهمترین آسیب‌ها در حوزه اعتقادی (الهیات)، پرداخته شود. براینکه این تحقیق نشان می‌دهد، زیارت در صورتی، انسان را به اهداف معنوی می‌رساند که همراه با معرفت مقام و منزلت مزور، صورت گرفته باشد، در غیر این صورت، ممکن است این عمل عبادی و سفر معنوی به درجه یک سفر تفریحی و سیاحتی تنزل یافته و زحمات زائران، بی‌حاصل یا کم‌فایده گردد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آسیب‌شناسی، الهیات

واکاوی انسان‌شناختی مفهوم زیارت در سفرنامه‌های سانتیاگو دکامپوستلا

محمد نصرای

پژوهشگر مستقل در حوزه زیارت | mnasravia@gmail.com

چکیده

زیارت در مسیحیت از زمان میلاد مسیح آغاز شده و یکی از مفاهیم محوری این دین به شمار می‌رود. زیارت سه مغ پارسا از مسیح نوزاد، نخستین زیارت ثبت‌شده در انجیل است. زیارت سانتیاگو دکامپوستلا نیز که طبق روایت مسیحی پس از کشف مدفن حواری عیسی، یعقوب قدیس، با راهنمایی ستارگان شکل گرفته، یکی دیگر از زیارت‌های مهم مسیحیت به شمار می‌رود. این سانتیاگو دکامپوستلا یکی از معروف‌ترین پیاده‌روی‌های زیارتی در جهان به شمار می‌رود. این زیارتگاه پس از اورشلیم و رم، محبوب‌ترین مکان زیارتی در اروپاست. پیاده‌روی‌های زیارتی نقش حیاتی در تجربه مذهبی مسیحیان دارند. این پیاده‌روی‌ها افراد را در معرض تجربه‌ای شگفت‌آور از فضاها، معنوی و معنادار قرار می‌دهند و موجب افزایش معنویت و ایمان به مسیح می‌گردد. با بررسی عمیق‌تر این زیارت‌ها و پیاده‌روی‌های معنوی، می‌توان اصلی‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که در ایجاد فضاها، اتوپایی مذهبی نقش داشته‌اند را شناسایی نمود. این مطالعات به نوعی به ما کمک می‌کنند تا بهترین شیوه‌ها و عوامل اثرگذار در طراحی و ساخت این فضاها را درک کنیم و از آنها در محیط‌های مذهبی و معنوی مختلف بهره‌بریم.

کلیدواژه‌ها: زیارت، واکاوی انسان‌شناختی، اتوپیا، پیاده‌روی زیارتی، سانتیاگو دکامپوستلا

نشانه‌شناسی در نظام معنایی نصوص زیارات

ابوالقاسم نقیبی

استاد گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران | da.naghbi@motahari.ac.ir

چکیده

قرآن کریم حاوی مجموعه‌ای از الفاظ و کلمات (نشانه‌ها) است که بر محور کلمه «الله» سازمان یافته‌اند. کلمه «الله» عالی‌ترین کلمه کانونی است که همه واژه‌های کلیدی قرآن بر محور آن گرد آمده‌اند. بر این اساس، نظام معنایی قرآن، یک نظام توحیدی است. نصوص معرفتی و معنوی که در بستر زمان در طول نص قرآن کریم پدیدار گشته‌اند به جهت ارتباط معنایی الفاظ آنها با واژگان قرآنی، تابع آن نص مرجع در این کلمه کانونی و نظام معنایی هستند. در نتیجه، کلمات و نشانه‌های کلیدی این نصوص نیز بر محور کلمه الله، سازنده فرهنگی هستند که به زندگی مسلمانان معنا می‌بخشد. بنابراین، نصوص زیارتی در حقیقت الهیات نامه و مکان‌های زیارتی انبیاء و اولیای الهی، مراکز ذکر و یاد خداوند متعال و کانون‌های توحید بشمار می‌آیند. گفتمان حاکم بر نصوص زیارتی بیانگر ارتباط معنوی زائر با خداوند متعال از طریق پیامبر (ص) یا ولی (ع) است. قرب نبی (ص) و ولی (ع) به خداوند، این رابطه با واسطه را موجه می‌سازد. نشانه‌هایی چون مؤدت، ولایت، شفاعت، تولی، تبری، در گزاره‌هایی از نصوص زیارتی به روشنی بر این الگوی ارتباط که ارتباط توحیدی و مأذون از قبل خداوند است، دلالت دارند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، نصوص زیارتی، قرآن کریم، الله، توحید

تحلیل خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از فائده و اثر زیارت بارگاه بزرگان در پاسخ به پرسش‌های علامه حلی

ابراهیم نوئی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران | e_noei@sbu.ac.ir

چکیده

سلطان اولجایتو (محمد خداپنده) در اوایل رجب ۷۰۹ هجری به همراه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و تعدادی از اندیشمندان مسلمان از جمله علامه حلی به مدائن و زیارت بارگاه سلمان فارسی رفته است. در این سفر گفتگویی میان خواجه و علامه پیرامون کیفیت ترتب فائده زیارت بارگاه اولیای الهی و نیز کیفیت وصول اثر آن زیارت به زائر صورت می‌گیرد که محتوای آن در قالب رساله‌ای موسوم به رساله زیارت در مجموعه بیان الحقائق خواجه و همچنین تحریر فارسی‌ای که وی از بیان الحقائق داشته منعکس شده است. مقاله حاضر با فراهم آوردن تنها نسخه خطی عربی رساله زیارت و نیز نسخ تحریر فارسی آن، می‌کوشد تحلیل خواجه رشیدالدین را که برخوردار از مذهبی متفاوت با مذهب اعتقادی علامه حلی است تقریر کند و قرابت آن با دیدگاه مذهبی علامه حلی را نشان دهد. رشیدالدین معتقد است به دو سبب نفوس بزرگانی که از دنیا رفته‌اند به تربتی التفات دارند که بدنشان در آنجا مدفون است و به واسطه همین اسباب است که بر حضور زائران در کنار آن تربت و زیارت آن اثری تمام مترتب خواهد بود. سبب اول: آن نفوس دردناک با بدن خود اُلفتی داشتند و در همراهی با بدن خود بوده که به کمال خویش رسیده‌اند. آن بدن نیز از کمال آن نفس، منور به نوری معنوی شده و به خاطر همین نور معنوی است که مردم نزد تربت او سر بر زمین می‌نهند. سبب دوم: آن نفوس بار دیگر در آخرت با بدن خود برای همیشه و تا ابد همراه خواهند بود و در آخرت بدن‌ها به واسطه مصاحبت با نفوس به کمال می‌رسند. بنابراین استمداد زائران از این نفوس در جوار تربت آنها به مثابه ابراز ایمان کاملشان به بقای آن نفوس و پذیرش نبود مانعی (حتی بدن) برای افعال آنها (و از جمله اجابت خواسته زائران) است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، علامه حلی

آسیب‌شناسی زیارت در پرتو واکاوی حقیقت زیارت

اعظم وفایی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، ایران | dr.a.vafaeei@gmail.com

چکیده

زیارت ترکیبی از گرایش‌ها و بینش‌های همسو به قصد ارتباط با مزور است که آثار عمیقی در رفتار فرد پدید می‌آورد. زیارت معرفت قلبی و ارادت به زیارت‌شونده است به گونه‌ای که فرد به سوی مزور منعطف می‌شود و می‌خواهد حقیقت تبلور یافته در او را در جان خود ایجاد کند. بر اساس تفسیر امیرالمؤمنین از «قد قامت الصلاة»، هدف زیارت همان اتصال به منبع فیض است. زیارت مراتب تشکیکی دارد و زیارت‌شونده می‌تواند ذات اقدس الهی یا معصومین (ع) و حتی اولیاء الهی باشد. معرفت و محبت دو عنصر کلیدی زیارت‌اند که ارتباط وثیقی دارند. معیار سنجش محبت و ارزشمندی آن مبتنی بر میزان معرفت به زیارت‌شونده است. بر این اساس اگر این دو در کم و کیف از شاخصه دینی تبعیت نکنند آسیب‌های متعددی پدید می‌آید. تکرار قید «عارفا بحقه» در روایات بیانگر بعد معرفتی زیارت است. خطا در شناخت زیارت را به افراط و تفریط می‌کشاند. بالا بردن شأن زیارت‌شوندگان به حد خدایی و نسبت دادن الوهیت به آنها و همچنین نسبت دادن امور غیرعقلانی و حتی غیراخلاقی به زیارت‌شوندگان از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی است که معیار سنجش آن این است که معصومین خود را عبد و بنده خدا معرفی می‌کردند. امتناع از عمل به شریعت خطای دیگری است که برخی از زوار به این گمان که صرف محبت در زیارت کافی است از مسیر شریعت و عمل به فرامین دینی خارج شده‌اند. خروج از رفتار انسانی به جهت بالا بردن مقام مزور و ادعای حیوان بودن در مقابل آنها همگی ناشی از خطا در شناخت جایگاه مزور و همچنین بی‌توجهی به کرامت ذاتی انسانی است. این پژوهش در صدد تبیین ارکان زیارت در متون دینی با تمرکز بر شناخت آسیب‌های آن است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، آسیب‌شناسی، خطای شناختی

جایگاه زیارت در عرفان

قربان ولیئی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان، ایران | qorban.valy@gmail.com

چکیده

عرفان همانا دیدار با واقعیت یگانگی هستی است. این دیدار غالباً نتیجه فرایندی انفسی به نام سیر و سلوک است. دیدار با واقعیت وحدانی هستی یا در آینه کائنات صورت می‌گیرد یا در آینه نفس. نخستین را تجربه عرفانی آفاقی می‌نامند و دومی را تجربه عرفانی انفسی. در هر دو صورت، می‌توان سیر و سلوک و نهایتاً تجربه عرفانی را نقطه کانونی مفهوم زیارت دانست. سالک زایری است که در متعالی‌ترین شکل، حقیقت وحدانی هستی را در باطن خود زیارت/دیدار می‌کند. البته برای رسیدن به این هدف، در مسالک عرفانی گریزی از واسطه نیست. شیخ، مرشد و استاد نقش واسطه را بازی می‌کنند. سالک با زیارت مشایخ طریقت به بارگاه ذات خود بار می‌یابد و گویی در آینه منیر ضمیر شیخ است که به معرفت نفس خود دست پیدا می‌کند. این حرکت زیارت‌گونه از منازل و مراحل باطنی می‌گذرد که اصطلاحاً حالات و مقامات نامیده می‌شوند. در آموزه‌های عرفان عملی علاوه بر شیخ، بر زیارت یاران طریقتی و مشاهد مشرفه و اماکن قدسی نیز تأکید فراوان شده است. به این ترتیب اساساً می‌توان تجلی درونگرایانه زیارت آفاقی را همانا نفس سیر و سلوک عرفانی دانست که از خود آغاز می‌شود و به دیدار واقعیت وحدانی هستی منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، عرفان، تجربه عرفانی

آسیب‌شناسی مراسم پیاده‌روی اربعین در منابع فارسی

امیر هاشمی مقدم

استادیار دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران |
moghaddames@umz.ac.ir

چکیده

از سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ و سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ که حضور ایرانیان در مراسم پیاده‌روی اربعین پررنگ شد، ادبیات تولیدشده در این زمینه نیز گسترش یافت؛ چه در قالب سفرنامه‌های مجازی و مکتوب و چه در قالب مقالات و کتاب‌های پژوهشی. در این منابع گسترده اما آسیب‌شناسی این مراسم کمتر مستقیماً مورد توجه قرار گرفته و بیشتر به صورت حاشیه‌ای بر متن و گذرا مورد اشاره واقع شده است. در این مقاله ابتدا به دسته‌بندی منابع نوشته‌شده به زبان فارسی که در آنها آسیب‌های وارده به مراسم پیاده‌روی اربعین مورد اشاره قرار گرفته پرداخته می‌شود و سپس یک دسته‌بندی دیگر از مهم‌ترین این آسیب‌ها ارائه خواهد شد. داده‌ها و یافته‌های این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به دست آمده که شامل منابع اینترنتی و کاغذی تولیدشده درباره اربعین می‌شود. این داده‌ها پس از گردآوری و دسته‌بندی، تحلیل محتوا شده و از دل آنها مهمترین آسیب‌ها بیرون کشیده شده است. مهم‌ترین آسیب‌های وارده بر مراسم پیاده‌روی اربعین از نگاه منابع فارسی موجود در هفت دسته جای می‌گیرد: آسیب‌های مدیریتی، آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی، آسیب‌های دینی، آسیب‌های محیط زیستی، آسیب‌های سیاسی و بین‌المللی، آسیب‌های اقتصادی و بالاخره آسیب‌های گردشگرانه. در این میان تأکید این مقاله بیشتر بر آسیب‌های دینی است که شامل رشد جریان تشیع تیرایی، بروز تنش در میان جریان‌های تشیع در طول مسیر راهپیمایی و بالاخره به حاشیه رفتن هدف اصلی راهپیمایی اربعین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پیاده‌روی اربعین، آسیب‌شناسی، مطالعات اسنادی، تحلیل محتوا

زائر، مزار و کارگزاران

مریم هدایت

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید، قم، ایران | mhdy85@gmail.com

چکیده

دست‌یابی به اهداف زیارت و رسیدن به آثار مذکور آن، متوقف بر رعایت قیود، شرایط و ظرائفی در زائران، مشاهد مشرفه و کارگزاران آنها است. آنچه به عنوان آداب زیارت در آثار مربوطه گرد آورده شده به نوعی به این موضوع مربوط است اما دقیقاً بر شرایط فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی زیارت‌های امروزی تطبیق نمی‌کند و بنابراین به همه آسیب‌ها و بایسته‌ها ناظر نیست. یعنی بعضی از آنچه برای دست‌یابی به اهداف زیارت نیاز است در آن آثار بسط داده نشده است و این نقیصه تا حد زیادی به تطورات عصری برمی‌گردد. پژوهش حاضر بر اساس اصول و مبانی نظری و نیز تجارب عینی به برخی از بایسته‌ها و نبایسته‌های زیارت در سه محور پیش‌گفته پرداخته، نشان می‌دهد امید رسیدن به آثار نوید داده‌شده در نصوص با ارتقای بینش زائران چه در اعتقادشان نسبت به امام معصوم علیه‌السلام و چه با شناخت نقش معصوم و چیستی و جایگاه زیارت او در زندگی امروز بالا می‌رود. همچنین عملکرد زائران با رعایت اموری بهبود می‌یابد، از جمله افزایش تمرکز بر زیارت و پرهیز از خانواده و رفیق‌گرایی در مشاهد مشرفه، مهیا نمودن عوامل افزایش توجه و حضور قلب در مشاهد مشرفه و حذف موانع آن مثل طولانی ننمودن زیارت به نحوی که حضور قلب از دست برود، ابتکار عمل کارگزاران مشاهد در مدیریت شلوغی‌ها، عدم اختلاط بین زیارت و برنامه‌های تبلیغی، حذف عوامل محیطی برهم‌زننده توجه و تمرکز در حرم‌ها.

کلیدواژه‌ها: آداب زائر، نقش امروزی زیارت، موانع حضور قلب در زیارت، مشاهد مشرفه

فلسفه مناسک و آیین‌های جمعی در اندیشه کانت

حسین هوشنگی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران | h.hooshangi@isu.ac.ir

چکیده

کانت به یک دین جهان‌شمول به عنوان دین اخلاقی، عقلی و طبیعی (کلیسای نامرئی) قائل است که عبارت است از همان تکالیف اخلاقی عقل از آن جهت که آنها را متعلق امر و تکلیف الهی نیز می‌دانیم. در کنار این دین واحد عقلانی، دین وحیانی، تاریخی، تعلیمی، نهادینه و تشریعی (کلیسای مرئی) قرار می‌گیرد. این دین نهادینه در مسیر تحقق تدریجی و تاریخی حاکمیت خیر اخلاقی بر جوامع انسانی و وصول به ملکوت خدا و قلمرو غایات (جامعه ایدئال اخلاقی) لازم است، زیرا خروج از وضعیت طبیعی اخلاقی (نزاع خیر و شر در وجود فرد) و خروج از وضعیت طبیعی مدنی (ستیز با دیگران)، به خدا و دین تشریعی و شعاعی نیاز دارد. البته گوهر و به تعبیر کانت، ماده و محتوای این دین را همان ایمان عقلی اخلاقی تشکیل می‌دهد و شعاع و آداب و عبادات، صورت این ماده و محتوایند. نکته خطیر آن که این صورت در دین حقیقی و معنوی مدام باید خود را با ماده و محتوا تنظیم و تعدیل کند. تشریع و مناسک باید وسیله‌ای برای ارتقاء و تقویت قانون اخلاق باشد. اساساً تکریم و تمجید حقیقی خداوند در گرو پاسداشت فرامین اخلاقی است. هرچند مردمان، تکریم الهی را عموماً در انجام مناسک دنبال می‌کنند که خود حاصل نوعی انسان‌وارانگاری است، اما دین واقعی، فراتر از باورها و جلوه‌های بیرونی و عمومی دین (آیین‌ها و نمادها)، همان گوهر اخلاقی است. بر این اساس، عقاید، نهادها و آیین‌ها فراتر از معنای لفظی خود باید با عقل اخلاقی، تفسیر و تأویل شوند. لذا کانت در خصوص زیارت از تعبیر "زیارت معنوی" (تحول قلبی و درونی) و "زیارت اخلاقی" (سیر تکامل اخلاقی و خروج از قلمرو شیطان) تعبیر می‌کند. وی در کل با تلقی اعمال و مناسک به عنوان اسباب و مجرای کسب لطف و عنایت الهی موافق نیست. این دیدگاه سختگیرانه کانت از جهاتی قابل نقد و بررسی است..

کلیدواژه‌ها: مناسک جمعی، زیارت، دین اخلاقی، دین تاریخی

الملخصات العربية

المؤتمر الدولي لإلهيات الزيارة

تشرين الثاني ٢٠٢٣

مشهد المقدسة، إيران

مكانة الفن في استمرار الزيارة الاجتماعي

محمد جواد أستاذي

الباحث في الزيارة | ostadi.muhammad@gmail.com

الملخص

الزيارة هي من المفاهيم التي خضعت للاختزالية من جوانب مختلفة. هذه المقاربات الاختزالية تعزل الزيارة عن حياتها القائمة وتنتهي إلى الضعف الاجتماعي في مجال الزيارة. في المقاربة الاختزالية الشعائرية، لا يوجد دور حيائي للزيارة أصلاً، وفي المقاربة الاختزالية التنويرية تتحول الزيارة إلى غيرها بسبب الرؤيات المادية و الرأسمالية. في حقيقة الأمر، الزيارة مصدر معرفي ثانوي و وسيط يعطي المكونات الحياتية الشتى معانيها، ويمهد الأرضية لتوجيه أجزاء الحياة من ناحية، ولجعل العناصر والمتغيرات المتنوعة والمختلفة منسجمة نحو الهدف الغائي. الزيارة هي منعطف في تنمية النظام المعرفي للمجتمع، وإن نتمكن من إنشائها كدالٍ مركزي ومعطي المعنا في مجالات الحياة العامة الملموسة، فسوف تمهد أرضية لتنمية النظام الاجتماعي في مسار التقدم نحو الآفاق. يعدّ تخصيص المفاهيم والمجالات الإيديولوجية للزيارة بغية نشرها في نظام الحياة اليومية المعاصرة بشكل غير مباشر وغير أمري، استراتيجية أساسية في هذا المجال. الفن أفضل أداة لتخصيبها بسبب ميزاته الذاتية. ومن أهم الميزات الذاتية للفن هو استخدام اللغة غير المباشرة، والشمولية في إنشاء العلاقات، والتلائم مع الظروف الراهنة، والأثر العميق، ووجود النطاق الواسع من الجمهور، التي تمهد أرضية من أجل إقامة الزيارة في الساحة الاجتماعية. كان الفن على مر التاريخ في خدمة نشر المعارف الدينية. ويجب تحديد وترتيب أضلاعه الثلاثة -أي ساسة الزيارة والمسؤولين عنها، والمنظرين، والفنانين- والعلاقات القائمة بينهما والمتغيرات فيها، حتى يلعب الفن دوراً في تعميم آثار الزيارة. وكذلك من الواجب دراسة مسار تحويل المفاهيم الانتزاعية إلى أشكال فنية بصدد تعزيز خطاب الزيارة وتغليبها.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الفن، الحياة الاجتماعية

زيارة تجتاز الحدود: النظر إلى زيارة العتبة الرضوية من قبل الزوار من شرق إيران

بيمان إسحاقبي

طالب الدكتوراة، جامعة برلين الحرة، ألمانيا | eshaghipeyman@gmail.com

الملخص

نرى في جوار إيران قريبتها وبعيدها وفي شرقها وشمال شرقها عدة مراكز حضارية وثقافية هامة، ويمكن الإشارة منها إلى آسيا الوسطى وجنوب آسيا، وجنوب شرق آسيا والصين. من ناحية، هذه المناطق يقطن بها اليوم عدد كبير من المسلمين، ومن ناحية أخرى، يتم تصنيف العديد من هؤلاء المسلمين في إطار المسلمين بدون مذهب. وكذلك من الجانب التاريخي كان هؤلاء المسلمون على علاقة دائمة بالثقافة الإيرانية، وكان عدد منهم يأتون لزيارة العتبة الرضوية عليه السلام بشكل متواصل. ففي هذه الورقة البحثية أشير إلى تاريخ مختصر من زيارة العتبة الرضوية عليه السلام في الفترات التاريخية المختلفة من المناطق المذكورة، وأستدل على أن التيار المذكور للزيارة كان سببا للتواجد الثقافي الإيراني في الشرق، والعلاقة مع المسلمين في البلدان الشرقية، ويمكن أن يكون إنعاش وتعزيز هذا التيار للزيارة خطوة نحو تعزيز التواجد الإيراني الثقافي في تلك المناطق.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، العتبة الرضوية المقدسة، حرم الإمام الرضا عليه السلام، الحدود، عبر الحدودية

الحج أكبر وسيلة لتزكية النفس البشرية وغرس البذور الفدائية وإنبات نواة التعايش السليمة مع كونه أعظم مشهد يمثل وحدة الأمة

حسنور إسلام

طالب الماجستير في الدراسات الإسلامية، جامعة دار الهدى الإسلامية، كيرلا، الهند |

hasanurislam161@gmail.com

الملخص

من الحقيقة التي لا يشوبها أي شك أن الحج من أعظم فرائض الله الذي يأتي الناس لأدائها من كل صوب وفج عميق، ولقد أعظم الله كرامة الحاجين بقوله إنهم ضيوف الله، أركانها مأوى أذكار وأدعية، يجب الله بكل ما دعاه عبده، وهو عصمة من رب العالمين وجنة من العذاب والنيران والشرطين. وانطلاقاً من مزاياها الدينية له فضائل كثيرة في مجال اللاهوت الدنيوية. فإنه مطية الوثام العالمي والتعايش السلمي والانسجام وذريعة تبادل المودة والمحبة والتعارف بين الإخوان وما يتصل بذلك من المواعظ والتوجيه والإرشاد إلى الخير والحث على انتهاز الإنعام. ومن مظاهر البهاء في هذا الموسم أن الجميع يتحدون في الأحاسيس والعواطف والمشاعر يجتمعون في أمكنة عديدة (عرفة، مزدلفة، السعي بين الصفا والمروة وغير ذلك) متحدين ملبسا وزمانا وعملا وإزارا وهيئة وترددا ونداء. إنما الحج عبادة فذة أمر الله لتأذينه بين الأنام بقوله الصريح وأذن في الناس بالحج في الآية السابع والعشرين من سورة الحج وهو شعيرة دينية شائعة من قبل الأمم الحنيفية، تقارن النواحي التعبدية الروحية بالنواحي المادية الاقتصادية. لا يفتأ القرآن يذكر منافع روحية وفضائل متعددة للحج، فإنه مدرسة روحية تصقل فيها النفس وتستتير بها الأفئدة وتطمئن فيها القلوب وتطهر فيها الأحاسيس وتقوى فيها المعنويات. في الحج استشعار القلوب بوحداية الله وتعويد النفس على الجهاد وامتثال أوامر الله وتزويد الضمائر بالإيمان وتقوى من الله وتطهير للنفس البشرية في مظاهر الكبرياء والعظمة بحكم الله. والحج يجعل صاحبه معصوماً من الخطايا والذنوب كيومه الذي ولدته أمه، وما جزاء الحج المبرور إلا الجنة. فإنه يناول شطري التعبدية. أوله عصمة النفس من جل الخسائس والردائل الدنيوية وثانيه هبته لأعظم نعم الأخرية.

الكلمات المفتاحية: الحج، تركيبة النفس، شعيرة الأمة، وحدة الأمة، تصحية الهوى والشهوة

المعابد الأنثوية في إلهيات الأديان

عباس أشرفي

الأستاذ المشارك في كلية اللاهوت بجامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران | ashrafi@atu.ac.ir

الملخص

تعدّ المعابد رموزاً لمعتقدات كل ديانة في إلهيات جميع الأديان. ولهذه المعابد ميزات عامة عادة للرجال والنساء، أي بغضّ النظر عن الجنس، غير أن هناك أيضاً معابد قليلة خاصة بالنساء، أي خاصة بزيارة النساء دون الرجال. وقد نجد لهذه الزيارات -والتي هي علاقة بين أمر مقدس وتقليد ديني خاص وبين وظيفة اجتماعية- وظائف ومكتسبات تختص بالنساء في هذه المعابد. وبينما تم تشييد معظم هذه المعابد على أيدي الرجال، إلا أنها اختصّت إدارتها وسيادتها إلى النساء، وهذه السيطرة الأنثوية جعلت آداب الزيارة خاصة بهن نوعاً ما. وثمة مدلول لهذا العمل الخاص. قد تختلف دوافع هذا التخصيص الأنثوي من دين إلى آخر، غير أننا نعثر على قواسم مشتركة في دراسة الروايات حول هذه الزيارات من مختلف الديانات؛ فعلى سبيل المثال نجد في جميع هذه المعابد -على وجه التقريب- التركيز على الهوية الأنثوية أمام الهوية الرجالية والمجتمع الذكوري، وتخصيص بعض الأمور بالنساء، والإكرام لمكانة المزورة بسبب عنائها وعذرتها. هذه الدراسة -إلى جانب دراسة أمثلة من الأديان المختلفة- تركز بشكل خاص على المعابد الأنثوية الإيرانية كوثيقتها الأساس، مثل «بي بي شهربانو» في ري، و «بي بي دختران» في شيراز، و «بي بي دوست» في سيستان.

الكلمات المفتاحية: المعابد الأنثوية، الهوية الأنثوية، الحكومة الأنثوية.

العهد كأساس الزيارة

مجتبى إلهي الخراساني

الأستاذ المساعد، مركز آخوند الخراساني التخصصي، مشهد، إيران | parsayan.ali@gmail.com

الملخص

العهد من المفاهيم الأساسية في الأديان الإبراهيمية وورد لما يقارب ثلاثمئة مرة في الكتاب المقدس. بعث الرسل في الديانة اليهودية هو عهد الله إليهم، كما أكد عليه في [قصة] إبراهيم وموسى (ع). الكتاب المقدس للمسيحيين هو ما يسمى بالعهدين، والذي يحتوي على العهد القديم - يشرح عهد الله مع الأنبياء قبل عيسى - والعهد الجديد، أي عهد الله مع عيسى. وسُمي القرآن أيضاً بعهد الله، وورد فيه مفردة العهد خمسين مرة، ويدل هذا على عمق العلاقة الثنائية بين الله والإنسان في الإيمان به والعمل بأوامره، ويحسن العلاقة الاجتماعية بين البشر، فتختص الأنواع الوثيقة منه بالأهم المفضلة، وأعلى درجته بالأنبياء والأئمة (ع). الإمامة في القرآن هي عهد خاص أعطي لإبراهيم بعد ابتلائه، واستمر في ذريته المعصومين. الإمام في الروايات أمين هذا العهد الإلهي، وهو شاهد عهد الله مع الإنسان وتجسده، وحياته هي الشهادة على الإيفاء بالعهد الإلهي في كافة أبعاده، وطاعته هي الإيفاء بعهد الله. إذاً، تعتمد زيارة الأئمة (ع) كالحج وزيارة بيت الله الحرام ومقابر الأنبياء (ع) كلها على أساس العهد، وهي شعائر هامة لتجديد عهد الإنسان مع الله. تؤكد جملة من الروايات على هذه العلاقة بين الزيارة والعهد. فعلى سبيل المثال، قال الإمام الرضا (ع): «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ، وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ. فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَتْ أَيْمَتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

الكلمات المفتاحية: الزيارة، العهدين، الأديان الإبراهيمية، القرآن، الإمام

تصنيف زوار العتبة الرضوية: دراسة استعراضية ممنهجة

رمضان علي إيزانلو

طالب الدكتوراه، قسم الأديان، مؤسسة البحوث الإسلامية للعتبة الرضوية المقدسة، مشهد، إيران |

ramazanaliizanloo@gmail.com

الملخص

تعدّ العتبة الرضوية المقدسة من أكثر الأماكن تقديساً لدى المسلمين الإيرانيين وتظهر في هذا المكان المقدس أكثر التجارب عمقا وتأصلاً. وتسببت هذه العتبة في تنفيذ دراسات متعددة حول زيارة هذا المكان المقدس. وتتطلب كمية هذه الدراسات استعراضاً ممنهجاً لها. هذا هو الهدف الذي تهدف إليه هذه الورقة البحثية. لذلك تم الاستكشاف عن ١٥٥ مقالة ورسالة في موضوع الإمام الرضا (ع) والزيارة بشكل عام، و ٩ مقالات في موضوع تصنيف الزوار، ومن ثم تم تناولها من جوانب مختلفة مثل منهج البحث، وجمع البيانات، والمجتمع الاحصائي، والهدف وتصنيف الزوار. وقد أنتجت دراسة هذه الآثار العلمية: ألف) يتبع معظم هذه الدراسات منهج علم الظواهر (الفينومينولوجيا)؛ ب) هناك طرق مختلفة لجمع البيانات بما فيها المقابلة العميقة مع الزوار، والتجارب المعاشة لدى المؤلفين، ودراسة المذكرات الشخصية والعرائض وسجلات الرحلات. ج) المجتمع الاحصائي في هذه الدراسات هو ٦ نسيمات على أقل التقدير، و ٣٠ نسمة للحد الأقصى. د) الهدف المشترك لجميع الكتاب هو دراسة عمل الزيارة وفهمه من منظور زوار العتبة الرضوية المقدسة ومعرفة أنواعهم. هـ) تم تصنيف الزوار بأشكال مختلفة بسبب الرؤى المختلفة لدى الكتاب؛ فصنّف بعضهم الزوار من حيث نماذج الالتزام بالدين وصنف الآخرون من حيث التجدد والحداثة. على سبيل المثال، انقسمت أنماط الزيارة حسب نماذج الالتزام بالدين إلى المدرسي، والتقليدي، والتنوري، والشعائري، والمناسباتي، والوظائفي، والمعنوي. وانقسمت أنماط الزيارة حسب أجواء التجدد والحداثة إلى الافتراضي، والنسوي، والمدينة الكبيرة، والتقليدي، والحداثي وما بعد الحداثي.

الكلمات المفتاحية: التصنيف، الزوار، العتبة الرضوية المقدسة، علم الظواهر، الزيارة

الماء والحج: بحث عن توفير الماء للحجاج في عصور ما قبل الحداثة

أندرو بترسن

الأستاذ في قسم التاريخ، علم الإنسان وعلم الآثار، جامعة ويلز ترينيتي ديوي، المملكة المتحدة |
a.petersen@uwtsd.ac.uk

الملخص

إن وقوع مكة في صميم أحد أجف مناطق العالم أسفر عن ضرورة تواجد الماء وتوفيره للحجاج من المنظورين العلمي والديني-الروحاني. تقدّم هذه الورقة البحثية دراسة تاريخية للإجراءات التي نفذها الحكام المسلمون للتأكد من توفير الماء وكذلك الأسباب المهددة لتوفير الماء. منذ أمد بعيد تم توفير المرافق في الصحراء العربية القاحلة لطرق الحج الرئيسية من مصر وسوريا والعراق، حتى يجتازها الحجاج بصحة ويصلون إلى مكة. ومن هذه المرافق هي: الآبار ومخازن المياه وأحياناً المبيتات التي تقدم الخدمات للحجاج. وعلى الرغم من ذلك، تبعاً للاضطراب السياسي في قرون ١١ إلى ١٥ للميلاد، تم التغاضي عن الاهتمام بطرق الحج، وأصبح كثير من المرافق التي وفرها الحكام المسلمون الأوائل مهجوراً. وعندما فتحت العثمانية العربية في القرن ١٦ الميلادي، تم الاهتمام من جديد بطرق الحج، ولا سيما طريق دمشق. وفي القرن السادس عشر لم توفر العثمانية مرافق المياه الجديدة، بل أنشأت حصوناً تحفظ الآبار ومخازن المياه الواقعة في الطريق. ورغم ذلك ففي القرن السابع عشر فصاعداً ازدادت هجمات الأعراب وكذلك عدد الحجاج، مما زاد الشعور بمرافق المياه. وقد بلغ هذا الضغط المتنامي ذروته في عام ١٧٤٨، وأسفر عن مجزرة لآلاف الحجاج. ورداً على ذلك، أنشأت العثمانية مواقف أكثر في الطريق، بما فيها الأماكن التي لا تتوفر فيها الموارد المياه الطبيعية. وفي هذه الفترة كانت المياه تُنقل إلى هذه المواقف قبل مجيء الحجاج في كل سنة.

الكلمات المفتاحية: الحج، الماء، العصور ما قبل الحداثة، الدولة العثمانية

الزيارة والمشاكل النفسية والعاطفية للنساء

شهلا بختباري

الأستاذة المشاركة، قسم التاريخ، جامعة الزهراء (س)، طهران، إيران | sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

الملخص

ثمة الرحلة للزيارة -والتي تنطلق من العاطفة والشوق- لدى المسلمين والمجتمع الشيعي بغية الحج أو زيارة الأماكن المقدسة كمقابر أعظم الدين وعتبات أئمة الشيعة (ع) ومقابر آبائهم. وكانت للرحلات للزيارة في الماضي مشاكل، يسهلها ويُسيبها دافع الاستفادة من المكتسبات المعنوية للرحلة. وكانت النساء في الرحلات للزيارة يواجهن دوافع ومشاكل مختلفة بسبب بعض الميزات المعنوية والرقعة الجسدية. تعتمد هذه المقال على رؤية وصفية تحليلية وعلى المصادر المكتبية ووثائق الوزارة الخارجية من أجل دراسة أسباب الرحلة للزيارة لدى النساء، والأجواء المعنوية والعاطفية للرحلة، والمشاكل الخاصة بالنساء في هذا المجال. أظهرت نتائج هذه الدراسة أن الرغبة في التمتع بالمكتسبات الدينية لهذه الرحلة المعنوية، والحرص على التواجد في عتبات الأئمة (ع) وزيارتهم والرجاء في تفضلهم عليهم، والشفاء وعلاج بعض أمراضهم والدعاء لغيرهن، وحل المشاكل الزوجية وما إلى ذلك أثر فيما يحفز الرحلة للزيارة. وكذلك الرجاء في طهارة الروح والجسد والنفس طوال الرحلة والتفضل عليهم خلال الرحلة حتاهن على استمرار الرحلة. وقد أزعج الروح الرقيقة النسوية بعض المشاكل الجسدية الناجمة عن الأمور النسوية والأمراض التي تحدث بسببها، وعدم توفر الإمكانيات للرحلة الصحية، الحزن والملال من عدم الاهتمام بالطهارة والنجاسة لدى بعض مرافقي الرحلة، والتعب الجسدي والنفسي من الرحلة الطويلة، والخوف من عدم القدرة على أداء آداب الزيارة وقس على هذا. الكلمات المفتاحية: الزيارة، النساء، المشاكل المعنوية، الشفاء، التفضل، إلهيات الزيارة

الآثار النفسية للزيارة

عباس بسنديده

الأستاذ في جامعة القرآن والحديث؛ رئيس المركز البحوث للأخلاق وعلم النفس الإسلاميين، قم، إيران |
pasandide@qhu.ac.ir

الملخص

علم نفس الأديان هو فرع من علم النفس يعالج الأبعاد المختلفة للدين من منظور علم النفس. نحاول في هذه الورقة البحثية أن نشرح بعض آراء علم نفس الأديان في الزيارة على أساس كتاب «علم النفس والدين والروحانية» (٢٠٠٩) لجي إم نيلسون، ومقالة بعنوان «نجاعة الزيارة وقبورها كعلاج للاكتئاب» لآر. سي. هيلاريو، ومقالة بعنوان «الصفحة الكلامية والنفسية للزائر المسيحي» لميهالا راس وواسيل راس. يرى نيلسون الزيارة رحلة من مكان معروف وترك الأعمال اليومية، إلى مكان مجهول من أجل الوصول إلى الطموح، ويتطرق إلى دوافعها وأهدافها ومراحلها. ويمكن تصنيف دوافع الزيارة من وجهة نظره في أطر الشعائر والعبادة والأداة والمبهم. وكذلك يعدّ إصلاح الذات، وتلبية النداء الروحي، والتخلص من الرتبة، من أهداف الزيارة. [وبرأيه] تشكل مراحل الزيارة القرار وترك الحياة اليومية والحركة إلى المكان المقدس ودخول المكان المقدس وتجربة المقدس. يعتقد هيلاريو أن الزوار في رحلة للزيارة يحاولون إنشاء العلاقة مع معتقداتهم الدينية؛ كأن المزار هو مصدر الحقائق والمعتقدات الدينية. وتُظهر دراسة هيلاريو في موضوع الاكتئاب أن الناس يشعرون المزيد من الرضا والطمأنينة بعد الزيارة بسبب تعزيز الإيمان الباطن. ويستطيع المرضى قبول عجزهم أكثر [من ذي قبل] بعد الزيارة. الزيارة من منظور ميهالا راس وواسيل راس هي البحث عن الأصالة وفرصة للتنمية الذاتية، وهي طريق جديد للقاء مع الله يسبب رؤية جديدة إلى الحياة. النتيجة هي أن الزيارة من منظور علماء نفس الأديان هي عودة إلى الروحانية، حيث تزود الناس بالانضباط الروحي. وكذلك تسبب الزيارة رؤية جديدة إلى الحياة، إذ هي طريق لمواجهة الصعاب في الحياة.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، علم نفس الأديان، جي إم نيلسون، آر سي هيلاريو، ميهالا راس، واسيل راس

الزيارة والسياسة

عليرضا بليغ

الأستاذ المساعد، مركز البحوث للثقافة والفنون الإسلامية، طهران، إيران |

alireza.baligh@gmail.com

الملخص

أول قضية في معرفة النسبة بين الزيارة والسياسة هو إدراك الزيارة كاللقاء مع الأمر القدسي. يقع الأمر القدسي في عالم الأساطير -مثل العالم الذي فتحته الأديان الإبراهيمية على البشر- في المركز ويتم تحديد مستوى أمور أخرى بالنسبة إليه. وعلى العموم، إن جعلت السياسة -كلحظة إصابة المتناهي باللامتناهي- فتح الإنسان أمام المستقبل واجتياز نفسه ممكنًا، فتمكنت الزيارة -أو اللقاء مع الأمر القدسي- من أن تكون نقطة الانكسار لدورة التكرار في عالم الأساطير وسببا لولادة السياسة. وإن فهمنا السياسة -موافقا لأدب ما بعد الميتافيزيقا- كالأمر السياسي -والذي هو جوهر السياسة- ولا كإدارة الأمور أو الحوكمة أو تشريع السياسات، فتصبح العلاقة بين السياسة والزيارة أمرا هادفا؛ إذ لم تعد السياسة هنا أمرا محترفا يشغل بها الساسة فحسب. السياسة دعوة عامة يجد البشر أنفسهم أمامها -على الرغم من التفاوتات المختلفة- على السواء. بناء على هذا الفهم من السياسة، من الممكن أن تكون الشعائر الحسينية (ع) أو زيارة الأربعينية مصدرا لولادة السياسة للشيعية. وكذلك على أساس هذا الفهم من السياسة سنبين فيما بعد: كيف ينشئ العالم الحديث -على الرغم من دعوى إزالة الخرافات والتقديس- مراكز جديدة لاجتماع الناس باستخدام نوع علماني من الأمر المقدس. اليوم نرى تكاثر هذه المراكز في المدن الحديثة نحو أماكن الحفلات الموسيقية والإستادات وقاعات البورصة وغيرها. هذه الأماكن كلها بقاع ظهرت حولها آداب مقدسة، ولربما ما بعد الحداثة قد استهدفت هذه المراكز الجديدة دعوى إزالة الخرافات.

الكلمات المفتاحية: السياسة، الأمر السياسي، الزيارة، اجتياز النفس

التمثيل الإيراني وإلهيات الزيارة

إسماعيل بني أردلان

الأستاذ المشارك، قسم فلسفة الفن، كلية العلوم النظرية والدراسات العليا للفنون، جامعة الفنون، طهران،
bani.ardalan@art.ac.ir | إيران

الملخص

تظهر هذه الدراسة -بالنظر في مفهوم التمثيل ومكانته في الطقوس الإيرانية ومعرفة ميزاته الأساسية على المسرحية اليونانية- أن من الممكن أن نرى تجسد الدراما الإيراني في جميع أبعاد الثقافة الإيرانية الإسلامية بما فيها الأشكال المختلفة للزيارة. وبعبارة أخرى، يمكننا أن نعتبر مراسم الزيارة مظهراً خاصاً لهذا التمثيل، والذي يتجذر في طقوس الشعب الإيراني وأفكاره ومعتقداته. لذلك يعدّ البحث اللاهوتي -من ناحية أخرى- في مجال الزيارة كإلهيات هذا التمثيل؛ التمثيل الذي يربط بين مفهوم الدراما والأنطولوجيا الإيرانية الإسلامية، ويعتمد على الإيمان بعالم الغيب ومشئئة الله سبحانه. فبناءً على ذلك، يتم اختيار أهم المفاهيم في إلهيات الزيارة -ومنها مفهوم الغيب، وعلاقة الأمر الغيبي وغير الملموس بعالم المحسوسات والملموسات، وقضاء الله وقدره- كموضوع للدراما الإيراني، إذ التمثيل الإيراني هو بصدد أن يجعل الأمر غير الملموس وغير المرئي ملموساً ومرئياً لمشاهديه. تبلور التمثيل الإيراني -في الأعم الأغلب- في هيكلية اللغة الفارسية و تراكيبها اللغوية، ولذلك نرى التعبير الفني عن الأمر الغيبي وقضاء الله في أشعار الشعراء؛ كما ينوه الفردوسي إلى «دورة الحياة» «وتغيّر الكون». طبعاً هذا المعتقد لا يمت إلى المسرحية اليونانية بصلة، بل يعارضها تماماً.

الكلمات المفتاحية: إلهيات الزيارة، التمثيل الإيراني، الطقوس الإيرانية، المسرحية

زيارة الأئمة (ع) في الشعر والنثر الفارسي المعاصر

رضا بيات

الأستاذ المساعد، قسم الأدب الفارسي، جامعة الشهيد الرجائي لتدريب المعلمين، طهران، إيران |
bayat.dr@sru.ac.ir

الملخص

امتاز الزوار في جميع الأدوار التاريخية بمختلف مستويات الفهم، وقاموا بالزيارة على أساس فهمهم، وألفوا رحلاتهم وذكرياتهم. فلا نعالج من هذه الكتابات النوادرَ توجد في جميع الأدوار، بل ندرس التيارات الرئيسة. كانت الرؤية العامة في أشعار الزيارة في الأدوار التاريخية الماضية قريباً جداً من أدب البلاط، فنوهت إلى جماليات العتبة وعظم الشخص الممدوح بالمبالغة كما شاعت في البلاط. إلا أننا نجد تغييراً ملحوظاً في أشعار الزيارة بعد الثورة الإسلامية في إيران؛ للشاعر أو الزائر علاقة عاطفية شخصية بمن يمدحه، ويدرك المكانة الروحية للولي أو الإمام، وتركز في قصائده التي تعدّ نوعاً من الزيارة الشعرية المعارف التي تماثل فحوي زيارة «الجامعة الكبيرة». كذلك، إضافة إلى وصف عظم الممدوح، يصريح بحقارته وانكسار قلبه، أو يعبر عنها بشكل رمزي. ويتمتع الشاعر في بعض الآثار بالفهم السياسي الاجتماعي. وعلى سبيل المثال، يشير إلى الآثار الاجتماعية لزيارة الأربعينية، أو يعتبر هذه الظاهرة العظيمة تمهيداً لظهور الإمام المهدي (عج). هذا الفهم السياسي الاجتماعي في الآثار الأدبية المعاصرة هي بسبب الأثر المباشر للثورة الإسلامية على الثقافة. ومن الملاحظات الجديرة بالذكر في الأشعار الخاصة بالأربعينية هي الفرق الواضح بينها وبين الأشعار الخاصة بالنهضة الحسينية، حيث لا تنطرق إلى المصائب والكوارث، بل تركز بشكل خاص على الزيارة ووضع الزائر والعلاقة الروحية بينه وبين الممدوح. والجانب الآخر في أشعار الزيارة هو إثنوغرافيا الزوار ووصف آداب الزيارة وشروطها والتجربة المعاشة للزوار. ترتكز هذه الورقة بشكل خاص على زيارة الإمام الرضا (ع) والأربعينية.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الشعر الشعائري، الشعر الرضوي، شعر الأربعينية، الأدب الفارسي المعاصر

سفر الحج واجتياز الصحراء في آثار فريد الدين العطار

زهير توكلي

الشاعر، الباحث والمنتقد الأدبي | soltanali84@gmail.com

الملخص

للزيارة أنواع في نصوص المتصوفة. ثمة مصطلحان لدى المتصوفة على أساس الآيات القرآنية، ألا وهما السير الآفاقي والسير الأنفسي. وكانت السياحة للسالك أحد جوانب السير الآفاقي، حيث كانت إحدى فوائد وتطبيقات الخانقاهات أو الزوايا أو الدويرات استضافة الزوار المتصوفين وإقامتهم فيها. وكانت من أهم أهداف الرحلة عند المتصوفة زيارة مقابر مشايخهم أو لقاء مشايخهم الأحياء واستلام الخرقة [نوع من الثياب] منهم. وفضلاً عن هذه الزيارات، فلربما كانت زيارة الحج أو اجتياز صحراء الحجاز أهم زيارة وردت في نصوص المتصوفة. وكان لهذه الزيارة نوعان: الحج على التوكل، أي إنجاز زيارة الحج بدون أي شيء من مستلزمات الرحلة، والحج على التجريد، أي الاكتفاء بالعصا والراوية (يعني مسك الماء). وفي نهاية المطاف، قد تؤدي هذه الرحلة إلى أن يجاور المتصوف مكة. فعلى سبيل المثال، أهم قصة فرعية حكاها العطار خلال قصائدها الكبيرة -وهي أيضاً أطول القصص- هو قصة الشيخ صنعان، والذي أقام بمكة وأدى الحج ما يقارب من خمسين مرة. يرمز في هذه القصة الخروج من «السير والسلوك» الذي يفقد تجربة الحب إلى الخروج من مكة نحو الروم، وترمز عودة الشيخ صنعان مرة أخرى من الروم إلى مكة، إلى ذهاب غبار أسود كان يحول بين الشيخ وبين الله. وبناءً على ذلك، فإن زيارة الكعبة رمز للقاء الله، و العطار استفاد منها في قصصه للانتقاد من المتدينين الظاهريين والإشارة إلى هذه النقطة: إن رأيت البيت ولم تر صاحبه فلم تحج.

الكلمات المفتاحية: الحج، الزيارة، التصوف، العطار

الزيارات الطويلة المسافة في المسيحية الكاثوليكية في شمال غربي أوروبا في القرنين الـ ١٦ والـ ١٧

إليزابيث تينكل

الأستاذة في التاريخ بجامعة دي مونتفورت، ليستر، إنجلترا | elizabeth.tingle@dmu.ac.uk

الملخص

كانت الزيارة إحدى السمات الأساسية في المسيحية في القرون الوسطى، لكنها قلّت في النصف الأول من القرن السادس عشر في أرجاء أوروبا. وكان السبب في ذلك انتقادات المصلحين الدينيين، والمنع من الزيارة من قبل الدول البروتستانتية، والحروب والاضطرابات في كثير من أنحاء أوروبا؛ غير أن الزيارة نشطت تدريجياً من جديد منذ عقد ١٥٧٠ فصاعداً، وازدادت بسرعة بعد عام ١٦٠٠ للميلاد. وكان ذلك نتيجة لعدة أسباب: ١. تأكيد مجمع ترنت على أهمية فرق القديسين؛ ٢. اليوبيل (الحفلة الكبيرة) في روما في ١٥٧٥ الميلادي؛ ٣. المصادقة مرة أخرى على نشاطات روحية تقليدية من قبل الكنيسة الكاثوليكية بصدد تعزيز الإيمان والصمود أمام الحركة البروتستانتية. لكنه لم يكن إحياء الشعائر السابقة فحسب، بل تعرضت الكنيسة الكاثوليكية لعدة تغييرات أيضاً. ويمكن تقسيم أهم هذه التغييرات في ثلاثة أقسام: أولاً، المزيد من توطين الأماكن المقدسة على أساس رعية وأسقفية كل كنيسة؛ وثانياً، قبول الفرق الكاثوليكية الجديدة مثل اليسوعيين والكبوشية؛ وثالثاً، ازدياد ثقة روما وأهميتها كمركز للكنيسة الكاثوليكية. فعلى الرغم من المعارضات للبروتستانتية، ازدادت في هذه الفترة الزيارات الطويلة المسافة للأماكن المقدسة في شمال غربي أوروبا. وأصبحت فرنسا والبلدان المنخفضة وبريطانيا وإيرلندا أمكنة للصراعات والخلافات بين الكنائس المسيحية، حيث تعرضت أماكن ورحلات الزيارة للهجوم، وأصدرت حكومات القرار بمنعها في بعض المناطق. فنتطرق في هذه الدراسة إلى دوافع الزوار في هذه الفترة التاريخية ونثبت أن هذه الدوافع تشمل جملة من الشؤون اللاهوتية وشؤون الحياة اليومية وقضايا مثل علاج الأمراض، والشكر على النعم المعطاة، والتقرب إلى القديسين. وكذلك ندرس تجارب الزوار في العصر الراهن لمنطقتين للزيارة ألا وهما روما وسنتياغو دي كومبوستيلا. ونستنتج في نهاية المطاف أن الزيارة -كقدرة الشخص المؤمن في لقاء مباشر مع الله والقديسين- كانت سبباً هاماً جداً لتعزيز الكنيسة الكاثوليكية وتنميتها بعد فترة الإصلاحات.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الكنيسة الكاثوليكية، القرنان السادس عشر والسابع عشر، شمال غربي أوروبا

الآثار التربوية في زيارة الأربعين

خليل خلف بشير

المدرس المساعد، كلية الآداب، جامعة البصرة، البصرة، العراق | tahmasebiasghar@yahoo.com

الملخص

إن الانتصار المادي الذي حدث في كربلاء للجيش الأموي كان مؤقتاً وزائلاً، في حين انتصار القيم والمبادئ مستمر وثابت، وهذا ما أكدته أحداث كربلاء وما حدث بعدها؛ وهذا هو الانتصار الحقيقي، وقد تنبأت بهذا الأمر السيدة زينب الكبرى في حديثها ليزيد عندما قالت له: فو الله لا تمحو ذكرنا، ولا تميت وحينا، ولا تدرك أمدنا، ولا ترحض عنك عارها، وهل رأيك إلا فند، وأيامك إلا عدد، وجمعك إلا بدد، يوم يناد المناد ألا لعنة الله على الظالمين. وهذا ما تحقق بالفعل؛ فإن ذكر الإمام الحسين وأئمة أهل البيت يزداد انتشاراً واتساعاً يوماً بعد آخر؛ أما من ظلمهم فقد ذهبوا إلى مزبلة التاريخ وبئس المصير ولكي نفهم الهدف من زيارة الأربعين وفلسفتها علينا أن نعرف منهج الأئمة الأطهار ومنهم الإمام الحسين، ونعرف حقه كما ينبغي فإذا عرفنا من هو الإمام الحسين استطعنا أن نفهم زيارة الأربعين، وواقعة الطف، ويوم عاشوراء، ولماذا نقيم المآتم والمجالس والمواكب؟ ولماذا نمشي إلى ضريح الإمام الحسين غير مكترئين بالإرهابيين ومخاطر الطريق ومتاعبه فإذا عرفنا الهدف من هذه الزيارة والحشد الإنساني الكبير سنصل إلى قلب سيد الشهداء.. فالممارسات الإيمانية والشعائر الدينية لم تكن عبثية أو عاطفية جاءت صدفة بل هي قضايا ترتبط بالدين والشرعية الحقة، ولم تكن تلك الشعائر ممارسات تقليدية لا فائدة منها فإن كل من يمارسها بوعي وفكر سيجدها تهدف إلى أشياء كثيرة إذ إن اهتمامنا بزيارة الأربعين سيكشف لنا بركات هذه الزيارة، ويقدم لنا مائدة من المعارف، وقوة من الثبات إذ كلما عرف المرء الغرض والهدف ازداد يقينه كما حصل لأصحاب الحسين في يوم عاشوراء من اليقين بأن قتلهم يؤدي بهم إلى الجنة لذا كانوا يتمنون القتل ثم الإحياء ثم الحرق ثم الذر في الهواء ويكرر هذا العمل سبعين مرة ما تركوا الإمام كيف وهي قتلة واحدة.

الكلمات المفتاحية: زيارة الأربعين، الإمام الحسين، عاشوراء، الآثار التربوية

إلهيات الزيارة والفنون التقليدية

إيرج داداشي

الأستاذ المساعد، قسم فلسفة الفن، كلية العلوم النظرية والدراسات العليا للفنون، جامعة الفنون، طهران،
dadashi@art.ac.ir | إيران

الملخص

لا تقتصر «السنة» على معناه المعروف والمتداول، ويمكن فهمها مقارنةً بمصطلحات مماثلة في التقليد الشرقي كالتقليد الهندوسية الذي يدعى Rta (ريته)، والتقليد الصيني الذي يدعى Tao (تائو)، والتقليد المزدائي الذي يدعى Arta (أرتة) أو Asha (أشه). وكذلك تساعد التعبيرات القرآنية مثل «سنة الله» و«كلمة الله» كأصول إلهية لا تتغير ولا تتبدل في فهم أدق. وصحيح أن الفن (هَـنَر) في الفارسية يعني لغويا الإنسان الكامل والفاضل، وكانت هذه اللفظة تُستخدم منذ أمد بعيد لنعت الإنسان الذي توصل إلى الكمالات والفضائل، غير أننا يمكننا أن نعتبرها في معناها المعروف، ونتحدث عن الفن التقليدي حيال الفن الحديث. إن كانت الحداثة -كما يقول هابرماس- تبحث عن قيمها في ذاته، وهي ذاتية الاعتماد، فالسنة تعتمد على الله بخلافها. لذلك فإن الفن التقليدي أو الصناعات -كما عبر عنه المفكرون المسلمون- هو فن منطلق من مبادئ السنن الإلهية. تُعتبر الصناعات التقليدية من منظور الحكماء والعرفاء المسلمين فرعاً من فرعي الحكمة العملية. يسمي الخواجه نصير الدين الحكمة النظرية صورة والحكمة العملية مادة أو هيولا، ولا يمكن استقرارهما وثباتهما دون الآخر. الهدف والغاية من الصناعات -أو الحكمة العملية في رؤية أعم- هو التوصل إلى الكمال والسعادة. وكذلك نفس الأمر في الحكمة النظرية. إذا الفن التقليدي أو الصناعات هو طريق أو طرق نحو التوصل إلى الكمال. وهذا المعنى يوافق لفظة الفن في معناها التقليدي في الفارسية، أي الإنسان الكامل. الفن التقليدي يعني الفن المنطلق من مبادئ السنة. وبما أن العمل والمهنة والفن هي طريق للتوصل إلى الكمال، فيبدو أن الفن التقليدي هو نوع من الحياة مع مبادئ السنة ونوع من الواجب الروحاني والشعائري يساعد في الحفاظ على السنة ومساهمتها أو نقلها إلى الخارج. آداب المروءة في إيران وفي العالم الإسلامي هي في الواقع نوع من لائحة لإقامة الشعائر في إطار الصناعات والفن. الأماكن المقدسة الزيارية وخصوصاً الكعبة المشرفة هي من مظاهر الفن التقليدي على مر تاريخ الحضارة الإسلامية. بالنسبة إلى الأماكن الزيارية في إيران، معمارية هذه المباني والأشياء الموجودة فيها هي مصنوعة على أيدي الفنانين التقليديين برمتها. ويعد فن إنشاء الضريح كأبرز الأشياء في الأماكن الزيارية من الفنون التقليدية الإيرانية.

الكلمات المفتاحية: السنة، الفن، الفن التقليدي، الزيارة.

دير المحرق وثقافة الزيارة لدى الكنيسة القبطية الأرثوذكسية

دوماديوس الراهب

قسّ الكنيسة القبطية الأرثوذكسية بمصر | ddddues72@gmail.com

الملخص

تعود جذور الزيارة في المسيحية إلى حج اليهود وزيارة هيكل سليمان في أورشليم. يشهد الإنجيل أن سيدنا المسيح قبل صعوده شارك في هذا الطقس غير مرة وقام بالمفاوضات مع كبراء العلماء اليهود. بدأت الزيارة كشعيرة دينية رسمية في المسيحية منذ عام ٣٢٥ الميلادي، عندما أمرت هلنا أم قسطنطين ببناء كنيسة أورشليم. على العموم، معظم المزارات المسيحية هي أماكن أظهر فيها سيدنا المسيح معجزة، أو تواجد فيها بشكل خاص، ومن ثم تم بناء كنيسة في المكان نفسه. ويقع أحد المزارات في دولة مصر، والذي يدعى «دير المحرق»، التابع للكنيسة القبطية الأرثوذكسية. ويقال إن سيدنا المسيح وسيدنا مريم ويوسف النجار سكنوا فيها لمدة ستة أشهر. وقد ذكر في التوراة عن معبد في وسط مصر، حيث يعتبره المسيحيون الأقباط كنيسة دير المحرق نفسها. وعلى هذا الأساس، تحظى هذه الكنيسة بأهمية بالغة لدى المسيحيين الأرثوذكس، ويساوي أجر زيارتها نصف الحج المسيحي. يتشرف الزوار لزيارة هذه الكنيسة حفاة الأقدام، ومن ثم يواصلون مسيرهم نحو بيت المقدس لاستكمال الحج. ومن طقوس الزيارة عند المسيحيين الأرثوذكس الأقباط هو تقبيل المزار، إذ يعتقدون بأن الأشياء المتبركة باسم الله هي مقدسة. إضافة إلى ذلك، يعدّ دير المحرق أهم الكنيسة القبطية الأرثوذكسية يقام فيها عيد الصعود. في هذا الطقس وبعد حصد القمح -وذلك قبل يوم العيد بعشرة أيام تقريبا- يسكن حوالي مليون نسمة في خيم قرب دير المحرق، ويأتون بالمواشي من أجل التضحية والنذر. هذا الطقس رمز للتخلي عن الحياة المادية، والصعود إلى العالم الأعلى.

الكلمات المفتاحية: دير المحرق، الكنيسة القبطية الأرثوذكسية، الزيارة.

العلاقة بين الزيارة والجماليات في اللاهوت المسيحي

هادي ربيعي

الأستاذ المساعد، قسم فلسفة الفن، كلية العلوم النظرية والدراسات العليا للفنون، جامعة الفنون، طهران،
hadirabie@gmail.com | إيران

الملخص

أحد المجالات الهامة في اللاهوت المسيحي في العصور الوسطى هو الزيارة والعلاقة بينها وبين مجالات أخرى في الفكر والثقافة المسيحية. تهدف هذه الدراسة إلى استكشاف أنواع العلاقة بين الزيارة والجماليات في اللاهوت المسيحي. نجد في الفكر المسيحي أربعة أنواع كلية للزيارة على أقل التقدير، وهذه الأنواع هي: الزيارة كرحلة إلى مكان مقدس (الرحلة للزيارة)، والزيارة كقراءة الدعوات والأذكار الخاصة (قراءة الزيارة)، والزيارة كاحترام والتقديس والعبادة أمام الأمر المقدس، والزيارة كالمواجهة مع أمر رمزي. نجد في مصادر اللاهوت المسيحي نصوص متعددة حول الفن والجماليات. فضلا عنه، يمكننا أن نعتبر الآثار الفنية المسيحية -وخصوصا المصادر التي بالكنائس والمعابد- انعكاسا للآراء اللاهوتية في الفن والجماليات المسيحية. تشير نتائج هذه الدراسة إلى علاقة مباشرة بين الزيارة والجماليات المسيحية على أربعة أوجه على الأقل، وهي: أثر الرحلات من أجل الزيارة في خلق الآثار الفنية المسيحية والتنظير حولها، دور ومكانة الترانيم والمقامات الموسيقية في قراءة الزيارات المسيحية، الأثر الفني بمثابة المزور والحديث عن جواز زيارته وأخيرا- المعنى الرمزي للآثار الفنية التي توّضع موضع المزور.

الكلمات المفتاحية: إلهيات الزيارة، اللاهوت المسيحي، الجماليات المسيحية، الفن المسيحي

طريق الزيارة: جعلُ الرحلة المقدسة باطنيا وطريقُ أورشليم السماوية

كورت آندرس ريجاردسون

الأمين العام لمؤسسة جسر إبراهيم، دالاس، الولايات المتحدة الأمريكية |

kurt.richardson@utoronto.ca

الملخص

تعالج هذه الورقة البحثية الممارسات العرفانية في الديانات الإبراهيمية، وتركز بشكل خاص على مواصفات سيرة الأنبياء في رحلاتهم الإعجازية إلى حضرة الله، سواء في عالم المادة أو عالم الملكوت. وفي الواقع يشكل أدب سفر الأنبياء هذا، أرضية الزيارة وأهدافها الروحية على مر التاريخ، وكذلك يشكل الروحانية المعاصرة التي معتمده على الزيارة. ويمكننا أن نشير بشكل خاص إلى أدب سفر / قصص الأنبياء هذه: إرشاد النبي إبراهيم إلى الأرض الموعودة وجبل الذبح، وإرشاد النبي يعقوب إلى سُلّم السماء، وإرشاد النبي موسى إلى جبل الرب، وإرشاد النبي إلياس إلى كهف الإيواء، وإرشاد النبي إشعياء إلى عرش الله، وإرشاد النبي يسوع المسيح إلى جبل التجلي، وإرشاد الرسولين يوحنا وبولس إلى يوم القيامة وأورشليم الجديدة، وكانت [هذه الرحلات] في الأعم الأغلب برفقة الملائكة، كما هو حال النبي حزقيال والنبي محمد [صلى الله عليه وآله وسلم]. تعدّ هذه السير -سواء في الأرض أو في ملكوت السماء- تجربة عرفانية للرحلة في العالم المتعالي، ويحاول عرفاء الديانات الإبراهيمية وقراء هذه التجارب محاكاتها، حيث جعلت الروايات المأخوذة من هذه التجارب الزيارة باطنية في أرجاء حياة الإيمان والإشراق، وهي زيارة غايتها البحث والإدراك لحضور الله ورسله. ومع أن الزيارة كانت قائمة على الجغرافيا على مر التاريخ، كانت للزيارة الباطنية أهمية بالغة في الممارسات العرفانية في الديانات الإبراهيمية، وهي زيارة لا تشترط فيها الرحلة المادية، وترتكز على اللغة والأطر الأخروية / الإسكاتولوجية للنصوص المتبقية من الأنبياء. إذا تركز الدراسة التي بين أيديكم على العلاقة بين النصوص النبوية والعرفانية، وتظهر جوانب تأويلية بمقدورها الربط بين البُعدين من أبعاد قراءة ترتبط بحوار الأديان.

الكلمات المفتاحية: الزيارة الباطنية، جعلُ الشيء باطنيا، الممارسة العرفانية، قراءة مقارنة الأديان

دراسة مناسبات الزيارة وعالم الحياة على أساس الحكمة المتعالية

مهدي سلطاني

الأستاذ المساعد، جامعة باقر العلوم (ع)، قم، إيران | m.soltani@bou.ac.ir

الملخص

يفصل بعض الباحثين في مجال الزيارة بين التعاملات اليومية والعلاقات الاجتماعية، ويقومون بتفريع ثنائي، ويبيّنون العلاقات الاجتماعية للزيارة كأمر متميز عن التعاملات اليومية. تعود بداية هذا التفريع الثنائي إلى عالم المسيحية. تداولت هذه التفريعات الثنائية في عالم المسيحية منذ أغوستين مثل ثنائية مدينة الله ومدينة الأرض. من رؤية أغوستين، التقدم هو الزيارة نفسها، ويتقدم الإنسان كزائر لمدينة الله من خلال هذه الزيارة. أما اللاهوت الشيعي والحكمة المتعالية -والتي هي إعادة تبين اللاهوت الشيعي- يرفضان هذه التفريعات الثنائية ويؤكدان على أن الحياة هي الزيارة دوماً. الحياة رحلة وسفر، والإنسان هو الزائر لهذه الحياة. يعتمد قوام الحياة الوجودي على اللاهوت الشيعي، التي تتجسد تماماً في الإمام. الإمام هو المظهر التام لله وهو واجد الصفات الجمالية والجلالية. يحاول الإنسان في رحلة حياته تطبيق هذه الصفات على نفسه. الحركة الجوهرية التي تجري في أرجاء الحياة تحقق للشخص الإنساني كالنوع الأخير قواماً وصوراً مختلفاً. الإنسان يزور الإمام في رحلة الحياة، إلا أنه إما يتجه نحو الأسماء الجمالية للإمام أو الأسماء الجلالية للإمام. وتجدر الملاحظة أن الأوروبيين في القرن الرابع عشر الميلادي كانوا يفهمون الزيارة كرحلة الحياة، كما أن الزيارة تعني رحلة الحياة لدى الحكمة المتعالية، الحياة التي تعتمد قوامها الوجودي على الإمام. رغم أن الإنسان زائر في كافة حياته ولا ينفصل عن الأمر المقدس، إلا أن الأمر المقدس -على أساس مفهومي الحقيقة والرقيقة في الحكمة المتعالية- يتواجد في بعض الأمكنة والأزمنة -كالاعتاب المقدسة ويوم العرفة- بالحقيقة، وفي الأمكنة والأزمنة الأخرى بالرقيقة (وبشكل مشكك).

الكلمات المفتاحية: الزيارة، العلاقات الاجتماعية، الحكمة المتعالية، عالم الحياة، اللاهوت الشيعي

العلاقات الشرعية والاجتماعية واللاهوتية بين اليهود والنصارى والمسلمين في قاعدة في زيارة بيت المقدس» و«اقتضاء الصراط المستقيم» لابن تيمية

خوليو سيسار

مرشح الدكتوراه في العلوم الدينية بجامعة كومبلوتنسي في مدريد، إسبانيا |

baitualhikam@gmail.com

الملخص

يرتبط الحج إلى مكة وزيارة المدينة المنورة بالسفر إلى المسجد الأقصى في بيت المقدس دينياً وتشريعياً، فتقدم هذه الورقة البحثية تحليلاً نقدياً للأحكام الإسلامية في السفر والزيارة لهذه الأماكن المقدسة عند المسلمين مع العلاقات باليهود والنصارى في القرن الثالث العاشر الميلادي؛ فتركز هذا البحث على دراسة العلاقات القانونية والعقائدية والاجتماعية في أحكام السفر إلى بيت المقدس عند الفقيه ابن تيمية نموذجاً. تحكم ابن تيمية على هذه العلاقات من خلال ٩ صفحات في قاعدة في زيارة بيت المقدس، وأقدم مقارنة مع بعض الأحكام الشرعية والعقائدية في كتابه المشهور في العلاقات بين المسلمين وأهل الكتاب في مسائل تشبه المسلمين باليهود، والنصارى وأعيادهم المكانية والزمانية باسم اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم. فتقدم هذا البحث دراسة نقدية للتقاليد القانونية والعادات الدينية فيهما في أربع موضوعات: ١. تعريفات الحج والزيارة والمصطلحات الأساسية مقارنة باللغات السامية. ٢. أماكن الحج وحكمها (المساجد، قبة الصخرة، مقابر الأنبياء). ٣. مُدُن للسفر الديني وحكمها (القدس، المدينة، ومكة). ٤. العبادات المشروعة والمحرمة فيها (صلاة، الأذعية). أما الاستنتاجات، فقد عرضتُ خصائص الحج عند المسلمين وعلاقتها بين الفئات الاجتماعية الدينية الأخرى للتعريف والحكم عليها، مثل الحث على السفر إلى بيت المقدس وزيارته، وفضل زيارة المساجد الثلاثة، وتحريم زيارة المقابر كأماكن دينية، والأحكام الشرعية المتعلقة بالعبادات المباحة والمحظورة عند زيارة القدس ومواقعها والمدن الأخرى.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، ابن تيمية، حوار الأديان، قاعدة في زيارة بيت المقدس، اقتضاء الصراط المستقيم

أنواع الزيارة في الديانة والثقافة اليهودية

محسن شرفائي

الباحث ومدير قسم الأديان والمذاهب في مؤسسة البحوث الإسلامية للعتبة الرضوية المقدسة، مشهد،
إيران | ٣٧٠٠sharfa@yahoo.com

الملخص

تؤكد اليهودية -إلى جانب الإسلام والمسيحية- على الزيارة تأكيداً خاصاً، وتعدّ رائداً في هذا المجال من المنظور التاريخي. فيعتبر بيت المقدس -كأكثر الأماكن الدينية تقدّيساً لهم- محترماً لدى الديانتين الأخريين على السواء. وكذلك مقابر الأنبياء والأولياء نحو مقبرة النبي داود علي جبل صهيون، ومقبرة صموئيل النبي في شمال أورشليم، ومقبرة راحيل بين أورشليم وبيت لحم، هي بقاع تربط بين هذه الأديان الإلهية الثلاثة. لمجال الزيارة في الثقافة اليهودية غموض وسعة حيث يمكن تصنيفها من وجه نظر مختلفة. فتمكن دراسة أشكال الزيارة وأنواع الأماكن الزيارية من حيث الاعتقاد والنية والدافع. فعلى سبيل المثال يمكن جعل الأماكن الزيارية في ثلاثة أقسام: ١. معبد أورشليم وأماكن أخرى ظهرت في القدس وضواحيها؛ فهذه هي مزارات تاريخية أشير إليها في الكتاب المقدس، ومنها مقابر الشيوخ اليهوديين وأنبيائهم. ٢. مقابر علماء تلمود والقبالة التي تقع عادة في الجليل. ٣. مراكز مختلفة ظهرت في العصر الراهن، وهي -في الأعم الأغلب- تخليد لذكرى الحكماء والعلماء وبعض الأحداث التاريخية. تطمح هذه الورقة البحثية إلى تبين الأنواع المختلفة للزيارة في الثقافة اليهودية باستخدام الرؤية الوصفية التاريخية. تشير الدراسات التاريخية إلى أنواع حديثة من الزيارة مثل الحفلات التأبينية والزيارة الافتراضية التي ظهرت بسبب أوضاع اليهود الاجتماعية والتاريخية في القرن الأخير. الكلمات المفتاحية: الزيارة، معبد أورشليم، الأنبياء والشيوخ، علماء تلمود، الجليل

نبذة من مضامين الزيارة الجامعة الكبيرة: توحيد أم شرك؟

حسن شواهددي

طالب الدكتوراه في الفلسفة الإسلامية، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، طهران، إيران |

hasanshavahedi@gmail.com

الملخص

تحتل «الزيارة» مكانة رفيعة في الشعائر الإسلامية وخاصة في التراث الشيعي. فقد كان أئمة الهدى عليهم السلام يأمرّون شيعتهم بزيارة المشاهد المشرفة والمرقد الطاهرة لآل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أجمعين وفي كثير من الأحيان قاموا بتعليمهم طريقة زيارة كل من الأئمة بتفاصيل محددة. ومن ناحية أخرى، اعتبرت بعض المذاهب والمدارس في العالم الإسلامي أن الزيارة لا تتلائم مع التوحيد بل وهي في حد الشرك بالله سبحانه وتعالى. من وجهة نظر بعض هذه المدارس الحديثة لا تجوز زيارة القبور أبداً إلا في حالة الدعاء للمزور والترحم عليه. من جانب آخر نرى أنّ التراث الشيعي مليء بنصوص الزيارات والأدعية الواردة عن النواحي المقدسة سلام الله عليهم أجمعين وتشير هذه النصوص في بعض الأحيان إلى مفاهيم قد لا تتوافق ولا تتلائم ظاهرياً مع القول بالتوحيد ولعل عدم الفهم الصحيح لهذه التعاليم والمضامين العالية هو الذي أدى إلى تشييع مدرسة أهل البيت عليهم السلام من قبل بعض الطوائف الأخرى. كنموذج أشير إلى بعض هذه المفاهيم. قال عز وجل: (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا) (وَإِنَّا إِلَيْنَا لِيَأْبَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ) ونقرأ في الزيارة الجامعة الكبيرة: (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ) (وَإِبَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ). نظراً لبعض المبادئ الفلسفية في نظام الحكمة المتعالية لصدر الدين الشيرازي، يبدو أنه من الممكن التوفيق بين هذا التعارض الظاهري. فإنه -قدس سره- يبرهن على أن العقول والذوات المجردة والمفارقة في الصقع الربوبي، وموجودة بوجوده وعليه فإنها ليست جزءاً من ما سواه جل وعلى، بل تعتبر واسطة فيما بين الخالق والمخلوقات أي الممكنات. ومن جانب آخر قام الملا صدرا بتفسير الوجود المنبسط أو العقل الأول على أنها «الحقيقة المحمدية» التي هي حقيقة حقائق الأشياء كلها. وبالتالي التركيز على هذه المبادئ في فلسفة الملا صدرا سيؤدي بنا إلى إيجاد حلول للتوفيق والتلاؤم فيما بين التعارض الظاهري بين بعض الآيات ونصوص الزيارات الذي أشرنا إلى نموذج منه في الأعلى.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الزيارة الجامعة الكبيرة، الشرك، التوحيد، الحقيقة المحمدية، الصقع الربوبي، الملا صدرا

العلاقات بين إلهيات الزيارة والموسيقى الإيرانية

أحمد صدري

الباحث في الموسيقى | sadriahmad@gmail.com

الملخص

بما أن الزيارة تتمتع بجوانب هامة فكرية وثقافية وعقدية، يمكن لها أن تكون موضوعاً في علم اللاهوت، ومن ناحية أخرى، يمكن دراستها من منظور الموسيقى. هذه الورقة البحثية تدرس أهم وجوه العلاقة بين إلهيات الزيارة والموسيقى في الثقافة الإيرانية الإسلامية؛ فندرس أولاً الرحلة للزيارة والموسيقى: الأغاني الموسيقية التي تُنشد من أجل وداع أو استقبال الزوار -خصوصاً «تشاووشي»- تُعد من الآثار الموسيقية الخالدة في هذه الثقافة. فضلاً عنه، تحمل كلمات هذه [الأغاني] رسائل لاهوتية لعموم الناس؛ فتستخدم هذه الآثار الوجه الخيالي من الشعر والموسيقى بغية تحقيق بعض الأهداف اللاهوتية مثل إثارة الحماسة الروحية، والتذكير بهدف الزيارة، والتكرار، والذكر الدائم. يمتاز التأثير الخيالي للموسيقى على التعاليم العقلية البحتة بأنها يبقى في ذاكرة الزوار خالداً ويشير تورطاً عاطفياً أكثر. وأما الجزء الثاني من هذه الدراسة تعني بالأماكن الزيارية والموسيقى؛ فلكل من الأماكن الزيارية هوية موسيقية خاصة بها، كأصوات الأذان والنقارات وما إلى ذلك. للهوية الموسيقية الخاصة بكل مكان -إضافة إلى تفرد- وحدة جوهريّة مع أماكن مقدسة أخرى. وتوجد هذه الملاحظة أيضاً في موسيقى العادات الزيارية المختلفة، مثل الأعياد المقدسة والتأبينات والموايد. وكذلك قراءة الزيارات والأدعية بشكل فردي أو جماعي، وأذكار كالتلبية والصلوات الخاصة هي وجه آخر للتعبير عبر أدوات الموسيقى، والتي تعبّر عن السلوك الروحي للزائر ووجده.

الكلمات المفتاحية: إلهيات الزيارة، الموسيقى الإيرانية، تشاووشي، الخيال الفني

الزيارة بعد الموت: انعكاس نقل الجثامين إلى الأعتاب المقدسة في أدب السفر

سعيد طاووسي مسرور

الأستاذ المساعد، قسم الفلسفة والكلام، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران |

saeed.tavoosi@atu.ac.ir

الملخص

لقد شاع نقلُ الجثامين إلى الأعتاب المقدسة -ولا سيما النجف الأشرف وكربلاء المقدسة- بين الشيعة في العراق وإيران وحتى الهند؛ غير أن جذور هذا العمل تعود إلى القرون الخمسة الأولى من الهجرة، كما نُقلت جثامين حكام آل بوية إلى العتبة الحسينية عليه السلام ودُفنت في هذه العتبة. بما أن الولاية قد تعني القرب فكانت الشيعة في عصر الحضور يبذلون الجهود ويتحملون المشاق حتى يتشرفوا بلقاء الأئمة عليهم السلام أو زيارة مزاراتهم. استمراراً لهذا المسار، كانت الشيعة يرغبون بدفن جثثهم في تراب أعتاب الأئمة عليهم السلام. فتقليد نقل الجثامين إلى الأعتاب المقدسة هو تبلور هذا المعتقد والرغبة على أرض الواقع. من المصادر الرئيسية في تاريخ نقل الجثث إلى أهم المزارات الشيعية هي أدب السفر، بما فيه أدب السفر للزوار المسلمين كسيف الدولة القاجاري، وأدب السفر للكتّاب غير المسلمين كجان ديولافوي. يتبين من خلال تقارير أدب السفر ومصادر أخرى أن هناك قضايا شتى حول نقل الجثامين، كالقضايا الصحية، والاقتصادية، والسياسية، وما إلى ذلك. فعلى سبيل المثال، يتناول «صبري آتش» الباحث التركي في مقاله (٢٠١٠) القضايا الخاصة بنقل الجثث من إيران إلى الأعتاب المقدسة في ضوء العلاقات الإيرانية العثمانية في القرن التاسع عشر الميلادي. الكلمات المفتاحية: أدب السفر، الأعتاب المقدسة، نقل الجثامين، العثمانية، الشيعة

زيارة المعصومين عليهم السلام ومحورية التوحيد: دراسة زيارة أمين الله وزيارة الجامعة الكبيرة نموذجا

السيد محمد كاظم طباطبائي

الأستاذ المشارك في جامعة القرآن والحديث؛ رئيس المركز البحوث للعلوم والمعارف الحديثة، قم،
tabakazem@gmail.com | إيران

الملخص

للزيارة لغةً واصطلاحاً مراتب ومستويات؛ وجوهر معناها «الميل» وتجتاز الزمان والمكان، وتصل إلى «القصْد» في المرحلة التالية. لذلك نقول: المرحلة الأولى والبدائية للزيارة هي «الميل»، والتي تظهر العلاقة القلبية بين الزائر والمزور. والمرحلة الثانية هي «القصْد»، الذي يدعو الزائر إلى الحركة والوصول إلى المزور. والمرحلة الثالثة للزيارة هي «اللقاء»، أي لقاء المزور، ويحصل ذلك بالتواجد في أعتاب المعصومين عليهم السلام. والمرحلة النهائية والعالية للزيارة هي التواجد والتشابك بين الزائر والمزور، وهي تتطلب معرفة خاصة حيث تقرب آفاق الزائر الفكرية من نطاق معرفة المزور. تتجسد هذه المعرفة بالأكثر في الزيارات المكتوبة، والتي تبين جوهر الزيارة، وتقدم الرقي المعرفي للزائر. وأهم جوانب هذا الرقي المعرفي هو محورية التوحيد، حيث تتجسد بالأكثر زيارات كـ «زيارة الجامعة الكبيرة» و«زيارة أمين الله». تذكر الجامعة الكبيرة أكثر من ٢٠٠ وصفا ممتازا للأئمة عليهم السلام، و٣١٨ ذكرا لله تعالى. وتحتوي زيارة «أمين الله» القصيرة أيضا على ٦٦ اسما وذكر لله تعالى، حيث تبدأ بذكر أوصاف الإمام المعصوم في ظل اللطاف الإلهية، وتنتهي بالالتفات إلى الخالق. في الحقيقة، تبدأ الزيارة بالميل القلبي وقصد الزائر تجاه الإمام المعصوم عليه السلام، وتؤدي في نهاية المطاف إلى معرفة معمقة بالله وتوحيده. الكلمات المفتاحية: الزيارة، زيارة أمين الله، زيارة الجامعة الكبيرة، محورية التوحيد.

إلهيات الزيارة الأربعينية ومفاهيمها في الأدب العربي

عمار عدنان مناف

الأستاذ المساعد، مركز بابل للدراسات الحضارية والتاريخية، جامعة بابل، الحلة، العراق |

ammaraizwainy7@gmail.com

الملخص

إنَّ مبدأ أدب الأربعين مبدأ يستحقُّ الإجلالَ والتَّقديرَ، فهو مبدأ يحملُ روحَ الإيمانِ والشَّجاعةِ والمقاومةِ، بل يملكُ بصيرةً في الدِّينِ والعقيدةِ، ونقاوةَ الانتماءِ، فشعارُ الأربعين هو عدمُ مساومةِ الباطلِ أبدًا، كذلك هو مبدأ العطاء؛ كونه يقتبس ذلك من الإمام الحسين عليه السَّلام، فقد أوقف الإمامُ حُجَّه، وهو في الكعبة، وأعلن ثورته على الباطل؛ كي يعطينا الدُّروسَ العظيمةَ مفادها: لا توجد قيمة للحجِّ إلى الكعبة ما دام النَّاسُ يحجُّون إلى بيوت الظَّالمين، ولا توجد قيمة لتقبيل الحجر الأسود ما دام النَّاسُ يقبَلون أياديًا ملطَّخةً بالدماء، ولا توجد قيمة لركوعٍ وسجودٍ عند مقام إبراهيم ما دام النَّاسُ يركعون ويسجدون للباطل، ولا توجد قيمة للسَّعي بين الصِّفا والمروة ما دام النَّاسُ يقبلون الخنوعَ للحاكم الظَّالم، ولا توجد قيمة لنداء لبيك اللهم لبيك ما دام النَّاسُ مأسورين لأهوائهم، ولا توجد قيمة للذكرِ والتلاوة ما دام النَّاسُ يمجِّدون ويعظِّمون المفسدين، ويقفون معهم ولم يحاربوهم. لا بدَّ من اختيار إحدى الحسينيين من مبدأ الأربعين، فإمَّا حسينيون، ونبذل النَّفوسَ، ونعطي الدِّماءَ، ونضحي من أجل المبدأ، أو زينيون نحمل صوت الحسين، ونهجه وفكره، وننشره للنَّاسِ أجمعين، وأن يكون ثأرنا لله لا لعصيتنا، فجهادنا ضد الظُّلم من أجل أن يبقى الإسلام شامخًا، وأن نعيش صامدين وثابتين في مواجهة كلِّ التَّحدِّيات الفكرية، فخطاب الأربعين مظهرٌ حضاريٌّ لا يعرف الانهزام: «لا أرى الموت إلا سعادة، والحياة مع الظالمين إلا برما». لقد توصَّلت هذه الدِّراسةُ إلى وجود أيدلوجيةٍ عظيمة في أدب خطاب الأربعين في شحذ همم الزائرين طالما أخفاه الإعلام، فهي أيدلوجيةٌ حسينية ذات مظاهر حضارية لا مثيل لها في الحياة.

الكلمات المفتاحية: الأربعين، الخطاب الحضاري، الأدب

إلهيات الزيارة الوجودية

محمد كاظم علوي

الأستاذ المشارك في قسم الفلسفة الإسلامية والحكمة/الأديان والعرفان بجامعة الحكيم سبزواري،

سبزوار، إيران | smk.alavi@hsu.ac.ir

الملخص

يمكن تحقيق الرؤية إلى الزيارة كموضوع فردي في نظام لاهوتي وتقديم تحليل وجودي لها. ففي هذا التحليل تبدأ الزيارة من ذات غير أصلية في سير وجودي وهذه الصيرورة الوجودية توفر إمكانات متعددة بين يدي الإنسان. نظرا إلى الفرق الوجودي بين الوجود في ذاته وبين الوجود لذاته، البدء من الذات هو رفض الوجود الأول وترجيح الوجود الثاني الذي لا يمتلك ماهية متعينة، خلافا للوجود الأول. وهذا الترجيح يؤدي إلى ترجيح الماهية على الوجود وإعادة الأصالة إلى وجود الإنسان. الزيارة هي وضع حدودي من أجل اجتياز الحياة اليومية الاعتيادية، الحياة التي أدت إلى انهيار دازاين بسبب الترف، وجعلتها في الحرمان من معرفة ذاته والإمكانات التي هي بين يديها. تتميز الزيارة كظاهرة ذاتية عن المعاينة كظاهرة موضوعية، ويعتمد هذا التمييز على الفصل الذي جعل غابريل مارسيل بين المسألة والسر. لا يمكن حل الزيارة كمسألة والانتهاؤها منها، ولكنها سر وجودي يجب التعايش معها للوصول إلى التعالي. تتمكن هذه الصيرورة بالتواجد أمام الأمر المقدس كالمطلق، وتنتج عن إظهار وإبراز الذات الأصلية في الزيارة.

الكلمات المفتاحية: إلهيات الزيارة، الإلهيات الوجودية، المسألة والسر، الوجود في ذاته و الوجود لذاته، الذات الأصلية وغير الأصلية، الأوضاع الحدودية

الزيارة وأثرها التربوي

أحمد غلامعلي

الأستاذ المساعد في جامعة القرآن والحديث؛ مساعد المركز البحوث للعلوم والمعارف الحديثة، قم،
إيران | a.gholamali110@gmail.com

الملخص

التربية هي تنمية المواهب وتمهيد الأرضية للتغييرات المطلوبة باتجاه المستهدف. كانت التربية في الرؤية التقليدية بطريقة تحصين المتربي وتبعيدها عن أمكنة غير ملائمة لقيم المربي، وعلى أساس الإيحاء والفرص أيضاً. ولكن هذه الطرق للتربية الدينية أصبحت أقل نجاعة في العصر الراهن، لأن التحصين المكاني فقد نجاعته بسبب انتشار أنواع وسائل الإعلام، ومن ناحية أخرى، البيانات المختلفة المتوفرة لدى الشباب والمراهقين كثيرة إلى درجة لا يقبلون الفرض. يبدو أن التريث في نصوص الزيارات المكتوبة الباقية من أئمة الدين هو حل طيب للتربية الدينية الباقية. فعلى سبيل المثال، تم اختيار ما ورد في نصوص الزيارات المكتوبة الجامعة للكشف عن تعليمات التربية؛ إذ لا تختص الزيارات الجامعة بزمان أو مكان أو إمام دون غيرها، بل يمكن أن تقصد إماماً في كل زمان ومكان، وتقرأ له الزيارة. وأول تعليم تربوي في الزيارات الجامعة هو التبيين. ويتعرف الزائر عبر التبيين على التغيرات التي ستحدث في أفكاره وسلوكياته بسبب الزيارة. على سبيل المثال، يكبر الزائر في زيارة الجامعة [الكبيرة] مئة تكبيرة لكي يذكر نفسه وحدانية الله، ومن ثم يطلب لنفسه في نص الزيارة السعة العلمية، ويؤمن بأن موالاة أهل البيت عليهم السلام ينظم حياته. التعليم التربوي الثاني الذي نجده في الزيارات الجامعة نحو زيارة الجامعة الكبيرة هو الكشف عن معايير وقواعد التربية، بما فيها معيار الانحياز إلى الحق، وتقديم الله على كل شيء، وكل شخص، وما إلى ذلك. والتعليم التربوي الثالث للزيارة هو التغيير في زاوية الرؤية الدينية حيث تسبب تبيين المكونات العقدية والمشاعر والتجارب الدينية، وسوف يشهد مفهوم التدين في نهاية المطاف تطوراً كبيراً.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، التعليمات التربوية، التبيين، القواعد التربوية، تطور التدين

أهداف الزيارة من منظور الإمامية

السيد علي قاضي عسكر

سدانة عتبة عبد العظيم الحسنی، ري، ايران | seyedali_ghaziaskar@yahoo.com

الملخص

يعد طلب الحاجة من المعصومين عليهم السلام في الثقافة العامة الهدف الرئيس للزيارة، غير أن محور الزيارة في روايات الإمامية هو معرفة المزور، حيث يذكر المعصومون عليهم السلام أهدافاً هامة أخرى للزيارة على أساس تلك المعرفة. وهذه الأهداف هي: التقرب إلى الله تعالى، وإيجاد التطور الروحي والأخلاقي في الزائر، وتوبة الزائر من الذنوب، وتبري الزائر من الظلمة، ومحو الجهل. ثمة تعليمات في الروايات بشأن تحقيق الزيارة الحقيقية والتوصل إلى هذه الأهداف، فعلى سبيل المثال يمكن أن نشير إلى موضوع طلب الحل وتسوية الأموال قبل الزيارة. وكذلك تحذر [الروايات] الزوار في الرحلات الزيارية من الإسراف، وتنصح الزوار في زيارة كربلاء أن يقللوا من الأكل والشرب لكي يتفهموا وضع أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله وأصحاب الحسين بن علي عليهما السلام في عاشوراء في ذلك الزمن

الكلمات المفتاحية: الزيارة، أهداف الزيارة، معرفة المزور

مكانة الخيال المتصل والخيال المنفصل في تواصلات الزيارة من وجهة نظر الإمامية

محمدرضا قائمي نيك

الأستاذ المساعد، الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية، مشهد، إيران | ghaeminik@gmail.com

الملخص

تظهر دراسة النظريات الفلسفية للتواصلات في العالم الغربي -على سبيل المثال: آراء غادامر وباختين وهابرماس ونُظرائهم- أن التواصلات الاجتماعية تتكون على أساس التأويل (الهرمينوطيقا) الثقافي وقوة الخيال. وعلى الرغم من ذلك، فإن قوة الخيال هي نطاق غير حقيقي -أو «الفتنازيا» كما قال هانري كوربان- ينشئ فيها الإنسان ذاته صورَ الخيال متأثراً بالصور الفينومينولوجية الحسية. لذلك فإن التواصلات المعتمدة على هذه النظريات تتضمن نوعاً من النسبية الثقافية تهتمّش كل حقيقة وراء عالم التواصلات البشرية. وفي المقابل، قوة الخيال لدى العرفاء والحكماء المسلمين -كابن عربي، والسهرووردي وصدر المتألهين- هي نطاق الأمور الحقيقية ترتبط بعالم البرزخ. تتطرق هذه الورقة البحثية إلى تمييز قوة الخيال بين المعنى الغربي والمعنى الإسلامي على أساس آراء الحكماء المسلمين ولا سيما صدرالدين الشيرازي. نحن نزعّم أن قوة الخيال لدى المفكرين الغربيين تعادل «الخيال المتصل (الخيال الأصغر)» لدى صدر المتألهين، والتي تكونت بمعزل عن «الخيال المنفصل (الخيال الأكبر)»، إذ ليس للخيال المنفصل مكانة في النظريات الغربية. ثم فيما بقي من هذه الورقة البحثية نؤكد على تحليل كوربان لقوة الخيال ومصطلحاته كالإقليم الثامن، وعالم جابلق وجابلص، وعالم البرزخ وأمثالها، وننوه إلى علاقة هذا النطاق بمكانة الإمام المعصوم في الفكر الشيعي. وبما أن مفهوم الزيارة في الفكر الشيعي يتكون مرتبطاً بالإمام المعصوم كالمزور، يبدو أن نفس الإنسان يبتعد في الزيارة عما يتعلق بالعالم المحسوس المادي، ويستعد لزيارة المزور وقبول الصور التي تتعلق بالخيال المنفصل. نظراً إلى تبيين صدر المتألهين لطريقة الاتحاد بين الخيال المتصل والخيال المنفصل، يتحد الزوار مع الإمام المعصوم هكذا طوال زيارة، ويؤدي [هذا الاتحاد] إلى نوع من التواصلات البشرية الأصيلة. ولا تصاب هذه الطريقة من تنشيط قوة الخيال بالنسبية، خلافاً للنظريات الغربية للتواصلات. ومن وجهة النظر هذه، ينشئ زوار الإمام المعصوم التواصلات بينهم على أساس الإدراك المشترك من حقيقة الإمام، وراء المظاهر اللغوية، والقومية، والقبلية، والعنصرية ومظاهر أخرى لهذا العالم المحسوس.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الخيال المتصل والخيال المنفصل، نظرية التواصلات، صدر المتألهين (صدرالدين الشيرازي)

جينياالوجيا الزيارة في المسيحية الكاثوليكية

رضا قائمي

الأستاذ المساعد، قسم الفلسفة والكلام، جامعة الشهيد مطهري، طهران، إيران |

sr.ghaemi@motahari.ac.ir

الملخص

الزيارة هي إحدى الشعائر المذهبية في الديانات المختلفة. ولهذا العمل العبادي مظاهر متعددة في المسيحية الكاثوليكية. وبما أن المسيحيين يعتبرون يسوع كاللاهوت المتجلي في الأرض، فيسوع هو الوحي من منظور المسيحية الكاثوليكية. فكل ما يشار به المسيح هو مظهر للوحي، وعلى الكنيسة - كالنائبة عن المسيح - أن تتولى هذه الأمور. ومن هذه الأمور هي الزيارة. وبعبارة أخرى، بما أن يسوع قد زار أورشليم، فيجب على المسيحيين أن يزوروها. كانت الزيارة في القرون المبكرة تقتصر على أورشليم، غير أن مقابر الحواريين والقديسين والشهداء باتت مزارات أخرى للمسيحيين. ولهذه الزيارة جانب ظاهري حيث تشتمل على زيارة أورشليم الدنيوية ومقابر كبار رجال الدين، وترافقها التوسل والتوبة وطلب الشفاعة. ولكن الجانب الباطني للزيارة من منظور المسيحية الكاثوليكية على أساس الكتاب المقدس هو الحياة بشكل الزائر في الدنيا والمسافر إلى مدينة أورشليم السماوية. إذ تعتقد المسيحية بأن الإنسان طُرد من الجنة إثر الخطيئة الأصلية التي ارتكبه آدم وحواء، وأصبح صلبُ المسيح كفارة ذنوب البشر والمصالحة بين الله والخلق. وقد أدى فداء يسوع إلى أن يتمكن الإنسان مرة أخرى من العودة إلى مكانته الرئيسة أي الجنة العليا عند الله. وعلى هذا الأساس، فالإنسان المسيحي هو مسافر في هذه الدنيا، وعليه أن يعود إلى مكانته الرئيسة؛ وعليه أن يعيش مثل الزائر في السفر، يمتلك تعلقاً دنيوية قليلة، ويبقى دوماً مسافراً لمدينة أورشليم السماوية. ولا يمكن الوصول إلى هذه المدينة السماوية بالحياة مثل الزائر فحسب، بل يحتاج الإنسان إلى قائد يده له الطريق وينقذه، وليس هو إلا المسيح.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، المسيحية الكاثوليكية، أورشليم، يسوع (مسيح)

دراسة فينومينولوجية للجهات ما وراء المكانية لإلهيات الزيارة، على أساس روايات الإمامية في «كامل الزيارات»

أحمد كريمي

الأستاذ المشارك، قسم الكلام، جامعة القرآن والحديث، قم، إيران | ahmad.karimi@gmail.com

الملخص

الفينومينولوجيا (علم الظواهر) هو منهج لإدراك ما كان يجري في وعي وفهم الإنسان الذي أنشأ أثراً أو ظاهرة. يحاول الباحث في هذا المنهج أن يتعرف على فهم المنشئ [للمظاهرة] برؤية تعاطفية وبدون تصديق أو تكذيب لقضايا الأثر وأحكامه. إن نعيد قراءة روايات الإمامية برؤية فينومينولوجية فنحصل على نعوت وعناصر جديدة ترتبط بمفهوم الزيارة. الدراسة الفينومينولوجية للروايات الواردة في كتاب «كامل الزيارات» تُظهر أن للزيارة أبعاداً ما وراء المكانية؛ يعني أن الزيارة لا تتلازم مع التواجد في مكان الزيارة. ترتبط هذه الأبعاد التي تجتاز المكان بصعدي المعرفة والجانب الوجودي للإنسان. على صعيد المعرفة، تُعتبر معرفة المزور ومكانته إحدى مكونات الزيارة، فهناك باب خاص بمعرفة الإمام وأهل البيت عليهم السلام في كتاب «كامل الزيارات». والربط الوجودي بين الزائر والمزور هو من الأركان الأخرى للزيارة. ثمة في الروايات تعابير وأشكال مختلفة لهذا الربط وهذه العلاقة الوجودية؛ مثل: حب المزور، والكراهية لأعداء المزور، الالتفات إلى المزور، المشاركة في مشاعر عناء المزور. وكذلك موضوع الاعتقاد بتواجد المزور أيضاً في هذا المجال، وهناك باب خاص بهذا الموضوع في «كامل الزيارات».

الكلمات المفتاحية: الزيارة، كامل الزيارات، الفينومينولوجية، معرفة المزور، الربط الوجودي مع المزور

دراسة مقارنة للزيارة في فكر تشيتانيا (جوديا) الفيشنوية ومفهوم «الروضة» في الفكر الإسلامي

ديويد كوليج

خريج الدكتوراة من الاتحاد اللاهوتي للخريجين (GTU) ، بيركلي، الولايات المتحدة الأمريكية |

rdavidcoolidge@gmail.com

الملخص

مضى أكثر من ألف عام -منذ أبي ريحان البيروني- للتعامل الفكري بين المسلمين والتقليد الهندوسي. وعلى الرغم من ذلك، عندما نتناول النصوص الإسلامية حول الهندوسيين بمقاربة تاريخية نرى لدى أبي ريحان والعلماء المتأخرين عنه -كدارا شكوه وميرفندرسكي- تركيزا كبيرا على فلسفة يوغا وأدفايتا فيدانتا. وفي الحقيقة، لم يكن هؤلاء المفكرون المسلمون يعتنقون بمدراس هندوسية فيشنوية إلا قليلا. ولقد تكون مجتمع تشيتانيا (جوديا) الفيشنوية قبل خمسمائة سنة في عهد سلطنة البنغال، ويشهد اليوم في أرجاء العالم إقبالا كبيرا عند من يعتنق الهندوسية وكذلك من هو هندوسي أصلا. وتحتوي ممارستهم للزيارة في منطقة براج الواقعة في ولاية أتر برديش الهندية علم الكون واللاهوت الخاص بهم، وبدأ المسلمون بالتعرف عليهم في الآونة الأخيرة. تعدّ هذه المنطقة القروية عند هذه المجموعة من عبدة فيشنو أهم مكان على الأرض في عصر كريشنا، أي قبل حوالي خمسة آلاف سنة. والأهم من ذلك هو العلاقة الوجودية بين براج وبين مظهره الخالد في فيكونثا، أي المملكة السماوية الخالدة. إذًا على سبيل المثال، بينما يوجد نهر أرضي يُدعى «جمنة» يعبر من منطقة براج في الهند، ثمة نهر جمنة السماوية، حيث يتفاعل عبره كريشنا مع عباده المخلصين دائما. ورغم الخلافات الجذرية بين هذه الرؤية الأخروية وبين اللاهوت الإسلامي، لكننا نقدر في دراسة مقارنة على إنشاء علاقة مفهومية بينه وبين مفهوم «الروضة» في المدينة المنورة، والتي يراها المسلمون روضة من رياض الجنة.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، تشيتانيا (جوديا) الفيشنوية، براج، الروضة، الإسلام، الهندوسية

الأجانب في الحرم: تجارب الرحالة الأوروبيين في زيارة الأعتاب المقدسة في إيران

محسن حسام مظاهري

الباحث في الدراسات الاجتماعية للشيعية | mohsenhesammazaheri@gmail.com

الملخص

الحرم (من جذر ح. ر. م، بمعنى المنع)، هي أهم كلمة وأكثرها استخداماً في الثقافة الإسلامية يُطلق على الأماكن المقدسة. وكان المسجد الحرام أول نموذج لهذا المفهوم. ويحرم ويمنع الدخول إلى ساحة المسجد الحرام لغير المسلمين حسب مشهور الفقهاء المسلمين. وقد تعممت هذه القاعدة الفقهية بشكل تدريجي حيث تشمل مساجد أخرى وأماكن إسلامية مقدسة مثل المزارات، ومهدت هذه القاعدة أرضية للعرف الاجتماعي وكذلك لقانون في البلدان الإسلامية. وبعبارة أخرى، ظهرت بشكل تدريجي لهذا المنع ثلاث جوانب مكملّة: الفقه (الشرعية)، والقانون (الحكومة) والعرف (المجتمع). تُظهر تقارير السياح الأوروبيين أن المنع والتقييد لدخول غير المسلمين في المساجد والمزارات (مثل العتبة الرضوية، وعتبة السيدة فاطمة المعصومة) ازداد شيئاً فشيئاً منذ الفترة الصفوية. وكانت الفترة القاجارية أكثرها تشديداً في تنفيذ التقييدات. واقتصر القانون المذكور في أواخر الفترة البهلوية الأولى على المزارات، حيث أُنحى للسياح الأجانب ولغير المسلمين دخول المساجد وزيارتها؛ إلا أن المنع من دخول الأماكن الزيارية استمر لثلاثة عقود بعد الثورة الإسلامية. إضافة إلى إيران، كان منعاً مماثلاً في الأعتاب المقدسة والمزارات العراقية. ولكن هذا القانون تغير في السنوات الأخيرة، وفتحت الأماكن الزيارية (كأعتاب أئمة الشيعة في إيران والعراق) أبوابها أمام الوفود الدبلوماسية للبلدان الأخرى وعموم السياح الأجانب، وكأننا نرى منافسة بين سدانة هذه الأماكن الزيارية في جذب الزوار الأجانب. حدث هذا التغير لعدة أسباب؛ كالتطورات العالمية وزيادة التفاعلات والعلاقات مع شعوب أخرى والنوايا السياسية ومصالح المؤسسة الرسمية الشيعية، وأهم من كل شيء هو التغيرات الثقافية الضخمة والمستعجلة في المجتمع الإيراني المعاصر، والتي مهّدت تطورات قياسية في الثقافة الدينية والشعائر الشيعية. ونتيجةً لهذه التغيرات نرى تغيراً مفهوماً حيث استبدل «الحرم (العتبة)» بـ«التراث الثقافي» و«الزيارة\الزائر» بـ«السياحة الدينية\السائح الديني»، وفتح أبواب الأماكن المقدسة أمام غير المسلمين هو من تداعياتها.

الكلمات المفتاحية: الحرم (العتبة)، أدب السفر للأوروبيين، منع دخول غير المسلمين، الزيارة، السياحة الدينية

النقاش حول الزبارة في الإلهيات المسيحية

منصور معتمدي

الأستاذ المشارك، قسم الأديان والعرافان، جامعة الفردوسي مشهد، مشهد، إيران |

motamedi@um.ac.ir

الملخص

يختص معظم المؤلفات حول الزبارة في المسيحية بالكنيسة الكاثوليكية والأرثوذكسية. لم تُذكر الزبارة كموضوع مستقل في العهدين، بل أُشير إلى هذا المفهوم خلال رحلات الرسل وشرح العبادات. وقد أكد الباحثون الإسلاميون على أن الزبارة لم تُذكر في النصوص الإسلامية الأولى بشكل مستقل إلا من خلال الحج. يمكن أن نقول إن الزبارة بدأت في المسيحية منذ القرن الرابع الميلادي. وثمة نوعان من الزبارة في تاريخ المسيحية؛ الزبارة المادية أي التنقل من مكان إلى مكان آخر، والزبارة الباطنية. يعود أصل كلا النوعين من الزبارة إلى المعتقدات المسيحية حول استشهاد سيدنا عيسى (ع) وصعوده. تعتمد الزبارة الباطنية على هذا المعتقد المسيحي أن سيدنا عيسى (ع) صعد بعد موته بجثته فلا مكان لجثته حتى يتم زيارته. والأصل في الزبارة المادية هي هذا المعتقد المسيحي أن زيارة موطن سيدنا عيسى (ع) توّطد علاقته مع الله. يرفض توما الكمبيسي - اللاهوتي المسيحي في القرن الـ ١٥ - الزبارة المادية. ومارتن لوثر، مفجر الإصلاح في الديانة المسيحية، والذي كان يقوم بالزيارة فيما سبق، يوجه في آثاره المتأخرة الانتقادات على الزبارة المادية، إلى جانب الكنيسة والأساقفة والبابا. وألف بعض اللاهوتيين والكتاب المسيحيين بعد عصر الإصلاح الديني كتباً في رفض الزبارة بشكل ضمني وغير مباشر. ترفض هذه الآثار - ومنها كتاب «رحلة الحاج من هذا العالم إلى ما هو آت» لجون بنيان اللاهوتي الإصلاح - الزبارة المادية. يُعتبر كتاب جون بنيان كبيان عقدي للإصلاحيين الدينيين التابعين للوثر. فباشروا بترجمة هذه الكتاب إلى لغات مختلفة كالفارسية.

الكلمات المفتاحية: الزبارة الباطنية، الزبارة المادية، الإصلاح الديني، توما الكمبيسي، مارتن لوثر، جون بنيان

المبادئ الفلسفية للزيارة

السيد محمد موسوي بايجي

الأستاذ المشارك، قسم الفلسفة واللاهوت الإسلامي، الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية، مشهد، إيران |
moosavi@razavi.ac.ir

الملخص

من الآداب التي تؤيدها جميع الأديان -على وجه التقريب- هو تواجد المؤمنين في أماكن خاصة لأجل إقامة الشعائر والطقوس الدينية. ويمكن التحدث عنها من المنظور الفلسفي بسبب علاقة هذا الأمر بالنبوة. تجمع هذه الدراسة بين سبع مقدمات من أجل تبين المبادئ الفلسفية للزيارة وطريقة أثر الزيارة على نفوس المؤمنين: ١- وفقا للمبادئ الفلسفية تُخلق المخلوقات في ترتيب محدد ومن خلال الملائكة المقربين. ٢- تشترط في العلية السنخية بين العلة والمعلول، ويمكن تصورها بطريقتين: أولاً، نفس الإيجاد، وثانياً، إفاضة الكمالات الثانوية. ٣- تشترط في إفاضة الكمال قابلية الإنسان؛ لأن الله سبحانه وتعالى (الواهب المطلق) لا يحرم أحداً خيراً، إلا أن يكون غير مستعد لتلقيه. ٤- تختلف النفوس البشرية في قبول الكمالات الروحانية؛ فجماعة قليلة منها (النفوس القدسية) لها قابلية الاستكمال دون حاجة إلى المعلم البشري، وإن توصلوا في مراتب الاستكمال إلى مرتبة العقل أو أعلى منها، تظهر منها نفس الآثار التي تظهر من الملائكة المقربين. ٥- الهدف من الزيارة هو اكتساب الكمال للزائر نفسه، وتشترط فيه قابليته. ٦- تتأثر الأمور المادية بالأمور الروحانية؛ فعلى سبيل المثال، إن للمكان الذي يرتبط بالجسمان ولي الله (كمقرقه أو مكان إقامته) نوع من التأثير والتشرف الحقيقي، ويؤدي هذا الكمال المكاني إلى كمال الأجساد الأخر التي ترتبط بذلك المكان. ٧- لاجتماع الأجساد وكثرتها أهمية، إذ المزيد من عدد الزوار يدل على المزيد من اهتمام النفوس بباطن ولي الله. على أساس هذه المقدمات يمكننا أن نستنتج أن لولي الله المقرب أثر أكبر من العقول؛ لأنه أقرب سنخاً إلى الإنسان من الملائكة المقربين. ومن ناحية أخرى، يمتاز ولي الله بكمال الملائكة أو أكثر منهم. إذا، الاهتمام بأولياء الله أو التشرف إلى الأماكن التي ترتبط بهم، أو كل أمر يعزز وجوه التناسب أو السنخية أو القابلية للكمال، فهي تؤدي إلى المزيد من الكمال للإنسان.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الفلسفة، العلية، السنخية بين العلة والمعلول

إلهيات المعمارية والزيارة، من اعتماد الزيارة على المكان (مكانية الزيارة) إلى اعتماد المعمارية على الجسد (جسدية المعمارية) في دراسة التطورات المعمارية للعتبة الرضوية المقدسة

سعيد مهربويا

طالب الدكتوراه في المعمارية بجامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران | s_mehrpouya@sbu.ac.ir

الملخص

المعمارية هي جهد فني لبناء البيئة، وجهاز لتلبية الحاجات وصناعة ثقافة تروي المجالات الاجتماعية لمبدئها. المعمارية الدينية هي نوع من المعمارية ووسيط لتبيين المفاهيم المعنية بالثقافة والمعتقدات والتاريخ والرموز. ظهرت الأماكن المقدسة - كالمعابد والآثار المقدسة والعناصر الطبيعية المقدسة والمقابر - بسبب طريقة حلول الأمر المقدس في تلك الأماكن. المقابر والمزارات هي من الأماكن المقدسة والزيارة هي أهم سلوك يتصرف فيها. يمكن أن نعدّ الزيارة العمل المباشر للزائر في المكان المقدس وهو في الأعم الأغلب يشتمل على القصد، والرحلة، والحركة نحو المزار، والتواجد فيه، ومراعاة مراسيم وتقاليدها، وإقامة الآداب والمناسك والشعائر الدينية. ثمة علاقة ثنائية بين معمارية المزارات وبين الزيارة؛ فالمعمارية هي مكان الزيارة، وتؤثر آداب الزيارة على تكوين المزارات. لذلك تعتمد الزيارة على المكان. إذًا، دراسة هذه العلاقة هي من نماذج العلاقة بين إلهيات الزيارة والمعمارية. ومن ناحية أخرى، فاعلية الإنسان وجسده في إقامة الآداب ومناسك الزيارة وكذلك تواجد جثمان الشخص المقدس عادة في المزارات هي التي تجعل الزيارة تُعد ظاهرة تعتمد على الجسد. تظهر دراسة الأجزاء الثلاثة للزيارة - أي المزور والزائر والمزار - في العتبة الرضوية المقدسة كأهم بناء ديني في إيران، ودراسة تطوراتها المعمارية أن لشكل هيكلها الأولى أثر على تكوين آداب الزيارة، وكانت الآداب التي لعبت دورا رياديا في التطورات المعمارية لهذه العتبة المقدسة وليدة لتقاليد الزيارة وطريقة تواجد الزائر وموقع جثمان المزور.

الكلمات المفتاحية: المعمارية، إلهيات الزيارة، العتبة الرضوية المقدسة، الجسدية، الآداب

تصنيف أدب الزيارة في الشعر الفارسي

مسلم نادعليزاده

الأستاذ المساعد، قسم الأدب الفارسي، جامعة أهل البيت العالمية، طهران، إيران |

moslemnadali@gmail.com

الملخص

تعتبر الحج وزياره المشاهد المشرفة من المواضيع التي يرغب الشعراء في الإنشاد عنها. وكانت هذه الرغبة إلى درجة أسفرت عن ظهور أنواع مختلفة من الأدب الخاص بالزيارة في الشعر الفارسي. فنتطرق في هذه الدراسة إلى نماذج من كل نوع من الأنواع المذكورة: كتاب الشوق والأمل، يعكس شوق الشعراء وحنينهم نحو التشرف إلى الزيارة؛ الزيارات الشعرية، هي الترجمة [الفارسية] الشعرية للزيارات التي تُنصح بقراءتها في كتب الأدعية مثل زيارة عاشوراء، وزيارة الجامعة الكبيرة وغيرهما؛ «تشاوشي»، التي تُشدد في استقبال الزوار؛ الكتابات على الأبواب والبلاط والأضرحة والأحجار إلى جانب النقوش والكتابات على أحجار المقابر، تعبر عن حب الشعراء للشخصيات المدفونة في البقاع المقدسة؛ حساب الجمّل، يشير إلى تاريخ إنشاء البناء أو تصليحه أو تثبيت الأضرحة أو ما شابه ذلك؛ كتابات التوبة والتوسل والأشعار السلامية والصلواتية وأمثالها، ترتبط بأداب التشرف (الزيارة) وتغيرات الزائر النفسية؛ ولمحة إلى قضايا اجتماعية خاصة بالزيارة كاعتداء البلدان المناوئة على الأعتاب المقدسة وكتابات تُدعى «بث الشكوى» هي أيضا نوع آخر لأدب الزيارة؛ والأشعار النقدية بغية تعليم الزيارة الصحيحة؛ وكذلك كتابات التعازي بما فيها زيارة المشاهد المشرفة والأخطار التي حدثت للزوار والكرامات التي ظهرت طيلة هذه الرحلات، نوعا آخر من أدب الزيارة المنظوم.

الكلمات المفتاحية: الأدب الفارسي، أنواع الأدب، التصنيف، الشعر الديني، الزيارة

التحليل الأنثروبولوجي لمفهوم الزيارة من خلال أدب السفر لطريق القديس يعقوب

محمد نصراري

الباحث في الزيارة | mnasravia@gmail.com

الملخص

بدأت الزيارة في المسيحية منذ مولد يسوع، وهي من المفاهيم الرئيسة لهذه الديانة. زيارة المجوس الثلاثة ليسوع بعد ولادته هي أول زيارة مسجلة في الإنجيل. وكذلك زيارة سنتياغو دي كومبوستيلا، والتي كانت بعد العثور على قبر القديس يعقوب رسول يسوع بدلالة النجوم، هي أيضا من أهم الزيارات في المسيحية. وطرق سانتياغو دي كومبوستيلا هي من أشهر طرق الزيارة في العالم. ويعدّ مزار القديس يعقوب -بعد أورشليم والروم- من أكثر الأماكن شعبية للزيارة في أوروبا. وللحج (المشي للزيارة) دور حيوي في التجربة الدينية المسيحية. هذا الحج يعرّض الإنسان لتجربة مذهلة من الأماكن الدينية والهادفة، ويسبّب زيادة الروحية والإيمان بيسوع المسيح. تساعد دراسة معمقة في الزيارة والمشي الروحي على التعرف على أهم المواصفات والمكونات التي تلعب دورا في إنشاء المدن الفاضلة الدينية. فتساعدنا هذه الدراسة نوعا ما على فهم أفضل الطرق والأسباب المؤثرة على تصميم وإنشاء هذه الأماكن، والاستفادة منها في مختلف المساحات الدينية والروحية.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، الأنثروبولوجيا، المدينة الفاضلة، طريق القديس يعقوب، طرق سانتياغو دي كومبوستيلا

علم العلامات في المنظومة المعنوية لنصوص الزيارات

السيد أبو القاسم نقيب

أستاذ قسم الفقه والقانون بجامعة الشهيد مطهري، طهران، إيران | da.naghbi@motahari.ac.ir

الملخص

يحتوي القرآن الكريم على مجموعة من الألفاظ والكلمات (العلامات) التي تنظمت حول كلمة «الله». وكلمة «الله» هي أعلى كلمة مركزية اجتمعت حولها جميع الكلمات المفتاحية للقرآن. وعلى هذا الأساس، فإن المنظومة المعنوية للقرآن هي منظومة توحيدية. تتبع النصوص المعرفية والمعنوية التي ظهرت إلى جانب القرآن على مر التاريخ ذلك النص المرجعي في هذه الكلمة المركزية والمنظومة المعنوية بصدد العلاقة المعنوية لألفاظها مع الألفاظ القرآنية. إذا، الكلمات والعلامات المفتاحية في هذه النصوص التي تتمحور حول كلمة الله تُنشئ ثقافة تجعل حياة المسلمين هادفة وذات المعنى. لذلك تعتبر نصوص الزيارات في الحقيقة كتباً تحتوي الإلهيات، ومراقدة الأنبياء وأولياء الله مراكز لذكر الله سبحانه ومراكز التوحيد. الخطاب السائد على نصوص الزيارات يدل على العلاقة الروحانية للزائر مع الله سبحانه عن طريق الرسول صلى الله عليه وآله أو ولي الله عليه السلام. قُرب النبي صلى الله عليه وآله والولي عليه السلام من الله هو الذي يبرز كون هذه العلاقة بالوسيط وغير المباشر. وتدل علامات في نصوص الزيارات كالمودة والولاية والشفاعة والتولي والتبري بكل صراحة على هذا النموذج من العلاقة، والتي هي علاقة توحيدية ومسوّغ من قبل الله سبحانه.

الكلمات المفتاحية: علم العلامات، نصوص الزيارات، القرآن الكريم، الله، التوحيد

مفهوم الزيارة في أدب التصوف

قربان وليئي

الأستاذ المساعد، قسم الأدب الفارسي، جامعة زنجان، زنجان، إيران | qorban.valy@gmail.com

الملخص

إن العرفان هو اللقاء مع الحقيقة الوجدانية للوجود. وهذا اللقاء هو في الأعم الأغلب نتيجة لسير أنفسي يدعى «السير والسلوك العرفاني». وينعقد هذا اللقاء مع الحقيقة الوجدانية للوجود إما في مرآة الكائنات وإما في مرآة النفس. فيُسمى الأول «تجربة عرفانية آفاقية»، ويسمى الثاني «تجربة عرفانية أنفسية». وعلى كل، يمكن أن نعتبر «السير والسلوك العرفاني» و أخيراً «التجربة العرفانية» النقطتين المركزيتين لمفهوم الزيارة. فالسالك هو الزائر الذي في النهاية يزور/يلتقي في باطنه بالحقيقة الوجدانية للوجود. ومن أجل التوصل إلى هذا الهدف في المسالك العرفانية لا بد من وسيط. ويلعب دور الوسيط إما الشيخ أو المرشد أو الأستاذ. ويصل السالك إلى حقيقة ذاته من خلال زيارة مشايخ الطريقة، وكأنه يحصل على معرفة نفسه في مرآة ضمير الشيخ المضيئة. وتجتاز هذه الحركة المماثلة للزيارة من منازل ومراحل باطنية يُصطلح عليها بالحالات والمقامات. ويتم التأكيد في تعاليم العرفان العملي على زيارة أصحاب الطريقة والمشاهد المشرفة والأماكن المقدسة فضلاً عن الشيخ. بناءً على ذلك، يمكن أن نعتبر المظهر الباطني للزيارة الآفاقية «السير والسلوك في العرفان» نفسه، والذي يبدأ من النفس وينتهي إلى لقاء الحقيقة الوجدانية للوجود.

الكلمات المفتاحية: الزيارة، العرفان، التجربة العرفانية

Revisiting Iqbal's Jâvidnâma as a Shared Space of Pilgrimage

AbdulBasit Zafar

Research Fellow in Comparative Theology, University of Bonn, Bonn, Germany |
mohammedbasitzafar@gmail.com

Abstract

The practise of pilgrimage has been deeply ingrained in human cultures across the globe. It has been prevalent in the Semitic traditions in the forms of rituals, remembrance, and sanctification. Pilgrimage in Muslim tradition could be understood in three fundamental concepts. For one, pilgrimage is the obligatory visit to the sacred sanctuary in Mecca and the circumambulation of the Kaaba during the hajj. The second concept pertains to the act of visiting shrines or remnants associated with saints and imams, while the third discourse involves embarking on an introspective journey as portrayed in hagiographic literature, i.e., Ibn 'Arabî, 'Attâr of Nishapur. The phenomenon of embarking on an introspective exploration is frequently observed within the realms of Sufi and Shia discourses. This paper examines the subsequent phase of these journeys, as portrayed by Mohammed Iqbal (1877-1938). In the Book of Eternity, namely Jâvidnâma, he records his metaphysical journey as he explores different celestial realms such as the Moon, Mercury, Venus, Mars, Jupiter, and Saturn. Ultimately, he surpasses the limitations of these celestial spheres and achieves a state of closeness to the divine being. Within the framework of Muslim pilgrimage tradition, spiritual stations (aflâk/maqâmât) are perceived as domains of shared inhabitations, wherein the journeyer ultimately encounters the intersection of yearning, the individual who yearns, and the desired entity. It mentions Iqbal's pilgrimage alongside his source of inspiration and his spiritual mentor, Jalâluddîn Rumi (1207-1273). It is worth noting that the individuals Iqbal encountered during his expedition were not exclusively chosen from the Abrahamic lineage of prophets. Therefore, approaching it from an inclusive perspective would facilitate the cultivation of a collective understanding of shared spaces in his pilgrimage. The objective of this paper is to revisit Iqbal's Jâvidnâma, (The Book of Eternity) using the provided framework.

Keywords: Mohammad Iqbal, shared spaces, Javidnama, theology of pilgrimage, The Book of Eternity

Concept of Pilgrimage in Mystical Literature

Qorban Valiei

Assistant Professor, Department of Persian Literature, Zanzan University,
Zanzan, Iran | qorban.valy@gmail.com

Abstract

Mysticism is indeed the encounter with the absolute unique reality of being. This encounter is often the result of a spiritual process called "spiritual journey (Sayr wa Sulūk)". The encounter with the absolute unique reality of being takes place either in the mirror of the cosmos or in the mirror of the self. The first is called external (ʿĀfāqī) mystical experience, and the second is called internal (ʿAnfusī) mystical experience. In both cases, the spiritual journey, ultimately leading to the mystical experience, can be seen as the central point in the concept of pilgrimage. The wayfarer (Sālik) in the spiritual journey is a pilgrim who, at the highest level, visits/encounters the absolute unique reality of being within themselves. However, in the mystical journeys, the intermediaries are necessary. The Shaikh, the guide, and the master play the role of intermediaries. By visiting the Shaikh, the wayfarer finds his/her true essence and acquires self-knowledge. This pilgrimage-like movement passes through inner stages and levels, which are called "states (Ḥālāt)" and "stations (Maqāmāt)" in mystical terminology. In mystical teachings, in addition to the Shaikh, there is great emphasis on visiting the companions of the path, sacred places, and holy sites. Thus, fundamentally, the internal manifestation of external pilgrimage can be seen as the mystical journey that begins from the self and leads to the encounter with the absolute unique reality of being.

Keywords: pilgrimage, mysticism, mystical experience

Pilgrimage (Hajj) in Islam and its Psychological Implications

Saliha Uysal

Assistant Professor, Department of Psychology of Religion, Istanbul University,
Istanbul, Turkey | saliha.uysal@istanbul.edu.tr

Abstract

Hajj is one of the five pillars of Islam and is the pilgrimage and circumambulation ritual of the Kaaba in Mecca performed by Muslims during the month of Dhu al-Hijjah. Hajj has an important role in Islamic theology and practice. The Muslim who performs the pilgrimage gives a new meaning to his position and existence in the world. This allows him to subject his environment to a new evaluation starting from himself. Hajj also has a psychological significance in human being's life. This study focuses on the theology of pilgrimage in Islam and its psychological dimensions on pilgrims. It tries to explore how hajj impacts the human psyche and what kind of results it does for the psychological well-being of the pilgrim. This qualitative study aims to offer insights into the effects of hajj on the pilgrim's psyche. 10 (ten) pilgrims were interviewed with semi-structured questions in the context of pre-while-and post-hajj of the pilgrims. It was seen that the act of hajj reduces the "stress, anxiety, panic attack, OCD" and increases "meaning of life, love of Allah, emotional ease, psychological well-being, peace, inner balance, safety, self-confidence, coping abilities, satisfaction of mind and heart, feeling of solidarity and unity in society."

Keywords: Hajj, pilgrimage, psychology, psychology of religion, psychological well-being

Long-Distance Catholic Pilgrimage in North-West Europe in the Sixteenth and Seventeenth Centuries

Elizabeth Tingle

De Montfort University, Leicester, UK | elizabeth.tingle@dmu.ac.uk

Abstract

Pilgrimage was one of the defining features of medieval Christianity. But the practice declined across Europe in the first half of the sixteenth century, a result of criticism by religious reformers, abolition by Protestant regimes and because wars and instability in many regions limited travel. Yet from the 1570s, pilgrimage revived, slowly at first then more rapidly after 1600. This was a result of the Council of Trent's confirmation of the importance of saints' cults; the great Roman jubilee of 1575 and the re-adoption of traditional devotional activities by an increasingly confident and militant Catholic Church eager to revive the faith and to thwart Protestantism. But it was not simply a matter of the revival of old practices; there were changes in the Catholic Reformation. The key transformations were threefold: a greater localization of shrines, based on the parish or neighborhood; the involvement of religious orders such as Jesuits and Capuchins; and the growing prestige of Rome. Long-distance pilgrimage to sites in north-western Europe also expanded, despite the conflicts with Protestantism that arose in this region. France, the Low Countries, Britain and Ireland, were places of disputation and hostility between confessions; sacred landscapes and journeys came under attack and in some regions, were outlawed by the state. In this research, I explore the motives of pilgrims travelling to and from these regions, both the theology of clergy and the day-to-day motives of pilgrims, which were primarily the search for cures, thanksgiving for graces received and to be close to the saints. I also explore the experience of pilgrims using two contemporary accounts of Rome and Santiago de Compostela. In conclusion, I argue that pilgrimage, that is, the ability to encounter God and the saints in a tangible way by the individual believer, was an important activity in the consolidation and growth of the Catholic Church after the Reformation.

Keywords: pilgrimage, Catholicism, sixteenth and seventeenth centuries, north-west Europe

Pilgrimage after Death: The Reflection of Transferring Corpses to Holy Shrines in Travelogues

Saeed Tavousi Masrour

Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran | saeed.tavoosi@atu.ac.ir

Abstract

The transfer of corpses to holy shrines, especially in Najaf and Karbala, has been common among Shiite Muslims living in Iran, Iraq, and even India in recent centuries. However, it is known that the history of this act dates back to the first five centuries of the Hijri calendar, to the extent that the corpses of the Buyid rulers were transferred to the shrine of Imam Hussein and buried there. Since one of the meanings of *Walāyah* is proximity, Shiite Muslims in the era of the presence of Imams sought to endure all hardships to meet their Imams (in the era of their presence) or visit their shrines (after their martyrdom). In continuation of this approach, Shiite Muslims are interested in having their bodies rest in the soil of the Imams' shrines, and the tradition of transferring corpses to holy shrines is a manifestation of this belief and interest. Travelogues, including those of Muslim pilgrims like Saif al-Dawla Qajar and non-Muslim travelers like Jane Dieulafoy, are among the main sources of the history of body transfers to the most important Shia pilgrimage sites. Based on the reports of travelogues and other sources, it is evident that various issues in terms of health, economy, politics, etc. were involved in the transfer of bodies. For example, Sabri Ates, in one of his articles (2010) has addressed issues related to the transfer of corpses from Iran to the holy sites in the Ottoman Empire in the nineteenth century.

Keywords: travelogues, Shia Holy Shrines, transfer of corpses, Shiites

Hajj and Passing the Desert in Attar of Nishapur's Works

Zoheyr Tavakoli

Poet and Literary Critic | soltanali84@gmail.com

Abstract

Pilgrimage has various forms in Sufi texts. In Sufism, based on Quranic verses, two terms have been coined: external journey (Seyr-e-Āfāqī) and internal journey (Seyr-e-Anfusī). One aspect of the external journey has been the traveling of the spiritual wayfarer, and fundamentally, one of the functions or purposes of Khānqāhs, Zāwīyahs, and Duwayrahs (different terms for Sufi lodges) has been to accommodate and host traveling Sufis. Among the important objectives of Sufi travels were visiting the tombs of the Shaikhs or visiting living Shaikhs and receiving blessed garments from them. Alongside this aspect of pilgrimage, Hajj and passing the Hejaz desert were the most important pilgrimage journeys in Sufi texts. This journey in Sufism has two forms: Hajj based on complete reliance on God (Hajj-e-Tavakkul), meaning performing the Hajj pilgrimage without any provisions, and Hajj based on withdrawal from corporeality (Hajj-e-Tajrīd), meaning limiting oneself to a staff and a water bottle. This journey may ultimately lead to the long stay of Sufi in Mecca. For example, the most important sub-narrative that Attar mentions in the midst of his long narratives is the story of Shaikh San'an. Shaikh San'an resides in Mecca and has performed nearly fifty Hajj. In this narrative, leaving the spiritual journey (Seyr wa Sulūk) which was devoid of the experience of love, is symbolized by the departure from Mecca towards Rome, and Shaikh San'an's return to Mecca from Rome is symbolized by removing the black dust that had been for a long time a barrier and veil between the Shaikh and God. Thus, the pilgrimage to the al-Ka'ba is a symbol of meeting with Allah, and in Attar's narratives, the most important criterion for transcending and criticizing the superficial norms of the religious society. In Hajj narratives, he has tried to convey this message: if you see the house (i.e. al-Ka'ba) but not its owner, you have not performed the Hajj.

Keywords: Hajj, pilgrimage, sufism, Attar of Nishapur

The Emphasis on Monotheism in Visitation of the Holy Shrines of Shiite Imams as the Essence of Pilgrimage: A Case Study of “Ziyārat al-Jāmi‘ah al-Kabīrah” and “Ziyārat ‘Amīn ‘Allāh”

Seyyed Mohammad Kazem Tabataba'i

Associate Professor at the University of Quran and Hadith; Chancellor of the
Research Center of Hadith Sciences and Teachings, Rey, Iran |
tabakazem@gmail.com

Abstract

“Ziyarat” (Pilgrimage), when examined through linguistic and terminological lenses, reveals itself to possess layers and hierarchies. Its core semantic essence is the “will” - a transcendent and metaphysical inclination that subsequently evolves into intention. Hence, it can be stated that the first and inaugural level of Pilgrimage is this “will,” signifying the heartfelt connection between the pilgrim and the Infallibles. The second level is “intention,” which propels the pilgrim towards the act of embarking on a journey to visit the Infallibles. The third level of Pilgrimage involves the “encounter” and meeting with the Infallibles, which is achieved through the physical presence within the shrines. The final and supreme layer of Pilgrimage encompasses the pilgrim's presence and unity with the Infallibles. This level seeks a particular form of knowledge, one that can bring the pilgrim's intellectual horizons closer to the sphere of knowledge possessed by the infallibles. This knowledge is manifested the best in pilgrimage prayers that truly expose the essence of pilgrimage and enhance the pilgrim's knowledge and understanding. The most significant aspect of this cognitive enhancement is the central concept of monotheism, which is more prominent and evident in pilgrimage prayers such as “Ziyārat al-Jāmi‘ah al-Kabīrah” and “Ziyārat ‘Amīn ‘Allāh”. Ziyārat al-Jāmi‘ah al-Kabīrah, for example, enumerates over 200 exalted attributes of the Imams, accompanied by the mention of God 318 times. Ziyārat ‘Amīn ‘Allāh, on the other hand, consists of 66 invocations and praises of the Almighty, commencing with the description of the virtues of the Infallible Imam and concluding with attention to the Creator. In essence, Pilgrimage begins with the heartfelt desire and intention of the pilgrim towards the Infallible Imams and ultimately leads the pilgrim to a profound knowledge of God and monotheism.

Keywords: pilgrimage, Ziyārat al-Jāmi‘ah al-Kabīrah, Ziyārat ‘Amīn ‘Allāh, monotheism

Pilgrimage and the World of Life Based on Transcendent Theosophy

Mahdi Soltani

Assistant Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran | m.soltani@bou.ac.ir

Abstract

Some researchers in the field of pilgrimage have made a dichotomy by setting daily interactions from the social communications of pilgrimage. In other words, they have described social communications of pilgrimage as something completely different from everyday life interactions. The beginning of this dichotomy can be traced back to the Christian world. Since the time of Augustine, dichotomies such as the City of God and the Earthly City have prevailed. According to Augustine, progress is pilgrimage itself, and as a pilgrim of the City of God, humans progress during this pilgrimage. However, Shiite theology and the transcendent theosophy, which is a re-explanation of Shiite theology, reject these dichotomies and argue that life is always a pilgrimage. Life is a journey, and human beings are pilgrims of this life. The existential subsistence of life is on Shiite theology, which is fully manifested in the Imam. The Imam is the complete manifestation of God and possesses the attributes of both elegance (Jamāl) and majesty (Jalāl). In the journey of life, human beings strive to ascertain these qualities. The substantial motion (al-Ḥarakah al-Jawhariyyah) that flows throughout the existence of life creates various forms on the individual as the latest species (al-Nawʿ al-Akhīr). In this journey, human beings are pilgrims of the Imam in the journey of life, either towards the elegance attributes of the Imam or the majesty attributes of the Imam. Interestingly, in the 14th century AD, Europeans also interpreted pilgrimage as a journey of life, just as in transcendent theosophy, in which the pilgrimage means the journey of life, a life whose existential subsistence is on the Imam. Although human beings are pilgrims throughout life and cannot be separated from the Sacred, according to the dichotomy of reality (Ḥaqīqat) and flimsiness (Raḳīqat) in transcendent theosophy, the presence of the Sacred in some places and times (such as holy shrines or some special hours and days) is true (bi al-Ḥaqīqat), and in other places and times, is gradationally flimsy (bi al-Raḳīqat).

Keywords: pilgrimage, social communications, transcendent theosophy, world of life, Shiite theology

The Perception of Ali Shariati and John Bunyan of the pilgrimage as a way of life: A comparative analysis

Aboobaker Sidhique

M.A. Student in Islamic Studies, Maulana Azad National Urdu University,
Hyderabad, India | ikleel394@gmail.com

Abstract

Every major faith tradition in the world including Islam, Christianity, Hinduism, Buddhism, Taoism and the like emphasize the idea of wayfaring and pilgrimage, that is, a physical journey one undertakes with a religious motive. Peregrinatio, like hajj, is commonly understood and lectured by believers and scholars as a place-oriented pilgrimage wherein a believer embarks on a journey to holy places like Jerusalem and Mecca. Is pilgrimage actually all about journeying spatially from one place to another seeking the Lord's grace? There are certain scholars from both Islamic and Christian traditions who interpreted the pilgrimage in the inward, esoteric, or metaphoric sense of pursuing a way of life extending toward eternity. John Bunyan and Ali Shariati from Christian and Islamic traditions respectively are prominent among them. In his 'The pilgrim's progress' John Bunyan translated the pilgrimage into an allegorical struggle with the self. Likewise, Ali Shariati in his public lectures and writings expressed hajj as a spiritually transformative experience. The same narrative can be traced in the writings and treatises of many Sufi figures ranging from Islamic and Christian traditions. Pilgrimage, therefore, is an inward, spiritual journey towards eternity, nirvana or being abstinent from worldly pleasures. This way of life is explicitly stated by Prophet Muhammad as he advised Abdullah bin Umar, 'Be in this world as if you were a stranger or a traveler'. That pilgrimage in Islamic and Christian traditions has to do not merely or mainly with walking a spatial pathway but with a way of life is a prominent theme of this research paper. The way of life Ali Shariati and Bunyan formulate from the concept of pilgrimage is deeply discerned and compared in the study.

Keywords: Hajj, peregrinatio, metaphoric, spiritual journey, way of life, Ali Shariati, John Bunyan, comparison

Typology of Pilgrimage in Judaism and Jewish Culture

Mohsen Sharfaei

Research Fellow, Astan Quds Razavi's Foundation of Islamic Researches,
Mashhad, Iran | sharfa3700@yahoo.com

Abstract

Judaism, alongside Christianity and Islam, places great emphasis on pilgrimage, and from a historical perspective, it is considered a pioneer in this regard. As the holiest religious site of the Jews, Jerusalem is also revered by the other two religions. The tombs of prophets and religious figures such as the tombs of Prophet David on the heights of Mount Zion, Prophet Samuel in northern Jerusalem, and Rachel in the midst of Jerusalem and Bethlehem serve as points of connection between these three divine religions. The complexity and breadth of the realm of pilgrimage in Jewish culture can be categorized from various perspectives. Therefore, the beliefs, intentions, and motivations behind different forms of pilgrimage and various pilgrimage sites are worthy of investigation. For example, pilgrimage sites can be put into three groups: 1. The Jerusalem Temple and the surrounding areas. These pilgrimage sites are of historical significance and are mentioned in the Bible. The resting places of Jewish sages and prophets are also included among them. 2. The tombs of Talmudic and Kabbalah scholars and Rabbis, predominantly located in Galilee. 3. Various sites that emerged in modern times, mostly serving as memorials for sages, scholars, and certain historical events. This paper seeks to explain the various dimensions of pilgrimage within Jewish culture from a descriptive-historical perspective. As historical research reveals, some newer forms of pilgrimage, such as memorials and virtual pilgrimage, have emerged in response to the social and historical conditions of Jews over the last century.

Keywords: pilgrimage, Temple of Jerusalem, Prophets and rabbis, Talmudic scholars, Galilee

Exploring the Theological Significance of the Varanasi Pilgrimage in Hinduism

Md Sahenshah Molla

PG Research Student in Islamic Studies, Darul Huda Islamic University, Kerala, India | ibnmusharraf@gmail.com

Abstract

This research delves into the theological depths of the Varanasi pilgrimage, unravelling the profound spiritual, ritualistic, and philosophical dimensions that underpin this sacred journey in Hinduism. Employing a mixed-methodological approach, this study combines qualitative and quantitative methods to comprehensively investigate the theological aspects behind the Varanasi pilgrimage. This research begins with an extensive review of religious texts, historical documents, and scholarly works related to Varanasi and Hindu theology. This comprehensive review establishes a foundational understanding of the theological concepts associated with the pilgrimage. A series of structured interviews and surveys will be conducted with pilgrims, priests, and scholars who have experienced or studied the Varanasi pilgrimage. These interviews will provide qualitative insights into the personal motivations, spiritual experiences, and theological beliefs that drive pilgrims to Varanasi. This quantitative approach will help quantify the theological significance of the pilgrimage in the context of contemporary Hinduism. The study will engage in a rigorous philosophical analysis of the theological concepts associated with Varanasi, drawing from classical Hindu scriptures and philosophical treatises to provide a deeper understanding of the underlying beliefs. In addition, a comparative analysis will be conducted to examine how the theological aspects of the Varanasi pilgrimage relate to other sacred sites and pilgrimages in Hinduism, allowing for a broader theological perspective. Through this multifaceted methodology, this research aims to provide a comprehensive and nuanced exploration of the theological dimensions of the Varanasi pilgrimage, shedding light on its enduring significance in the context of contemporary Hindu religious practices and beliefs.

Keywords: Hinduism, pilgrimage, Varanasi, theology

The Relationship between the Theology of Pilgrimage and the Iranian Music

Ahmad Sadri

Independent Researcher in Art | sadriahmad@gmail.com

Abstract

The pilgrimage, due to its significant intellectual, cultural, and religious aspects, can be the subject of study from both theological and musical perspectives. In this study, the most important aspects of the relationship between the theology of pilgrimage and music in Iranian-Islamic culture are enumerated. Firstly, the pilgrimage journey and music are discussed. Musical melodies composed for welcoming or bidding farewell to pilgrims, particularly the Chavoushi chants, are considered enduring musical works within this culture. However, in addition to their musicality, their lyrics generally contain theological messages for the general public. These works, employing the imaginative elements of poetry and music, serve various theological purposes such as evoking spiritual fervor, reminding the purpose of pilgrimage, and paying continuous attention to God. The imaginative impact of music provides it with an advantage over purely rational teachings, as it leaves a lasting impression on the pilgrims' memories and evokes a greater emotional engagement. The second part of this study is dedicated to the relationship between pilgrimage sites and music. Each pilgrimage site has its own unique musical identity, including melodies of the call to prayer ('Azān) or the rhythmic beats of the drum (Naqāre Khāni), etc. While each site possesses its distinct musical identity, there is an inherent unity among the music of all sacred places. This point holds true for the music performed during various pilgrimage ceremonies, including holy feasts, mourning rituals, and celebrations of births. Recitation of pilgrimage supplications (Ziāratnāmeḥ), whether individually or collectively, and the recitation of specific invocations, such as Talbiyah or special prayers (Ṣalawāt-e Khāṣṣeh), are other forms of expression aided by musical instruments that reflect the spiritual journey and fervor of the pilgrims.

Keywords: theology of pilgrimage, Iranian music, Chavoushi chants, artistic imagination

The Way of Pilgrimage: On Internalization of Sacred Journeying and the Way to the Heavenly Jerusalem

Kurt Anders Richardson

President of Abrahams Bridge, Dallas, USA | kurt.richardson@utoronto.ca

Abstract

This paper reflects upon Abrahamic mystical practice oriented first to the biographical portrayals of the prophets in their miraculous journeying into the presence of the divine both terrestrially and celestially. These prophetic travelogues shape the mystical landscapes and purposes of pilgrimage in the history and contemporary accounts of pilgrimage spirituality. Noting particularly how the stories of such guidance to the Land of Promise and to the Mount of Sacrifice as with Prophet Abraham, to the Ladder of Heaven as with Prophet Jacob, to the mountain of the Lord as with Prophet Moses, to the cave of Refuge as with Prophet Elijah, to the Throne of Heaven as with Prophet Isaiah, to the Mountain of Transfiguration as with Messiah Jesus, to the Last Day and to the New Jerusalem as with Apostle John and Apostle Paul, often with an angelic companion to Jerusalem, as with Prophet Ezekiel and Prophet Mohammad. Whether celestial or terrestrial, these biographies are read as mystical experiences of journeying into a transcendent space to be emulated among all Abrahamic mystics and their readers where the narratives progressively portray an internalization of pilgrimage throughout a lifetime of faith and illumination seeking and realizing the intimate presence of God and God's divine emissaries. While geographically defined ritual pilgrimage is perennially practiced, internalized pilgrimage with or without physical traveling is the distinguishing mark of Abrahamic mystical practice drawing upon the eschatological / apocalyptic languages and frameworks of the prophetic texts. This paper highlights these connections between prophetic and mystical texts suggestive of hermeneutical aspects linking the two dimensions of interfaith reading.

Keywords: internal pilgrimage, internalization, mystical experiences, interfaith reading

The Metaphor of “Pilgrimage” in Persian Mystical Poetry

Rasoul Rahbari Ghazani

Department of Philosophy of Religion, Faculty of Theology, Istanbul University,
Istanbul, Türkiye | r1.rahbari@gmail.com

Abstract

This study critically explores the metaphorical use of “pilgrimage” (zīārat) in Persian mystical poetry, particularly in the works of Ḥāfeẓ Shīrāzī, Shaykh Maḥmūd Shabistarī, and Ṣā’ib Tabrīzī. The poets transcend the term’s traditional religious implications, imbuing it with a profound spiritual and philosophical resonance. Ḥāfeẓ Shīrāzī employs the metaphor of “pilgrimage” in association with the “tavern” and “wine house,” using “wine” as a symbol of divine love and knowledge, thus revealing a spiritual journey surpassing literal religious adherence. The paper further delves into the usage of “pilgrimage” as a spiritual journey towards the divine shrine: the human “heart.” Shabistarī and Ṣā’ib Tabrīzī’s works conceptualize the heart as an object of pilgrimage, reflecting humans’ inherent sacredness and divinity. This interpretation expands the notion of pilgrimage beyond a physical journey to a metaphorical quest for self-understanding and compassion. Moreover, the research identifies the dual role of metaphoric language in Shīrāzī’s work: a protective strategy and a critique of formalistic religious practice. The use of metaphor serves not as a rejection of religion but as a nuanced challenge to rigid religious interpretations. Remarkably, the metaphorical interpretation of “pilgrimage” extends beyond the confines of literature and has integrated into Iranian vernacular, adopting a new meaning to imply “visiting” individuals. The humans’ divine nature underpins this linguistic transformation; thus, interacting with someone is interpreted as a spiritual journey to their heart. Nevertheless, potential critiques arise from these interpretations. While poetically compelling, they may offer an overly romanticized view of the spiritual journey and may not resonate with all due to cultural, religious, or personal constraints. The paper offers insight into the transformative power of language in Persian mystical poetry, emphasizing the metaphorical use of “pilgrimage” despite potential limitations and criticisms. It demonstrates poetry’s ability to push boundaries, provoke thought, and invite deeper spiritual exploration.

Keywords: Persian mystical poetry, spiritual pilgrimage, heart, Divine love and knowledge

The Relationship between Pilgrimage and Aesthetics in Christian Theology

Hadi Rabiei

Assistant Professor, Art University, Tehran, Iran | hadirabie@gmail.com

Abstract

One of the notable topics in medieval Christian theology is pilgrimage and its relationship with other realms of thought and Christian culture. The present study aims to find the connections between pilgrimage and aesthetics in Christian theology. In Christian theological thought, at least four general aspects of pilgrimage have been discussed. These aspects include pilgrimage as a type of journey to a sacred place (pilgrimage travel), pilgrimage as the recitation of specific prayers and invocations (pilgrimage recitation), pilgrimage as an act of honoring, sanctifying, or worshipping a sacred entity, and pilgrimage as a confrontation with a symbolic entity. Various discussions about “art and aesthetics” can be inferred from Christian theological works. Furthermore, Christian art, especially the works related to churches and pilgrimage sites, can be considered a representation of theological perspectives of art and aesthetics in Christianity. The findings of the present study indicate that pilgrimage and Christian aesthetics have at least four direct connections, which include 1. the influence of pilgrimage journeys on the formation of Christian art and the theorization about them, 2. the role and significance of hymns and musical melodies in Christian pilgrimage recitation, 3. artistic works as the objects of pilgrimage and whether this kind of pilgrimage is permissible or not, and ultimately, 4. the symbolic meaning of artistic works which are the objects of pilgrimage.

Keywords: theology of pilgrimage, Christian theology, Christian aesthetics, Christian art

The Pilgrim's Body Walks the Body of the Earth: A Phenomenological Approach to Medieval Pilgrimage

Paloma M. Quevedo

M.A. Student in English Literature , Texas State University, San Marcos, United States | palomamquevedo@gmail.com

Abstract

The act of pilgrimage in the medieval text, John's Mandeville's Travels, brings the reader's focus to the body of the pilgrim, reinforcing the body as the site from which pilgrimage emerges and illuminating medieval pilgrimage as an embodied experience. Mandeville's pilgrimage emphasizes the bodily-self as an active force in Nature, despite being written in the 14th century, an era in which mind-body dualism ran through the ideological, religious, and cultural veins of society and privileged the mind as a human's primary means of existence and truth. By using Maurice Merleau-Ponty's phenomenology of the body-as-self I will describe how Mandeville's pilgrim experiences the pains and rewards of pilgrimage only through the body—with an acute emphasis on feet—and through this confronting of the body, he is brought closer to God, other bodies, and the body of the earth. Mandeville's depiction of the earth suggests that it is very much alive, reinforcing the pilgrimage path as an active force within pilgrimage. In doing so, I pick up the eco-poetic threads of medievalist scholar Susan Morrison, which explore the ecological paths of medieval pilgrimage and maintains the flesh of nature and the flesh of the body as equal participants in the act of pilgrimage. Drawing on Merleau-Ponty's later work which insists on the inseparability of the human body and Nature and describes this entangling as *Ineinander* (the German word for chiasm)—this essay will demonstrate how through this *Ineinander*, the body of the pilgrim and the body of the earth as active agents that are shaped by and shape one another.

Keywords: phenomenology, Maurice Merleau-Ponty, medieval pilgrimage, theology, Jesus Christ's feet, *ineinander*, eco-poetics, vibrant materialism, body-subject, John Mandeville's Travels

The Purposes of Pilgrimage from the Perspective of Imamiyyah

Seyyed Ali Qazi Askar

The Custodian of the Shrine of Abd al-Azim al-Hasani, Rey, Iran |
seyedali_ghaziaskar@yahoo.com

Abstract

In the common parlance, the primary aim of pilgrimage is supplication to the infallible Imams, asking them to supply people's needs. However, according to Shiite narrations (hadiths), the focal point of the pilgrimage is having a true knowledge of the one being visited, and it is upon this knowledge that other significant objectives for the pilgrimage are delineated by the infallible Imams themselves. These objectives are as follows: the pilgrim's proximity to the Almighty, bringing about spiritual and moral transformation within the pilgrim, the pilgrim's repentance from sins, the pilgrim's pledge of allegiance to the one being visited, the pilgrim's dissociation from oppressors, and the eradication of ignorance. To achieve genuine pilgrimage and to reach these objectives, narrations present some instructions for what should be done both prior to and during the pilgrimage. For example, seeking forgiveness from others and purifying wealth before pilgrimage. Furthermore, during the pilgrimage journeys, pilgrims are cautioned against any form of extravagance. During the journey to Karbala, pilgrims are advised to eat and drink less in order to better understand the severe conditions of Imam Hussein, his family, and his companions on the day of Ashura at that time.

Keywords: pilgrimage, purpose of pilgrimage, knowledge of the one being visited

The Status of Disjunctive and Conjunctive Imagination in Pilgrimage Communications from Shia Perspective

Mohammad Reza Qaameinik

Associate Professor, Razavi University of Islamic Sciences, Tehran, Iran |
ghaeminik@gmail.com

Abstract

A review of Western philosophical theories of communication, such as those of Gadamer, Bakhtin, and Habermas, shows that social communications are shaped by cultural hermeneutics and the faculty of imagination. However, by imagination, they meant an unreal realm and—as Corbin called it— a kind of “fantasy” in which the human soul, under the influence of phenomenological forms, creates imaginary images. Therefore, communications based on these theories imply a kind of cultural relativism that denies any truth beyond the world of human communications. In contrast, imagination, according to Muslim philosophers and thinkers such as Ibn Arabi, Suhrawardi, and Mulla Sadra, is seen as a realm of real affairs and connected to the intermediate world (the world of Barzakh). This article will discuss the distinction between the Western and Islamic meanings of the faculty of imagination, with a focus on Muslim philosophers, especially Mulla Sadra. I believe that the faculty of imagination for Western thinkers is equivalent to the “disjunctive imagination” in the view of Mulla Sadra, which, of course, is distinct from the “conjunctive imagination” which has no place in Western theories. Relying on Corbin's analysis of the faculty of imagination and its equivalents such as the Eighth Climate, Jābulqā and Jābulsā worlds, and the intermediate world, I will discuss the relationship between this realm and the position of the infallible Imams in Shia thought. Since the concept of pilgrimage in Shia thought is related to the visitation of infallible Imams, it seems that in pilgrimage, the human soul distances itself from the attachments of the material world and becomes ready for visiting the Imams and receiving the conjunctive imagination forms. According to Mulla Sadra's explanation of the union of the disjunctive and conjunctive Imagination, pilgrims establish such a union with the infallible Imams during the pilgrimage, and it becomes a form of authentic and meaningful human communication. Contrary to Western theories of communication, this way of activating the faculty of imagination will not fall into the trap of cultural relativism. In this perspective, pilgrims, based on their common understanding of the truth of the Imam, communicate with each other beyond linguistic, ethnic, tribal, racial, and other materialistic limitations of the world.

Keywords: pilgrimage, disjunctive and conjunctive imagination, communication theory, Mulla sadra

The Genealogy of Pilgrimage in Catholic Christianity

Reza Qaemi

Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Shahid Motahari University, Tehran, Iran | sr.ghaemi@motahari.ac.ir

Abstract

One of the religious rituals in various religions is pilgrimage. This act has a prominent position in Christianity, especially Catholicism. Since Christianity considers Jesus Christ as the manifestation of divinity on earth, according to the Catholic Church, the actions of Jesus Christ are considered divine revelations. This means that the Church, as the representative of Christ, is responsible for overseeing these actions. One of these actions is pilgrimage. In other words, since Jesus Christ went on a pilgrimage to Jerusalem, Christians are also obligated to go on a pilgrimage. In the early centuries of Christianity, this pilgrimage was exclusive to Jerusalem, but gradually the graves of the apostles, saints, and martyrs also became pilgrimage destinations for Christians. This pilgrimage had an external aspect, which included visiting the terrestrial Jerusalem or the tombs of religious figures, accompanied by supplication, repentance, and seeking intercession. However, the internal aspect of pilgrimage, from the perspective of Catholicism based on the Bible, is living like a pilgrim in this world and traveling to the heavenly city of Jerusalem. According to Christian belief, humanity was expelled from paradise due to the original sin of Adam and Eve, but Jesus Christ, through his crucifixion, atoned for the sins of humanity and reconciled God and humans. This sacrifice of Jesus Christ enabled humans to return to their original position and heavenly life. Therefore, a Christian is a traveler in the world who must return to their original position, just like a pilgrim on a journey who has little attachment to worldly affairs and constantly remains a traveler to the heavenly city of Jerusalem. Reaching this heavenly city is not only achieved through a pilgrim-like way of life, but also requires a guide who shows the path and serves as a savior. This guide is no one but Jesus Christ.

Keywords: pilgrimage, Catholicism, Jerusalem, Jesus Christ

Water and the Hajj: A Discussion on the Provision of Water to Pilgrims on the Hajj in Pre-modern Times

Andrew Petersen

Professor of Archeology, History, and Anthropology, University of Wales Trinity
Saint David, UK | a.petersen@uwtsd.ac.uk

Abstract

The location of Mecca in the heart of one of the most arid regions of the world has meant that the presence and provision of water to pilgrims is both a practical and spiritual necessity. This paper will discuss the practical measures taken by Muslim leaders to ensure the provision of water and also factors which threatened the water supply. From the earliest times the principal Hajj routes from Egypt, Syria, and Iraq were provided with facilities to ensure that pilgrims could survive the harsh deserts of Arabia. The facilities included water cisterns and wells and in some cases, settlements were developed to provide provisions and services to the pilgrims. However political fragmentation during the 11th to 15th centuries meant that the Hajj routes were neglected and many of the facilities which had been built by the early Muslim rulers had fallen into disuse. With the Ottoman conquest of Arabia in the sixteenth century, there was a renewed interest in the Hajj routes with particular attention to the route from Damascus. During the sixteenth century, the Ottomans did not provide many new water facilities. They did build fortresses which protected the existing wells and cisterns which lined the route. However, from the seventeenth century onwards increasing attacks by Bedouin combined with larger numbers of people joining the Hajj meant that more water facilities were required. The increased pressure on the Hajj route culminated in the massacre of thousands of pilgrims in 1748. In response, the Ottomans built more stations along the route including in places where there were no natural water sources. Each year the new stations were provided with water carried in animal skins before the arrival of the Hajj caravan.

Keywords: Hajj, water, pre-modern times, Ottoman empire

Psychological Effects of Pilgrimage

Abbas Pasandideh

Professor, The University of Quran and Hadith; Chancellor of the Research
Center of Islamic Ethics and Psychology, Rey, Iran | pasandide@qhu.ac.ir

Abstract

The field of psychology of religion is a realm of psychology that scrutinizes various dimensions of religion from a psychological perspective. This paper tries to elucidate some of the opinions of religious psychologists on pilgrimage, centering around JM Nelson's work, *Psychology, Religion, and Spirituality* (2009), RC Hilario's article titled *Efficacy and Limitations of Pilgrimage as a Remedy for Depression* (2023), and the article written by of Mihaela Rus and Ciprian-Vasile Rus, *Theological and Psychological Profile of Christian Pilgrim* (2023). Nelson perceives pilgrimage as a journey from the familiar to the unfamiliar, an abandonment of the mundane, and a pursuit of an ideal. He investigates the motivations, objectives, and stages of this journey. According to him, pilgrimage motivations can be categorized as devotional, religious, instrumental, and undefined. Some of the objectives of pilgrimage include self-improvement, responding to an inner calling, and transcending the mundane. Deciding to break away from everyday life, moving towards a sacred space, entering that sacred space, and experiencing the sacred, constitute the stages of pilgrimage. Hilario posits that pilgrims seek to establish a connection with their religious beliefs during their pilgrimage, as if the pilgrimage site serves as a source of truths and the pilgrims' beliefs. Regarding depression, Hilario's research suggests that individuals experience greater contentment and peace in their post-pilgrimage lives due to the reinforcement of inner faith. Patients, too, exhibit enhanced resilience and self-acceptance following their pilgrimages. From the perspective of Mihaela Rus and Ciprian-Vasile Rus, pilgrimage represents a quest for authenticity and an opportunity for personal development. They consider it a novel approach to encountering the divine, which leads to fresh insights into life. In sum, religion psychologists view pilgrimage as a return to spirituality, imparting a form of spiritual discipline to individuals. Moreover, pilgrimage fosters a novel outlook on life and serves as a coping mechanism in the face of life's tribulations.

Keywords: pilgrimage, psychology of religion, J. M. Nelson, R. C. Hilario, Mihaela Rus and Ciprian-Vasile Rus

Art and the Social Extension of Pilgrimage

Mohammad Javad Ostadi

Independent Researcher in Pilgrimage | ostadi.muhammad@gmail.com

Abstract

Pilgrimage is one of the concepts that has been subjected to various reductions. These reductions separate the pilgrimage from its present life and ultimately lead to social weakness in the field of pilgrimage. According to ritualistic reduction, the role of pilgrimage in life is overlooked. Based on economic reduction, the pilgrimage is an instrument for materialistic and capitalistic goals. As a matter of fact, pilgrimage is a secondary source of knowledge and an intermediary in giving meaning to various aspects of life. It directs the different parts of life and consolidates numerous elements toward the final goal. Pilgrimage is a turning point in the advancement of society's knowledge, and if it can be publicized in the tangible areas of life as a central and meaning-giver component, it will provide a foundation for the advancement of the social system towards ideals. The processing of pilgrimage's conceptual and ideological backgrounds for their presentation in the contemporary everyday life system, which should be indirect and not-imperative, is considered a fundamental strategy in this field. Art, due to its inherent characteristics, is the best tool for this process. The use of indirect language, universality in communication, compatibility with contemporary conditions, profound influence, and a wide range of audiences are the most important inherent characteristics of art that provide a platform for the flow of pilgrimage in the social realm. Throughout history, art has always served for the dissemination of religious teachings. In order for art to play a role in the popularization of pilgrimage effects, it is necessary to clearly define the roles of policymakers and supervisors of pilgrimage, theorists, and artists, and regulate the relationships and variables between them. Furthermore, the process of transforming abstract concepts into artistic forms should also be studied in order to strengthen the discourse of pilgrimage and make it a dominant one.

Keywords: pilgrimage, art, social life

Anthropological Analysis of the Concept of Pilgrimage in the Travelogues of the Way of St. James

Mohammad Nasravi

Independent Researcher in Pilgrimage | mnasravia@gmail.com

Abstract

Pilgrimage in Christianity dates back to the birth of Christ and is considered a central concept in this religion. The visit of the Three Wise Men to the infant Jesus is the first recorded pilgrimage in the Gospel. The Camino de Santiago (the Way of St. James), which according to Christian tradition took shape after the discovery of the tomb of the apostle James with the guidance of the stars, is another important pilgrimage in Christianity. The Way of St. James is one of the most famous pilgrimage paths in the world. It is the most popular pilgrimage destination in Europe after Jerusalem and Rome. Pilgrimage walks play a vital role in the religious experience of Christians. These walks expose individuals to a wondrous experience of spiritual and meaningful spaces and contribute to an increase in spirituality and faith in Christ. By delving deeper into these spiritual pilgrimages and walks, we can identify the key characteristics and components that have played a role in creating religious utopian places. These studies help us understand the best methods and influential factors in designing and constructing these places, and then we can benefit from them in various religious and spiritual environments.

Key words: pilgrimage, anthropology, utopia, the Way of St. James (the Camino de Santiago)

The Semiotics of the Semantic System of Pilgrimage Texts

Seyyed Abulqasem Naqibi

Professor, Shahid Motahari University, Tehran, Iran |
da.naghobi@motahari.ac.ir

Abstract

The Holy Quran contains a collection of words and terms (signs) organized around the word "Allah". The word "Allah" is the highest central word around which all keywords of the Quran revolve. Therefore, the semantic system of the Quran is a monotheistic system. The religious texts that have emerged over time alongside the Quran are dependent on their semantic connection with Quranic words and are aligned with Quran about this central word (Allah) and semantic system. As a result, the keywords and signs of these texts which are centered around the word "Allah," create a culture that gives meaning to the lives of Muslims. Therefore, pilgrimage texts (as one type of these religious texts) are in fact theological books, and pilgrimage sites are centers for monotheism and God's remembrance. The discourse of pilgrimage texts indicates the spiritual communication of the pilgrim with the Almighty God through the Prophet or the Imam. The proximity of the Prophet and the Imam to God justifies this intermediary communication. Signs such as affection (Mawaddah), authority (Wilāyah), intercession (Shafā'ah), friendship (Tawallī), and aversion (Tabarrī), clearly indicate this pattern of communication, which is completely monotheistic and authorized with God.

Keywords: semiotics, pilgrimage texts, Holy Quran, Allah, monotheism

Typology of Pilgrimage Literature in Persian Poetry

Moslem Nadalizadeh

Assistant Professor, Department of Persian Literature, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran | moslemnadali@gmail.com

Abstract

The act of pilgrimage (especially Hajj) and visiting sacred places has been a subject of interest for Muslim poets in composing poems. This inclination has led to the emergence of various genres in Persian literature related to pilgrimage poetry. In this study, examples of each of these genres are examined: longing poems or wish poems has reflected the poets' eagerness and desire to pilgrimage; Pilgrimage prayers in the form of poems, such as the poems of Ziyarat Ashura, Ziyarat Jami'ah Kabirah, etc.; Chavoshkhani has been used for farewelling the pilgrims and welcoming them; Inscriptions on shrines' gates and tiles, and epitaphs express the poets' respect for the buried figures in holy shrines; Chronograms have referred to the time of construction or repair of holy shrines, the installation of tombs, and similar issues; Repentance poems, intercession poems, Salām and Ṣalawāt poems, and the like has been related to the etiquette of visiting the holy souls and the spiritual transformations of the pilgrim; Poems in terms of social issues related to pilgrimage, such as the aggression of invading countries against holy sites and complaint poems; Critical poems aimed at teaching proper pilgrimage; Ta'zieh poems which has been about visiting sacred places and describing the dangers that pilgrims face, or narrating the miracles that appear during these journeys.

Keywords: Persian literature, literary genres, typology, religious poetry, pilgrimage

Philosophical Foundations of Pilgrimage

S. Mohammad Mousavi Baigi

Associate Professor, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran |
moosavi@razavi.ac.ir

Abstract

One of the customs emphasized in almost all divine religions is the presence of believers in specific places to perform rituals. Due to the connection of this matter with prophethood, it can also be discussed from a philosophical perspective. In this research, seven philosophical foundations regarding the pilgrimage and how it affects the souls of believers have been enumerated: 1. Based on principles of Islamic philosophy, creation occurs in a specific order and through the mediation of angels of Divine Proximity. , 2. Causality is dependent on the cognation between cause and effect, which can be conceived in two ways: one in terms of bringing into existence, and the other in terms of bestowing secondary perfections, 3. Bestowing perfection is in accordance with the individual's capability, as the Almighty (the Absolute Bestower) does not deprive anyone of any goodness unless they lack the capability to receive it, 4. Human souls differ in their acceptance of spiritual perfections. A few individuals, without the need for teachers, have the capability for completeness (holy souls), and if they reach the rank of intellects or higher, they show the same effects as those manifested by angels of Divine Proximity, 5. The purpose of pilgrimage is to acquire perfection for the pilgrim's soul, which is also dependent upon his/her capability, 6. Physical matters are influenced by spiritual matters. For example, a place that has a connection to the body of a divine human (such as his/her burial place or the place of his/her residence), obtains a certain degree of real eminence. This place-related perfection brings about perfection for other bodies which are in contact with that place, 7. The gathering and multitude of physical bodies is also important because the greater number of pilgrims indicates the greater attention to the divine person. Based on these foundations, it can be concluded that the influence of a divine human is greater than that of the intellects, as their cognation to humans is greater than that of angels of Divine Proximity. On the other hand, the perfection of a divine human is equal to or greater than that of the angels. Therefore, paying attention to the divine humans, or visiting places related to them, or any other action that strengthens the aspects of resemblance, harmony, and capability to attain perfection, leads to an increase in perfection for the human soul.

Keywords: pilgrimage, philosophy, causality, cognation between cause and effect

Controversy over Pilgrimage in Christian Theology

Mansour Motamedi

Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran |
motamedi@um.ac.ir

Abstract

The major books written on the topic of pilgrimage in Christianity are mainly dedicated to the two Catholic and Orthodox denominations. Pilgrimage is not an independent concept in the two Testaments, but rather an implicit notion in the journeys of the prophets or explanations of worship. Islamic scholars have also stated that pilgrimage is mentioned in the early Islamic texts not as an independent concept, but in the form of Hajj. It can be said that pilgrimage in Christianity began in the fourth century AD. In Christianity history, two types of pilgrimage are distinguished from each other: physical pilgrimage as a movement from one place to another, and spiritual pilgrimage. The theological basis for both types of pilgrimage returns to the Christian beliefs about the martyrdom and Ascension of Jesus Christ. The spiritual pilgrimage is based on the Christian belief that after death, Jesus ascended with his body, and therefore his body is not in a specific place to be visited. The basis of physical pilgrimage is the belief of Christians that visiting the place where Jesus lived improves their relationship with God. Thomas à Kempis, a 15th-century theologian, rejects physical pilgrimage. Martin Luther, the initiator of religious reform in Christianity, who himself used to go on pilgrimage, criticized physical pilgrimage in his later works in addition to criticizing the church, bishops, and the Pope. Some Christian theologians and writers after the religious reforms wrote books rejecting pilgrimage in allegorical and implicit language. These works, including the book "The Pilgrim's Progress from This World to That Which Is to Come" by John Bunyan (a reformist theologian), reject physical pilgrimage. John Bunyan's book can be considered a statement of faith for religious reformers following Luther. They translated this book into other languages, including Persian.

Keywords: spiritual pilgrimage, physical pilgrimage, religious reforms, Thomas à Kempis, Martin Luther, John Bunyan

Theology of Architecture and Pilgrimage: From the Spatiality of Pilgrimage to the Embodiment of Architecture in the Reading of the Transformations of the Architecture of the Holy Shrine of Imam Reza

Saeid Mehrpouya

Ph.D. Candidate of Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran |
s_mehrpouya@sbu.ac.ir

Abstract

Architecture is an artistic endeavor to create an environment, a tool to meet needs, and a cultural craft that narrates its social origins. Religious architecture is a type of architecture and an intermediary for expressing complex cultural, religious, historical, and symbolic concepts. Sacred places such as temples, pilgrimage sites, sacred natural objects, tombs, etc. are created as a result of the manifestation of the sacred place. Shrines and mausoleums are among the sacred places, and pilgrimage is the most important behavior performed there. Pilgrimage can be seen as the direct action of the pilgrim in the sacred place, often accompanied by intention, travel and movement towards the shrine, presence in it, observance of pilgrimage rituals and customs, and the performance of religious rites and ceremonies. Mausoleum architecture and pilgrimage have a reciprocal relationship; mausoleum architecture forms the place of pilgrimage, and pilgrimage rituals shape the formation of the mausoleum. Thus, pilgrimage is a spatial phenomenon. This relationship is one of the examples of the relationship between the theology of pilgrimage and architecture. On the other hand, the agency of humans and their bodies in performing pilgrimage rituals and the presence of the sacred individual's body in mausoleums generally make the pilgrimage an embodied phenomenon. The study of the relationship between the three main components of pilgrimage, namely the object of pilgrimage, the shrine, and the pilgrim in the holy shrine of Imam Reza, the most important religious structure in Iran, and the investigation of its architectural transformations, show that its initial architectural form has influenced the formation of pilgrimage rituals. Moreover, it is shown that the traditions of pilgrimage, the pilgrim's form of presence, and the position of the Imam's body (object of pilgrimage) have played a significant role in the holy shrine's architectural transformations.

Keywords: architecture, theology of pilgrimage, holy shrine of Imam Reza, embodiment, rituals

Aliens in Ḥaram: The European Travelers' Experiences of Visiting the Iranian Shiite Pilgrimage Sites

Mohsen Hesam Mazaheri

Independent Researcher in Shia Social Studies | mohsenhesammazaheri@gmail.com

Abstract

"Ḥaram" (which in Arabic literally means prohibition) is the most important and commonly used term in Islamic culture for sacred places. The first instance of this concept was the Masjid al-Haram. According to the famous Fatwa by Muslim jurists, entry into the precinct of Masjid al-Haram is forbidden and prohibited for non-Muslims. Gradually, this rule expanded to include other mosques and Islamic holy sites, including pilgrimage sites. The Fatwa provided a basis for the emergence of a social convention and also a law backed by Muslim administrations. In other words, this prohibition gradually took on three complementary aspects: jurisprudence (Sharia), law (administrations), and convention (society). Reports from European travelers indicate that from the Safavid period onwards, restrictions and prohibitions on the entry of non-Muslims into mosques and pilgrimage sites (such as the holy shrines of Imam Reza and Fatima al-Ma'suma) were implemented gradually. The strictest enforcement of these restrictions occurred during the Qajar period. In the Pahlavi era and from the end of Reza Shah's period, the mentioned law was reduced for pilgrimage sites, allowing foreign tourists and other non-Muslims to enter mosques and visit them. However, the prohibition on entry into pilgrimage sites remained in place until three decades after the victory of the Islamic Revolution. In addition to Iran, a similar prohibition existed in the holy sites of Iraq. In recent years, however, the mentioned law has changed, and the doors of pilgrimage sites (such as the shrines of Shia Imams in Iraq and Iran) have been opened to diplomatic delegations from other countries and foreign tourists in general. To the extent that, one can even observe competition among the custodians of these pilgrimage sites in attracting foreign visitors. Numerous factors have been involved in this change of approach, from global developments and increased interactions and communications with other nations to political will and the interests of the official Shia institution, and most importantly, the widespread and rapid cultural changes in contemporary Iranian society, which have laid the groundwork for profound transformations in the religious culture and rituals of Shia Islam. As a result of these changes, we are witnessing a conceptual shift from "Ḥaram (i.e. holy shrine" to "cultural heritage" and from "pilgrimage/pilgrim" to "religious tourism/religious tourist," which one of its consequences is opening of the doors of holy sites to non-Muslims.

Keywords: Ḥaram (holy shrine), European travelogues, prohibition of entry for non-Muslims, pilgrimage, religious tourism

Pilgrimage in Different Religions and Cultures: A Journey of Self-Realization and Divine Connection

Fouziya Kp

Maulana Azad National Urdu University, Hyderabad, India |
fouzz324@gmail.com

Abstract

Pilgrimage, a transformative expedition of the human spirit, is undertaken by a select group possessing introspection and intellectual prowess. It serves as a liberating act, freeing individuals from the constraints of personal bondage. In this progressive era, diverse religions and cultures continue to embrace the spiritual advancements achieved through devotion, pilgrimage, and renunciation. These sacred journeys and the pursuit of enlightenment thrive as ceremonial observances within revered centers, following the path dictated by one's faith. Through these hallowed voyages, humanity endeavors to transcend the limitations of ego, the distorted perception of self, and attain inner tranquility. Hajj, the mandated pilgrimage of Islam, is regarded as a solemn and sacred duty for every Muslim to undertake at least once in their lifetime. It surpasses customary practices and symbolizes divine spirituality. Conversely, Christian belief perceives Jerusalem as a place of exploration, wherein the sanctity of Christ is discovered within one's own life. Likewise, in Hinduism, pilgrimages to holy sites like Varanasi, reminiscent of the revered waters of the Ganges, represent a transformative journey of spiritual purification and liberation of the soul. The significance of these locations lies not only in the pursuit of self-fulfillment but also in the quest for ultimate divine truth and the tranquility of the soul. This paper aims to explore the theme of pilgrimage in different religions and cultures, shedding light on the intricate tapestry of human spirituality. By examining the theological and cultural nuances surrounding these sacred pilgrimages, this paper would seek to unravel their profound impact on individuals and societies reviewing the pathways of self-realization, the fulfilment of desires and aspirations, and the sacred connection with the divine that these chosen pilgrimages offer adherents of various faiths. Through an exploration of diverse perspectives, this paper aims to foster a deeper understanding of the transformative power of pilgrimage in the human experience.

Keywords: pilgrimage, theology, religion

The Boundaries of Belonging: Hajj and the Transnational Experience from the Turkish Perspective

Ahmet Köroğlu

Assistant Professor, Department of Political Science Istanbul University,
Istanbul, Turkey | ahmet.koroglu@istanbul.edu.tr

Abstract

This paper aims to take the sociological and anthropological narratives of Turkish pilgrims as a point of departure in discussing the experience of Hajj through its capacity to address the senses and evoke emotions. So, this project will argue these senses and emotions to be related to the spiritual experience of the pilgrimage to Mecca and to be motivated by the interactions of Muslim pilgrims belonging to diverse backgrounds and nationalities. The Hajj itself brings together Muslims as representing the global nation beyond the differences that might exist within Muslim communities and national boundaries. However, this project will also argue, that the use of senses in descriptions of the pilgrimage at the personal level enables the individual Turkish pilgrims to gain an ongoing awareness and sense regarding the time and place of the pilgrimage upon their return to Turkey. The pilgrimage itself is an emotionally powerful experience because of its effect and the impact it is able to leave on the senses of both those who performed the Hajj as well as those who listen to their narratives and stories. In her work "The Hajj and the Anthropological Study of Pilgrimage" in *Hajj: Global Interactions Through Pilgrimage*, Marjo Buitelaar points out the importance of understanding specific instances of Hajj performances within their wider historical and cultural contexts, each of which testifies to the Hajj as a changing tradition. As a religious experience, the sensual experience the pilgrims have may be perceptible, visible, and audible, as well as provide a framework of emotions. From this point of view, this work tries to reflect on the narrative experiences of Hajj through the senses of sight like sound, smell, taste, and touch, and will also reflect on how the transnational relations during Hajj become part of these pilgrims' sensory experience.

Keywords: Hajj, transnational community, identity, unity, spirituality, emotions, Turkish pilgrims

Phenomenology of the Trans-spatial Dimensions of the Theology of Pilgrimage in Imāmiyya's Hadiths

Ahmad Karimi

Associate Professor, Department of Islamic Theology, The University of Quran and Hadith, Rey, Iran | karimi.ah@qhu.ac.ir

Abstract

Phenomenology is a method aimed at understanding what has transpired within the consciousness and comprehension of the human creator of a work/phenomenon. In this method, the researcher endeavors, through an emic perspective, to identify the creator's comprehension, without affirmation or denial of the work's propositions and judgments. When Imamiyyah narrations (hadiths) are reinterpreted through a phenomenological lens, new descriptions and elements related to the concept of pilgrimage can be uncovered. A phenomenological analysis of the narrations in the book "Kāmil al-Ziyārāt" suggests that pilgrimage has trans-spatial dimensions. In other words, pilgrimage does not entail physical presence within the pilgrimage sites. These trans-spatial aspects are linked to two spheres: epistemic and existential. From an epistemic perspective, a true knowledge of the one being visited and their position is considered one of the fundamental components of pilgrimage, and a separate section in the book "Kāmil al-Ziyārāt" is dedicated to the epistemic understanding of the Imams and the Ahl al-Bayt. The pilgrim's existential connection with the one being visited is another core element of pilgrimage. The narrations employ various expressions and forms to describe this connection and existential relationship, including concepts such as love for the one being visited, aversion to their adversaries, attention and focus on the one being visited, and empathy with the one being visited for their sufferings. Additionally, the issue of believing that the one being visited is really present is also addressed in this context, which has a special section in "Kāmil al-Ziyārāt."

Keywords: pilgrimage, Kāmil al-Ziyārāt, phenomenology, knowledge of one being visited, existential connection with one being visited

Typology of Pilgrims at the Holy Shrine of Imam Reza: A Systematic Review Study

Ramazan Ali Izanloo

Research Fellow, Astan Quds Razavi's Foundation of Islamic Researches,
Mashhad, Iran | ramazanaliizanloo@gmail.com

Abstract

The holy shrine of Imam Reza is considered the most sacred pilgrimage site for Iranian Muslims, and the pilgrims have their deepest and purest pilgrimage experiences in this sacred place. The significance of this shrine has led to numerous studies on the pilgrimage in terms of this holy site. These numerous studies and researches necessitate a systematic review study. To this aim, 155 articles and dissertations on the general topic of Imam Reza and pilgrimage, as well as 9 articles on the typology of pilgrims, have been examined from various aspects such as research methods, data collection, sample size, objectives, and typology of pilgrims. The results indicate that: a) phenomenology is the dominant method in these studies, b) data collection methods vary, including in-depth interviews with pilgrims, authors' lived experiences, analysis of anecdotes, personal letters to Imam, and travelogues, c) the minimum sample size in these studies was 6, and the maximum was 30, d) the common objective of all authors was to examine and understand the pilgrimage experience from the perspective of pilgrims at the holy shrine of Imam Reza and their typology, e) typologies of pilgrims have been presented in various ways, resulting from the different perspectives of the authors. Some categorize pilgrims based on religiosity patterns, while others categorize them based on modernity. For example, based on religiosity patterns, pilgrimage styles are classified as doctrinal, traditional, intellectual, ritualistic, commemorative, functional, and meaning-based. From the perspective of modernity, pilgrimage styles are categorized as virtual, feminine, metropolitan, traditional, modern, and post-modern.

Keywords: typology, pilgrims, holy shrine of Imam Reza, phenomenology, pilgrimage

Pilgrimage and Religious Dialogue in Nicholas of Cusa

Joshua Hollmann

Associate Professor of Systematic Theology, Concordia University, St. Paul, USA
| hollmann@csp.edu

Abstract

The late medieval Christian theologian and philosopher Nicholas of Cusa (1401-1464) is well known for his mystical masterpiece, *De visione Dei*, and for his constructive Christian engagement with Islam. Nicholas of Cusa wrote *De visione Dei* the same year that he composed his Christian-Muslim dialogue *De pace fidei*. Both *De visione Dei* and *De pace fidei* feature the movements and modalities of medieval pilgrimage and the importance of sacred space, religious icon and text, and spiritual directive in the religious journey from God and the return to God. This paper unfolds Nicholas of Cusa's mystical pilgrimage of *De visione Dei* as coinciding with his journey to religious peace in God in *De pace fidei*, and explicates how he expands the medieval Christian experience of pilgrimage to the discovery of peace between the world's religions, as well as considering what this means for the nexus and praxis of mysticism and religious dialogue today.

Keywords: pilgrimage, interreligious dialogue, Nicholas of Cusa, mysticism

Pilgrimage, Flag, and Brexit among Scottish Shia Muslims

Morteza Hashemi

Assistant Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Nottingham, Nottingham, UK | Morteza.Hashemi@Nottingham.ac.uk

Abstract

Brexit was a project shaped at the fringes of official politics. Unusually, however, it maintained its fringe-like qualities, including its lack of clarity and ambivalence, even as it took center stage in the political affairs of the UK for more than three years. In such a transitional period, powerless segments of society, including vulnerable non-white communities, face a much larger and more multifaceted crisis than other sectors of the population. The question of border controls and forms of identification for migrants and those of hyphenated nationality is an alarming sign of a homeland turning into a hostile environment. By relying on data gathered in a three-year-long ethnographic study of the Shia Muslim communities in Scotland, I elaborate on how Scottish citizens marked by their religious culture and darker skin are handling the uncertainty created by Brexit and redefining their connection to their homeland through getting blessing for their flag.

Keywords: Brexit, Scottish Shia, Muslims in Europe, St Andrew's cross, Imam Hussain

Pilgrimage and Educational Teachings

Ahmad Gholamali

Assistant Professor, University of Quran and Hadith, Vice-chancellor of the Research Center of Hadith Sciences and Teachings, Rey, Iran | a.gholamali110@gmail.com

Abstract

Education, in the sense of nurturing talents, involves fostering one's abilities/capacities and creating a conducive environment for desirable changes toward a specific goal. In traditional perspectives, education was often carried out through methods of spatial insulation, indoctrination, and alienating the learner from environments incongruent with the values of the instructor. However, these approaches have become less effective for religious education in the contemporary era due to the decline in the efficacy of spatial insulation with the proliferation of various media and the wide availability of diverse information that young people are exposed to. Accordingly, which makes indoctrination has become less tenable. It appears that the narrated prayers for pilgrimage, which have been handed down by Infallible Imams, have a great capacity for religious education in the modern era. For instance, in this research, the texts of comprehensive pilgrimage prayers (*Ziyārāt al-Jāmi'ah*) have been chosen. Comprehensive pilgrimage prayers like *Ziyārat al-Jāmi'ah al-Kabīrah* are not limited by time and place and are not specifically for one Imam, so one can visit any Imam at any time and place, and recite these prayers for them. The first educational principle in comprehensive pilgrimage prayers is elucidation. In elucidation, the pilgrim becomes acquainted with the changes that are expected to occur in their thoughts and behaviors as a result of the pilgrimage. For example, while reading *Ziyārat al-Jāmi'ah al-Kabīrah*, the pilgrim says "Allāhu Akbar" (God is the greatest) a hundred times to remind themselves of the Oneness of God, and then, within the text of these prayers, they request intellectual capacity for themselves, believing that the blessings of the Ahl al-Bayt will bring order to their world. The second educational principle that can be found in *Ziyārat al-Jāmi'ah al-Kabīrah* is the discovery of standards and educational rules, including the standards of justice, and the precedence of God over everything and everyone. The third educational principle in pilgrimage prayers is the transformation of the religious perspective, which results in the appreciation of the components of religious beliefs, emotions, and religious experiences, ultimately leading to a profound transformation in the concept of religiosity.

Keywords: Pilgrimage, Educational Teachings, Elucidation, Educational Principles, Transformation in Religiosity

Cross-border Pilgrimage: A Look at the Pilgrimage to Imam Reza's Shrine by the Pilgrims from East of Iran

Peyman Eshaghi

Ph.D. Candidate, Freie Universität Berlin, Germany |
eshaghipeyman@gmail.com

Abstract

In the distant and close vicinity of Iran in the east and northeast, there are noticeable centers of civilization and culture, among which are the Middle Asia, South Asia, Southeast Asia, and China. These regions, on the one hand, have accommodated a large number of Muslims today and, on the other hand, many of these Muslims are classified as non-denominational Muslims. Historically, these Muslims have always been in contact with Iranian culture and a number of them have continuously come to visit the shrine of Imam Reza (AS). In this text, after mentioning the history of the pilgrimage to Imam Reza's shrine in these regions, I argue that this pilgrimage has always been a factor in Iran's cultural presence in the East and its connection with Muslims in the East, and reviving and underpinning this pilgrimage can be a step towards strengthening Iran's cultural presence and influence in those regions.

Keywords: pilgrimage, holy shrine of Imam Reza, border, transnationalism

The 'Covenant' as the Foundation of Pilgrimage

Mojtaba Elahi Khorasani

Research Fellow, Specialized Center of Akhund Khurasani, Mashhad, Iran |
mojtaba.elahi.khorasani@gmail.com

Abstract

Covenant is a fundamental concept in Abrahamic religions and is mentioned approximately three hundred times in the Bible. In the Jewish faith, the mission of prophets revolves around the covenant that God made with them, with emphasis on Abraham and Moses. The Bible consists of two covenants, i.e. the Old and New Testaments. The Old Testament is God's covenant with prophets before Jesus - and the New Testament pertains to God's covenant with Jesus. The Quran is also God's covenant. The Arabic term "Ahd" is repeated 50 times in Quran which shows the depth of the bilateral relationship between God and humans in faith and obedience to His commandments. It also organizes the social relations among humans, which its more solid forms are assigned to chosen nations, and its highest level to prophets and Imams. In Quran, Imamate is a special covenant that was granted to Abraham after being tested and has been carried on through the infallible descendants of his lineage. In Islamic narrations, the Imam is considered the trustee of this divine covenant, and he himself is the witness and embodiment of God's covenant with humans. His life is a testimony to his loyalty to the divine covenant in all aspects, and obedience to them is the fulfillment of God's covenant. Based on this, visiting the Imams in the form of pilgrimage, like Hajj, and visiting the Prophet's shrine, are all established on the foundation of the covenant and serve as significant rituals for renewing the covenant between humans and God. Some Islamic narrations emphasize the connection between pilgrimage and this covenant. For example, Imam Reza (PBUH) has stated: "Every Imam has a covenant with his loyal followers, and complete fulfillment of this covenant lies in visiting their shrines. If a pilgrim visits the Imam out of love for him and his goals, he/she will be interceded for by Imam on the Day of Judgment."

Keywords: pilgrimage, Testament, Covenant, Abrahamic religions, Quran, Imam

Theology of Pilgrimage and Traditional Arts

Iraj Dadashi

Assistant Professor, Tehran University of Art, Tehran, Iran | dadashi@art.ac.ir

Abstract

Tradition is not limited to its conventional and common meanings. It can be better understood when compared to similar terms in Eastern traditions such as the Hindu tradition, which is called "Rta," and in Chinese tradition, called "Tao," and in the Zoroastrian tradition, called "Arta" or "Asha." Additionally, understanding the meanings of Quranic terms like "Sunnat al-Allāh" and "Kalimāt al-Allāh" as unchangeable and divine foundations can also provide a more accurate understanding of tradition. It is true that Honar (a Persian word used contemporarily as a translation for art), in its first historical usage, would refer to a complete and virtuous human being, however, it is today understood as art, so we can talk about traditional art against modern art. If modernity, as Habermas states, derives its values from within itself and is autonomous, tradition is the opposite, as it is divinely founded. Therefore, traditional art or crafts, according to Muslim thinkers, is an art that arises from the principles of divine traditions. Traditional crafts, in the thoughts of Muslim philosophers and mystics, are considered one of the two branches of practical wisdom. Nasir al-Din Tusi describes theoretical wisdom as the form and practical wisdom as the matter, which cannot exist without each other. The purpose and goal of crafts, or more generally, practical wisdom, is to achieve perfection and happiness, just as it is in theoretical wisdom. Therefore, traditional art or crafts are a way or method to attain perfection. This meaning aligns with the concept of Honar in its historical sense, which means a complete human being. Traditional art means art that arises from traditional principles. Since work, profession, and art are ways to achieve perfection, it seems that traditional art is a way of living with the principles of tradition. Traditional art is also a spiritual and ritual duty that preserves and keeps the tradition and helps it to be externalized. The manliness or chivalrous customs (Futuwwat) in Iran and the Islamic world are, in fact, a kind of code of conduct for performing rituals in the form of crafts and arts. One of the manifestations of traditional art throughout the history of Islamic civilization has been the sacred pilgrimage sites, with the Kaaba being at the forefront. In the pilgrimage sites or holy shrines in Iran, the architecture of the buildings and the objects present in these structures are all created by traditional artists. The art of shrine-making itself is considered the main characteristic of Iranian traditional arts in the shrines.

Keywords: tradition, art, traditional art, pilgrimage

Pilgrimage in Different Religions: A Historical Comparison between Islam and Christianity

Sahed Cp

Bachelor of Commerce Student, Calicut University, Kerala, India |
csahad16@gmail.com

Abstract

Pilgrimage holds a significant place in the religious practices of various faiths, offering devotees a transformative spiritual journey. This paper presents a comparative historical analysis of pilgrimage in Islam and Christianity, exploring their origins, development, and the factors contributing to their popularity. By examining the historical context, key pilgrimage sites, and the motivations behind these sacred journeys, this study sheds light on the similarities and differences between Islamic and Christian pilgrimage traditions. The research points out an exploration of the origins of pilgrimage in both religions. In Christianity, the practice of pilgrimage can be traced back to the early days of the faith when followers sought to visit significant sites associated with Jesus Christ, such as his birthplace in Bethlehem or the crucifixion site in Jerusalem. On the other hand, in Islam, the institution of pilgrimage was established by the Prophet Muhammad during the early 7th century. The first pilgrimage to Mecca, known as Hajj, marked a turning point in the history of Islam and became an integral part of the faith. This study focuses into the historical factors that contributed to the popularity of pilgrimage in both religions. For Christianity, the spread of the Roman Empire played a crucial role, as it facilitated the accessibility of holy sites and encouraged believers to undertake sacred journeys. Moreover, the Crusades, launched in the Middle Ages, heightened the importance of pilgrimage in Christianity, as devotees sought to visit sites liberated from Muslim control. In Islam, the expansion of the Islamic Empire and the construction of grand mosques and pilgrimage centres, such as the Masjid al-Haram in Mecca and the Al-Aqsa Mosque in Jerusalem, elevated the significance of pilgrimage for Muslims worldwide. By comparing the historical development and practices of pilgrimage in Islam and Christianity, this research aims to deepen our understanding of these religious traditions and the role of pilgrimage within them. So the researcher believes that this topic has relevance in this contemporary world to be studied academically.

Keywords: Theology, Hajj, Crusade, Crucifixion, Pilgrimage, Religions

The “Rawḍa” of Kṛṣṇa: Caitanya Vaiṣṇava Pilgrimage from a Muslim Comparative Perspective

David Coolidge

Ph.D. Graduate from Graduate Theological Union (GTU), Berkeley, USA |
rdavidcoolidge@gmail.com

Abstract

Starting with al-Biruni, Muslims have been reflecting on the Hindu tradition for a millenium. However, when we look historically at Muslim writings about Hindus, there is heavy emphasis on the philosophy of Yoga and Advaita Vedanta from both al-Biruni and later thinkers such as Dara Shukoh, Mir Fendereski and others. The Vaiṣṇava Hindu schools of thought have received very little attention from Muslim scholars of Hinduism. The Caitanya Vaiṣṇavas are a 500-year-old community that began under the Bengal Sultanate, and which has become increasingly popular around the world amongst both converts and those born into Hindu families. Their pilgrimage practices in the land of Vraja, located in the Indian state of Uttar Pradesh, highlight their distinctive cosmology and theology which Muslims are only beginning to understand. For Caitanya Vaiṣṇavas, this rural region was the most important site of Krishna's time on Earth approximately 5000 years ago. But more importantly, Vraja is ontologically connected to its eternal manifestation in Vaikuntha, the eternal heavenly realm. So just as, for example, there is an earthly Yamuna River that flows through Vraja in India, there is also a heavenly Yamuna River where Krishna eternally interacts with his devoted servants. Despite the fact that this eschatological vision differs in fundamental ways from Islamic theology, an attempt will be made to provide a conceptual bridge through the concept of the Rawḍa in Madinah, which is conceived by Muslims as being a piece of the eternal Garden (rawḍatun min riyad al-Jannah).

Keywords: pilgrimage, Caitanya Vaiṣṇavas, Vraja, Rawḍa, Hinduism, Islam

Genius of the Soul: Rediscovering the Daimōn

Adina Bezerita

Double Graduate, University of Oxford and Cambridge, UK | adinab@me.com

Abstract

Our choices define our character, but even moreso, they have the power to transform fate into destiny, according to Heraclitus' (c. 500 BCE) "ethos anthropos daīmon". The oracle, Pythia, at the Temple of Apollo in Delphi (c. 1000 BCE), is famed to have prophesied the ideal to 'know thySelf' (γνῶθι σεαυτόν). Both ancient and contemporary thinkers, across multicultural milieus, refer to a calling of heroic nature, to turn one's efforts towards a pilgrimage, a form of cosmic 'ziyarat', in pursuit of such a goal (Albert 1917, 58-78). The daīmon, depending on various traditions, can be named a 'tutelary spirit', 'angel', 'ahura', 'daiva' (in the inscriptions of Xerxes), 'deva', or 'kami'. It is guided by the logos of Self. It functions between invisible and visible realms and "acts through elements 'inside' and 'outside' the self" (Gall 1999, 64). Its highest purpose is to re-mind the soul to return (epistrophe) to the source of wisdom. John Dillon writes, "there is arguably a force in the universe, an intellect that nudges, or draws, all living creation towards greater levels of complexity" and awareness (2012, 20). Progress, for human beings in a mysterious universe, could be better grasped by rediscovering the intelligible genius, an immortal inter-mediator (Mihai 2010, 567) of a supernal, recursive intelligence. Moreover, as you might see, this kind of daīmon is a messenger by providence, accessible through the noösphere, a global mindscape of reason, in which every individual partakes (Chardin 1922). Its meaning cannot be diminished to conceptualist interpretations that take on linguistical appropriations. Some argue that the daīmon should not be confused with a "ghost," or a "demon" -- superstitions drawn from symbolism in popular mythology and folklore (Herrenschmidt 1993, 599-602). In this paper, I will critically explore these issues and inquire into their interdisciplinary relevance today.

Keywords: genius of the soul, daīmon, interdisciplinary approaches, cross-cultural scholarship, pilgrimage, ziyarat, know thySelf

Pilgrimage of Shiite Imams in Contemporary Persian Poetry and Prose

Reza Bayat

Assistant Professor, Department of Persian Literature, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran | bayat.dr@sru.ac.ir

Abstract

Throughout all historical periods, pilgrims have had different levels of understanding and have done pilgrimage and written travelogues and memoirs of their pilgrimage based on their understanding. In this article, we do not discuss the rare cases found in all periods and instead examine the main and general trends in terms of pilgrimage literature. The general approach in pre-modern pilgrimage poetry has been very close to court literature, just mentioning the grandeur of the shrines and the greatness of the holy souls in a courtly manner. However, a noticeable change has occurred in post-revolutionary (i.e. after the Islamic revolution of 1979 in Iran) pilgrimage poetry. In this era, the poet or pilgrim has a personal emotional connection with the divine soul, understands the spiritual position of the Prophet or Imam, and in his works -which can be considered a religious pilgrimage prayer in the form of the poem- he addresses social teachings similar to the themes of Ziyārat Jāmi'ah Kabirah (a very famous Shiite pilgrimage prayer). Additionally, in conjunction with praising the greatness of the divine soul, the poet openly expresses his own insignificance and brokenness, either explicitly or symbolically. In some works, the poet also has a socio-political understanding. For example, he speaks of the social phenomenon of the pilgrimage of Arba'een or considers this great phenomenon as the prelude to the reappearance of the twelfth Imam of Shia. The socio-political understanding in contemporary literary works is the direct result of the Islamic Revolution's effect on the culture. One interesting aspect of Arba'een poems is their significant difference from Ashura poems; they do not focus on mentioning calamities and events but rather solely on the pilgrimage itself, the emotional state of the pilgrim, and the pilgrim's spiritual connection with the divine soul. Another aspect of pilgrimage poems is ethnography and the expression of pilgrimage customs and conditions and the lived experiences of pilgrims. In this article, a specific focus is given to the pilgrimage to Imam Reza (AS) and Arba'een.

Keywords: pilgrimage, ritual poetry, Imam Reza's poetry, Arba'een's poetry, contemporary Persian literature

Iranian Performance and Theology of Pilgrimage

Esmail Bani Ardalan

Associate Professor, Tehran University of Art, Tehran, Iran |
bani.ardalan@art.ac.ir

Abstract

This research, through contemplation on the concept of performance and its position in Iranian rituals, and by identifying its fundamental distinctions from Greek theater, demonstrates that Iranian drama can be observed in all aspects of Iranian-Islamic culture, including various forms of pilgrimage. In other words, the pilgrimage ceremonies themselves can be seen as a particular manifestation of this performance, rooted in Iranian beliefs, rituals, and thoughts. Therefore, the theological discussion of pilgrimage can be understood as a form of the theology of this performance, which connects the concept of drama with Iranian-Islamic ontology and is based on the belief in the unseen world and divine providence. Accordingly, some of the most important concepts addressed in the theology of pilgrimage including the concept of the unseen, the connection between the unseen and the tangible and material world, and divine destiny, are also central subject matters of Iranian drama. Iranian performance aims to make the intangible and invisible tangible and visible to its audience. Iranian performance has manifested itself primarily in the structure of the Persian language and its literature. Thus, artistic expressions of the unseen and divine destiny can also be found in the interpretations of Iranian classical poets. It shows that Iranian performance is not only distinct from Greek theater but also in direct contrast and confrontation with it.

Keywords: theology of pilgrimage, Iranian performance, Iranian rituals, theater

Pilgrimage and Politics

Aliraza Baligh

Assistant Professor, Research Center for Islamic Culture and Art, Tehran, Iran |
alireza.baligh@gmail.com

Abstract

The first issue in understanding the relationship between pilgrimage and politics is the recognition that pilgrimage is a meeting with the sacred. In the mythological world, as well as the world which was opened to humanity through the Abrahamic religions, the sacred is placed at the center, and the position of affairs is defined and measured in relation to that. However, if politics, as the moment in which the finite encounters the infinite, opens the future for human and lets him/her to transcend oneself, then pilgrimage, or the meeting with the sacred, can be the breaking point of the cycle of repetition in the mythological world and leads to the birth of politics. If politics is understood not only as the administration or governance, but according to post-metaphysical literature as “the political” - which is the essence of politics - then the connection between politics and pilgrimage will be meaningful. Here, politics is no longer a professional matter solely engaged in by politicians. Instead, politics is a public calling that allows individuals, despite various inequalities, to find themselves equal in the face of it. Based on this understanding of politics, the mourning and lamentation rituals of Imam Hussain (AS) or the pilgrimage of Arba'een can be a source of political birth for Shiism. Furthermore, based on this understanding of politics, we can also say that in the modern world, despite the call for disenchantment or desacralization, a secular form of the sacred has created new centers for people to gather. Although we witness the proliferation of these centers in the modern city, places such as concert halls, stadiums, stock exchange halls, etc., are the very points that have constructed sacred rituals around themselves, and perhaps the expansion of disenchantment in postmodern thought has targeted these emerging centers.

Keywords: politics, the political, pilgrimage, self-transcendence

The Pilgrimage and Women's Emotional Disorders

Shahla Bakhtiari

Assistant Professor, Al-Zahra University, Tehran, Iran |
sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

Abstract

The pilgrimage journey, arising from emotions and the desire for visiting the sacred, has been a common practice among Muslims and the Shia community in the form of performing Hajj or visiting the blessed tombs of religious figures, as well as the shrines of Shia Imams and Imams' descendants. Pilgrimage journeys were very difficult in the past, but these difficulties were overcome by the enthusiasm to benefit from its spiritual achievements. Women, due to their physical delicacy compared to men and certain emotional characteristics, faced different challenges and have different motivations for pilgrimage journeys. This article, using a descriptive-analytical approach and relying on library sources and documents from the Ministry of Foreign Affairs, examines the reasons behind women's decision to undertake pilgrimage journeys, the spiritual and emotional atmosphere of the journey, and the specific problems faced by women in these journeys. The results of the study indicate that the interest in benefiting from the religious achievements of this spiritual journey, the eagerness to be present in the shrines of the Imams and visit them, the hope for their blessings, the healing and treatment of certain illnesses, praying for others, solving marital problems, and other similar matters have influenced women's motivations for pilgrimage journeys. Additionally, the hope for spiritual and physical purity and grace during the journey has been a motivator for its continuation. Some physical disorders specific to women and related illnesses, the lack of sanitary travel facilities, discomfort and annoyance due to the negligence of some fellow travelers in observing cleanliness, physical and mental fatigue from long journeys, the fear of being unable to observe pilgrimage rituals and other similar distressing matters have bothered the delicate souls of women.

Keywords: pilgrimage, women, emotional disorders, healing, blessing, theology of pilgrimage

Women's Pilgrimage Sites in the Theologies of Different Religions

Abbas Ashrafi

Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran |
ashrafi@atu.ac.ir

Abstract

In religious studies, pilgrimage sites are symbols of the beliefs of each religion. These shrines usually have common features and are open to both men and women, regardless of gender. However, among them, there are a few shrines that are somehow dedicated to women; for example, they are exclusively for women to visit, or these shrines have some functions and achievements exclusively for women, or even though these shrines are primarily built by men, they are managed and overseen by women, forming a kind of women's administration that has also made the pilgrimage rituals somewhat specific to them. This exclusivity has a special meaning. Of course, the motivations for this exclusivity can vary in each religion, but by evaluating the narratives about these pilgrimages in different religions, some similarities and commonalities can be found. For example, in almost all of them, the prominence of feminine identity in contrast to men and a male-dominated society is very vivid. Moreover, some matters are exclusively dedicated to women and the object of pilgrimage is usually a woman who is venerated because of her suffering, virginity, etc. Examining evidence from various religions, this research primarily focuses on women's shrines in Iran, such as Bibi Shahrbanu Shrine in Shahr-e Rey, Bibi Dokhtaran in Shiraz, Bibi Doost in Sistan, etc.

Keywords: women's pilgrimage sites, feminine identity, women's administration, theology of pilgrimage

Theology of Pilgrimage as a Way of Interreligious Understanding: The Sacred Presence in Shi'i Visitation Prayers

SeyedAmirHossein Asghari

Postdoctoral Research Associate, Department of Religion, Baylor University,
Waco, Texas, USA | amir_asghari@baylor.edu

Abstract

My research addresses Robert Orsi's critique of the modern academic study of religion in his "History and Presence" as neglecting "presence" (ḥuḍūr) in religious practice. It investigates the concept of presence in Shī'ī visitations/pilgrimage and its similar concepts in Catholicism and Judaism. The article argues that understanding presence in Shī'ī Islam is vital to comprehend the role of religion in contemporary societies and facilitates more inclusive interfaith dialogues. I will address two central questions. First, how can an understanding of presence/ ḥuḍūr in Shī'ī Islam contribute to interreligious understanding, and what are the potential benefits of such a dialogue? Second, in what ways might the recognition of the importance of presence challenge or reshape prevailing assumptions about the role of religion in modern societies? In response to the above-mentioned questions, my paper will discuss the centrality of the concept of presence in Shī'ī Islam and explores how the human-God relationship is mediated through the Imams and saints. The article examines various forms of the presence of the sacred in Shī'ī visitations and the significance of blessing or baraka mediated through the Imams. Finally, emphasizing the importance of a phenomenological study of presence in Shī'ī Islam, it suggests that a comparative study of the parallel concepts of presence/ḥuḍūr in Catholicism and Judaism could lead to a more empathetic dialogue of religions and a better understanding of the role of religion in the contemporary world.

Keywords: presence, ḥuḍūr, pilgrimage, visitation Catholicism, Judaism Imam, Shī'ī Islam, Blessing, Baraka, visitation

Dimensions of Worship as Revealed in Ḥajj: Explorations in Islamic Thought and Quranic Tafāsīr

Mohammad Asad Khan

M. Phil., Indian Institute of Science Education and Research, Bhopal, India |
asadkhanpervez@gmail.com

Abstract

In this paper I intend to show the tension between two notions of ‘ibādah [عبادة] (worship) in Islam and an attempt at resolving it. There is a central core meaning of ‘ibādah in the Qur’an. I will analyse various classical tafāseer (Qur’anic exegetical texts) (both sunni and shī’i) of the Qur’an to show how this meaning emerges and also possibly few texts of Islamic philosophy. This meaning is manifested through primarily two modes; jalāl [جلال] (majestic or lordly) and jamāl [جمال] (aesthetic or lover mode). I argue that these modes are primarily manifested in two ritual worships ie. ṣalāh [صلاة] (Islamic ritual prayer) and ḥajj [حج] (Islamic ritual pilgrimage). This brings out some tension in our concept of ‘ibādah and this duality needs to be resolved. Ṣalāh is primarily associated with a ‘royal’ or ‘jalālī’ worship and ḥajj is associated with ‘ecstatic’ or ‘jamālī’ (loosely translated). I argue that this apparent tension leads us to a dynamic within the Islamic philosophy of worship that reveals to us the true nature of worship and helps us appreciate a holistic view of what worship means in Islam. The paper also explores how remembrance, enactment, imitation of holy personages (like Ibrāhīm [إبراهيم] and Isma‘īl [إسماعيل] ‘alaihimussalam), and obedience etc are integral parts of ḥajj worship and align with tawḥīd (Islamic monotheism). I will also try to incorporate elements of western philosophy of worship in my paper.

Keywords: philosophy of worship, ḥajj, ṣalāh

Transformative Nature of Pilgrimage: Exploring Psychological Impacts Implemented by Pilgrimage

Mohamed Arshad Ck

Darul Huda Islamic University, Kerala, India | arshadcherikkakadan@gmail.com

Abstract

This paper explores the psychological dimensions of pilgrimage as a transformative and divine practice. Pilgrimage has been an integral part of religious traditions throughout history, serving as a means of seeking spiritual enlightenment, deepening faith, and forging a connection with the divine. By examining the psychological foundations of pilgrimage, this study seeks to unravel its intricate layers of meaning, exploring the diverse ways in which pilgrimage is understood and experienced across different social, religious, and cultural contexts. The psychological dimensions of pilgrimage encompass a rich and intricate tapestry of human experiences, beliefs, emotions, and transformations that unfold within the sacred context of a pilgrimage journey. This paper explores the psychological impact of pilgrimage on individuals, encompassing the enhancement of well-being, sense of purpose, self-discovery, and spiritual growth. Prophetic teachings emphasize that pilgrimage has transformative power as the day his mother gave birth to him, thus by examining the psychological dimension in nature of pilgrimage, this study concentrates on how pilgrimage transforms a man to genuineness as a born child. Furthermore, it aims to investigate impacts on communities and wider society, highlighting the social evils being eliminated by the process of pilgrimage. Through a comprehensive analysis of religious teachings, modern psychological studies, and past accounts of pilgrims, this paper illustrates the necessity of pilgrimage and its relevance in the contemporary world.

Keywords: pilgrimage, transformative nature, prophetic teachings, psychological impacts

**Jurisprudential, Social and Theological Relations between
Jews, Christians and Muslims in Two Books of Ibn Taymiyyah:
Qā'idah fī Ziyārah Bayt al-Maqdis and *Iqtida' as-Širāt al-
Mustaqīm***

Julio César Cárdenas Arenas

Ph.D Candidate in the Science of Religions, Complutense University of Madrid,
Spain | baitualhikam@gmail.com

Abstract

From a religious perspective, the pilgrimage to Mecca and Medina is associated with the journey to the Al-Aqsa Mosque in Jerusalem. Therefore, this article provides a critical analysis of the jurisprudential rulings on travel/pilgrimage to these holy places, and its impact on the relations between Muslims, Jews, and Christians in the thirteenth century AD. This case study focuses on investigating the jurisprudential, theological, and social relations of traveling to Jerusalem from Ibn Taymiyyah's point of view. Ibn Taymiyyah states his rulings about these relations in his 9-page treatise entitled "*Qā'idah fī Ziyārah Bayt al-Maqdis*". He also provides a comparison between Islamic jurisprudential and theological rulings with issues that have some similarity with Jews and Christians and their feasts in his famous book "*Iqtida' as-Širāt al-Mustaqīm*" (a book which deals with the relations of Muslims with the People of the Book). Therefore, the present research intends to critically examine the jurisprudential traditions and religious customs raised in these two books in four axes: 1. Definition of Hajj, pilgrimage, and the main terms in this field and comparison of them with Semitic languages; 2. Pilgrimage sites and their rulings (mosques, Dome of the Rock, and the tombs of prophets); 3. Pilgrimage cities and their rulings (Jerusalem, Medina, and Mecca); 4. Lawful and forbidden worship in pilgrimage sites (prayer and supplications). Finally, this research explains the characteristics of pilgrimage by Muslims and their connection with other religious-social groups, and thus specifies their definition and rulings from the perspective of Ibn Taymiyyah; rulings such as encouraging travel to Jerusalem and visiting it, the virtue of visiting the three mosques, the prohibition of visiting graves as a religious place, the jurisprudential rulings related to lawful and unlawful worships during the pilgrimage to the city of Jerusalem and its various places, as well as other cities.

Keywords: pilgrimage, Ibn Taymiyyah, interfaith dialogue, *Qā'idah fī Ziyārah Bayt al-Maqdis*, *Iqtida' as-Širāt al-Mustaqīm*

Deir el-Muharraq and the Culture of Pilgrimage in the Coptic Orthodox Church

Domadius al-Rāhib

Priest of the Coptic Orthodox Church in Egypt | ddddues72@gmail.com

Abstract

The root of pilgrimage in Christianity can be traced back to the Jewish pilgrimage to the Temple of Solomon in Jerusalem. According to the Gospels, Jesus Christ himself, before his ascension, participated in these ceremonies and engaged in discussions and conversations with Jewish scholars. The beginning of pilgrimage as a formal religious ritual in Christianity dates back to 325 AD when Helena, the mother of Constantine, ordered the construction of the Church of Jerusalem. Generally, most Christian pilgrimage sites are places where Jesus Christ performed miracles or had a special presence in them, and later, a church was built in the same location. One of these pilgrimage sites is located in Egypt and is known as *Deir el-Muharraq* (The Monastery of Virgin Mary in Koskam), belonging to the Coptic Orthodox Church of Egypt. It is said that Jesus Christ, Mary, and Joseph the Carpenter resided in this place for six months. The Torah also mentions a place of worship in the center of Egypt, which Coptic Christians identify with the *Deir el-Muharraq*. Therefore, this church holds great significance for Orthodox Christians, and the value of its pilgrimage is equivalent to half of a Christian pilgrimage. Pilgrims usually enter the church barefoot and then proceed towards Jerusalem to complete their pilgrimage. Kissing the pilgrimage site is a customary practice among Coptic Orthodox Christians, as they believe that blessed objects in the name of the Lord are inherently sacred. Additionally, the *Deir el-Muharraq* is the main Coptic Orthodox Church where the *Solemnity of the Ascension of Jesus Christ* takes place. During this ceremony, which starts after cropping the wheat and about 10 days before the feast, approximately one million people set up tents around the church and bring their sacrifices. This ceremony symbolizes detachment from material life and ascension to the higher realm.

Keywords: Deir el-Muharraq, Coptic Orthodox Church, pilgrimage

Existential Theology of Pilgrimage

S. Mohammad Kazem Alavi

Assistant Professor, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran |
smk.alavi@hsu.ac.ir

Abstract

The attitude towards pilgrimage can be seen as a personal subject in a theological system and analyzed from an existential perspective. In this analysis, the act of pilgrimage is initiated –in an existential journey- with a departure from inauthentic self, resulting in an existential becoming that put forth numerous possibilities for human existence. Considering the existentialist distinction between being in-itself (en-soi) and being for-itself (pour-soi), the departure from oneself involves denying the former (being in-itself) and prioritizing the latter (being for-itself). This second being, unlike the first one, does not have a determined essence and its precedence means the precedence of existence over essence and restores authenticity to human existence. Pilgrimage is a boundary situation for transcending every day and ordinary life, which, due to complacency, has brought about the fall of Dasein, and deprived it of self-consciousness and potentialities. Pilgrimage, as a subjective phenomenon, is distinguished from visitation as an objective phenomenon, and this distinction is based on a differentiation that Marcel's establishes between mystery and problem. Pilgrimage cannot be solved and completed as a problem; rather, it is an existential mystery that one must live with and strive for transcendence. This becoming is gained through a presence that occurs in the encounter with the sacred as the absolute, and its result is the manifestation and emergence of one's authentic self in pilgrimage.

Keywords: theology of pilgrimage, existential theology, mystery and problem, being in-itself (en-soi), being for-itself (pour-soi), inauthentic self, authentic self, boundary situations

Exploring the Theological Significance of the Varanasi Pilgrimage in Hinduism.....	43
Md Sahenshah Molla	
Typology of Pilgrimage in Judaism and Jewish Culture	44
Mohsen Sharfaei	
The Perception of Ali Shariati and John Bunyan of the pilgrimage as a way of life: A comparative analysis	45
Aboobaker Sidhique	
Pilgrimage and the World of Life Based on Transcendent Theosophy.....	46
Mahdi Soltani	
The Emphasis on Monotheism in Visitation of the Holy Shrines of Shiite Imams as the Essence of Pilgrimage: A Case Study of “Ziyārat al-Jāmi‘ah al-Kabīrah” and “Ziyārat ‘Amīn ‘Allāh”	47
Seyyed Mohammad Kazem Tabataba'i	
Hajj and Passing the Desert in Attar of Nishapur’s Works.....	48
Zoheyr Tavakoli	
Pilgrimage after Death: The Reflection of Transferring Corpses to Holy Shrines in Travelogues	49
Saeed Tavousi Masrour	
Long-Distance Catholic Pilgrimage in North-West Europe in the Sixteenth and Seventeenth Centuries	50
Elizabeth Tingle	
Pilgrimage (Hajj) in Islam and its Psychological Implications	51
Saliha Uysal	
Concept of Pilgrimage in Mystical Literature.....	52
Qorban Valiei	
Revisiting Iqbal’s Jâvidnâma as a Shared Space of Pilgrimage	53
AbdulBasit Zafar	

Philosophical Foundations of Pilgrimage.....	28
S. Mohammad Mousavi Baigi	
Typology of Pilgrimage Literature in Persian Poetry.....	29
Moslem Nadalizadeh	
The Semiotics of the Semantic System of Pilgrimage Texts.....	30
Seyyed Abulqasem Naqibi	
Anthropological Analysis of the Concept of Pilgrimage in the Travelogues of the Way of St. James	31
Mohammad Nasravi	
Art and the Social Extension of Pilgrimage	32
Mohammad Javad Ostadi	
Psychological Effects of Pilgrimage	33
Abbas Pasandideh	
Water and the Hajj: A Discussion on the Provision of Water to Pilgrims on the Hajj in Pre-modern Times	34
Andrew Petersen	
The Genealogy of Pilgrimage in Catholic Christianity.....	35
Reza Qaemi	
The Status of Disjunctive and Conjunctive Imagination in Pilgrimage Communications from Shia Perspective	36
Mohammad Reza Qaemeinik	
The Purposes of Pilgrimage from the Perspective of Imamiyyah	37
Seyyed Ali Qazi Askar	
The Pilgrim's Body Walks the Body of the Earth: A Phenomenological Approach to Medieval Pilgrimage.....	38
Paloma M. Quevedo	
The Relationship between Pilgrimage and Aesthetics in Christian Theology.....	39
Hadi Rabiei	
The Metaphor of "Pilgrimage" in Persian Mystical Poetry.....	40
Rasoul Rahbari Ghazani	
The Way of Pilgrimage: On Internalization of Sacred Journeying and the Way to the Heavenly Jerusalem	41
Kurt Anders Richardson	
The Relationship between the Theology of Pilgrimage and the Iranian Music	42
Ahmad Sadri	

Pilgrimage in Different Religions: A Historical Comparison between Islam and Christianity	14
Sahed Cp	
Theology of Pilgrimage and Traditional Arts.....	15
Iraj Dadashi	
The 'Covenant' as the Foundation of Pilgrimage.....	16
Mojtaba Elahi Khorasani	
Cross-border Pilgrimage: A Look at the Pilgrimage to Imam Reza's Shrine by the Pilgrims from East of Iran.....	17
Peyman Eshaghi	
Pilgrimage and Educational Teachings	18
Ahmad Gholamali	
Pilgrimage, Flag, and Brexit among Scottish Shia Muslims	19
Morteza Hashemi	
Pilgrimage and Religious Dialogue in Nicholas of Cusa	20
Joshua Hollmann	
Typology of Pilgrims at the Holy Shrine of Imam Reza: A Systematic Review Study.....	21
Ramazan Ali Izanloo	
Phenomenology of the Trans-spatial Dimensions of the Theology of Pilgrimage in Imāmiyya's Hadiths	22
Ahmad Karimi	
The Boundaries of Belonging: Hajj and the Transnational Experience from the Turkish Perspective	23
Ahmet Köroğlu	
Pilgrimage in Different Religions and Cultures: A Journey of Self-Realization and Divine Connection	24
Fouziya Kp	
Aliens in Ḥaram: The European Travelers' Experiences of Visiting the Iranian Shiite Pilgrimage Sites.....	25
Mohsen Hesam Mazaheri	
Theology of Architecture and Pilgrimage: From the Spatiality of Pilgrimage to the Embodiment of Architecture in the Reading of the Transformations of the Architecture of the Holy Shrine of Imam Reza	26
Saeid Mehrpouya	
Controversy over Pilgrimage in Christian Theology.....	27
Mansour Motamedi	

Contents

Existential Theology of Pilgrimage	1
S. Mohammad Kazem Alavi	
Deir el-Muharraq and the Culture of Pilgrimage in the Coptic Orthodox Church	2
Domadius al-Rāhib	
Jurisprudential, Social and Theological Relations between Jews, Christians and Muslims in Two Books of Ibn Taymiyyah: <i>Qā'idah fī Ziyārah Bayt al-Maqdis</i> and <i>Iqtida' as-Širāt al-Mustaqīm</i>	3
Julio César Cárdenas Arenas	
Transformative Nature of Pilgrimage: Exploring Psychological Impacts Implemented by Pilgrimage	4
Mohamed Arshad Ck	
Dimensions of Worship as Revealed in Ḥajj: Eexplorations in Islamic Thought and Quranic Tafāsīr	5
Mohammad Asad Khan	
Theology of Pilgrimage as a Way of Interreligious Understanding: The Sacred Presence in Shi'i Visitation Prayers	6
SeyedAmirHossein Asghari	
Women's Pilgrimage Sites in the Theologies of Different Religions	7
Abbas Ashrafi	
The Pilgrimage and Women's Emotional Disorders	8
Shahla Bakhtiari	
Pilgrimage and Politics	9
Aliraza Baligh	
Iranian Performance and Theology of Pilgrimage	10
Esmaeil Bani Ardalan	
Pilgrimage of Shiite Imams in Contemporary Persian Poetry and Prose .	11
Reza Bayat	
Genius of the Soul: Rediscovering the Daimōn	12
Adina Bezerita	
The "Rawḍa" of Kṛṣṇa: Caitanya Vaiṣṇava Pilgrimage from a Muslim Comparative Perspective	13
David Coolidge	

Scientific Committee

Fereshteh Abolhasani (University of Mazandaran, Iran)
Reza Akbari (Imam Sadiq University, Iran)
Seyed Mohammad Kazem Alavi (Hakim Sabzevari University, Iran)
Sophia R. Arjana (Western Kentucky University, USA)
Abbas Ashrafi (Allameh Tabataba'i University, Iran)
Kathryn Barush (Graduate Theological Union/Santa Clara University, USA)
Reza Berenjkari (University of Tehran, Iran)
Ahad Faramarz Qaramaleki (University of Tehran, Iran)
Abbas Haj Zeinolabedini (Razi University, Iran)
Morteza Hashemi Madani (University of Nottingham, UK)
Joshua Hollmann (Concordia University, St. Paul, USA)
Mohsen Javadi (University of Qom, Iran)
Qasem Kakaei (Shiraz University, Iran)
Mohammad Taghi Karami Qahi (Allameh Tabataba'i University, Iran)
Troels Myrup Kristensen (Aarhus University, Denmark)
Mohammad Hossein Mahdavi (Payame Noor University, Iran)
Jahangir Masoudi (Ferdowsi University of Mashhad, Iran)
Morteza Mezghinejad (University of Birjand, Iran)
Jafar Morvarid (Ferdowsi University of Mashhad, Iran)
Andrew Petersen (University of Wales Trinity Saint David, Wales)
Naeimeh Pourmohammadi (University of Religions and Denominations, Iran)
Qodratullah Qorbani (Kharazmi University, Iran)
Hadi Rabiei (Tehran University of Art, Iran)
Rasoul Rasoulipour (Kharazmi University, Iran)
Kurt Andres Richardson (University of Toronto, Canada)
Sajjad Rizvi (University of Exeter, UK)
S. Brent Rodriguez-Plate (Hamilton College, USA)
John Romano (Benedictine College, USA)
Piotr Roszak (Nicolaus Copernicus University, Poland)
Mahdi Saatchi (Shahid Motahari University, Iran)
Mohammad Saeedi Mehr (Tarbiat Modares University, Iran)
Mohammad Taghi Sobhani (Islamic Kalam Association of Hawza, Iran)
Elizabeth Tingle (De Montfort University, UK)

Scientific Director: Reza Akbari

Executive Director: Roohollah Fadaei

Executive Committee: Amirhossein Farasati, Mohammad-Hasan Firoozbeh,
Mahdi Qasemi, Mohsen Sharfaei

Organizers

Astan Quds Razavi's Foundation of Islamic Researches
The Iranian Association for Philosophy of Religion (IAPR)

Contributors

Allameh Tabataba'i University | Bu-Ali Sina University
Ferdowsi University of Mashhad | Hakim Sabzevari University
Imam Reza International University | Imam Sadiq University
Islamic Azad University | Islamic Kalam Association of Hawza
Islamic Sciences and Culture Academy | Jamiat al-Zahra
Kharazmi University | Management Center for Iranian Seminaries
Management Center for Iranian Women Seminaries | Payame Noor University
Persian Gulf University | Razavi University of Islamic Sciences
Razi University | Shahid Motahari University
Shiraz University | Tarbiat Modares University
University of Birjand | University of Mazandaran
University of Qom | University of Religions and Denominations
University of Sistan & Baluchestan | University of Tehran
Urmia University

<https://inttheopilgconf.ir>

In The Name of God



Astan Quds Razavi's Foundation
of Islamic Researches



Book of Abstracts

The International Conference on
Theology of Pilgrimage



15 & 16 November, 2023

Astan Quds Razavi's Foundation of Islamic Researches,
Mashhad, Iran
